





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی

فصلنامه مطالعات شهرسازی اسلامی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی



دانشگاه تربیت مدرس
دانشکده هنر و معماری

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



دانشگاه حرم مکه

زمینه انتشار: معماری و شهرسازی

دوره: سال دهم، شماره سی و نهم، بهار ۱۳۹۹

صاحب امتیاز و ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی

مدیر مسئول: دکتر ایرج فیضی

سردبیر: دکتر حسین کلاتری خلیل آباد

مدیر داخلی: مهندس مسعود دادگر

امور اجرایی: مهندس منصور ندیری

هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

- استاد دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس
- استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت
- استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی
- استاد دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران
- استاد دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس
- استاد دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی
- استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی
- دانشیار پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی سمت
- استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی، جهاد دانشگاهی
- استاد دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بوعلی سینا همدان
- استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان
- دانشیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس

- دکتر محمدرضا بمانیان
- دکتر مصطفی بهزادفر
- دکتر جهانشاه پاکزاد
- دکتر احمد پوراحمد
- دکتر محمدرضا پورجعفر
- دکتر اسماعیل ضرغامی
- دکتر محسن سرتیپی پور
- دکتر پروانه شاه حسینی
- دکتر حسین کلاتری خلیل آباد
- دکتر یعقوب محمدی فر
- دکتر محمد مسعود
- دکتر ابوالفضل مشکینی

قیمت: ۳۰۰/۰۰۰ ریال

شمارگان: ۱۰۰ نسخه

چاپ: مؤسسه دیجیتال پایتخت

نشانی دفتر نشریه: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، خیابان دانشگاه، خیابان شهید وحید نظری، پلاک ۴۷، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی

شماره تماس: ۵-۶۶۹۵۱۵۹۳-۶۶۴۹۲۱۲۹

پایگاه اینترنتی: <http://iic.ihss.ir>

نشانی اینترنتی: iic@ihss.ir

فهرست مطالب

- ۵ بازخوانی سیر تحول معماری در ساختار بازار تبریز با تأکید بر زمینه‌گرایی
پروشا بحریه، سحر طوفان، شبنم اکبری‌ناملدار
- ۱۹ تحلیل ابعاد به مثابه روشی برای پژوهش در «شهر اسلامی»
بهادر زمانی، احسان بابائی سالانقوج
- ۳۱ تحلیلی بر نقش حسینه‌ی اعظم در شکل‌گیری ساختار ثانویه‌ی شهر زنجان در عصر قاجار و علل پایایی آن
احد نژاد ابراهیمی، محمدجواد حیدری
- ۴۳ خوانش فضا بر مبنای نظریات فضا - قدرت فوکو؛ مطالعه موردی: میدان نقش جهان در عصر صفوی
سمر حقیقی بروجنی، سید عباس یزدانفر، مصطفی بهزادفر
- ۵۵ تحلیل اندیشه‌های مدرنیسم بر روند شکل‌گیری و تغییر خیابان‌های شهری ایران و ازبکستان
نازنین اسلامی، فریبا البرزی، حسین سلطان‌زاده
- ۶۹ تحلیل ساختار کالبدی - فضایی خانه‌های طبقات اجتماعی شرکت شهر نفتی آبادان در دوران رونق صنعت نفت، با روش نحو فضا
گلزار یونسی، مریم ارمغان، محمدجواد ثقفی



داوران این شماره (به ترتیب حروف الفبا):

- محمد ابراهیمی
- آریتا بلالی اسکویی
- محمد سعید ایزدی
- علی شهابی نژاد
- علی عمرانی پور
- حسن کریمیان
- ایرج قاسمی
- اسکندر مختاری طالقانی
- آتوسا مدیری
- محمد مسعود
- ابوالفضل مشکینی
- جمال‌الدین مهدی نژاد

- درجه علمی پژوهشی فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی طی نامه شماره ۸۹/۳/۱۱/۵۱۶۶۷ مورخ ۸۹/۸/۳۰ دبیرخانه کمیسیون نشریات علمی کشور (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری) ابلاغ گردیده است.

- پروانه انتشار این مجله به شماره ۱۲۶۲۹/۸۹ مورخ ۸۹/۶/۱۳ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر شده است.

- فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی در پایگاه استنادی علوم کشورهای اسلامی (ISC) به نشانی <http://www.srlst.com> و پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID) به نشانی www.sid.ir نمایه می‌شود.

بازخوانی سیر تحول معماری در ساختار بازار تبریز با تأکید بر زمینه‌گرایی*

پروشا بحریه^۱، سحر طوفان^{۲*}، شبنم اکبری نامدار^۳

^۱ دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.
^۲ دانشیار گروه معماری، گروه معماری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.
^۳ استادیار گروه معماری، گروه معماری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۳۱)

چکیده

زمینه‌گرایی به‌عنوان رویکردی مهم در معماری، بر حفظ ردپای گذشته و تفاوت‌ها و ویژگی‌های هر فرهنگ تأکید داشته و ریشه در هویت هر ملیت دارد. بافت کهن شهرها، نشانه‌هایی غنی از فرهنگ و هویت گذشتگان را همراه دارند و معماری سنتی ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ در عین حال که نمونه‌ای است پر بار از هماهنگی و همزیستی با ویژگی‌های محیطی و ارزشهای مکانی. در شهرهای سنتی ایران، بازار عنصری بنیادین به‌شمار می‌آید به گونه‌ای که شهر با بازار آن معنا و مفهوم می‌یافت. بازار تبریز نیز در قالب یک بلوک شهری کامل، قدمت، وسعت، تنوع عملکردی و ارزش معماری بسیار دارد. پژوهش حاضر بر آن است تا به استخراج و تبیین عوامل زمینه‌ای مؤثر بر بازار تبریز، در مقیاس شهری (مکان‌یابی، شکل‌گیری و گسترش) و معماری (پراکندگی کالبدی و کارکردی) بپردازد. بنابراین، سؤالات پژوهش این‌گونه تبیین می‌شوند که اولاً، کدام عوامل زمینه‌ای در مکان‌یابی، نحوه شکل‌گیری و گسترش بازار تبریز مؤثر بوده‌اند؟ (مقیاس کلان) ثانیاً، کدام عوامل زمینه‌ای در نحوه شکل‌گیری و پراکندگی عناصر و کاربری‌های بازار تبریز مؤثر بوده‌اند؟ (مقیاس میانی). روش تحقیق اتخاذ شده در این پژوهش، روش تحقیق استنباطی مبتنی بر تحلیل محتوای مستندات می‌باشد که از طریق مطالعه اسنادی، جستجو در کتب تاریخی و سفرنامه‌ها، تحلیل نقشه‌ها و عکسهای هوایی قدیمی تبریز و بازار آن، نیز تحلیل یافته‌های میدانی از وضع موجود، سعی در بازخوانی موضوع و حصول نتیجه دارد. استخراج عوامل زمینه‌ای مؤثر بر شکل‌گیری بازار، در مقیاس کلان شهری و برنامه معماری مرتبط با پراکندگی کالبدی و کارکردی، نشان می‌دهد که شکل‌گیری و توسعه بازار تبریز و عناصر آن در طول اعصار، تحت تأثیر ساختار محیطی، فرهنگی، اجتماعی، حکومتی و اقتصادی شهر قرار داشته‌است. تأثیر شاخص زمینه‌ای موقعیت جغرافیای سیاسی شهر و شاخص ساختار ارزشی اقتصادی بازار بر شکل‌گیری مقوله نیاز، رابطه عرضه- تقاضا و نمود آن در قالب کالبد بازار تبریز در مقیاس کلان و میانی اهمیت بیشتری داشته‌است.

واژگان کلیدی: معماری، شهرسازی، زمینه‌گرایی، بستر شهر، بازار تبریز.

مقدمه

شهرها محصول زمان هستند؛ تاریخ ادوار گذشته لایه لایه تا زمانی که حیات تداوم دارد، در شهر حفظ می شود و شواهدی از تمدنهای مختلف را برای نسلهای آتی به ارمغان می آورد. شکل موجود شهر، نه شکل گذشته و نه شکل آینده آن است؛ اما متأثر از گذشته و تأثیرگذار بر آینده است (مامفورد، ۱۳۸۵: ۳۰-۲۱) (شوای، ۱۳۹۲). شهر، ماحصل روابط میان وجوه اجتماعی، فرهنگی، انسان شناسی، جغرافیایی، اقتصادی و نشان دهنده تمایلات ساکنان آن به هویتی مطلوب و تجلی گاه ارزشهای موردباور انسانهاست (ماجدی و زرآبادی، ۱۳۸۹: ۲). از آنجا که فضای شهری بدون توجه به فرآیندهای اجتماعی ناقص است، بسیاری از اندیشمندان اهمیت فضای اجتماعی را بیش از فضای کالبدی می دانند (نجاری و مهدی نژاد، ۱۳۹۹: ۷۰). آگاهی از فرم فضایی و شکل شهر یکی از عوامل مؤثر در میزان موفقیت برنامه ریزان و دست اندر کاران شهری است (عبداله زاده و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۴۵).

آنچه مسلم است، بافت های کهن نشانه هایی غنی از فرهنگ و هویت گذشتگان را همراه دارند و گستره ای همپوند از بناها، مجموعه ها، فضاها و تجهیزات شهری با ارزش به جامانده از گذشته هستند (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۱)؛ به گونه ای که شناخت و احیای آنها، منجر به سیر تاریخی و تداوم زمانی هویت می گردد. معماری سنتی ایران نیز، از نمونه های موفق هماهنگی با محیط پیرامونی است و در آن کالبد بنا بر پایه همزیستی و آمیختگی مشروط بر حرمت گذاری بوده است (فلامکی، ۱۳۹۳: ۲۵۷)؛ بنابراین در عین تنوع، دارای هویتی واحد، متناسب و فاقد تعارض است. هنر و حساسیت معماران ایرانی و میزان درک آنها از ویژگی های فیزیکی، ذهنی و احساسی بستر، موجب شده تا ارتباط بنا با اطراف ایجاد و حفظ گردد (بهمنی و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۷). اینها همه، حکایت از آرایش فضایی اندیشیده و منسجم در بافت سنتی دارد که علاوه بر تطابق با شرایط محیطی، از ارزشهای نهفته در ضمیر انسانهای جامعه الهام گرفته است.

بازارها به عنوان فضاهای عمومی، جزء مهمی از محیط شهرهای جهان هستند (Ouria, 2019: 11)؛ تا جایی که در جهت بررسی بافت سنتی شهرها و چگونگی شکل گیری آنها، نخستین مورد، تحلیل بازار آن است (معماریان، ۱۳۹۰: ۹۸). بدیهی است که بازارها از بدو حیات اجتماعی و با تقسیم کار و لزوم مبادلات، هم پای شهرنشینی و از مظاهر تمدن شهری بوده، به گونه ای که شهرها با بازارها مفهوم یافته اند. بازارها دربرگیرنده بنیادهای اقتصادی، نهادهای اجتماعی، میراث های فرهنگی جامعه و انعکاس شرایط جغرافیایی بوده است. بازارهای ایرانی فضاهای تک عملکردی نبوده و نقش آنها به تولید و عرضه کالا محدود نمی شد، بلکه صرف نظر از وجه اقتصادی بازار به عنوان ستون فقرات آن، به دلیل حضور وجوه فرهنگی، تعلیم و تربیتی، سیاسی، اجتماعی، مردم شناسی و ورزشی، کالبد مورد نیاز این فعالیت ها در بازارها شکل گرفته و با وجود آنها بازار کامل می شد. انسجام و نظام عملکردی موجود در بازار، آنها را در تعامل

با دیگر عناصر بافت قرار می داد، چنانچه از نظر دتمان ۱ و ویرت ۲، اولاً سلسله مراتبی از کارکردها با مسجد آدینه و بازار به عنوان هسته مرکزی شهر و ثانیاً سلسله مراتبی از بازار گانی و پیشه وری در بازار وجود داشت (اهلرز، ۱۳۷۳: ۳۰-۳۱). بازار، به عنوان جزئی از یک کل بزرگتر، هم در هم نشینی با سایر اجزا، ساختار فضایی و کالبدی شهر را سازمان می بخشد و هم خود، حاصل هم نشینی و روابط ساختاری اجزای دیگر است (سجادزاده و اریس، ۱۳۹۶: ۲۸۱) و تمام اجزا و اندامهای آن ضمن داشتن هویتی مستقل، دارای پیوندی معنی دار با همدیگر است. همین انسجام و پیوستگی در عین تنوع و پیچیدگی، بررسی چگونگی شکل گیری و نحوه سازمان یافتن بازارها را در گستره کهن شهری حائز اهمیت می سازد.

شهر تبریز به دلیل قرارگیری بر مسیر جاده ابریشم، نقطه اتصال بازار گانی شرق به غرب و از مراکز عمده تجارت در ایران بوده و همین امر، دلیل گسترش بازارهای آن در دوره های تاریخی و تعدد صنوف آن بوده است. نقش بازار تبریز به عنوان یک میراث ارزشمند تاریخی در تغییرات سیاسی و اجتماعی شهر همواره محسوس است (Hanachi & Yadollahi, 2011). شهر تبریز همواره با دو عامل رونق بازار گانی و مرکزیت نظامی - سیاسی به حیات خود ادامه داده و در طول تاریخ شهر، شاهد تأثیر و تأثر این دو برهم و تأثیر پذیری ویژه بازار از روند تحول تاریخی شهر بوده، بطوری که بازار و بازارچه های پیرامون آن، مهم ترین رکن فضای شهری تبریز را برعهده داشته اند (مهدی نژاد و نجاری، ۱۳۹۸: ۱۴۷). مهم ترین مؤلفه های تأثیرگذار بر ماندگاری بازار تبریز، مؤلفه های معنا و هویت، کارکرد و عملکرد و مؤلفه کالبدی آن بوده است (حاتمی گلزاری و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۴۱). آنچه زمینه ورود نگاه آمایشی را در مورد برنامه ریزی هویت و عناصر بازارش شهرها فراهم می کند، علاوه بر ماهیت عنصر با ارزش، الگوی استقرار آنها در فضا، کارکردهای این عناصر و تقابل های احتمالی ناشی از فرآیند ابعاد مختلف توسعه در این محدوده ها است (امیرفخریان و بازارگان، ۱۳۹۸: ۶۷). به نظر می رسد بازخوانی عوامل زمینه ای در بازار تبریز راهکار مناسبی جهت شناخت عوامل متعدد آمایشی و مستتر علمی و میان دانشی از بعد هویت ساختاری شهر و شکل کالبدی بازار ارائه دهد. چرا که طیف کثیری از بررسی های پیشین در خصوص بازارهای ایرانی صرفاً محدود به فهم فرم معماری و ظاهر شکلی بوده است و مطالعه فراگیری در مورد زمینه گرایی و تأثیر و تأثر زمینه صورت نگرفته است.

شناسایی عوامل زمینه ای تأثیرگذار بر ساخت بازار تبریز می تواند در سه مقیاس انجام گیرد: اول، عوامل مؤثر بر مکان یابی و شکل گیری و نحوه گسترش بازار در طول زمان (مقیاس کلان)؛ دوم، عوامل مؤثر بر موقعیت شکل گیری و نوع عناصر کارکردی اصلی مانند راسته ها و سراها و ... و جنبی مانند مساجد، مدارس و ... و صنوف مختلف، از لحاظ مکان و موقعیت قرارگیری و پراکنندگی (مقیاس میانی) و سوم، عوامل مؤثر بر شکل، فرم و جزئیات معماری و ساختاری آن (مقیاس خرد). در این نوشتار

کاپون (۱۹۹۹) دسته‌بندی فرمی و انسانی را به‌عنوان عوامل زمینه‌ای مطرح می‌کند. تولایی (۱۳۸۰) به مبحث زمینه‌گرایی به‌عنوان یکی از دیدگاه‌های رایج در شهرسازی پرداخته و سه رویکرد زمینه‌گرایی کالبدی، فرهنگی-اجتماعی و تاریخی را برای آن تبیین نموده‌است. برولین (۱۳۸۶) در کتاب "معماری زمینه‌گرا"، به توضیح معماری زمینه‌گرا، با تأکید بر رویکرد کالبدی آن و مطالعه نمونه‌های اروپایی و آمریکایی می‌پردازد. چیزگن (۲۰۱۲) رویکردهای مختلفی را در برخورد با زمینه برشمرد و اشاره دارد که در دوره‌های زمانی مختلف، برخی از ابعاد زمینه در اولویت توجه قرار می‌گیرد. علوی‌زاده و همکاران (۱۳۹۷) در جهت توجه به رویکرد زمینه‌گرایی در بافت‌های تاریخی، بر الگوگرایی به جای فرمگرایی تأکید دارند. نقوی و همکاران (۱۳۹۸) ضمن دسته‌بندی رویکردهای مواجهه با زمینه، تأکید بر دوری از افراط و تفریط، توجه توأم به زمینه تاریخی و معاصر و حفظ انسجام و تداوم در معماری زمینه‌گرا دارند.

در مورد پژوهش‌های مرتبط با بازار نیز، مطالعات و تحقیقات متعددی در مورد ساختار شهر قدیم تبریز و بازار آن در دوره‌های مختلف تاریخی انجام شده که از آن جمله می‌توان به پژوهش‌های صفامنش و همکاران، بلیلان، نژاد ابراهیمی، اسمعیلی سنگری، پورجعفر و همکاران، عمرانی و امینیان اشاره کرد؛ که هر یک در مطالعات خود به جنبه‌های مختلفی پرداخته و به نتایج ارزشمندی دست یافته‌اند؛ که در این نوشتار نیز از دستاوردهای تحقیقات آنها استفاده می‌شود.

بطور کلی پژوهش‌های جامع در مورد تأثیر زمینه و زمینه‌گرایی در بازارها، به غیر مطالعات علوی‌زاده و همکارانشان در بازار سنتی اردبیل، انجام نشده‌است؛ در این تحقیق به مطالعه فرم و زبان الگو در ساختار بازار پرداخته شده و دستاورد آن تجلی کیفیت حیات و انسجام معنایی ناشی از جهان بینی وحدت‌گرا و پویای اسلامی در ساختار بازار اردبیل در نتیجه وجود مراکز نیرومند کالبدی-عملکردی دارای مقیاس‌بندی است.

مبانی نظری پژوهش

زمینه و زمینه‌گرایی در معماری

واژه "Context"^۶ که در فارسی به زمینه یا بستر برگردان شده، در واژه‌نامه‌های لاتین، این‌گونه تعریف شده‌است: بخش‌هایی از یک گفتار که قبل یا بعد از یک کلمه، عبارت یا جمله می‌آید و معنا یا مضمون آن را روشن می‌سازد؛ در اصطلاح، مجموعه شرایطی که بستر لازم را جهت وقوع یک رخداد، صدور یک حکم و یا شکل‌گیری یک ایده فراهم می‌آورد، بطوری که تحت آن شرایط، امکان شناخت کامل از آن بستر حاصل می‌شود (Oxford & Cambridge Dictionary, 2018.09.02). در فرهنگ‌نامه تخصصی معماری آمده‌است: "Context" که سابقاً به آن «زمینه» و اکنون «پهنه یا قلمرو» اطلاق می‌شود، گستره‌ای است که از شهر و قطعه زمینی که معماری بر روی آن قرار خواهد گرفت،

عوامل زمینه‌ای تأثیرگذار در شکل‌گیری بازار، در دو مقیاس کلان و میانی، مورد بررسی قرار می‌گیرد و به‌علت گسترده‌گی موضوع، مقیاس خرد محالی دیگر می‌طلبد. بطور کلی هدف این پژوهش، استخراج و تبیین عوامل زمینه‌ای مؤثر بر بازار در سطح شهری (مکان‌یابی، شکل‌گیری و گسترش) و معماری (پراکندگی کالبدی و کارکردی) است. بنابراین، سؤالات پژوهش این‌گونه تبیین می‌شوند که اولاً، کدام عوامل زمینه‌ای در مکان‌یابی، نحوه شکل‌گیری و گسترش بازار تبریز مؤثر بوده‌اند؟ (مقیاس کلان) ثانیاً، کدام عوامل زمینه‌ای در نحوه شکل‌گیری و پراکندگی عناصر و کاربری‌های بازار تبریز مؤثر بوده‌اند؟ (مقیاس میانی).

روش پژوهش

روش تحقیق اتخاذ شده در این پژوهش، روش استنباطی مبتنی بر تحلیل محتوا می‌باشد که در آن به روش تاریخی-تحلیلی و با استفاده از منابع مکتوب و اسناد تاریخی، به بررسی و تحلیل اجمالی موضوع پرداخته می‌شود.

طبق مطالعات انجام‌شده، شاکله کنونی بازار تبریز بیشتر قاجاری است که در دوره پهلوی و بعد از انقلاب تغییراتی در آن رخ داده‌است، لیکن تحلیل‌ها و بررسی‌های این مطالعه، تا زمان قاجار را دربرمی‌گیرد و مطالعات دوران معاصر که با تغییرات شهری بسیار همراه بوده، تحقیقی دیگر را می‌طلبد. از آنجا که روند شکل‌گیری و توسعه بازار تبریز به قرن‌ها قبل برمی‌گردد، شواهد مربوطه یا از بین رفته و یا دچار دخل و تصرف‌هایی در گذر زمان شده‌است؛ بنابراین در روند مطالعه با محدودیت‌ها و گاه با نبود منابع و اسناد مواجه هستیم؛ در نتیجه بیشتر مطالعات با جستجو در کتب تاریخی و سفرنامه‌ها، تحلیل نقشه‌ها و عکس‌های هوایی قدیمی تبریز و بازار و نیز تحقیقات میدانی وضع موجود انجام می‌شود. نقشه‌ای که پایه مطالعات خواهد بود، عمدتاً نقشه دارالسلطنه قراجه‌داغی^۳ است و از نقشه‌های دیگر، نقشه تره‌زل-فابویه^۴ و نقشه دارالسلطنه مراغه‌ای^۵ و ... به‌منظور مقایسه و تحلیل تغییرات در طول زمان استفاده خواهد شد.

پیشینه پژوهش

با توجه به عنوان و محور اصلی پژوهش، لزوم توجه به پیشینه مطالعاتی در مورد "زمینه و زمینه‌گرایی" و "بازار تبریز" ضروری می‌نماید. بر این اساس می‌توان به تعدادی از تحقیقات مرتبط با مفهوم زمینه‌گرایی اشاره نمود. گینس (۱۹۸۰) زمینه در معماری را به سه دسته فرمی، فعالیتی و اقلیمی تقسیم‌بندی می‌کند. گروت (۱۹۸۸) مطالعات بسیاری در رابطه با طراحی زمینه‌گرا انجام و آن را در سه دسته سازماندهی سایت، توده ساختمانی و طراحی نما تقسیم‌بندی و نمونه‌ها را از لحاظ هماهنگی با محیط، با رتبه‌بندی در مقیاس یک تا هفت ارزیابی می‌نماید که در آن بیشترین مقدار، نشانگر تقلید و تکرار و کمترین مقدار، نشانه تقابل و تضاد است؛ بدین ترتیب میزان زمینه‌گرایی در طرح‌ها را جنبه کمی می‌بخشد.

بسیار وسیع تر است و حوزه‌هایی فراتر از معماری را دربر می‌گیرد (Gausa, Manuel et al, 2003).

توجه به زمینه، از بدو بوجود آمدن معماری و در جهت سازگاری آن با محیط اطراف، ویژگی‌های فرهنگی و شیوه زندگی، بصورت بطنی وجود داشته و معماران بصورت تجربی و بدون پشتوانه علمی به معنای امروزش، آن را لحاظ می‌کردند؛ تا اینکه با آغاز قرن بیستم، رابطه معماری با فرهنگ و بستر فرهنگی با ابهامات تازه‌ای روبرو و شیوه مواجهه با زمینه، به چالشی در معماری تبدیل شد. از دهه ۶۰، زمینه‌گرایی تبدیل به پارادایمی مهم در تفکر شهری و معماری شد و توجه جامعه دانشگاهی و حرفه‌ای را برانگیخت که نشان‌دهنده محوریت یافتن مضامین زمینه و اصالت زمینه و عبور از وضعیت ناخودآگاهی به خودآگاهی است (اکبری و همکاران، ۱۳۹۶: ۶). امروزه رویکردهای برخاسته از شرایط زمان نظیر تاریخ‌گرایی، تجدید حیات‌گرایی، سنت‌گرایی، بومی‌گرایی، منطقه‌گرایی، تصویرگرایی، انسان‌گرایی و طراحی‌های مبتنی بر روانشناسی محیطی، نگاه خود را به چالش‌ها و تناقض‌های پیش‌رو معطوف ساخته، چه در بنیانهای نظری و چه در رویکردهای عملی خود، نگاه‌های متفاوت و متضادی در قبال تعامل معماری و زمینه بروز داده‌اند (شایان، ۱۳۸۷: ۱۳۱). برخی با وابستگی به زمینه، آن را به‌عنوان مرجع و مؤلفی بنیادی برای شکل‌گیری معماری می‌شمارند، مانند حسن‌فتحی و گروهی هیچ توجهی به زمینه نداشته و آن را مقابل نو بودن می‌دانند، مانند رمکولهااس.

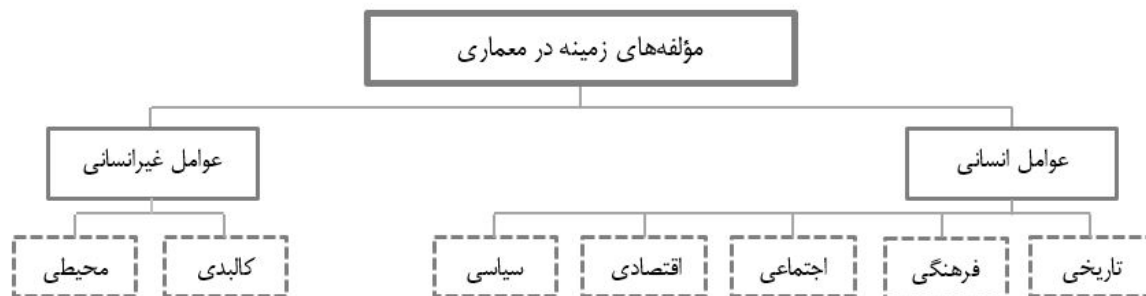
«زمینه» در معماری، مجموعه شرایط، ویژگی‌ها یا واقعیت‌های وابسته به مکان و زمان خاص سایت یا بنای موردنظر است (نقوی و مظاهریان، ۱۳۹۸: ۷۰). در واقع، زمینه همان متن بستر و محیطی است که معماری در آن خلق می‌شود و کلیتی از صفات محیطی پیرامونی یک مکان است که سبب ایجاد زبان مشترک معماری و معرف خصلتی جمعی برای آن مکان می‌شود (بلندیان و ناصری، ۱۳۹۳).

«زمینه‌گرایی» در معماری و شهرسازی، یکی از دیدگاه‌های کل‌گرا است که به زمینه، به‌عنوان رویدادی تکاملی می‌نگرد (ماجدی و زرآبادی، ۱۳۸۹: ۸). زمینه‌گرایان معتقدند، اجزای شهر زیر پوشش نیروها و ویژگی‌های درونی خود نمی‌باشند، بلکه به محیط و مجموعه پیرامون آن وابسته هستند (Stokols & Altman, 1987: 15-18). زمینه‌گرایی ابتدا صرفاً ابعاد کالبدی را در نظر داشت، اما در سیر تکاملی خود زمینه‌های انسان‌گرایانه

را نیز دربر گرفت، نگاه انسان‌گرایانه به زمینه، ابعاد تاریخی و فرهنگی-اجتماعی را پیوند می‌زند. در واقع زمینه، علاوه بر سیما، شکل و کالبد، عوامل معنوی تشکیل‌دهنده زمینه عمومی شهر (از قبیل: دین، فرهنگ، جامعه، اقتصاد، طبیعت، محیط، تاریخ و ...)، را که خود به تنهایی زمینه‌ای هستند، نیز مورد توجه قرار می‌دهد (نقی‌زاده، ۱۳۸۶: ۴۳۵)، از این رو به‌جای واژه فضا، مفهوم مکان را جایگزین می‌کند. مکان‌ها، کل‌های انسان-محیطی هستند که از نظر زمانی ماندگارند و روح جامعه را در ویژگی‌های تاریخی و جغرافیایی سیمای شهر عینیت می‌بخشند (تولایی، ۱۳۸۰: ۴۱-۴۲). توجه و علاقه به ارزش‌های مکانی بر حفظ تفاوت‌ها و ویژگی‌های هر فرهنگ تأکید می‌کند و رهیافت‌های نظری والایی از جنبه همسویی طراحی معماری با بنیان‌های فرهنگی و تاریخی، در عصر جهانی شدن ارائه دهد.

با مطالعه و تجمیع نظرات اندیشمندان معماری و شهرسازی، می‌توان داده‌های وابسته به زمینه در معماری را، از دو بعد اساسی دسته‌بندی کرد: عوامل انسانی و عوامل غیرانسانی (فیزیکی)؛ که هر یک از این ابعاد، مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌هایی را با توجه به مولدهای بستر و ویژگی‌های زمینه اثر شامل می‌شوند (شکل ۱).

هیچ بنای معماری در انزوا و بصورت ایزوله‌شده وجود ندارد، همواره زمینه‌ای هست که بنا در آن واقع شده و با آن ارتباط برقرار می‌کند (Simitch & Val, 2014: 48)؛ به‌گفته آنتوان پیکون «فرم معماری نمی‌تواند نتیجه یک عامل بیرونی، مانند شکلی که از قالب ریخته‌گری حاصل می‌شود، باشد؛ بلکه باید توسط نیروهای نامرئی شکل گیرد که زمینه پروژه را تشکیل می‌دهند» (پیکون، ۱۳۹۲: ۹۸). به عبارتی، معماری با درک پیام بستر خود شکل می‌گیرد و پیامی را به‌عینیت می‌رساند که بستر معماری به آن داده‌است؛ در نتیجه هر بنایی، عضوی همخوان و هماهنگ با محیط پیرامون و بستر خود و در نهایت در بستر محیط زیست خواهد بود (مهدوی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۰). معماری زمینه‌گرا در هر فرهنگ و ملیتی، ریشه در معماری گذشته دور و نزدیک آن دارد. در واقع، زمینه نه چیزی است که ما امروزه بتوانیم آن را ایجاد کنیم و نه چیزی است که دیگران قبل از ما آن را ساخته باشند و امکان خلق دوباره آن باشد (Abedi & Iravani, 2015: 159). معماری زمینه‌گرا، در عین حال که به تمایز مکان نظر دارد، به‌صراحت تداوم ارزش‌های کالبدی و غیر کالبدی مکان یا زمینه موجود را خواستار است؛ باین حال هرگز خلق ارزش‌های جدید را نفی نمی‌کند.



شکل شماره ۱: فاکتورهای مربوط به زمینه، مأخذ: نگارندگان

قلمرو پژوهش: بازار سنتی تبریز

بررسی نقشه تبریز نشان می‌دهد که حدود یک‌پنجم از مساحت کل شهر (محصور در باروی نجف‌قلی‌خانی)^۲ به بازار اختصاص داشته که نشانگر حوزه نفوذ گسترده آن است (پژوهش بنیاد ایران‌شناسی، ۱۳۹۲). طبق منابع معتبر، به دنبال افزایش جمعیت، اعتبار و آبادانی شهر پس از نیمه سده دوم و اهمیت یافتن آن به لحاظ سیاسی و تجاری در دوره ایلخانان، بازارهایی متعدد در مرکز محلات و پیرامون تبریز بوجود آمده و قرارگیری شهر بر مسیر جاده ابریشم و رونق تجارت و بازرگانی، موجب گسترش بازارهای شهر در دوره‌های مختلف تاریخی و تعدد صنوف آن شده است. بازار تبریز، اگرچه از ابتدا بصورت طرحی جامع طراحی و برنامه‌ریزی نشده و تاریخ دقیقی بر پیدایش آن نیست، لکن مجموعه‌ای از الگوهای شناخته‌شده فضایی با عملکرد تجاری است که در قالب معماری ایرانی شکل گرفته و به لحاظ سلسله‌مراتب حرکتی و ترکیب با فضاهای عمومی، نمونه منحصر بفردی از کالبدی یکپارچه و پویا با کارکردی گسترده است.

یافته‌های پژوهش

با توجه به رویکرد اصلی پژوهش -زمینه‌گرایی- و با تکیه بر شکل ۱ که معرف ابعاد مختلف داده‌های برخاسته از زمینه معماری است، می‌توان در راستای تحلیل بازار تبریز، در دو مقیاس کلان و میانی بر اساس ساختار شکل ۲ عمل کرد.

الف) بررسی عوامل زمینه‌ای در بازار تبریز در مقیاس کلان

در مقیاس کلان، عوامل زمینه‌ای تأثیرگذار در بازار از دو جنبه قابل بررسی است؛ یکی از جهت مکان‌یابی و شکل‌گیری بازار و دیگری از جهت نحوه گسترش آن.

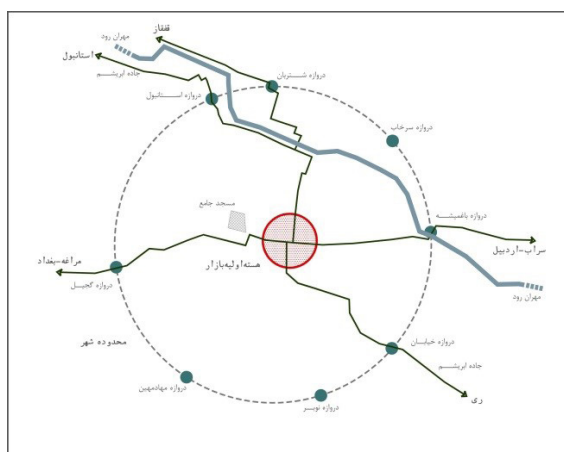
۱. مکان‌یابی و شکل‌گیری کالبد اصلی

اطلاعات زیادی از پیشینه بازار تبریز و تاریخ بنای اولیه آن در دست نیست، ولی از قرن چهارم ه.ق. نام آن در منابع مختلف آمده، اگرچه به‌طور حتم قبل از اسلام نیز وجود داشته است. در ابتدا مکان بازار فضایی باز برای دادوستد کالاها، به‌ویژه فرآورده‌های کشاورزی و دامی بوده (شفقی، ۱۳۷۸: ۷۱) و حتی برخی از سیاحان از بازارهای اولیه، بصورت کوچه‌های باریک و طولیل با حجره‌هایی در دو سمت سخن رانده‌اند. مجموعه کنونی بازار، مربوط به بازسازی آن پس از زلزله ۱۱۹۳ ه.ق. و اواخر زندیه و احتمالاً دوره قاجاریه است. آنچه در این بازسازی‌ها حائز اهمیت است، ساخت مجدد آن در مکان اولیه و حتی به احتمال قریب به یقین، منطبق بر مسیرها و معابر اصلی گذشته، است (حق‌پرست و اسمعیلی، ۱۳۹۷: ۱۴۸). با توسعه شهر طی قرن‌های چهارم و پنجم، به دلیل واقع شدن در مسیر راههای بازرگانی، محدوده بازار گسترش و صنف‌های متعددی در آن مشغول تجارت شدند. در دوره ایلخانی و به دنبال فتوحات مغولان، آذربایجان به منتهای آبادانی خود رسید و بازار تجارت بین تبریز و اروپا رونق یافت (پژوهش بنیاد ایران‌شناسی، ۱۳۹۲). تا آن زمان، راه ارتباطی اصلی تبریز، جاده‌ای بود که از



شکل شماره ۲: ابعاد زمینه در معماری بازار، مأخذ: نگارندگان

سمت شرق به سراب و اردبیل، مرکز ایالت آذربایجان و از غرب به مراغه و شاخه جنوب غربی جاده ابریشم می‌پیوست، ولی تغییر مسیر جاده ابریشم که از طریق ری - میانه به تبریز وصل می‌شد، این شهر را به چهارراه عمده‌ای تبدیل کرد که امکان تجارت را از یک طرف با قفقاز و ماورای آن و از طرفی با بصره و کشورهای غرب و آفریقا و از طرفی دیگر با استانبول و کشورهای اروپایی برقرار می‌کرد (بیلان اصل، ۱۳۸۸: ۴۸-۴۶). محور جنوب شرقی - شمال غربی جاده اردبیل و محور شمال شرقی - جنوب غربی جاده اردبیل - مراغه، بعنوان محورهای ارتباطی اصلی شهر عمل می‌کردند. بطوری که در نخستین نقشه از تبریز قدیم با هشت دروازه آن (شکل ۳)، به نقش ارتباطی درب استانبول با اروپا، درب شتران با باکو (نواحی قفقاز)، درب خیابان با شرق آسیا و درب گجیل با بغداد، کشورهای عربی و آفریقا اشاره شده است (پژوهش بنیاد ایران‌شناسی، ۱۳۹۲: ۳۷۰). این دو جاده که در مکان‌یابی عناصر و توسعه شهر تأثیر فراوان داشته‌اند، با اندک تغییری در راستا، در نزدیکی مرکز شهر، به صورت دو محور شمالی - جنوبی و شرقی - غربی عمود برهم بوده و هسته اولیه بازار، در محل برخورد آنها شکل گرفته و در طول زمان گسترش یافته است (صدری کیا، ۱۳۹۳: ۱۰۳). بازار تبریز نیز مانند بازارهای اغلب شهرها در داخل حصار شهر، در ارتباط با راهها و دروازه‌های مهم و در مجاورت مسجد جامع و میدان اصلی شهر شکل گرفته، مرکز حکومتی نیز با بازار بی‌رابطه نبوده و در مجاورت یا نزدیک به آن قرار داشته است (صفامنش و همکاران، ۱۳۷۶: ۴۱) (سلطانزاده، ۱۳۶۸: ۲۷۰ و ۲۸۸).



شکل شماره ۳: مکان‌یابی هسته اولیه بازار؛ منبع: نگارندگان

۲. توسعه و گسترش کالبد اصلی

در گذر زمان، نیاز به فضاهای بیشتر و اهمیت بازرگانی جاده ری - استانبول در مقایسه با جاده اردبیل - مراغه، سبب گسترش محور اصلی بازار در راستای شمال - جنوب شد (تهرانی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۰۱). با ورود ایلخانان و استقرار مرکز حکومت در ارغونیه در غرب و در محل شنب‌غازان، گسترش بازار بطرف جنوب غربی (نژاد ابراهیمی، ۱۳۹۳: ۴۳) و با ساخت مجموعه ربع‌رشدی در شرق به سمت شمال شرقی گرایش یافت.

با پیدایی حکومت قراقویونلوها و آق‌قویونلوها، دربار جدید در صاحب‌آباد در آن سوی مهران‌رود بنیان و موجب گسترش بازار به سمت شمال و آن سوی رود و احداث پلهایی (پل بازار) برای ارتباط مجموعه صاحب‌آباد با شهر و حفظ یکپارچگی بازار شد (Gholipour Shayan, 2016). در دوران قراقویونلوها ساخت مجموعه آموزشی، مذهبی مظفریه (مسجد کبود) در شرق تبریز و در مجاورت مسیر ورودی کاروانیان از شهرهای ری و اصفهان (حق‌پرست، نژاد ابراهیمی، ۱۳۹۳: ۱۴۹)، موجب گسترش کالبدی بازار بطرف جنوب شرقی گشت. در دوران آق‌قویونلوها احداث مجموعه حسن‌پادشاه و کاخ هشت‌بهشت در باغ صاحب‌آباد (منصوری و محمدزاده، ۱۳۹۶: ۲۶)، موجب تداوم توسعه بازار بطرف شمال و شمال‌شرق شد. در دوران صفویه با تکمیل مجموعه صاحب‌آباد و احداث مسجد شاه‌تھماسب در مجاورت آن، توسعه بازار همچنان بطرف شمال و شمال‌غربی ادامه یافت. در زمان زندیان، وقوع زلزله‌ای مهیب کل بازار را با خاک یکسان کرد. پایه‌های اصلی کالبد کنونی بازار که مربوط به بازسازی آن در اواخر زندیه و عمدتاً عصر قاجار است، توسعه خود را مرهون موقعیت استراتژیک تبریز و تغییرات به عمل آمده در نحوه ارتباطات بین‌المللی آن در دوره قاجار است (زنگ آبادی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۶). در این دوره ساخت مجموعه ارگ سلطنتی (دارالسلطنه) در شرق بازار، توسعه بازار به سمت شرق را تداوم بخشید. بنابر توصیف مورخان، تا پیش از دوره قاجار، عمده عناصر تجاری بازار شامل راسته‌هایی با صنف‌های مشخص، فضای قیصریه، چهارسو بازار، بازار و کاروانسرای خان بود. اغلب بخش‌های بازار کنونی تبریز، مربوط به اواخر سده سیزدهم و بازسازی آن پس از زلزله است (عمرانی و اسمعیلی، ۱۳۸۵: ۳۵-۳۶). تیمچه و سرای مظفریه، بازار و تیمچه امیر، بازار مسگران، سرای کشمشچی‌ها، بازارچه شتران و سرای تیمچه و بازار میرابوالحسن را می‌توان از جمله توسعه بازار در دوره قاجاریه دانست (تابانی، ۱۳۷۹: ۲۷۷). در این دوره، پس از تکمیل باروی شهر، پشت دروازه‌ها مجموعه‌های کاملی شامل بازارچه، کاروانسرا، گورستان، حمام و ... ساخته شد. برخی از این بازارچه‌ها که محل دادوستد مسافران بود، تا داخل بارو توسعه و به بازار مرکزی اتصال یافت (پژوهش بنیاد ایران‌شناسی، ۱۳۹۲). به این ترتیب گذرهای ارتباطی مابین دروازه‌ها در محدوده بازار بهم پیوسته و ساختاری شطرنجی با امتداد شمالی - جنوبی را موجب گشته‌اند. از بین مؤلفه‌های مهم شهرهای سنتی، معابر شهری و ارگان‌ها بیشترین تأثیر را در شکل‌گیری و توسعه بازارها داشته‌اند (Nejad Ebrahim, Pour Rahimian & Sahraei, 2013). همانطور که از مطالب فوق برمی‌آید، از جمله عوامل زمینه‌ای که در مکان‌یابی و شکل‌گیری هسته اولیه بازار تأثیر گذار بوده‌اند، می‌توان به جاده‌های تجاری اشاره کرد؛ بطوری که بازار در محل برخورد جاده‌های مهم بین شهری، ملی و فراملی و نیز همجوار با مسجد جامع به دلیل اهمیت فرهنگی، مذهبی و قدمت آن، شکل گرفته است. در

توسعه بازار نیز از جمله عوامل زمینه‌ای، مراکز حکومتی بوده‌اند که سبب سمت‌گیری توسعه بازار در جهات گوناگون در دوره‌های تاریخی مختلف شده‌اند. (جدول ۱) به‌طور خلاصه روند شکل‌گیری و توسعه بازار را در طول زمان نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱: جهت‌گیری و نحوه گسترش کالبدی بازار

سلسله حکومتی	عوامل مؤثر بر توسعه	جهت توسعه	جهت‌گیری توسعه کالبدی بازار	توسعه کالبدی بازار (بصورت فرضی و شماتیک)
قبل از قرن ۶ ه.ق.	اهمیت جاده ابریشم نسبت به دیگر جاده‌ها	شمالی - جنوبی		
دوره ایلخانان ۶۵۴-۷۳۵ ه.ق.	رشدیده در شمال شرقی	شمال شرقی		
	ارغونیه در جنوب غربی	جنوب غربی		
دوره قراقویونلوها ۸۰۹-۸۷۳ ه.ق.	صاحب‌آباد در شمال	شمالی		
	مظفریه در جنوب شرقی	جنوب شرقی		
دوره آق‌قویونلوها ۸۷۳-۹۱۴ ه.ق.	تکمیل صاحب‌آباد در شمال	شمالی		
	تکمیل صاحب‌آباد در شمال و پل بازارها	شمالی و شمال غربی		
دوره زندیان (۱۲۰۹-۱۱۶۳ ه.ق.)		وقوع زلزله در سال ۱۱۹۳ ه.ق. و شروع بازسازی شهر و بازار		
دوره قاجاریان ۱۲۱۱-۱۳۴۴ ه.ق.	دارالسلطنه در شرق	شرقی		
	بازارچه‌های پیرامون دروازه‌ها	بسمت دروازه‌ها		

مأخذ: نگارندگان

ب) بررسی عوامل زمینه‌ای در بازار تبریز در مقیاس میانی
در مقیاس میانی، عوامل زمینه‌ای تأثیرگذار در بازار از سه جنبه قابل بررسی است؛ یکی از جهت شکل‌گیری عناصر اصلی تجاری بازار، دوم از جهت پراکندگی عناصر خدماتی و پشتیبانی بازار، سوم از جهت پراکندگی صنوف مختلف آن.

۱. شکل‌گیری و پراکندگی عناصر اصلی بازار

فضاهای اصلی بازار با فعالیت‌های تجاری، تولیدی و انبارداری، دارای عناصری چون راسته، سرای، تیمچه و دالان است که هر یک بنا بر چگونگی شکل، فرم، الگوی ساختاری و موقعیت جاگیری خود در سلسله مراتب حرکتی بازار، دارای کارکرد ویژه‌ای است. البته برخی از این عناصر عملکردی چندگانه داشته‌اند، اما نقش تجاری و تولیدی آنها قابل توجه بوده است (ایراندوست و بهمنی، ۱۳۹۰: ۷).

راسته‌ها: عموماً بازارها در امتداد راه‌های اصلی شهر ساخته شده و راسته بازار بعنوان شاهراه شهر، مهمترین دروازه‌ها را به مرکز شهر متصل می‌کند (حسین‌زاده و آشنا، ۱۳۹۰: ۳۸). بازار تبریز به علت شکل‌گیری در محل برخورد دو محور تجاری شمالی-جنوبی و شرقی-غربی شهر، ساختاری شطرنجی یافته است. راسته بازار جدید و قدیم به موازات هم، بعنوان محورهای شمالی-جنوبی (طولی) بازار، در امتداد جاده ری-استانبول، در واقع عامل ارتباطی دروازه خیابان به دروازه شتربان بود. راسته‌های کفاشان و قیزبستی در امتداد جاده اردبیل-مراغه، عامل مرتبط‌کننده دروازه باغ‌میشه به گجیل؛ و راسته‌های دلاله‌زن بزرگ و دلاله‌زن باریک، ارتباط دروازه‌های سرخاب، شتربان و استانبول را ایجاد و به‌عنوان محورهای شرقی-غربی (عرضی) بازار، عمل می‌کردند (شکل-۴). ورودی‌های اصلی بازار در امتداد راسته‌های طولی و عرضی که رابط دروازه‌های شهر به بازار بودند، قرار داشت.

کاروانسراها یا سراها: با توجه به عدم امکان عبور کاروان در طول راسته‌های سرپوشیده، کاروان‌سراها در بازارهایی با ساختار خطی در حد فاصل مابین راسته اصلی و بافت پیرامونی بازار قرار می‌گرفت؛ ولی در بازار تبریز با توجه به ساختار شطرنجی آن، در

بافت میانی بازار واقع شده و توسط گذرهایی به کوچه‌های پیرامونی دسترسی داشته و موجب ایجاد محور حرکتی کاروان‌رو در داخل بازار شده است (پژوهش بنیاد ایران‌شناسی، ۱۳۹۲). بطوریکه برخی سراها مرتبط به هم، در یک راستا و در امتداد شرقی-غربی شکل گرفته که به عنوان محور عمده حرکت کالا، عمود بر محور شمالی-جنوبی عمل می‌کردند. این سراها علاوه بر دارا بودن عملکرد خاص خود، مانند یک محور ارتباطی موجب سهولت جابجایی کالا مابین فضاهای تجاری بازار می‌شدند (شکل-۵).

تیمچه‌ها و دالان‌ها: در طی مطالعات انجام‌شده، نظم خاصی بر موقعیت قرارگیری و پراکندگی تیمچه‌ها و دالان‌ها بدست نیامد، جز اینکه بر طبق ضرورت و نیاز در ارتباط با سراها و راسته‌ها و برای تکمیل چرخه عملکردی و تجاری بازار و سلسله مراتب ورود یا تولید، دیو و توزیع کالا، شکل گرفته‌اند.

۲. پراکندگی عناصر خدماتی بازار

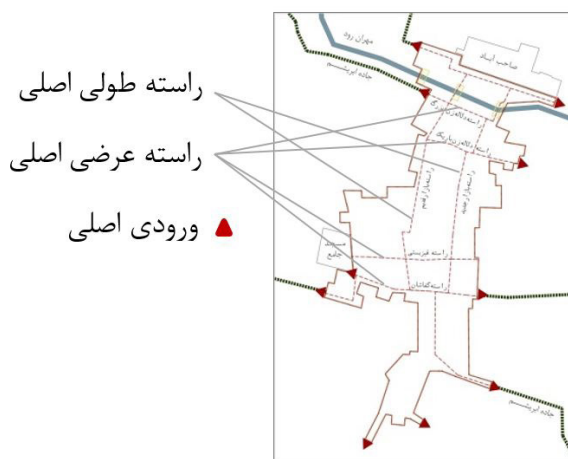
بازارهای تاریخی، صرفاً نقش تولید و عرضه کالا را نداشته، بلکه به‌عنوان قلب شهر، محل انواع فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، ورزشی و تأمین‌کننده نیازهای ضروری زندگی بوده، بنابراین کالبد مورد نیاز این فعالیت‌ها در بازارها شکل گرفته و بازار با آنها کامل می‌شده است. آنچه شایان توجه است، پیوند لطیف، موزون و بخردانه این مجموعه‌ها با محیط تجارت است.

مساجد: در بازارهای ایرانی، همنشینی و ارتباط تنگاتنگ مادیات و معنویات در کنار هم هویداست که نمود خارجی آن همانا وجود مساجد، مدارس علمیه، مقابر و امامزاده‌ها در بازارهاست. شکل‌گیری بازار تبریز در کنار مسجد جامع خود گواه روشنی بر این ادعاست. در داخل بازار نیز حضور پررنگ مساجد در کنار راسته‌های طولی و عرضی بازار قابل تشخیص است. تعدد مساجد در امتداد راسته بازار جدید و نیز در راستای محور عرضی منتهی به مسجد جامع و در اطراف آن بیشتر است و مقابر و امامزاده‌ها نیز در کنار مساجد قرار گرفته‌اند (شکل-۶).

مدارس: یکی از ویژگی‌های مهم بازارهای سنتی، وجود مدارس علمیه در پیوند با آنها و پشتیبانی بازاریان از حوزه‌های علمیه



شکل شماره ۵: کاروانسرایهای بازار (براساس نقشه فرجه‌داغی)، منبع: نگارندگان



شکل شماره ۴: راسته‌ها و ورودی‌های بازار (براساس نقشه فرجه‌داغی)، مأخذ: نگارندگان

در حلقه چهارم، اصناف نیازمند فضای بیشتر بود، کوزه‌گران، رنگرزان، دباغان، سفالگران، طناب‌بافان و صنوف روستایی مانند علوفه‌فروشان و پالان‌دوزها که می‌بایست در خروجی بازار و یا بیرون از آن استقرار می‌یافتند (مرصوصی و خانی، ۱۳۹۰: ۱۴۲).

طبق بررسی‌های انجام‌شده، در بازار تبریز علاوه بر قاعده فوق که تاحدودی و نه بطور کامل اجرا شده، به دلیل ساختار شطرنجی و وسعت زیاد بازار، حوزه‌بندی و پراکندگی برخی صنوف تقریباً در دو سمت بازار تکرار شده بود، بطوریکه اجناسی مانند فرش، انواع پارچه، پشم و نخ، عطاری و خرازی هم در راسته‌های شمالی و هم جنوبی وجود داشت. صنف برخی راسته‌ها نیز بستگی به نزدیکی به دروازه شهر یا کشور وارد کننده داشت. برخی راسته‌های اصلی بازار نیز به دلیل واقع شدن بر محورهای حرکتی شهر و تردد بیشتر اقشار جامعه، به فروش طیف متنوع‌تری از اجناس به صورت خرده‌فروشی و نیز نیازهای روزمره مردم، اختصاص داشت (شکل ۷).

مقایسه یافته‌های پژوهش با نمونه‌های مشابه در بازار اصفهان (Mehdipour & Rashidi, 2013) و بازار کاشان (دادور و همکاران، ۱۳۹۵)، حاکی از اهمیت زمینه جغرافیایی - سیاسی بستر شکل‌گیری بازار تبریز، در طول زمان است. قدرت و اقتدار شاخص زمینه‌ای مذکور، توأم با مدیریت هوشمندانه فرهنگی، اجتماعی و انسانی حاکم بر بستر، از عوامل تداوم و توسعه سازمان کالبدی و کارکردی بازار تبریز بوده و منجر به تداوم و رونق اقتصادی آن در دوره‌های مختلف شده است. نقشه زیر روند تقریبی توسعه کالبدی بازار تبریز را در طی دوره‌های مختلف نشان می‌دهد (شکل ۸).

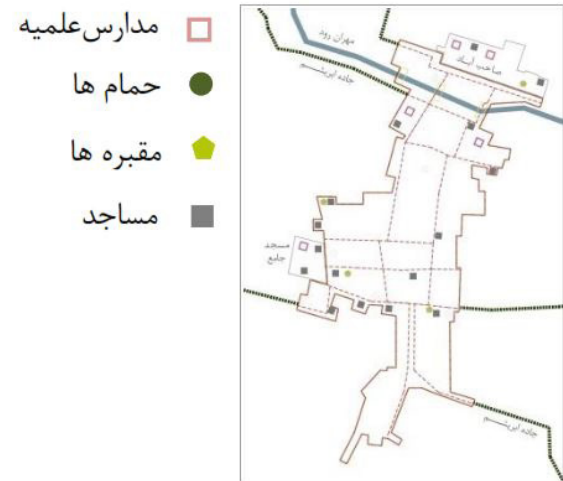
نتیجه‌گیری

بازار تبریز، اگرچه از ابتدا به صورت یک طرح جامع طراحی و برنامه‌ریزی نشده و نمی‌توان تاریخ دقیقی را بر پیدایش آن یافت، اما مجموعه‌ای از الگوهای شناخته‌شده فضایی با عملکرد تجاری است که در قالب معماری ایرانی شکل گرفته و به لحاظ سلسله‌مراتب حرکتی و ترکیب با فضاهای عمومی همچون مسجد، مدرسه، حمام، یخچال و ... نمونه‌ای منحصر بفرد از کالبدی یکپارچه و پویا با کارکردی گسترده است.

مطالعات و تحلیل‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که بازار تبریز چه به لحاظ مکان‌یابی، نحوه شکل‌گیری و روند توسعه و چه به لحاظ پراکندگی عناصر اصلی و خدماتی و صنوف آن، علاوه بر تأثیرپذیری از نوع ساختار و نحوه سازماندهی شهر به جهت معماری و شهرسازی، تحت تأثیر عوامل محیطی، فرهنگی، تاریخی، مذهبی، سیاسی، حکومتی و اقتصادی شهر در دوره‌های مختلف حکومتی قرار داشته است. به طوری که هسته اولیه بازار، در محل برخورد جاده‌های مهم شهری شکل گرفته و توسعه آن نیز عمدتاً در جهت جاده ابریشم و مسجد جامع شهر و نیز به سمت مقر حکومتی دولتها در سلسله‌های مختلف بوده است. پراکندگی عناصر داخلی بازار بیشتر مرتبط با عوامل اقتصادی، تجاری، فرهنگی، دینی و محیطی بوده است. (جدول ۲) به تفصیل مؤلفه‌های تأثیرگذار بستر شهری را

است که نشانگر باور دینی و علاقه به ترویج دین و آشنایی با احکام شرعی است. طبق تحقیقات تمامی مدارس علمیه قدیمی تبریز در محدوده بازار و در کنار مساجد بزرگ قرار داشته‌اند (شکل ۶).

حمام‌ها: وجود کاروانسراهای متعدد، تجار نقاط دوردست و نیز صاحبان صنوف، کارگاهها و نیز مساجد و مدارس دینی، سبب ساخت حمامها در بازار شده بود. در بازار تبریز بیشتر حمامها در کنار مساجد و مدارس علمیه و بخصوص در امتداد راسته عرضی منتهی به مسجد جامع دیده می‌شوند (شکل ۶).



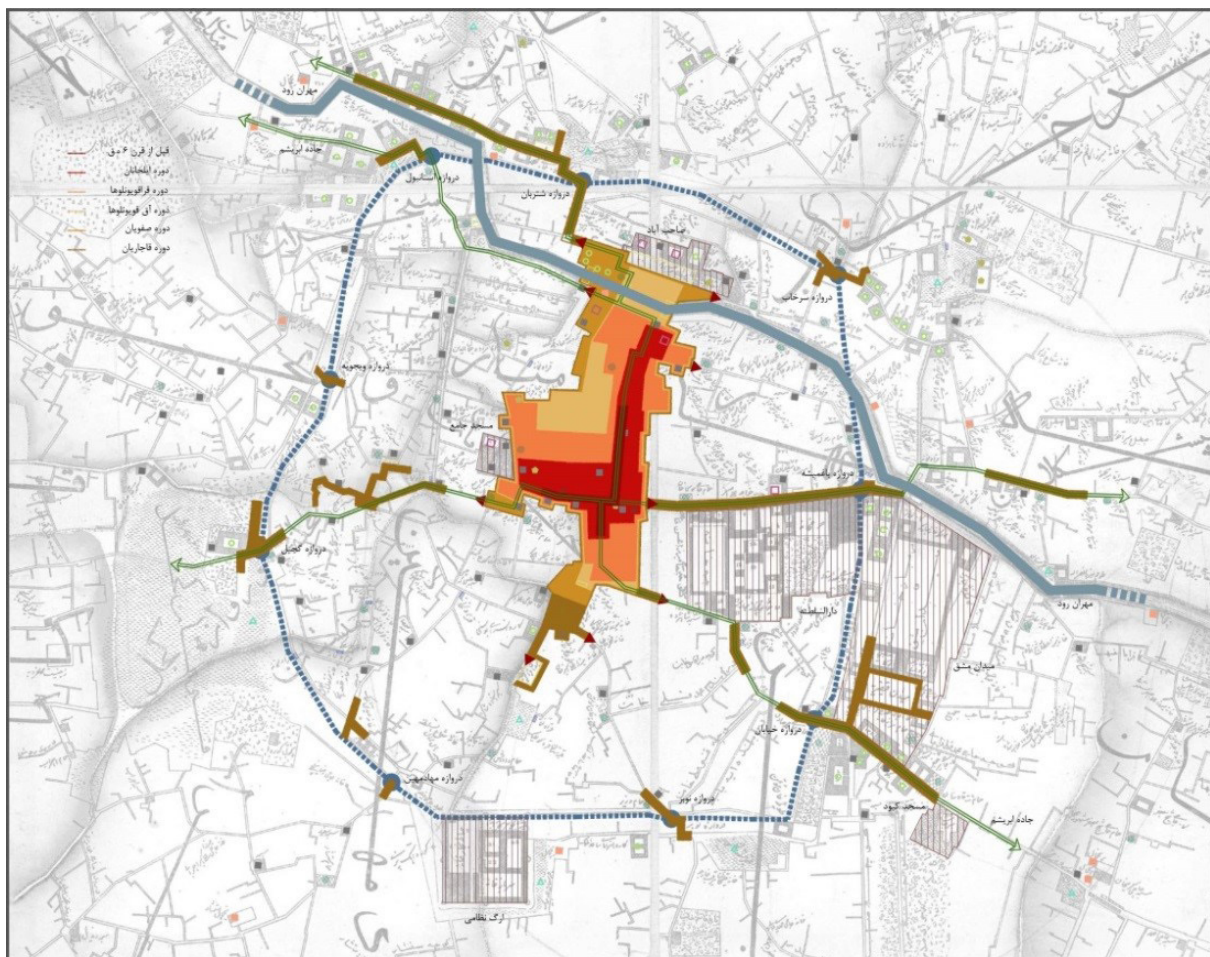
شکل شماره ۶: کاربریهای خدماتی بازار (براساس نقشه قرجه‌داغی)، مأخذ: نگارندگان



شکل شماره ۷: اصناف بازار (براساس نقشه قرجه‌داغی)؛ منبع: نگارندگان

۳. پراکندگی کاربری‌ها و صنوف مختلف

در یک بازار کامل، هر راسته کارکردی اصلی داشته و فعالیت‌های بازار حول یک محور مرکزی و در چهار حلقه سازماندهی می‌شده است. در حلقه اول، کالاهای مرغوب و تراز اول از لحاظ مادی، هنری و صنعتی بود که در مجاورت هسته بازار یا راسته‌های معتبر عرضه می‌شد؛ زرگری، بزازی و فرش‌فروشی. در حلقه دوم، دادوستد کالاهای کم‌ارزش‌تر و سقط‌فروشی‌ها بود که در فاصله دورتری از مرکز صورت می‌پذیرفت. (اهلرز، ۱۳۷۳: ۳۱-۳۰). در حلقه سوم، مشاغلی با سروصدا، بوی ناخوشایند، خطر آتش‌سوزی یا وجود آب روان بود که در حاشیه بازار جای می‌گرفتند، صابون‌سازی، چرم‌سازی، آهنگری و مسگری.



شکل شماره ۸: توسعه بازار در دوره های تاریخی (بر اساس نقشه قرجه داغی): مأخذ: نگارندگان

جدول شماره ۲: عوامل زمینه‌ای تأثیرگذار بر ساخت بازار تبریز

عامل تأثیرپذیر	عامل تأثیرگذار	زیر مؤلفه زمینه	مؤلفه اصلی زمینه
مکان بایی و شکل‌گیری کالبد اصلی بازار	تامین نیازهای روزمره	عرضه و تقاضا	اجتماعی
	تجارت با شهرها و کشورهای اطراف	تعاملات اقتصادی	اقتصادی
	موقعیت مسجد جامع	ارزش‌های فرهنگی	فرهنگی
	مسیرهای تجاری	موضع سوق‌الجیشی	محیطی
	حصار شهر	بستر	محیطی
	دروازه‌های شهر	بستر	محیطی
	معابر شهری	بستر	محیطی
توسعه و گسترش کالبد اصلی بازار	مرکزیت شهر	موضع اقتصادی	محیطی
	نیاز به فضای بیشتر	عرضه و تقاضا	اجتماعی
	تغییر و تنوع نیازها	نمودهای فرهنگی	فرهنگی
	اهمیت جاده ابریشم	تعاملات اقتصادی	اقتصادی
	روابط بین‌المللی	تعاملات اقتصادی	اقتصادی
	تغییر حکومت	تسلسل و گسست بین دوره‌ها	تاریخی
مقیاس کلان	مراکز حکومتی	سیاست عالی حاکمه	سیاسی
	موقعیت استراتژیک	موضع سوق‌الجیشی	محیطی
	معابر شهری	بستر	محیطی
مقیاس کلان	دروازه‌های شهر	بستر	محیطی

عامل تأثیر پذیر	عامل تأثیر گذار	زیر مؤلفه زمینه	مؤلفه اصلی زمینه
شکل‌گیری و پراکندگی عناصر اصلی بازار	ورود، دپو، پخش و عرضه کالا	چرخه تجاری	اقتصادی
	تولید، دپو و عرضه کالا	چرخه تجاری	اقتصادی
	امنیت	حقوق اجتماعی	اجتماعی
	حریم و قلمرو	حقوق اجتماعی	اجتماعی
سلسله مراتب	سلسله مراتب	تفکیک کاربری	کالبدی
	دروازه‌های شهر	بستر	محیطی
	معابر اصلی شهر	بستر	محیطی
مسیرهای تجاری	مسیرهای تجاری	بستر	محیطی
	تأمین نیازهای ضروری	حقوق اجتماعی	اجتماعی
	صنوف مختلف	حقوق اجتماعی	اجتماعی
پراکندگی عناصر خدماتی بازار	باورهای دینی	ارزش‌های فرهنگی	فرهنگی
	آداب و رسوم	ارزش‌های فرهنگی	فرهنگی
	ارتباط مادیات و معنویات	ارزش‌های فرهنگی	فرهنگی
	سلسله مراتب	تفکیک کاربری	کالبدی
مسیرهای تجاری	مسیرهای تجاری	بستر	محیطی
	دروازه‌های شهر	بستر	محیطی
	ارزش و مرغوبیت کالا	ارزش‌های فرهنگی	فرهنگی
میزان ایجاد آلودگی	میزان ایجاد آلودگی	حقوق اجتماعی	اجتماعی
	میزان نیاز و استفاده	نمود فرهنگی	فرهنگی
	میزان نیاز به فضا	تفکیک کاربری	کالبدی
پراکندگی مشاغل و صنوف بازار	نزدیکی به ورودی از بافت پیرامون	تفکیک کاربری	کالبدی
	میزان رفت و آمد عمومی	تفکیک کاربری	کالبدی
	وسعت بازار	تفکیک کاربری	کالبدی
	دروازه شهر یا کشور وارد کننده کالا	موضع سوق الجیشی	محیطی
	میزان نیاز به فضا	تفکیک کاربری	کالبدی

منبع: تحقیق حاضر

پی‌نوشت‌ها

1. Dettmann, K: 1968-69

2. Wirth, E: 1974-75

۳. نقشه دارالسلطنه قراجه‌داغی (۱۲۹۷ه.ق.): این نقشه که به نام ترسیم‌کننده آن شناخته می‌شود، معتبرترین و احتمالاً کاملترین نقشه‌ای است که تا اواخر دوره قاجار، به دستور مظفرالدین میرزا و توسط ایرانیان تحصیل کرده در مدرسه دارالفنون به شیوه نقشه‌برداری غربی تهیه شده است.

۴. نقشه تره‌زل- فابویه (۱۲۰۷ه.ق.): یکی از کاملترین نقشه‌های تبریز که توسط فرانسویان ترسیم و در زمان تسلط روسها بر تبریز، در ستاد یافت شد.

۵. نقشه دارالسلطنه مراغه‌ای (۱۳۲۷ه.ق.): این نقشه را اسدالله مراغه‌ای،

کارمند شهرداری این شهر، به روش عملیات میدانی ترسیم کرده و در حال حاضر در مرکز اسناد ملی غرب کشور در تبریز نگهداری می‌شود.

۶. به نقل از لغت نامه آکسفورد، از لحاظ ریشه‌شناسی، منشاء پیدایش

"context" به اواخر دوره انگلیسی میانه می‌رسد و برگرفته از واژه لاتین contextus می‌باشد که متشکل از con به معنای باهم و texere به معنای بافتن است.

در ساختار بازار تبریز در مقیاس‌های مختلف نشان می‌دهد. مهم‌ترین نتیجه مقاله، اهمیت تأثیر شاخص زمینه‌ای موقعیت جغرافیای سیاسی شهر و شاخص ساختار ارزشی اقتصادی بازار بر شکل‌گیری مقوله نیاز، رابطه عرضه - تقاضا و نمود آن در قالب کالبد بازار تبریز، در مقیاس کلان و میانی می‌باشد.

پیشنهادات برای ادامه و بسط این پژوهش می‌تواند در قالب ذیل انجام و کاربردی گردد:

* با شناخت عوامل مؤثر برخاسته از زمینه و بستر بازارهای سنتی در زمان شکل‌گیری و ساخت، می‌توان به مؤلفه‌هایی جهت احیاء و هم‌سوسازی این بافت‌ها و عناصر آن با شکل و شیوه‌های زیستی معاصر دست یافت.

* با شناخت عوامل مؤثر برخاسته از زمینه و بستر بازارهای سنتی در طول دگرگونی آن، می‌توان به مؤلفه‌ها و راهکارهایی جهت برنامه‌ریزی، طراحی و ساخت بازارهای معاصر دست یافت.

۷. باروی نجفقلی خانی: حصارى كه برگرد شهر تبریز بعد از زلزله سال ۱۱۹۳ ه.ق. در زمان سرداری امیر نجفقلی خان دنبلی در دوران زندگی ساخته شد.

۸. برای اطلاعات بیشتر مراجعه شود به کتاب بازار تبریز و بازارچه‌های پیرامونی آن در دو بیست سال اخیر.

فهرست منابع و مراجع

۱. اکبری، علی اکبر؛ بذرافکن، کاوه؛ تهرانی، فرهاد؛ سلطانه‌زاده، حسین (۱۳۹۶)، «بازشناسی نگرش به زمینه در بناهای ساخته‌شده میدان مشق تهران»، در دوره پهلوی اول، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، سال ۸، شماره ۳۰، زمستان.
۲. امیرفرخیان، مصطفی؛ بازرگان، مهدی (۱۳۹۸)، «تقابل دو گانگی ارتقا تنزل هویت در مجموعه‌های باارزش شهری در چارچوب رویکرد آمایش، نمونه میدان شهدا مشهد»، **نشریه برنامه‌ریزی و آمایش فضا**، دوره ۲۳، شماره ۳، پاییز.
۳. اهلرز، اکارت (۱۳۷۳)، «شهرشرق اسلامی: مدل و واقعیت»، ترجمه: محمدحسن ضیاء توانا و مصطفی مؤمنی، **فصلنامه تحقیقات جغرافیایی**، شماره ۳۲، بهار.
۴. ایراندوست، کیومرث؛ بهمنی‌اورامانی، آرمان (۱۳۹۰)، «تحولات کالبدی بازار سنتی در شهرهای ایران، مطالعه موردی: بازار کرمانشاه»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، سال ۲، شماره ۵، پاییز.
۵. برولین، برنت. سی. (۱۳۸۶)، **معماری زمینه‌گرا: سازگاری ساختمان‌های جدید با قدیم**، ترجمه: راضیه رضازاده، نشرخاک، اصفهان.
۶. بلندیان، محمد مهدی؛ ناصری، سارا (۱۳۹۳)، «گفتمانی تحلیلی در ارزیابی رویکردها و رویه‌های معماری زمینه‌گرای شهری در عصر جهانی شدن»، **فصلنامه مدیریت شهری**، شماره ۳۷، زمستان.
۷. بلیان‌اصل، لیدا (۱۳۸۸)، «بررسی تأثیر راه‌ها بر شکل‌گیری نظام ساختاری شهر تبریز در دوره قاجار»، **نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی**، سال ۱۴، شماره ۲۹، پاییز.
۸. بنیاد ایران شناسی (۱۳۹۲)، **بازار تبریز و بازارچه‌های پیرامونی آن در دو بیست سال اخیر**، نشر بنیاد ایران شناسی، تهران.
۹. بهمنی، المیرا؛ گودرزی‌سروش، محمد مهدی؛ زارعی، محمدابراهیم (۱۳۹۵)، «بررسی شناخت عوامل زمینه‌گرا در کالبد خانه‌ها و بافت کهن سنندج: بانگای به عمارت و کیل‌الملک»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، سال ۷، شماره ۲۶، زمستان.
۱۰. پیکون، آنتوان (۱۳۹۲)، **فرهنگ دیجیتال در معماری**، ترجمه: مرتضی خیاط پورنجیب، نشر پرهام نقش، تهران.
۱۱. تابانی، حبیب‌الله (۱۳۷۹)، **تبریز از نگاهی دیگر**، نشر نوبل، تبریز.
۱۲. تولایی، نوین (۱۳۸۰)، «زمینه‌گرایی در شهرسازی»، **نشریه هنرهای زیبا**، شماره ۱۰، زمستان.
۱۳. تهرانی، فرهاد؛ نواری، نیلوفر؛ خلیل‌زاده، سائنا (۱۳۸۷)، «پل بازارهای تبریز»، **فصلنامه صفا**، سال ۱۷، شماره ۴۶، بهار و تابستان.
۱۴. حاتمی‌گلزاری، الهام؛ خوشنویس، احمد میرزا کوچک؛ پایزیدی، قادر؛ حبیبی، فواد (۱۳۹۸)، «تحلیلی بر مؤلفه‌های تأثیرگذار در ماندگاری معماری بازارهای تاریخی ایران، مطالعه موردی: بازار تاریخی تبریز»، **نشریه معماری و شهرسازی پایدار**، سال هفتم، شماره ۱، بهار و تابستان.
۱۵. حسین‌زاده‌دلیر، کریم؛ آشنا، لاله (۱۳۹۰)، «نظم بصری در شهرسازی سنتی ایران، مطالعه موردی: بازار تبریز»، **نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی**، سال ۱۶، شماره ۳۷، پاییز.

۱۶. حق‌پرست، فرزین؛ اسمعیلی‌سنگر، حسین (۱۳۹۷)، «مدیریت مجموعه میراث جهانی بازار تاریخی تبریز با تکیه بر مشارکت مردمی»، **فصلنامه مدیریت شهری**، سال ۱۷، شماره ۵۰، بهار.

۱۷. حق‌پرست، فرزین؛ نژادابراهیمی، احد (۱۳۹۳)، «بازسازی تصویری مجموعه عمارت مظفریه تبریز (مسجد کبود) بر اساس اسناد و متون تاریخی»، **نشریه پژوهش هنر**، سال دوم، شماره ۷.

۱۸. دادور، سیده صدیقه؛ دانش، فاطمه؛ عباسی، زهرا (۱۳۹۵)، «بررسی ساختار کالبدی بازار به عنوان عنصر حیاتی بافت شهری قدیم، مورد پژوهشی: بازار کاشان»، **نشریه مدیریت شهری**، شماره ۴۴، پاییز.

۱۹. زنگ‌آبادی، علی؛ علیزاده، جابر؛ رنجبرنیا، بهزاد (۱۳۹۱)، «برنامه‌ریزی راهبردی برای ساماندهی بازارهای سنتی ایران، مطالعه موردی: بازار سنتی تبریز»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، شماره ۷، بهار.

۲۰. سجادزاده، حسن؛ اریس، بهاره (۱۳۹۶)، «بررسی تولید معنا در فضای شهری بر مبنای تئوری ساخت‌یابی، مطالعه موردی: بازار تبریز»، **فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی**، دوره ۴۹، شماره ۲، تابستان.

۲۱. سلطانه‌زاده، حسین (۱۳۶۸)، **مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران**، نشر امیرکبیر، تهران.

۲۲. شایان، حمیدرضا (۱۳۸۷)، «معماری در دنیای چندجهانی: تحلیل رابطه میان معماری و بستر فرهنگی براساس دیدگاه تعاملی»، **دو فصلنامه نامه معماری و شهرسازی**، شماره ۱، پاییز و زمستان.

۲۳. شفقی، سیروس (۱۳۷۸)، «نقش بازار در ساختار فضایی شهرهای اسلامی»، **فصلنامه تحقیقات جغرافیایی**، شماره ۵۳-۵۲، بهار و تابستان.

۲۴. شوای، فرانسواز (۱۳۹۲)، **شهرسازی: تخیلات و واقعیات**، ترجمه: سید محسن حبیبی، نشر دانشگاه تهران، تهران.

۲۵. صدری‌کیا، سمیه (۱۳۹۳)، «بافت شهری و محله‌ای تبریز در دوران قاجار»، **فصلنامه پژوهش هنر**، سال ۲، شماره ۷، پاییز.

۲۶. صفامنش، کامران؛ رشتچیان، یعقوب؛ منادی‌زاده، بهروز (۱۳۷۶)، «ساختار کالبدی شهر تبریز و تحولات آن دو سده اخیر»، **فصلنامه گفتگو**، شماره ۱۸، زمستان.

۲۷. عبداله‌زاده، مهدی؛ رهنما، محمد رحیم؛ اجزاء شکوهی، محمد (۱۳۹۹)، «سنجش و ارزیابی الگوی رشد فضایی-کالبدی کلان‌شهر تبریز»، **نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی**، سال ۲۴، شماره ۷۱، بهار.

۲۸. علوی‌زاده، سیده الهام؛ اسلامی، سیدغلامرضا؛ حبیب، فرح (۱۳۹۷)، «بررسی تأثیر میزان زمینه‌گرایی بناهای میان‌افزا بر تداوم حیات بافت تاریخی بازار سنتی ایرانی، نمونه موردی: حریم درجه دو بافت تاریخی بازار سنتی اردبیل»، **فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی**، سال ۶، شماره ۱۸، بهار.

۲۹. عمرانی، بهروز؛ اسمعیلی‌سنگر، حسین (۱۳۸۵)، **بافت تاریخی شهر تبریز**، نشر سمیرا، تهران.

۳۰. فلامکی، محمدمنصور (۱۳۹۳)، **دریافت یگانگی در معماری ایرانی**، نشر فضا، تهران.

۳۱. قاسمی، تارا؛ امینی، الهام؛ مدیری، آتوسا (۱۳۹۷)، «طراحی بافت تاریخی شهر تهران با رویکرد گردشگری ادبی نمونه موردی: حصار ناصری شهر تهران»، **فصلنامه مطالعات ساختار و کارکرد شهری**، سال ۵، شماره ۱۶، پاییز.

۳۲. ماجدی، حمید؛ سعیده زرآبادی، زهرالسادات (۱۳۸۹)، «شهرنشان‌دار به مثابه شهر زمینه‌گرا»، **فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران**، دوره ۲، شماره ۳، پاییز.

۳۳. مامفورد، لویی (۱۳۸۵)، **فرهنگ شهرها**، ترجمه: عارف اقوامی مقدم، نشر وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.

50. Mehdipour, A. Rashidi, H. (2013), Persian Bazaar and Its Impact on Evolution of Historic Urban Cores - the Case of Isfahan, The Macrotheme Review 2 (5)
51. Nejad Ebrahimi, A.; Pour Rahimian, F.; Sahraei Loron, M. (2013), "Impacts of urban passages on formation of Iranian bazaars: case study of the historic bazaar of Tabriz", International Journal of Architectural Research (Archnet IJAR), Vol 7, Issue 2.
52. Ouria, M. (2019), "Sustainable urban features and their relation with environmental satisfaction in commercial public space: An example of the great bazaar of Tabriz, Iran". International Journal of Urban Sustainable Development, Vol. 11, Issue 1.
53. Simitch, A.; Val W. (2014), The Language of Architecture, Rockport Publishers, United States of America.
54. Stokols, D.; Altman, I. (1987), Handbook of Environmental Psychology, Wiley- Inter science publication, New York.
55. <https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/context/2018.09.02>.
56. <https://en.oxforddictionaries.com/definition/context/2018.09.02>.
۳۴. مرصوصی، نفیسه؛ خانسی، محمدباقر (۱۳۹۰)، «تحلیل کارکرد اقتصادی بازار تبریز و حوزة نفوذ آن»، **فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی**، شماره ۷۵، بهار.
۳۵. معماریان، غلامحسین (۱۳۹۰)، **معماری ایرانی**، نشر سروش دانش، تهران.
۳۶. منصوری، سیدامیر؛ محمدزاده، شبنم (۱۳۹۶)، «تحولات سازمان فضایی شهر تبریز از اوایل اسلام تا دوره قاجار»، **نشریه باغ نظر**، سال ۱۴، شماره ۵۱، شهریور.
۳۷. مهدوی‌نژاد، محمدجواد؛ بمانیان، محمدرضا؛ ملایی، معصومه (۱۳۹۰)، «فرایند طراحی زمینه‌گرا: تجربه معماری ۸۹-۱۳۸۸»، **فصلنامه نقش جهان**، شماره ۱، پاییز و زمستان.
۳۸. مهدی‌نژاد، جمال‌الدین؛ نجاری‌نابی، رعنا (۱۳۹۸)، «ارزیابی تحولات ساختار کالبدی بازارهای سنتی مبتنی بر نقش بازار در فضای شهری، نمونه موردی: بازار تبریز»، **دو فصلنامه اندیشه معماری**، سال سوم، شماره ۶، پاییز و زمستان.
۳۹. نژادابراهیمی، احد (۱۳۹۳)، «روند شکل‌گیری و توسعه شهر تبریز: از صدراسلام تا ظهور قاجار»، **فصلنامه پژوهش هنر**، سال ۲، شماره ۷، پاییز.
۴۰. نجاری‌نابی، رعنا؛ مهدی‌نژاد، جمال‌الدین (۱۳۹۹)، «ارزیابی نقش عوامل کالبدی و عملکردی در اجتماع‌پذیری بازارهای سنتی ایران با استفاده از تکنیک نحو فضا، نمونه موردی: بازار تبریز»، **ماهنامه باغ نظر**، شماره ۸۵، تیرماه.
۴۱. نقوی، پویان؛ مظاہریان، حامد (۱۳۹۸)، «تحلیل نظریات معاصر در مواجهه با زمینه طراحی معماری»، **نشریه باغ نظر**، سال ۱۶، شماره ۷۴، مرداد.
۴۲. نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۶)، **ادراک زیبایی و هویت شهر در پرتو تفکر اسلامی**، نشر سازمان فرهنگی - تفریحی شهرداری، اصفهان.
43. Abedi, S.; Iravani, H. (2015), "Analysis of the Contextual Architecture and its Effect on the Structure of the Residential Places in Dardasht Neighborhood of Isfahan", European Online Journal of Natural and Social Sciences, Vol.3, No.3.
44. Capon, D.S. (1999), Le Corbusier's Legacy: Principles of Twentieth-Century Architectural Theory Arranged by Category, Published by Chichester: Wiley, England.
45. Cizgen, G. (2012), Rethinking the Role of Context and Contextualism in Architecture and Design, The Institute of Graduate Studies and Research in partial fulfillment of the requirements for the Degree of Master of Science in Architecture, Eastern Mediterranean University, Turkey.
46. Gausa, M.; Gualart, V.; Muller, W.; Soriano, F.; Porras, F.; Morales, J. (2003), The Metapolis Dictionary of Advanced Architecture, Published by Actar, Barcelona.
47. Gholipour Shayan, R. (2016), "Pol Bazaar, Interactional Architecture with the Urban Space the case of Tabriz bazaar", Gazi University Journal of Science, Vol. 29, Issue 2.
48. Groat, L. N. (1988), Contextual Compatibility in architecture. In Jack L. Nasar (eds.), Environmental Aesthetics: Theory, Research & Applications, Cambridge University Press, London, England.
49. Hanachi, P; Yadollahi, S. (2011), Tabriz historical bazaar in the context of change. ICOMOS 17th General Assembly, 2011-11-27 / 2011-12-02, Paris, France.

تحلیل ابعاد به مثابه روشی برای پژوهش در «شهر اسلامی»

بهادر زمانی^۱، احسان بابائی سالانقوج^۲ * (نویسنده مسئول)

^۱ دانشیار، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان
^۲ دانش آموخته دکتری شهرسازی اسلامی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۱/۲۶ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۷/۰۵

چکیده

آشنایی با امکانات و توانمندی های نظام پژوهش کیفی و راهبردهای خاص آن همچون نظریه زمینه‌ای به منظور تولید دانش و دگرگین و آفرینش نظریه‌های معتبر علمی با هدف ارتقای سطح آگاهی از واقعیت‌ها و کمک به پیش‌بینی و حل مسائل موجود شهر و شهرسازی اسلامی ضرورت دارد. نظریه زمینه‌ای به عنوان یکی از راهبردهای روش کیفی در دهه‌های اخیر دارای خوانش‌های گوناگونی شده است. تحلیل ابعاد یکی از خوانش‌های نظریه زمینه‌ای است که توسط شاتزمن ابداع و در نظام‌های علمی و رشته‌های گوناگون مورد استفاده قرار گرفته است با این حال این روش با وجود قابلیت‌های آن در پژوهش‌های شهری کاربست کمتری داشته است. مقاله حاضر قابلیت‌های این روش را برای پژوهش به طور عام و پژوهش در مورد شهر اسلامی به طور خاص نشان می‌دهد. بر این اساس پاسخگویی به دو سوال مورد نظر است: فرایند و قابلیت روش تحلیل ابعاد چیست؟ بر اساس امکانات و قابلیت‌های روش تحلیل ابعاد، این روش تا چه اندازه برای پژوهش درباره شهر اسلامی قابلیت کاربست دارد؟ مقاله در دو بخش اصلی سازمان یافته است. در بخش نخست، پیشینه، بنیادهای فلسفی و مبانی نظری و مراحل و گام‌های روش تحلیل ابعاد مورد بحث قرار گرفته و کوشش شده تا امکانات و قابلیت‌های این روش برای پژوهش مورد بحث قرار گیرد. در بخش دوم مقاله این روش برای یک نمونه پژوهش در حوزه مطالعات شهری مورد استفاده قرار گرفته است. در این قسمت انگاره شهر اسلامی در اندیشه متفکران و اندیشمندان گوناگون مورد مطالعه قرار گرفته و سعی شده ابعاد و شیوه‌های متعدد مورد استفاده برای برساخت این انگاره بررسی و چارچوبی تبیینی در این خصوص ارائه شود. نتایج این بخش شش مدل مشخص از شهر اسلامی در متون و روایت‌های مربوطه شامل مدل سکونتگاه (و نه شهر) اسلامی؛ مدل شهری زمان؛ مدل کالبدی؛ مدل شهر مسلمانان؛ مدل تمدن اسلامی؛ مدل شهر قلمرو مسلمانان را به دست می‌دهد. یافته‌های این پژوهش ضمن تاکید بر فواید و سودمندی تحلیل ابعاد برای پژوهش‌های شهری، هرگونه استفاده از این روش را - همچون سایر روش‌های کمی و کیفی - مستلزم توجه به هماهنگی و تناسب میان ویژگی‌های روش و جنبه‌های گوناگون پژوهش و به طور خاص اهداف پژوهش و سبک شناختی پژوهشگر می‌داند.

واژگان کلیدی: روش کیفی، نظریه زمینه‌ای، تحلیل ابعاد، شهر اسلامی.

مقدمه

مروری گونه‌شناختی بر روش‌شناسی مطالعات مربوط به شهر و شهرسازی در ایران، ابتدای بیشتر مطالعات شهری بر نظام پژوهش کمی و اثبات‌گرا و منتهی به نظریه‌آزمایی در مقایسه با پژوهش‌های بنیادین مبتنی بر نظام پژوهش کیفی، استقرایی و منجر به نظریه‌آفرینی را نشان می‌دهد. یکی از دلایل این امر در کنار دیگر عوامل، عدم آشنایی ضعف روش‌شناختی در کاربست راهبردهای پژوهش کیفی است. از این رو آشنایی با امکانات و توانمندی‌های نظام پژوهش کیفی و راهبردهای خاص آن همچون نظریه‌زمینه‌ای، پدیدارشناسی و قوم‌نگاری به منظور تولید دانش و دکترین و آفرینش نظریه‌های معتبر علمی با هدف ارتقای سطح آگاهی از واقعیت‌ها و کمک به پیش‌بینی و حل مسائل موجود شهر و شهرسازی اسلامی ضرورت دارد.

در حوزه برنامه‌ریزی شهری نیز، روش‌های کمی شناخته شده‌تر هستند و به عنوان ابزارهای مورد استفاده پژوهشگران به رسمیت شناخته شده‌اند. در مقابل هنوز امکانات روش‌های کیفی به عنوان ابزارهایی مهم در برنامه‌ریزی شهری به طور کامل شناخته نشده است. این مسئله تا اندازه‌ای از شرایط موجود در زمان پیدایش و شکل‌گیری برنامه‌ریزی شهری به عنوان یک نظام علمی منتج شده است، در آن زمان برنامه‌ریزی به عنوان مجموعه‌ای از اعمال برای کاربست منطق علمی و تکنیکی برای حل مسائل اجتماعی ترویج و تاکید می‌شد. امروزه با گذشت زمان، بدگمانی نسبت به روش‌های کیفی در برنامه‌ریزی شهری کمتر شده و این روش‌ها به تدریج به عنوان ابزارهایی معتبر برای پژوهش پذیرفته شده‌اند. بر این اساس بحث بر سر اعتبار این روش‌ها به استدلال‌های گوناگون در خصوص سودمندی آن‌ها و تصمیم‌گیری در خصوص بهترین تکنیک‌ها برای اطمینان از دقت و اعتمادپذیری پژوهش معطوف شده است (Thompson, 2006: 20). یکی از روش‌های کیفی که امروزه هر چه بیشتر در برنامه‌ریزی شهری و نظام‌های علمی وابسته مورد استفاده قرار گرفته، روش نظریه‌زمینه‌ای است (Bollo & Collins, 2017). نظریه‌زمینه‌ای روشی برای خلق نظریه از داده‌ها است که به صورت گسترده‌ای در نظام‌های علمی مختلف مورد استفاده قرار گرفته است. گلنزر و اشتراوس (Glaser & Strauss, 1967) به عنوان بنیان‌گذاران نظریه‌زمینه‌ای آن را به عنوان "کشف نظریه از داده‌ها" تعریف کرده‌اند که در خلال فرایندی نظام‌مند گردآوری و تحلیل شده‌اند. روش پیشنهادی آن‌ها به جای نظریه‌آزمایی به دنبال نظریه‌آفرینی در مورد موضوعات حائز اهمیت در زندگی مردم است. "این کار در فرایندی انجام می‌شود که اغلب دارای ماهیت استقرایی است، از آن روی که هیچ ایده از پیش تعیین شده‌ای برای تایید یا ابطال ندارد" (Mills, et al., 2006: 2-3) و بدین ترتیب "با خلق نظریه به صورت قیاسی و بر اساس پیش‌فرض‌های قبلی در تضاد است" (Glaser & Strauss, 1967: 3).

نظریه‌زمینه‌ای در طول زمان شاهد استحاله و تغییرات مختلفی

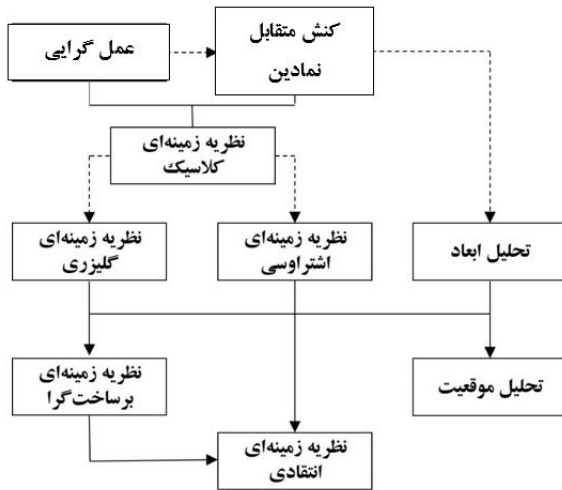
بوده و رویکردها و خوانش‌های گوناگونی نسبت به آن شکل گرفته است. یکی از این خوانش‌ها، تحلیل ابعاد است که توسط لئونارد شاتزمن^۱ ابداع و ارائه شده است. تحلیل ابعاد همانند نظریه زمینه‌ای در پی خلق نظریه از داده‌ها است با این تفاوت که به جای مقرر داشتن یک سلسله‌مراتب برای فاکتورها و عوامل دخیل در پدیده یا موقعیت مورد بررسی و پرسش از اینکه «مهم‌ترین چیز در اینجا کدام است؟»، در پی پاسخ به پرسش از «همه آنچه در اینجا دخیل است»^۲ می‌باشد. بدین ترتیب با خلق یک محیط پژوهشی که در آن مشارکت کنندگان در پژوهش به وسیله خود جهات پژوهش - و نه پرسش‌های پژوهشگر - هدایت می‌شوند، امکان آشکارسازی داده‌های غیرمعمول و پیش‌بینی نشده را فراهم می‌آورد (McCarthy et al., 2004: 953). افزون بر آن تحلیل ابعاد به صراحت مهارت‌های تحلیلی پیچیده‌ای که توسط همه ما در زندگی روزمره به کار گرفته می‌شود را به رسمیت شناخته و مورد استفاده قرار می‌دهد و این مهارت‌ها را با امر خطیر پژوهش سازگار می‌کند.

شاتزمن از میانه دهه ۶۰ میلادی تدریس و تکمیل تحلیل ابعاد را آغاز نمود اما انتشار نخستین اثر مکتوب در خصوص این روش تا سال ۱۹۹۱ به تاخیر افتاد (Schatzman, 1991) در نتیجه تحلیل ابعاد در ادبیات پژوهش کیفی حضور کم‌رنگی داشته و روش بدیع شاتزمن تا حد زیادی ناشناخته باقی مانده است. اگرچه در سالیان اخیر پژوهش‌های مختلف انجام شده درباره و با استفاده از این روش در حوزه‌های غیرشهرسازی افزایش یافته است، با وجود بهره‌گیری از سایر خوانش‌های نظریه‌زمینه‌ای در پژوهش‌های شهری (Allen & Davey, 2017; Simeon, et al., 2017; Nordwall & Olofsson, 2013; Faehnle et al., 2014; Dunne, 2011; VandeMeene, et al., 2011; McGrath, 2013; Salin & Pessa, 2017; Bonhman & Wilson, 2012; Wamsler, 2016) روش تحلیل ابعاد کاربست گسترده‌ای در پژوهش‌های شهری نداشته است و از این رو مورد توجه و کاربست پژوهش حاضر قرار گرفته است. هدف این مقاله واکاوی روش تحلیل ابعاد و قابلیت کاربست آن برای پژوهش به ویژه پژوهش درباره شهر اسلامی است. مقاله به دو بخش اصلی تقسیم می‌شود، در بخش نخست پیشینه، بنیادهای فلسفی و مراحل و گام‌های تحلیل در روش تحلیل ابعاد تشریح و تلاش می‌گردد تا تصویری روشن از ویژگی‌ها و امکانات این روش به دست داده شود. در بخش دوم و به عنوان نمونه‌ای از کاربرد تحلیل ابعاد در پژوهش‌های شهری، به بررسی ویژگی‌های و خصوصیات شهر اسلامی با استفاده از این روش اقدام می‌شود.

پیشینه تحلیل ابعاد

شاتزمن در شکل‌گیری اولیه نظریه زمینه‌ای مشارکت نداشت اما به عنوان یکی از همکاران گلنزر و اشتراوس در دانشگاه کالیفرنیا به مدت بیش از بیست و پنج سال به تدریس پژوهش

نسخه سیستماتیک اشتراوس و کوربین (Strauss & Corbin, 1990); نسخه بر ساخت گرای چارمز (Charmaz, 1998; Strauss, 1993); نسخه تحلیل موقعیت کلارک (Clarke, 2005); نسخه تحلیل ابعاد در میان سایر خوانش‌های نظریه زمینه‌ای را نشان می‌دهد. برخی شباهت‌ها و تمایزات تحلیل ابعاد با سایر خوانش‌ها نیز در جدول ۱ ارائه شده است.



شکل شماره ۱: جایگاه تحلیل ابعاد در میان خوانش‌های گوناگون نظریه زمینه‌ای؛ مأخذ: Hadley, 2017, 53

میدانی و راهنمایی دانشجویانی مشغول بود که در رساله خود از روش نظریه زمینه‌ای بهره می‌بردند. نقد اصلی شاتزمن به نظریه زمینه‌ای این بود که این روش اعمال دخیل در فرایند کشف نظریه زمینه‌ای را آشکار نمی‌نماید (Shankar & Goulding, 2001: 11). وی معتقد بود دانشجویان اغلب به مقایسه میان روش تدریس شده (نظریه زمینه‌ای) با شیوه مواجهه معمول و طبیعی با مشکلات و مسائل روزمره می‌پردازند. در نتیجه این مقایسه، آن‌ها اغلب احساس می‌کنند که نظریه زمینه‌ای چیز زیادی در خصوص چگونگی انجام تحلیل بیان نمی‌کند؛ دانشجویان به طور طبیعی مایل‌اند که در فرایند درک، نظم‌بخشی و تحلیل داده‌ها با و از دریچه پارادایم‌ها به مسئله نگاه کنند، مسئله‌ای که ریشه در دانش پیشینی دارد؛ بدین ترتیب تلقی بیشتر دانشجویان این است که روش نظریه زمینه‌ای هیچ پارادایم فراگیری - چه ماهوی و چه روش‌شناختی - به عنوان راهنما در فرایند نظریه‌پردازی ارائه نمی‌کند (Schatzman, 1991: 305). بر این اساس شاتزمن به ابداع تحلیل ابعاد پرداخت که می‌توان آن را به عنوان روشی جایگزین برای نظریه‌پردازی زمینه‌ای توصیف کرد که با هدف صورت‌بندی بهتر و تبادل نظر در خصوص فرایند کشف در پژوهش کیفی به کار می‌رود.

تحلیل ابعاد و نظریه زمینه‌ای شباهت‌های بسیاری با یکدیگر دارند، با این حال بررسی روندهای مربوطه نشان از تفاوت‌ها و تمایزات این روش با نسخه پیشنهادی اشتراوس و گلیزر و نسخه‌های بعدی، از جمله نسخه کلاسیک گلیزر (Glaser, 1992; 1998; 2001; 2007)

جدول ۱: شباهت‌ها و تمایزات نظریه زمینه‌ای و تحلیل ابعاد

تحلیل ابعاد	نظریه زمینه‌ای متعارف
برساخت‌گرا/نسبی‌گرا و تفسیری	معرفت‌شناسی: اثبات‌باور/واقع‌گرا تا برساخت‌گرا (در نسخه‌های گوناگون)
بنیاد فلسفی: کنش متقابل نمادین	بنیاد فلسفی: کنش متقابل نمادین
پرسش اصلی: پرسش از «همه» آنچه در اینجا در جریان است	پرسش اصلی: پرسش از فرایند اجتماعی پایه
ماتریس تبیینی به عنوان زیربنای تحلیل (چارچوبی به دست می‌دهد که به وسیله آن تحلیل از توصیف فراتر رفته و به قلمروی تبیین گام می‌گذارد)	ماتریس و مدل پارادایمی به عنوان ابزاری برای کدگذاری داده‌ها (یکی از فرایندها در کدگذاری محوری؛ یکی از تکنیک‌های متعدد در نظریه زمینه‌ای برای توسعه و مرتبط ساختن مقوله‌ها)
کشف معنای تعاملات مشاهده شده در پدیده یا موقعیت مورد بررسی و برساخت پدیده یا موقعیت مورد مطالعه	هدف فرایند تحلیل دستیابی به یک توصیف نظری از فرایند اجتماعی پایه است که برای مشارکت کنندگان در پژوهش از بیشترین اهمیت برخوردار است
پیش فرض اصلی: شناسایی اجزای یک «کل»، دستیابی به نگرشی گسترده‌تر نسبت به پیچیدگی‌های آن	پیش فرض اصلی: وجود حقایق عام و قابلیت تعمیم
برساخت یا بازسازی بدیع و مجدد مولفه‌های متعدد یک پدیده اجتماعی پیچیده	ارائه روایت‌های برجسته یا نظریه رسمی
ابعادی کردن/تحلیل طبیعی	مقایسه مداوم به عنوان زیربنای تحلیل
اعمال پژوهشی به صورت همزمان و در تعامل با یکدیگر	توالی خطی اعمال پژوهشی
مراحل: ۱. ابعادی کردن؛ ۲. تفکیک؛ ۳. یکپارچه‌سازی	مراحل: ۱. کدگذاری باز؛ ۲. کدگذاری محوری؛ ۳. کدگذاری گزینشی
چرخه‌ای از استقرا و قیاس	استقرا محض تا استفهام (در نسخه‌های گوناگون)
پژوهشگر در خصوص پدیده یا موقعیت مورد بررسی نسبت به مطلعین، اطلاعات کمتری دارد اما توانایی شناخت و آموختن را دارد	پژوهشگر به عنوان متخصص اما با ذهنی باز و خالی
دستیابی به حساسیت نظری به عنوان یکی از اهداف	دستیابی به حساسیت نظری به عنوان یکی از اهداف
کانون تحلیل: ابعادی کردن و ترسیم دیاگرام توسط ماتریس تبیینی	کانون تحلیل: کدگذاری، مقوله‌بندی و ترسیم دیاگرام تحلیل
بازاندیشی مورد توجه است، از ابتدای پژوهش تا گزینش چشم‌انداز و ترسیم ماتریس تبیینی	بازاندیشی مورد توجه نیست

مأخذ: نگارندگان

بنیادهای فلسفی و زیربناهای نظری روش تحلیل ابعاد

نظریه زمینه‌ای ریشه در کنش متقابل نمادین داشت، رویکردی که بر معانی پیشامدها برای مردم در بستر طبیعی تمرکز دارد (Parsley-Crotteau, et al., 2001). این رویکرد توسط جرج هربرت مید توسعه یافت و بر سه پایه اصلی بنا شده است: "کنش انسان‌ها نسبت به پدیده‌های پیرامون‌شان مبتنی بر معانی‌ای است که آن پدیده‌ها برای آن‌ها دارند؛ این معانی از تعاملات اجتماعی مشخص با همتایان ناشی می‌شود؛ معانی در فرایند تفسیر و در طی مواجهه شخص با پدیده‌ها اصلاح، تعدیل و سازماندهی می‌شوند" (Blumer, 1969: 2). کنش متقابل نمادین، که تا اندازه‌ای به عنوان نقدی بر جامعه‌شناسی کارکردگرا به عنوان رویکرد مسلط در اوایل قرن بیستم توسعه یافت، بسیاری از پیش فرض‌های اثبات‌باور کارکردگرایی را رد می‌کند و تاکید و تمرکز آن بر زمینه، هم در نظریه و هم در روش است. بر این اساس کنش متقابل نمادین در پی آزمون تجربی نظریه‌های قیاسی و رها-از-زمینه با هدف پیش‌بینی و کنترل نیست بلکه به دنبال توسعه نظریه‌ای طبیعت‌گرایانه، برخاسته از زمینه و وابسته به زمینه در فرایندی مقایسه‌ای و چرخشی است (Jacobson, 2001: 249).

مشابه با نظریه زمینه‌ای، بنیادهای فلسفی تحلیل ابعاد در کنش متقابل نمادین قرار دارد. بر این اساس فرایند کشف «همه آنچه در اینجا اتفاق می‌افتد» به عنوان پرسش اصلی در روش تحلیل ابعاد در رویکرد کنش متقابل نمادین ریشه دارد که در آن تفکر امری دانسته می‌شود که به وسیله تعاملات فرد با داده‌ها هدایت شده و در واقع بازتابی است از این تعامل (Schatzman, 1991). پیش فرض کلیدی این روش این است که پدیده یا موقعیت مورد بررسی به صورت اجتماعی بر ساخته شده، در یک بستر خاص واقع شده و از یک چشم‌انداز معین تعریف می‌شود (Van Clea et al., 2013: 3). چشم‌انداز تفکر تحلیلی بر پیشامدها در قلمروی طبیعی متمرکز است، جایی که تعاملات انسانی در آن‌ها رخ می‌دهد. هدف تحلیل ابعاد به جای کشف فرایند اجتماعی پایه - به عنوان پرسش اصلی در نظریه زمینه‌ای - عبارت است از کشف معانی این تعاملات که موقعیت را خلق می‌کنند (Robercht, 1995: 172). از سوی دیگر تحلیل ابعاد بر پایه نظریه «تحلیل طبیعی^۴» بنا شده است. تحلیل طبیعی دیدگاهی نسبت به تحلیل است که شاتزمن آن را یکی از فرایندهای فرعی تفکر می‌داند که همراه با زبان، در نخستین مراحل زندگی اجتماعی آموخته می‌شود و در مواجهه با مسائل و در هنگام نیاز به اقدام از آن بهره گرفته می‌شود (Schatzman, 1991: 305). بر این اساس تحلیل ابعاد روشی برای انجام پژوهش است که در واقع می‌توان آن را بسط فرایند تحلیل طبیعی دانست به طوری که در تحلیل طبیعی به صورت شهودی برخی از اعمال تشریح شده ذیل روش تحلیل ابعاد انجام می‌شود. این امر بدون شناخت نسبت به فرایند مربوطه و بدون آگاهی از چگونگی و چرایی این اعمال انجام می‌شود. در تحلیل طبیعی وقتی فرد به داستانی گوش می‌دهد،

ویژگی‌های آن را، آن‌چنان که توصیف شده، مورد مذاقه قرار می‌دهد و کوشش می‌کند تا اعمال گوناگون انجام شده را در ارتباط با بستر، شرایط و پیامدها مورد بررسی قرار دهد. آنچه شنونده به عنوان موضوع اصلی در داستان تشخیص داده بیانگر یک نقطه نظر، یا یک چشم‌انداز^۵ است (Robercht, 1995: 172).

گرچه هدف اولیه تحلیل ابعاد بهبود صورت‌بندی و فراهم آوردن امکان تبادل نظر در خصوص فرایند کشف نظریه در پژوهش کیفی بود اما در ادامه پژوهشگران مختلف (از جمله McCarthy, 2003a; McCarthy, 2003b; Kools et al., 1996) تحلیل ابعاد را به عنوان جایگزینی برای روش مقایسه مداوم در نظریه زمینه‌ای ارائه و معرفی نمودند. شاتزمن از آغاز تحت تاثیر توانمندی نظریه زمینه‌ای برای انجام تحلیل مقایسه‌ای قرار گرفته بود و این موضوع را یکی از برتری‌های آن نسبت به سایر روش‌هایی می‌دانست که به وسیله نظریه هدایت می‌شوند، با وجود این معتقد بود که به رغم سودمندی مقایسه "به نظر می‌رسد این روش پیچیدگی و ظرافت استدلال تحلیلی را به حداقل می‌رساند" (Bowers & Schatzman, 2009: 90). از دید وی تحلیل مقایسه‌ای به صورت تلویحی ابعاد و ارزش‌های نسبت داده شده به آن‌ها را در خود جای داده است اما تمرکز بر مقایسه باعث شده تا طیف گسترده‌ای از فرایندهای تحلیلی نادیده گرفته شوند. از سوی دیگر اگرچه مقایسه مداوم متضمن رابطه نزدیک و پیوسته پژوهشگر و موضوع مورد بررسی قلمداد شده است (Suddaby, 2006: 640) شاتزمن معتقد است که تمرکز زود هنگام بر مقایسه در روش نظریه زمینه‌ای، پژوهشگر را در بیرون از داده‌ها جای داده و به توسعه ابعادی خارج از داده‌ها منجر می‌شود و نهایتاً درک پژوهشگر از پدیده مورد مطالعه را محدود می‌نماید (Bow-ers & Schatzman, 2009). بنابر نظر شاتزمن اتخاذ رویکردی گسترده‌تر به تحلیل (یعنی چیزی فراتر از تحلیل مقایسه‌ای) و پرسش از «تمامی» آنچه دخیل است، طیف گسترده‌ای از ابعاد مرتبط با پدیده مورد مطالعه را تولید کرده و مانع از نتیجه‌گیری زود هنگام می‌گردد و پیش از انجام تحلیل مقایسه‌ای، پژوهشگر را به سمت ابعاد و ویژگی‌های پیچیده‌تر و غنی‌تر هدایت می‌کند. بدین ترتیب شاتزمن انگاره ابعادی کردن را به عنوان پایه‌ای نظری برای تعریف تحلیل ارائه داد که ریشه در تعامل‌گرایی نمادین و تحلیل طبیعی به عنوان بنیادهای فلسفی و زیربناهای نظری تحلیل ابعاد دارد. انسان‌ها در خلال آموختن زبان و در ضمن مشارکت در تعاملات اجتماعی، توانایی خود برای انجام تحلیل طبیعی را بهبود می‌بخشند و ویژگی‌های شناختی مربوط به ابعادی کردن را توسعه می‌دهند (Kools et al., 1996: 315).

مراحل/گام‌های تحلیل ابعاد

پژوهشگران کیفی همواره در معرض این نقد قرار داشته‌اند که نمی‌توانند به صورتی واضح فرایند تحلیلی منجر به خلق نظریه را صورت‌بندی نمایند. این مسئله سوالانی را در خصوص اعتبار و

اساس تحلیلگر پیش از الگودهی، نخست باید ملاحظات مختلف را شناسایی نماید (Schatzman, 1991: 311).

در مرحله ابعادی کردن پژوهشگر واژگانی را توسعه می‌دهد که اعمال شناختی لازم در طی تحلیل را ممکن می‌سازد. این تحلیل اولیه به خلق تعدادی بعد منجر می‌شود. یک بعد عبارت است از یک مفهوم انتزاعی به همراه ویژگی‌هایش که معیارها یا پارامترهای کمی و کیفی گوناگونی را برای هدف توصیف و تبیین پدیده یا موقعیت مورد بررسی به دست می‌دهد. بعدها در تحلیل ابعاد را می‌توان مشابه با مقوله‌ها در نظریه زمینه‌ای متعارف دانست (Lyndon, 2008: 15). هر یک از ابعاد، یکی از مولفه‌های پدیده یا موقعیت مورد بررسی است که توسط پژوهشگر شناسایی شده است. این ابعاد از زیر مقوله‌ها یا ابعاد فرعی را تشکیل می‌شوند. ابعاد فرعی دامنه ویژگی‌های هر یک از ابعاد را مشخص می‌کنند. در ادامه هر یک از ابعاد فرعی شناسایی شده به وسیله مجموعه ویژگی‌هایی که می‌توانند بپذیرند به صورت دقیق‌تری توصیف می‌شوند. تعیین اهمیت و کفایت ابعاد شناسایی شده باید تا زمان شناسایی یک «توده بحرانی»^۱ از ابعاد به تاخیر انداخته شود. توده بحرانی میزانی از داده‌هاست که بر اساس آن‌ها پژوهشگر به این باور می‌رسد که جنبه‌های عمده پدیده مورد بررسی در تحلیل انعکاس یافته است (Kools et al., 1996). قضاوت در خصوص اینکه چه تعداد از ابعاد، یک توده بحرانی را شکل می‌دهند بر اساس تجربه انجام می‌پذیرد. شاتزمن این مسئله را با استعاره‌ای از نقشه‌برداری توضیح داده است: "آن تعداد از مختصات و نشان‌ها که هم مسیر به سوی پدیده یا موقعیت مورد بررسی را معین کند و هم بتوان اهمیت آن‌ها را نسبت به یکدیگر تشخیص داد و به طور خاص معین کرد که کدامیک باید به عنوان چشم‌انداز و کدام‌ها به عنوان عمل/تعامل یا فرایند انتخاب شوند" (Schatzman, 1991: 312). در ابتدا ابعاد شناسایی شده تنها یک فهرست را شامل می‌شوند اما به زودی ابعاد و ویژگی‌هایشان به اندازه‌ای گسترش می‌یابند که نمی‌توان آن‌ها را با هم ترکیب کرد، در اینجاست که پژوهشگر می‌تواند سناریوهای تبیینی گوناگونی را بیازماید و پیرامون اهمیت ابعاد نسبت به یکدیگر و مکان آن‌ها در ماتریس به تفکر پردازد.

تفکیک

پس از این که در مرحله ابعادی کردن داده‌ها بسط یافتند، در مرحله تفکیک، تلاش برای محدود کردن داده‌ها صورت می‌گیرد. محدود کردن به وسیله یک بعد مرکزی یا چشم‌انداز انجام می‌شود که در ادامه برای جهت‌دهی هدفمند به تحقیق مورد استفاده قرار می‌گیرد (Kools et al., 1996: 327). شاتزمن معتقد است که انسان محکوم به انتخاب است، باید چشم‌اندازی را برگزیند و از آن نقطه به مسائل مختلف بنگرد. در واقع در هر پژوهش مطلعین تنها می‌توانند داستان‌شان را از یک چشم‌انداز بیان کنند، چشم‌اندازی که ممکن است در زمان‌های مختلف متفاوت

تاییدپذیری یافته‌ها به وجود آورده بود. شاتزمن در روش تحلیل ابعاد به این دلمشغولی روش شناختی پاسخ داده و به دقت فرایند استخراج نظریه از داده‌ها را ترسیم می‌نماید. این روش در پی صورت‌بندی رویکردی نظام‌مند و ساختاریافته به پژوهش است که ضمن بهره‌گیری از ایده‌های کلیدی و اعمال اصلی روش نظریه زمینه‌ای به ماهیت نظام‌مند و در عین حال شهودی این روش وفادار بماند (Lyndon, 2008: 15). در این روش فرایند گردآوری و تحلیل داده‌ها در چرخه‌ای از استدلال‌های استقرایی و قیاسی انجام می‌شوند. این امر تا بررسی و بازبینی داده‌های کافی برای دستیابی به یک تبیین نظری غنی ادامه می‌یابد (Robercht, 1995: 175). رابطه تعاملی و پویا میان پژوهشگران و داده‌ها در این روش باعث شده تا تشریح فرایند انجام پژوهش در این روش، همچون سایر رویکردهای کیفی، با دشواری‌هایی همراه باشد. افزون بر آن در روش تحلیل ابعاد، تحلیل مطابق با مراحل مشخص و بر اساس گام‌ها یا فازهایی مجرد و منفک از یکدیگر انجام نمی‌پذیرد بلکه فعالیت‌های مرتبط با گردآوری و تحلیل داده‌ها به صورت همزمان، یا به صورتی چرخه‌ای صورت می‌گیرد. بیان خطی و متوالی مراحل مختلف در این نوشتار تنها با هدف ترسیم و تشریح فرایند صورت می‌پذیرد. بر این اساس فرایند تحلیل در تحلیل ابعاد را می‌توان در قالب سه مرحله (۱) ابعادی کردن؟ (۲) تفکیک؟ و (۳) یکپارچه‌سازی^۲ به شرح زیر تشریح کرد:

ابعادی کردن

ابعادی کردن نخستین مرحله از روش تحلیل ابعاد است که با هدف انتزاع نمودن جنبه‌های متعدد مشاهده شده در موضوع مورد بررسی انجام می‌پذیرد (Schatzman, 1991: 310). این مرحله شامل نام‌گذاری پاره‌های داده‌ها و بسط آن‌ها در قالب خصوصیات گوناگون، شامل ابعاد مختلف و ویژگی‌ها می‌باشد (Shankar & Goulding, 2001: 11). گرچه ابعادی کردن ظاهراً معادل کدگذاری باز (در نظریه زمینه‌ای) است اما از نظر عملیاتی با هم متفاوت‌اند. این تفاوت از آنجا ناشی می‌شود که در ابعادی کردن، بدون توجه به اینکه کدها از ساختار یا فرایند، بستر و یا شرایط، پدید آمده‌اند باید در ابتدا آن‌ها را به عنوان ابعاد متمایز تجربه شکل داد. بر این اساس، در ابعادی کردن تحلیلگر تنها به دنبال تجربیاتی است که به پرسش روش شناختی پاسخ می‌دهد؛ یعنی جستجو برای «همه» آنچه در اینجا دخیل است. این پرسش از اهمیت خاصی برخوردار است زیرا این مرحله تنها در پی شناخت است و نه تعیین اهمیت و یا معنای چیزها. یکپارچه‌سازی و تعیین ارزش مفهوم‌ها در مراحل بعدی تحلیل انجام خواهند گرفت. در این مرحله از فرایند تحلیل، تمامی کدها شکل ابعادی به خود می‌گیرند که از دید تحلیلگر با پدیده یا موقعیت مورد بررسی مرتبط‌اند و در عین حال در تمامی نمونه‌ها حضور داشته و قابل پیگیری هستند. بدیهی است که هر پدیده یا موقعیت مجموعه‌ای خاص و متمایز از این ابعاد را دارد، بر این

باشد، اما هرگز بدون چشم‌انداز نیستند. پژوهشگر نیز می‌تواند تنها تحلیل را از یک چشم‌انداز خاص هدایت کند. بدون چشم‌انداز نمی‌توان به تحلیل اقدام کرد (Bowers & Schatzman, 2009). این چشم‌انداز نقشی کلیدی در فرایند تحلیل در روش تحلیل ابعاد بر عهده دارد زیرا همه چیز به لنز و چشم‌اندازی وابسته است که تحلیلگر بر اساس آن به پدیده یا موقعیت مورد بررسی می‌نگرد. توجه به چشم‌انداز یک ویژگی متمایز تحلیل ابعاد است و بر اساس آن این روش، نیاز به یک چارچوب نظری پشتیبان برای کمک به بساخت داستان را به رسمیت می‌شناسد. تحلیل ابعاد بر دانش و تجارب قبلی به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از فرایند تفکر تاکید می‌نماید. این مسئله دلایلی عملی دارد، زیرا گرچه نظریه زمینه‌ای استفاده از نظریات موجود به عنوان بنیادی برای تحلیل را رد می‌کند، اما در واقعیت یک پژوهشگر در فرایند درک یک پدیده اجتماعی پیچیده به سختی قادر است دانش روش‌شناختی یا ماهوی پیشینی خود را به تمامی کنار بگذارد (Shankar & Goulding, 2001: 12). از هر چشم‌انداز، پدیده یا موقعیت به گونه‌ای متفاوت به نظر می‌رسد یعنی ویژگی‌های آن تغییر می‌کند؛ میزان اهمیت ابعاد مختلف دیگرگون می‌شود؛ و پیامدهای متفاوتی به دنبال دارد (Jacobson, 2001: 249). با این حال خود چشم‌انداز نیز قابل تغییر است. "هر یک از ابعاد و ابعاد فرعی می‌توانند چنان اهمیتی یافته و به عنوان چشم‌انداز برگزیده شوند. در این صورت آن بعد می‌تواند برای تعیین اهمیت و جایگاه سایر ابعاد استفاده شود" (Schatzman, 1991: 311). تغییر چشم‌انداز، پدیده یا موضوع مورد بررسی را نیز متحول می‌کند، از این رو تحلیل ابعاد فرصت‌های بسیاری برای جایگشت‌های تحلیلی و تحلیل‌های جایگزین به دست می‌دهد. تحلیلگر وظیفه دارد تا از میان این گزینه‌ها مفیدترین و پربرترین را برگزیند.

انتخاب چشم‌انداز از میان ابعاد گوناگون و پس از رسیدن به یک توده بحرانی از ابعاد انجام می‌شود. انتخاب شتابزده و نابهنگام یک بعد به عنوان چشم‌انداز، گردآوری و تحلیل داده‌ها را منحرف کرده و از حالت بی‌طرفی خارج می‌کند. در این شرایط احتمالاً پژوهشگر تنها چیزهایی را خواهد یافت که پیش‌تر انتظارش را دارد. در انتخاب چشم‌انداز، نخست پژوهشگر به هر یک از این ابعاد این امکان را می‌دهد که در جایگاه چشم‌انداز قرار بگیرد. بر این اساس "هر یک از ابعاد، حداقل برای زمانی کوتاه و با هدف بررسی شایستگی‌اش، باید بخت آن را بیابد که در جایگاه چشم‌انداز قرار گیرد" (Schatzman, 1991: 311). با این کار تمامی ابعاد شناسایی شده در یک موقعیت، فرصت برابری برای ظاهر شدن به عنوان چشم‌انداز راهنمای پژوهش و تاثیرگذاری بر تحلیل را به دست می‌آورند. در ادامه آن بعدی که می‌تواند به بهترین وجه دغدغه اصلی پژوهش را تبیین نماید به عنوان چشم‌انداز برگزیده می‌شود.

پس از انتخاب چشم‌انداز، تحلیلگر می‌تواند بررسی سناریوهای تبیینی مختلف را آغاز نماید. در این مرحله ابعاد گوناگون توسط

چشم‌انداز غالب هدایت شده و بر طبق آن به عناوین برجسته، مرتبط، حاشیه‌ای و غیرمرتبط تفکیک می‌شوند. در ادامه چشم‌انداز منتخب برای تعیین مکان تمامی ابعاد دیگر (به جز آن‌هایی که غیرمرتبط دانسته شده‌اند) در داخل ماتریس تبیینی به عنوان بستر، شرایط، فرایندهای و یا پیامدها استفاده می‌گردد. شکل ۲ فرایند انتخاب چشم‌انداز را نشان می‌دهد. ابعدی که توسط پژوهشگر نسبت به چشم‌انداز، پیرامونی تشخیص داده شوند، پیش‌زمینه یا بستر تبیین را شکل می‌دهند. سایر ابعاد، یا شرایطی هستند که عمل را متأثر کرده‌اند یا پیامدهای آن اعمال می‌باشند و بر این اساس در ماتریس تبیینی جای می‌گیرند.



شکل شماره ۲: انتخاب چشم‌انداز؛
مأخذ: Kools et al., 1996, 320

یکپارچه‌سازی

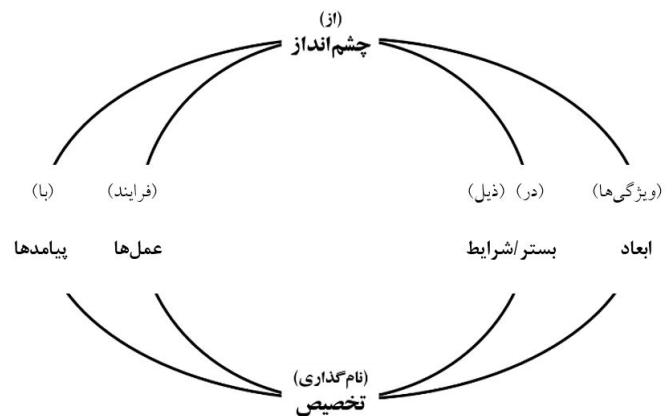
یکپارچه‌سازی ابعاد در قالب ماتریس تبیینی آخرین مرحله در فرایند تحلیل ابعاد است. در این مرحله تحلیلگر باید تکه‌های گوناگون ماتریس تبیینی که تا اینجا بر اساس دیدگاهی زمینه‌ای شناسایی شده‌اند را بازسازی نماید. پژوهشگر ابعاد مختلف را بر اساس چشم‌انداز مرکزی سازمان‌دهنده یکپارچه می‌نماید و بدین ترتیب الگوها و ارتباطات میان ابعاد مختلف تشریح و تبیین می‌شوند (Schatzman, 1986). هدف ماتریس تبیینی فراهم آوردن یک ساختار یا نگرش روش‌شناختی برای تحلیل و تبیین است. تبیین یا داستان، تحلیلگر را از روابط میان اعمال و پیامدهای آن‌ها تحت شرایطی مشخص، در یک بستر، مطلع می‌نماید (Shankar & Goulding, 2001: 12). مفهوم‌های مورد استفاده برای تلخیص پیشامدهای گوناگون که واقعیت را به تصویر می‌کشند، بیانگر

قابلیت کاربست روش تحلیل ابعاد برای پژوهش درباره شهر اسلامی

شهراسلامی از جمله مفاهیمی است که به دلیل ماهیت جامع‌الابعاد آن، پژوهشگران نظام‌های علمی گوناگون سعی در بررسی، تبیین و توصیف آن داشته‌اند. این انگاره یکی از مهم‌ترین مفاهیم مرتبط با طراحی و برنامه‌ریزی شهری متناسب با ارزش‌ها، اصول و فرهنگ اسلامی است که تاثیر بسیاری بر مطالعات این عرصه داشته است. عرصه‌ای که در گسترده‌ترین مفهوم می‌توان آن را شهرسازی اسلامی نامید. با این همه، هنوز تبیین واحدی از ماهیت، ویژگی‌ها و مولفه‌های شهر اسلامی ارائه نشده است که نسبت به آن توافقی فراگیر وجود داشته باشد. اگرچه بخشی از این مسئله به خاستگاه و چگونگی شکل‌گیری این انگاره و ویژگی‌های آن از ابتدا منسوب شده به آن باز می‌گردد (فلاح، ۱۳۹۰)، در عین حال "می‌توان فقدان و عدم بهره‌گیری از یک روش مناسب را یکی از مشکلات اصلی در مطالعه شهر اسلامی و تبیین مولفه‌ها و ویژگی‌های آن برشمرد" (بابائی و دیگران، ۱۳۹۶: ۸). در این میان بررسی مناسب روش نظریه زمینه‌ای و خوانش‌های گوناگون آن، به ویژه روش تحلیل ابعاد، به مثابه روشی برای پژوهش درباره شهر اسلامی کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

چنان که در قسمت اول مقاله ذکر شد هدف تحلیل ابعاد واکاوی شیوه‌های متعددی است که مفهوم، پدیده یا موقعیت مورد بررسی، بر ساخته شده و مورد استفاده قرار می‌گیرد (Squires, 2004: 274)، بر اساس این، مقاله در ادامه در پی تحلیل ابعاد و ویژگی‌های شهر اسلامی در اندیشه متفکران و اندیشمندان گوناگونی است که در این عرصه به پژوهش و نظریه‌پردازی اقدام کرده‌اند. تحلیل و تفسیر انگاره شهر اسلامی بخشی جدایی‌ناپذیر از تلاش‌ها برای بهره‌گیری از ارزش‌ها و اصول اسلامی در شهرسازی و معماری است، از این رو دیدگاه‌های مختلف در این عرصه به نوعی از درک و دریافت حرفه‌مندان، متخصصان و اندیشمندان این حوزه در خصوص انگاره شهر اسلامی، ابعاد و ویژگی‌های آن، وجود یا عدم وجود آن تاثیر پذیرفته است. بر اساس این و با بهره‌گیری از روش تحلیل ابعاد، مقاله در پی پاسخ به این سوال است که: انگاره شهر اسلامی نزد اندیشمندان و پژوهشگران مختلف (و در واقع در روایت‌های گوناگون ارائه شده توسط آن‌ها) چگونه تفسیر شده و بر ساخت این مفهوم چگونه به دست داده شده است؟ بهره‌گیری از تحلیل ابعاد، ویژگی‌ها، ابعاد و محدودیت‌های دیدگاه‌های گوناگون را آشکار ساخته و خصوصیات هر یک را تبیین می‌نماید. به این منظور از متون و روایت‌های مختلف در خصوص شهر اسلامی برای تبیین ابعاد و ویژگی‌های این انگاره بهره‌گرفته شده است. انتخاب این روایت‌ها با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند و نمونه‌گیری نظری انجام شده است. در این فرایند ابتدا فهرستی خلاصه از ابعاد بر ساخت شهر اسلامی در متون مورد بررسی شناسایی شدند. این فهرست به جای تمرکز

ابعاد گوناگون آن پیشامد هستند. این ابعاد در هر موقعیت خاص به جنبه‌های گوناگون و پیچیدگی‌های موضوع اشاره دارند. نام‌گذاری یا تخصیص این ابعاد به لحاظ مفهومی امکان‌تامل و گفتگو در خصوص پیشامدها را مهیا می‌سازد. بر این اساس می‌توان گفت عمل تخصیص، یک پیشامد خاص را به بازنمایی انتزاعی تر پیشامد مبدل می‌سازد (Robercht, 1995: 173). بر این اساس مدل ارائه شده در قالب ماتریس تبیینی فرایندهای تحلیلی انجام شده توسط پژوهشگر را تشریح و تبیین‌های منتج از این فرایند را بازنمایی می‌کند. صورت انتزاعی ماتریس تبیینی در شکل ۳ ارائه شده است. فرآورده نهایی این سنتز یک نظریه زمینه‌ای است که "به داستان مورد نظر در خصوص پدیده یا موقعیت مورد بررسی شکل تبیینی و نظری می‌دهد، چیزی که در غیر این صورت، در بهترین حالت، می‌تواند تنها یک توصیف خوب باشد" (Schatzman, 1991: 313).



شکل شماره ۳: ماتریس تبیینی؛ مأخذ: Robercht, 1995: 174

در این مرحله حجم محدودی از داده‌ها با هدف به چالش کشیدن و تعیین اعتبار نظریه در حال ظهور گردآوری و تحلیل می‌شوند. افزون بر آن، ادامه گفت و گوهایی درونی پژوهشگر با خود در قالب یادداشت‌های تحلیلی^۱ - که در سایر مراحل نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند - و همچنین گفتگوهای انجام شده با هم‌تایان به عنوان ابزاری برای تأیید اعتبار نظریه استفاده می‌شود (Kools et al., 1996: 328). هنگامی که اشباع الگوها و تخصیص‌ها و غنای ارتباطات مفهومی به میزان قابل قبولی رسید، فرایند خلق نظریه کامل شده است و داستان به عنوان خروجی این فرایند بازسازی شده است. بدین ترتیب برآیند و خروجی تحلیل ابعاد بر ساخت یا بازسازی جدیدی از یک داستان یا نظریه است که یک پدیده یا موقعیت مورد بررسی را به تصویر می‌کشد. تحلیل ابعاد با سازماندهی و طبقه‌بندی لایه‌های متعدد از ابعاد مرتبط مشاهده شده در داده‌ها، و سپس سازماندهی و تفسیر آن‌ها بر اساس چشم‌انداز کلیدی به خلق نظریه اقدام می‌کند (McCarthy et al., 2004: 954).

بر ویژگی‌ها، پیشامدها و اقدامات خاص در پی شناسایی ابعادی است که کیفیت‌ها را نه بر اساس نمونه‌های خاص، بلکه بر پایه کیفیت‌های عام صورت‌بندی نماید. شش بعد اصلی در متون و روایت‌های مورد بررسی به شرح زیر شناسایی شده‌اند:

۱. ارکان و عوامل شکل‌دهنده شهر اسلامی: نظرات مختلفی

برای معرفی اجزای شهر یا عوامل شکل‌دهنده شهر مطرح شده‌اند از جمله «انسان، محیط و فرهنگ»، «انسان و فعالیت‌ها و فرهنگ»، «کار، مسکن، تفریح و حرکت» و «مجموعه‌ای از نهادهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی». اگرچه هر یک از مقوله‌های کالبد و فعالیت واجد جنبه‌های مختلف معنوی و مادی یا صورت و معنا هستند (نقی زاده، ۱۳۸۷: ۴۵) اما بررسی متون مربوطه نشان می‌دهد در میان ارکان و عوامل شکل‌دهنده شهر، انسان اصلی‌ترین عنصر در ظهور شهر اسلامی دانسته شده است. به بیان دیگر قلمروهای اصلی شکل‌دهنده شهر اسلامی وابسته به انسان قلمداد شده است و مطابق آن وجوه مختلفی برای مولفه‌ها و اجزای سازنده شهر اسلامی، به عنوان ویژگی‌های بعد حاضر، برشمرده شده است که عبارتند از: (۱) وجه فکری و اعتقادی انسان؛ (۲) وجه فرهنگی و اخلاقی و رفتاری و عملی؛ (۳) وجه کالبدی که حاصل عمل انسانی و فضای رفتارها و تجلیگاه باورهای اوست.

۲. ماهیت شهر اسلامی: این بعد ماهیت و چیستی شهر اسلامی را مورد توجه قرار می‌دهد. دیدگاه‌های مختلفی در این زمینه در متون مربوطه قابل شناسایی است (ابراهیمی، ۱۳۷۵؛ داوری اردکانی، ۱۳۷۵؛ احمدی دیسفانی و همکاران، ۱۳۹۰؛ موحد و همکاران، ۱۳۹۱) که می‌توان آن‌ها را به این ترتیب به عنوان ویژگی‌های این بعد برشمرد: (۱) واقعیت: شهر اسلامی به مثابه موجودیتی در قلمروی جغرافیایی زیست و حکومت مسلمانان؛ (۲) تاریخی: شهرهای تاریخی-سنتی که اکثریت ساکنان آن مسلمان بوده و بنابر آداب، مراسم و مناسک دین اسلام زندگی می‌کرده‌اند؛ (۳) کالبدی: وجود عناصر کالبدی مشخص، شامل مسجد، بازار، محله و حمام، در یک شهر معرف آن به عنوان شهری اسلامی می‌گردد؛ (۴) فراکالبدی: شهر اسلامی نه بر اساس شکل و ظاهر که بر اساس باطن و محتوا یعنی نظامات و مناسباتی تعریف می‌شود که اساس فلسفه ساخت شهر را تشکیل می‌دهند؛ (۵) آرمانی: شهر اسلامی، شهری آرمانی است که ویژگی‌های آن در آرای فلاسفه و اندیشمندان مسلمان توصیف شده است.

۳. منشا ارزش‌ها: این بعد منابع و مراجع مختلف در شکل‌گیری

و توصیف شهر اسلامی را تشریح می‌نماید و می‌توان دامنه‌ای از منابع مختلف را به عنوان ویژگی‌های آن برشمرد:

(۱) قرآن و متون اسلامی: ماهیت، ویژگی‌ها و چیستی شهر اسلامی بر مبنای قرآن و روایات و احادیث مختلف قابل شناسایی است؛ (۲) تمدن: سیمای شهر اسلامی و ویژگی‌های آن آینه‌ای است از مظاهر تمدن اسلامی؛

(۳) تناظر با انسان: انسان هدف شهر اسلامی است و به تبع ابعاد وجودی انسان - روح و جسم - شهر اسلامی متناسب با انسان

مسلمان و نیازهای جسمانی و روحانی او شکل می‌گیرد.

۴. تفکیک شناخت‌شناسی شهر: شهر نوع خاصی از سازمان یافتگی زندگی اجتماعی در انطباق با فضا است (فکوهری، ۱۳۸۷: ۲۸). بر این اساس این بعد مهم‌ترین مولفه‌های مطرح شده در خصوص شهر را مورد توجه قرار می‌دهد که عبارتند از: (۱) رویکرد سیاسی که شهر را به مثابه یک واقعیت حقوقی سیاسی تعریف می‌کند؛ (۲) رویکرد اقتصادی که در آن شهر به مثابه واقعیتی اقتصادی تعریف می‌شود؛ (۳) رویکرد جغرافیایی فضایی که در آن شهر به مثابه یک واقعیت جغرافیایی تعریف می‌شود؛ مفهوم جغرافیایی در اینجا مفهومی فضایی، کالبدی و در نهایت طبیعی است؛ (۴) رویکرد معناشناختی که در آن شهر به مثابه واقعیتی معنایی و نمادین تعریف می‌شود؛ (۵) رویکرد جامعه‌شناختی که شهر را به مثابه یک واقعیت اجتماعی بررسی می‌کند.

۵. پیدایش و عملکرد شهر: این بعد به عملکرد و پیدایش شهر می‌پردازد. آن چه که به تاسی از لینچ (Lynch: 1984) می‌توان آن را نظریه عملکردی نامید و بر این اساس دامنه‌ای از ویژگی‌های مختلف را می‌توان برای آن برشمرد: (۱) شهرها فرایندهای تاریخی خاص هستند؛ (۲) شهرها اکوسیستمی برای گروه‌های انسانی هستند؛ (۳) شهرها فضایی برای تولید و توزیع کالا هستند؛ (۴) شهرها حوزه عمل نیروهای مختلف هستند؛ (۵) شهرها نظامی از تصمیمات مرتبط هستند؛ (۶) شهرها عرصه‌های تضاد هستند.

۶. مسئله شهر اسلامی: مسئله به معنای معضل یا مشکلی است که تنها یک راه‌حل ندارد بلکه می‌توان برای برون رفت از گره و مسئله راه‌حل‌های متعددی را برای آن متصور شد (رجایی، ۱۳۹۲). بر اساس این بعد، شهر اسلامی در زمره معضلات و مشکلاتی است که تنها به یک وجه نمی‌توان آن را دریافت یا برای آن سامانی صورت‌بندی کرد، بلکه همواره و همه‌جا چندلایه و متغیر است. این بعد ناظر به همین چندلایگی و تنوع است و می‌توان آن را فلسفه فراگیر در خصوص شهر اسلامی نیز نامید.

در این مرحله و پس از دستیابی به یک توده بحرانی از ابعاد شامل شش بعد اشاره شده - به انتخاب چشم‌انداز و سازماندهی ابعاد مختلف در قالب چارچوبی تبیینی پرداخته می‌شود. از آنجا که نوع دریافت از مسئله شهر اسلامی یا فلسفه فراگیر در مواجهه با شهر اسلامی به درک و شناخت فراگیر شهر اسلامی و ویژگی‌ها و خصوصیات آن کمک می‌کند و از دریچه آن می‌توان به سایر ابعاد نگریست، در اینجا «مشکله شهر اسلامی» به عنوان بعد مرکزی یا چشم‌انداز برگزیده شد. بر اساس این، مدل‌ها و الگوهای شناسایی شده زیر به عنوان ابعاد و زیر ابعاد تشکیل دهنده چارچوب تبیینی مشتمل بر بستر، شرایط، فرایندها و پیامدها تشریح می‌شوند:

۱. مدل سکونتگاه (نه شهر) اسلامی: این مدل بر اساس تجربه شهرنشینی در تاریخ اروپا سازمان یافته و روند شهر پژوهی در جوامع اسلامی را بر اساس الگویی اروپایی از شهر سامان داده است؛ الگویی که به نوعی بازتاب برخی جریان‌ها و شاخص‌های

شهرگرایی، شهرنشینی و شهرسازی در اروپا است. بر این اساس، در این مدل آنچه از آن به عنوان شهر اسلامی یاد می‌شود با معیارها و ویژگی‌های شهر در مفهوم اروپایی آن مقایسه شده و چون این معیارها در شهرهای جوامع اسلامی دیده نمی‌شوند، نتیجه گرفته می‌شود که در واقع نه شهر، بلکه گونه خاصی از زندگی شهری و سکونت‌گاه‌های شهری منظور نظر می‌باشد. سکونت‌گاه‌هایی عاری از هویت مستقل و فاقد نهادهای مدنی، مقررات توسعه یافته زندگی شهری، اندیشه شهروندی و سایر شاخص‌های مشابه (یوسفی‌فر، ۱۳۸۲). بدین ترتیب در این مدل اطلاق تعبیر شهر اسلامی به مجتمع‌های زیستی مسلمانان با این پیش‌فرض همراه است که این سکونت‌گاه‌ها از نظر کالبدی، تجلی خاصی از اصول و ارزش‌های اسلامی هستند (نقی‌زاده، ۱۳۹۰) و بدین ترتیب نه تنها با شهرهای سایر تمدن‌ها و فرهنگ‌ها متمایزند بلکه به علت فقدان مولفه‌های تعریف‌کننده شهر، اصولاً با مفهوم مورد قبول از شهر نیز در تعارضند و بیش از آنکه «شهر» اسلامی باشند، «سکونت‌گاه» اسلامی هستند.

۲. مدل شهر بی‌زمان: این مدل بر باطن شهر اسلامی، یعنی نظامات و مناسباتی که اساس فلسفه ساخت شهر را تشکیل می‌دهند متمرکز است، نه بر شکل، ظاهر و ساخت آن. بدین ترتیب تلقی این مدل از شهر اسلامی، نه خوانشی تاریخی است و نه معمارانه و شهرسازانه، بلکه خوانشی است که بر ارزش‌های دینی مبسوط‌پاکی و بهزیستی، سلامت و امنیت و شکوفایی سامان یافته است (نوحی، ۱۳۸۸). مدل شهر بی‌زمان استدلال می‌کند که از آنجا که در تفکر اسلامی، انسان به عنوان جانشین خداوند بر روی زمین معرفی شده است، اصول حاکم بر اعمال و آثار انسانی هم باید رنگ و صبغه اصول مترتب بر فعل الهی را داشته باشد. با اکتفا به این پیش‌فرض، این مدل به حضور و بروز برخی از صفات فعل الهی شامل: وحدت، تعادل، زیبایی، نظم، هماهنگی، توازن، اندازه، حد، هدایت، سلسله‌مراتب، تسبیح، حق‌بودن، کرم، احسان، عدم خلق به بطالت، عدم خلق به بازی (نقی‌زاده، ۱۳۹۰) در فرایند طراحی و برنامه‌ریزی محیط به عنوان یکی از مهم‌ترین فرآورده‌های فعل انسان ضرورت می‌بخشد. بر اساس این مدل برخی ویژگی‌های شهر اسلامی به این ترتیب معرفی شده است: امنیت، عدالت، جاودانگی، به‌هم‌پیوستگی از درون، تغییر مداوم و خلق جدید، جمع‌گرایی، توجه به طبیعت و انسجام، ارتباط بین اجزا و اجزا با کل.

۳. مدل کالبدی: تعریف شهر اسلامی در این مدل بر اساس مشخصه‌ها و مولفه‌های کالبدی استوار است و مطابق آن، وجود برخی عناصر و ویژگی‌های کالبدی در شهر نشان از سکونت، تجارت و عبادت امتی اسلامی در شهر داشته و به طور کلی شهری اسلامی را در پهنه نفوذ خود به ذهن متبادر می‌سازد (موحد و دیگران، ۱۳۹۱). بدین ترتیب پیش‌فرض مدل کالبدی این است که در سیمای شهرهای اسلامی عناصری بر گرفته از آئین مقدس اسلام حضور دارند. به بیان دیگر، شهر اسلامی بر

اساس آن دسته عناصر کالبدی تعریف می‌شود که از فرهنگ غنی اسلام برگرفته شده‌اند (میرمحمدی، ۱۳۷۵). این مدل بر این باور است که با وجود تمامی گوناگونی‌ها و تمایزات ناشی از عوامل طبیعی، جغرافیایی، فرهنگی و غیره، شهر اسلامی ملهم از اقتضائات ایمانی واحد و معیارها و قوانین زندگی حاکم بر آن، شکل منسجمی از سازمان فضایی - کالبدی و عناصر و مولفه‌های کالبدی مشخصی را به دست می‌دهد که آن را از سایر شهرها و سکونت‌گاه‌ها متمایز می‌سازد.

۴. مدل شهر مسلمانان: این مدل انسان را هدف شهر اسلامی دانسته و بر این اندیشه استوار است که میان انسان مسلمان و شهر اسلامی هماهنگی و هم‌ساختی برقرار است. به این اعتبار، به تبعیت از ابعاد گوناگون وجودی انسان - روح و جسم - شهر اسلامی متناسب با انسان و نیازهای جسمانی و روحانی او شکل می‌گیرد (احمدی‌دیسفانی و علی‌آبادی، ۱۳۹۰). با این پیش‌فرض در مدل شهر مسلمانان، انسان‌ها در شهر اسلامی، مهم‌ترین اجزا و اعضای شهر هستند و از این رو کالبد شهر اسلامی (ظرف) بر اساس و به تبعیت از مردم (مظروف) شکل می‌گیرد. اگر عالم دینی رو نماید، بنای شهر و خانه دینی می‌شود (داوری اردکانی، ۱۳۷۵). از این رو شهر اسلامی در این مدل دارای شکل خاصی نیست، یعنی نمی‌توان در قالب شکلی خاص و با دستورالعمل‌هایی مشخص، شهر را اسلامی نمود بلکه پدید آمدن شهر اسلامی و سبک و شیوه آن مرهون نحوه سکنی‌گزیدن ساکنان آن بوده و با این نحوه سکنی‌گزیدن انطباق پیدا می‌کند.

۵. مدل تمدن اسلامی: در این مدل، شهر اسلامی شهری است که در آن مظاهر تمدن اسلامی نمود یافته و دارای هویت خاص فضایی، فرهنگی و تاریخی می‌شود (خدایی و تقوایی، ۱۳۹۰). مدل تمدن اسلامی بر این باور است که ویژگی‌های شهر اسلامی از دین اسلام و از قرآن و سنت نشأت گرفته است. با وجود این استدلال می‌کند که رجوع به اصیل‌ترین متون و منابع دست اول دینی بیانگر این است که دین اسلام به طور مستقیم به شهرسازی و معماری و الگوی خاصی برای آن توجه کمی معطوف داشته است (افشارنادری، ۱۳۷۵). بدین ترتیب پیش‌فرض این مدل آن است که سیمای جغرافیایی شهرهای دنیای اسلام مظاهر تمدن اسلامی را بازنمایی می‌کند (میرمحمدی، ۱۳۷۵). بر این اساس شهر اسلامی به آن دسته از مراکز جمعیت شهری اطلاق می‌شود که در آن مظاهر تمدن اسلامی حضوری ملموس و قابل مشاهده داشته است (ابراهیمی، ۱۳۷۵) و هویت معماری و شهرسازی آن از اسلام به عنوان تمدن - یعنی دستاورد و تولید فرهنگی مدل مسلمانان - متأثر است.

۶. مدل شهر قلمرو مسلمانان: مطابق این مدل ارتباط معناداری میان شهر و فرهنگ و دین ساکنان آن وجود ندارد و بر این اساس گرچه در قلمروی مسلمانان با تعاریف گوناگونی که برای آن ارائه شده است (از وجود اکثریت جمعیت مسلمان تا حضور حکومت‌های اسلامی) همواره سکونت‌گاه‌های شهری وجود

4. Natural analysis
5. Perspective
6. Dimensionalization
7. Differentiation
8. Integration/reintegration
9. Critical mass
10. Memo
11. Problematique

فهرست منابع و مراجع

۱. ابراهیمی، محمدحسن، (۱۳۷۵)، «مدخل بحث درباره شهر اسلامی»، **مجله آبادی**، س ۶، ش ۲۲، ص ۱۹-۲۲.
۲. احمدی دیسفانی، یداله، و علی آبادی، محمد، (۱۳۹۰)، «کنکاشی در باب شکل شهر سنتی از منظر اندیشه اسلامی»، **باغ نظر**، س ۸، ش ۱۹، ص ۱۷-۳۰.
۳. افشار نادری، کامران، (۱۳۷۵)، «مشترکات شهرسازی جهان اسلام»، **مجله آبادی**، س ۶، ش ۲۲، ص ۴۶-۵۳.
۴. بابائی، احسان، مسعود، محمد، زمانی، بهادر، و ربیعی، کامران (۱۳۹۶)، «تحلیل موقعیت به مثابه روشی برای پژوهش در خصوص شهر اسلامی»، **مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، س ۷، ش ۲۷، ص ۱۷-۲۸.
۵. خدایی، زهرا، و تقوایی، علی اکبر، (۱۳۹۰)، «شخصیت شناسی شهر اسلامی؛ با تأکید بر ابعاد کالبدی شهر»، **مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، ش ۴، ص ۱۱۳-۱۰۳.
۶. داوری اردکانی، رضا (۱۳۷۵)، «ملاحظات دربار طر ح مدینه اسلامی»، **مجله آبادی**، س ۶، ش ۲۲، ص ۴-۱۱.
۷. رجایی، فرهنگ (۱۳۹۲)، **مشکله هویت ایرانیان امروز**، نشر نی، تهران.
۸. فکوهی، ناصر (۱۳۸۷)، **انسان شناسی شهری**، نشر نی، تهران.
۹. فلاحت، سمیه، (۱۳۹۰)، «برساخت مفهوم شهر اسلامی»، **مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، ش ۳، ص ۳۵-۴۵.
۱۰. موحد، علی، شمعی، علی، و زنگانه، ابوالفضل، (۱۳۹۱)، «بازشناسی هویت کالبدی در شهرهای اسلامی (مطالعه موردی: شهر ری)»، **برنامه ریزی منطقه ای**، ش ۵، ص ۳۷-۵۲.
۱۱. میرمحمدی، حمیدرضا، (۱۳۷۵)، «اسیما و بافت شهرهای اسلامی»، **مشکوئه**، ش ۵۳، ص ۱۷۸-۱۸۹.
۱۲. نقی زاده، محمد (۱۳۸۷)، **شهر و معماری اسلامی**، انتشارات مانی، اصفهان.
۱۳. نقی زاده، محمد، (۱۳۹۰)، «ریشه های شهر اسلامی در متون اسلامی»، **کتاب ماه هنر**، ش ۱۵۵، ص ۱۲-۲۶.
۱۴. نوحی، حمید، (۱۳۸۸)، **شهر اسلامی از واقعیت تاریخی، نوستالژی مدنی و اتوپیا تا حقیقت دینی**، تأملات در هنر و معماری، گنج هنر، تهران، ص ۳۰۰-۲۶۱.
۱۵. یوسفی فر، شهرام، (۱۳۸۲)، «تاریخ شهر و شهرنشینی در جوامع اسلامی»، **کتاب ماه تاریخ و جغرافیا**، ش ۷۴، ص ۴۲-۵۱.
16. Allen, Natalie & Davey, Mark. (2017). "The value of constructivist grounded theory for built environment researchers", *Journal of Planning Education and Research*, 0739456X17695195.
17. Blumer, Herbert. (1969). *Symbolic interactionism: Perspective and method*, University of California Press.
18. Bollo, C. & Collins, T. (2017). "The power of words:

داشته اند اما این شهرها ارتباط مشخص و سازمان یافته ای با اسلام به عنوان یک مذهب نداشته اند. این مدل بر این پیش فرض استوار است که گرچه برخی مفاهیم مرتبط با حیات شهری همچون سلسله مراتب، قدرت و ایده های مرتبط با نظم سیاسی و اقتصادی می توانند در یک مقایسه میان فرهنگی پاسخگو باشند، اما مقوله شهر را نمی توان در این میان جای داد و بدین ترتیب این مدل نقش شهر به عنوان عنصری زیست پذیر در مقایسه میان فرهنگی را انکار می کند. پیرو این نگاه، مدل شهر قلمروی مسلمانان در توصیف شهر اسلامی، سعی در اتصاف صفاتی جغرافیایی/ تاریخی/قومی به آن داشته و عبارتهایی مانند شهر ایرانی اسلامی، شهر عربی اسلامی، شهر مدیترانه ای و غیره را به عنوان جایگزین آن پیشنهاد کرده است.

نتیجه گیری

در دهه های اخیر پژوهش های شهری به صورت فزاینده ای به سوی رویکردهای تفسیری متمایل شده اند، هر چند رویکرد اثبات گرا همچنان جایگاه مسلط خود را در عرصه پژوهش های شهری حفظ نموده است. در مقاله حاضر روش تحلیل ابعاد به مثابه یکی از خوانش های راهبرد نظریه زمینه ای که از مهمترین راهبردهای رویکرد تفسیرگراست مورد بررسی قرار گرفت و نمونه ای از کاربری آن برای پژوهش در خصوص شهر اسلامی ارائه شد. تحلیل ابعاد به واسطه توجه به «همه» آنچه در پدیده یا موقعیت مورد بررسی دخیل است؛ توجه به ابعاد و وجوه گوناگون پدیده و موقعیت مورد بررسی تا رسیدن به توده بحرانی، به گونه ای که استمرار فرایند بعد جدیدی به دست ندهد؛ دسته بندی ابعاد و انتخاب بعد مرکزی (چشم انداز)؛ تبیین و تشریح الگو و ارتباطات میان ابعاد، امکانات مناسبی را برای پژوهش در این عرصه به دست می دهد. در این پژوهش ضمن تبیین مبانی و مراحل و تأکید بر سودمندی روش تحلیل ابعاد برای پژوهش، با کاربری این روش به عنوان نمونه در واکاوی انگاره شهر اسلامی مبتنی بر متون و روایت های اندیشمندان، توده بحرانی شامل شش بعد اصلی زیر، نماینده ابعاد شهر اسلامی شناسایی شد: ارکان و عوامل شکل دهنده شهر اسلامی؛ ماهیت شهر اسلامی؛ منشا ارزش ها؛ تفکیک شناخت شناسی شهر؛ پیدایش و عملکرد شهر؛ و مشکله شهر اسلامی که از این میان بُعد مشکله شهر اسلامی به عنوان بُعد مرکزی به درک و شناخت فراگیر ابعاد و زیر ابعاد مشتمل بر ویژگی های شهر اسلامی شامل سکونتگاه (نه شهر) اسلامی؛ شهر بی زمان؛ شهر واجد کالبد خاص؛ شهر مسلمانان؛ شهر حامل تمدن اسلامی؛ و شهر قلمرو مسلمانان کمک می نماید.

پی نوشت ها

1. Dimensional analysis
2. Leonard Schatzman
3. What all that is going on here.

- theory and leadership research: A critical realist perspective", *The leadership quarterly*, 22(1), 106-120.
38. Kools, Susan, McCarthy, Marianne, Durham, Roberta, & Robrecht, Linda (1996). "Dimensional analysis: Broadening the conception of grounded theory", *Qualitative Health Research*, 6(3), 312-330.
 39. Lee, Frederic S. (2015). *Critical Realism, Method of Grounded Theory, and Theory Construction*. Handbook of Research Methods and Applications in Heterodox Economics.
 40. Lynch, Kevin. (1984). *Good city form*, MIT press.
 41. Lyndon, Audrey. (2008). "Social and environmental conditions creating fluctuating agency for safety in two urban academic birth centers", *Journal of Obstetric, Gynecologic, & Neonatal Nursing*, 37(1), 13-23.
 42. McCarthy, Marianne (2003b). "Situated clinical reasoning: Distinguishing acute confusion from dementia in hospitalized older adults", *Research in Nursing & Health*, 26(2), 90-101.
 43. McCarthy, Marianne C. (2003a). "Detecting acute confusion in older adults: Comparing clinical reasoning of nurses working in acute, long-term, and community health care environments", *Research in Nursing & Health*, 26(3), 203-212.
 44. McCarthy, Marianne, Ruiz, E., Gale, B., Karam, C., & Moore, N. (2004). "The meaning of health: perspectives of Anglo and Latino older women", *Health Care for Women International*, 25(10), 950-969.
 45. McGrath, Moriah McSharry. (2013). *Neighboring in Strip City: A Situational Analysis of Strip Clubs, Land Use Conflict, and Occupational Health in Portland, Oregon*.
 46. Mills, Jane, Bonner, Ann, & Francis, Karen. (2006). "The development of constructivist grounded theory", *International Journal of Qualitative Methods*, 5(1), 25-35.
 47. Nordwall, Ulf, & Olofsson, Thomas. (2013). "Architectural caring. Architectural qualities from a residential property perspective", *Architectural Engineering and Design Management*, 9(1), 1-20.
 48. Oliver, Carolyn. (2011). "Critical realist grounded theory: A new approach for social work research", *British Journal of Social Work*, 42(2), 371-387.
 49. Pursley-Crotteau, Suzanne, McGuire Bunting, Sheila & Burke Draucker, Claire (2001), grounded theory and hermeneutics: contradictory or complementary methods of nursing research. In Schreiber, R. S., & Stern, P. N. (Eds.). *Using grounded theory in nursing*. Springer Publishing Company.
 50. Robrecht, Linda C. (1995). "Grounded theory: Evolving methods", *Qualitative Health Research*, 5(2), 169-177.
 51. Salin, Ossi, & Pessa, Kaija. (2017). "Open Minds, Open Spaces: Mind-Set Changes During Urban Walking", *Space and Culture*, 20(4), 385-398.
 52. Schatzman, Leonard. (1986). *The structure of qualitative analysis*, Paper presented at the World Congress of Sociology: International Sociology Conference, Delhi, India.
 53. Schatzman, Leonard. (1991). "Dimensional analysis: Notes on an alternative approach to the grounding of theory in qualitative research", *Social organization*
 54. *Grounded theory research methods in architecture and design*". Paper presented at the meeting of Architecture of Complexity, ARCC 2017 Conference, Salt Lake City.
 19. Bonham, Jennifer, & Wilson, Anne. (2012). "Bicycling and the life course: The start-stop-start experiences of women cycling", *International Journal of Sustainable Transportation*, 6(4), 195-213.
 20. Bowers, Barbara, & Schatzman, Leonard. (2009). "Dimensional analysis", *Developing grounded theory: The second generation*, 86-126.
 21. Charmaz, Kathy. (2000). *Grounded theory: Objectivist and constructivist methods*. In N. K. Denzin & Y. S. Lincoln (Eds.), *Handbook of qualitative research*, 2nd ed. (pp. 509-536). Thousand Oaks, CA: Sage.
 22. Charmaz, Kathy. (2006). *Constructing grounded theory*, London: Sage.
 23. Charmaz, Kathy. (2014). *Constructing grounded theory*, Sage.
 24. Clarke, Adele E., Friese, Carrie, & Washburn, Rachel S. (Eds.). (2016). *Situational analysis in practice: Mapping research with grounded theory (Vol. 1)*, Left Coast Press.
 25. Clarke, Adele E. (2005), *Situational analysis: Grounded theory after the postmodern turn*, Sage.
 26. Clarke, Adele E. (2007), *Grounded theory: Critiques, debates, and situational analysis*, *The Sage handbook of social science methodology*, 423-442.
 27. Clarke, Adele E., Friese, Carrie, & Washburn, Rachel S. (2018). *Situational analysis: grounded theory after the interpretive turn*, Sage Publications.
 28. Corbin, Juliet M., & Strauss, Anselm. (1990). "Grounded theory research: Procedures, canons, and evaluative criteria", *Qualitative Sociology*, 13(1), 3-21.
 29. Dunne, Ciarán. (2011). "The place of the literature review in grounded theory research", *International Journal of Social Research Methodology*, 14(2), 111-124.
 30. Faehnle, Maija, Bäcklund, Pia, Tyräinen, Liisa, Niemelä, Jari, & Yli-Pelkonen, Vesa. (2014). "How can residents' experiences inform planning of urban green infrastructure? Case Finland.", *Landscape and Urban Planning*, 130, 171-183.
 31. Glaser, Barney G. (1992). *Emergence versus forcing: Basics of grounded theory analysis*. Mill Valley, CA: Sociology Press.
 32. Glaser, Barney G. and Strauss, Anselm (1967), *The Discovery of Grounded Theory*, Shicago: Adine Publishing Company.
 33. Glaser, Barney G. (1998). *Doing grounded theory: Issues and discussions*, Sociology Press.
 34. Glaser, Barney G. (2001). *The grounded theory perspective: Conceptualization contrasted with description*, Sociology Press.
 35. Glaser, Barney G. (2007). *Doing formal grounded theory: A proposal*, Sociology Press.
 36. Jacobson, N. (2001). "Experiencing recovery: A dimensional analysis of recovery narratives", *Psychiatric Rehabilitation Journal*, 24(3), 248.
 37. Kempster, Stephen, & Parry, Ken W. (2011). "Grounded

- and social process: Essays in honor of Anselm Strauss, 303-314.
54. Shankar, Avi, & Goulding, Christina. (2001). "Interpretive consumer research: two more contributions to theory and practice", *Qualitative Market Research: An International Journal*, 4(1), 7-16.
55. Simeone, Luca, Secundo, Giustina, & Schiuma, Giovanni . (2017). "Adopting a design approach to translate needs and interests of stakeholders in academic entrepreneurship: The MIT Senseable City Lab case", *Technovation*, 64, 58-67.
56. Squires, Allison. (2004). "A dimensional analysis of role enactment of acute care nurses", *Journal of Nursing Scholarship*, 36(3), 272-278.
57. Strauss, A. L. & Corbin, Juliet. (1990). *The basics of qualitative analysis: Grounded theory procedures and techniques*. Thousand Oaks, CA: Sage.
58. Strauss, Anselm Leonard (1993), *Continual permutations of action*, AldineTransaction.
59. Strauss, Anselm Leonard, & Corbin, Juliet. (1998). *Basics of qualitative research: Procedures and techniques for developing grounded theory*.
60. Suddaby, Roy. (2006). "From the editors: What grounded theory is not", *Academy of Management Journal*, 49(4), 633-642.
61. Thompson, S. (2006). "The quest for hurtful environments: a qualitative researcher's journey", *Urban Policy and Research*, 24(1), 17-38.
62. Wamsler, Christine. (2016). "From Risk Governance to City-Citizen Collaboration: Capitalizing on individual adaptation to climate change", *Environmental Policy and Governance*, 26(3), 184-204.

تحلیلی بر نقش حسینیتهی اعظم در شکل‌گیری ساختار ثانویه شهر زنجان در عصر قاجار و علل پایایی آن

احد نژاد ابراهیمی^{۱*} (نویسنده مسئول)، محمد جواد حیدری^۲

^۱ دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.
^۲ دانشجوی دکتری شهرسازی اسلامی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

(تاریخ دریافت: ۹۸/۱۲/۱۳ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۷/۰۵)

چکیده

در عصر قاجار، حکومت هم‌سویی مذهبی بیشتری با مردم پیدا کرد. به‌طوری‌که، علاوه بر مردم، دستگاه حکومتی نیز نسبت به ساخت مکان‌های مذهبی اقدام می‌نمود؛ که از جمله‌ی چنین مکان‌هایی می‌توان به احداث تکایای دولت در تهران و ناصریه در زنجان اشاره کرد. این عامل نه تنها موجب نفوذ بیشتر مذهب تشیع و علنی‌شدن اجرای شعائر مذهبی آن گردید، بلکه، علاوه بر تحت‌تأثیر قراردادن سازمان کالبدی شهر، به شکل‌گیری ساختار دیگری نیز انجامید. ساختاری که برخلاف ساختار اصلی شهر، با عناصر فیزیکی و کالبدی تعریف نمی‌شد. بلکه ساختاری نمادین و معنایی بود که در نتیجه‌ی کنش اجتماعی پدید آمده بود. ساختاری که حاصل تصویر ذهنی شهروندان از فضاهای شهری معنادار و هویت‌مندی بود که بر ساخت اجتماعی (رفتار مذهبی شهروندان) نقش اصلی را در شکل‌گیری آن برعهده داشته و برخلاف ساختار اصلی شهر کمتر دچار تغییر و تحول شده است. هدف پژوهش حاضر تبیین نقش و تأثیر حسینیتهی اعظم در شکل‌گیری ساختار ثانویه شهر زنجان در عصر قاجار می‌باشد. روش تحقیق این پژوهش تاریخی، توصیفی و تحلیلی بوده و از روش مطالعه‌ی اسنادی و میدانی در جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان داد که احداث یا توسعه‌ی حسینیتهی اعظم و شکل‌گیری دسته‌ی عزاداری آن در عصر قاجار، نقش مهمی در خلق ساختار ثانویه شهر زنجان داشته است. ساختاری که تا عصر حاضر تداوم یافته است.

واژگان کلیدی: ساختار ثانویه، حسینیتهی اعظم، شهر زنجان، عصر قاجار.

مقدمه

به شهر اضافه می‌گردد و می‌تواند در قالب نمادهای شهری و دسترسی‌های متفاوت با ساختار اصلی خودنمایی کند. پژوهش حاضر از نوع تحقیقات تاریخی می‌باشد. از این روش پژوهش آن نیز بسان تحقیقات تاریخی، توصیفی و تحلیلی می‌باشد. هدف این پژوهش نیز تبیین نقش حسینیّه‌ی اعظم در شکل‌گیری ساختار ثانویه‌ی شهر زنجان در عصر قاجار می‌باشد که با تثبیت مذهب تشیع در عصر قاجار و علنی‌گردیدن اجرای شعائر مذهبی آن به وجود آمده است. بر این اساس، سؤالاتی که تحقیق حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به آنها می‌باشد؛ عبارتند از:

- ۱- برپایی مراسم آیینی عزاداری در حسینیّه‌ی اعظم زنجان چه نقشی در شکل‌گیری ساختار ثانویه‌ی شهر در عصر قاجار داشته است؟
- ۲- چه عواملی در پایداری و پویایی ساختار ثانویه‌ی شهر زنجان نقش دارند؟

پیشینه‌ی تحقیق

ساختار ثانویه‌ی شهرها محصول پیوند و تعامل آیین‌های جمعی و مذهبی (به‌عنوان کنش اجتماعی) با شهر و فضاهای شهری می‌باشد. مطالعه‌ی اسنادی صورت گرفته در پژوهش‌های پیشین، حاکی از آن است که تحقیقات چندی در این زمینه به انجام رسیده است که از جمله‌ی آنها می‌توان به تحقیقات آراتی کومار کانکار^۱ (مکان جشن: آیین‌های جمعی و فرم شهری)، شوکانیا کریشنامورتی^۲ (نقش مراسم‌های آیینی در شکل‌دهی به فرم شهر)، زهرا اهری (ساختار ثانویه‌ی شهرهای ایرانی در دوره قاجار)، علی‌الحسابی و پای‌کن (چارچوب مفهومی تعامل شهر و آیین‌های جمعی)، بهرام امین‌زاده (اثر آیین‌های جمعی بر پیکره‌بندی شهر سنتی) اشاره کرد.

عصر قاجار، عصر نفوذ و توسعه‌ی بیشتر مذهب تشیع در ایران بود (رضوی‌پور و ذاکری، ۱۳۹۲: ۶۴) و حکومت قاجار نیز با علم به ارادت قلبی مردم به ائمه و جایگاه علمای شیعه در بین مردم، سعی در همراهی و همکاری آشکار با آنها در اجرای رسوم و آیین‌های مذهبی می‌نمود تا بدین نحو، هم‌سوئی مذهبی خود را با مردم ابراز نماید (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۷). به‌طوری‌که علاوه بر مردم، دستگاه حکومتی نیز به برپایی مجالس عزاداری اقدام می‌کرد و متولّی ساخت تکایا و حسینیّه‌هایی برای این منظور می‌گردید. همچنین، دوره‌ی قاجار، دوره‌ی تحوّل در اجرای آیین‌های مذهبی - که عمدتاً شامل آیین‌های عاشورایی می‌شد (بینشی‌فر، ۱۳۹۴: ۴۷) - نیز بود. زیرا علاوه بر تحوّل در شکل و محتوای عزاداری‌ها، اجرای آنها به بطن تکایا و حسینیّه‌ها محدود نماند، بلکه به متن فضاهای شهری نیز راه یافت و با هویت‌بخشی به فضاهای شهری، به شکل‌گیری ساختاری از شهر منجر شد که جنبه‌ای نمادین و معنایی داشت. این نوع از ساختار که می‌توان آن با عنوان «ساختار ثانویه» شهر یاد کرد، برساختی اجتماعی بود که در اثر تصویر ذهنی مردم پدید آمده بود و موجب تفویض نقش اجتماعی به ساختار اصلی شهر شده و بدان هویت می‌بخشید. تحقیقات انجام‌شده در شهرهایی چون آران و بیدگل (رضایی و همکاران، ۱۳۹۳)، دزفول (Masoud-، 2013، iNejad)، سبزوار (Kheirabadi، 2000)، سمنان (امین‌زاده، ۱۳۸۶)، اردبیل (محمدپور و شاهی‌زاده، ۱۳۹۰) و گرگان (لیوانی، ۱۳۹۱) از وجود چنین ساختاری حکایت دارد. این ساختار شامل نمادها و ارتباطات شهری جدیدی می‌شود که در سایه رفتارهای اجتماعی جدیدی که بر اثر مذهب یا هنجارهای متفاوت با قبل

جدول شماره ۱: مطالعات انجام‌شده در زمینه‌ی موضوع مورد مطالعه

محقق	عنوان تحقیق	نتیجه
آراتی کومار کانکار (۱۹۹۲)	مکان جشن: آیین‌های جمعی و فرم شهری	- مطالعه بر روی ارتباط آیین‌های جمعی و فرم شهرها. - شهرهای مورد مطالعه: دهلی، بختانپور و شهری در جنوب هند. - هماهنگی تغییرات فرم شهرها با تغییرات آیین‌های جمعی
شوکانیا کریشنامورتی (۲۰۱۵)	نقش مراسم‌های آیینی در شکل‌دهی به فرم شهر	- مراسم‌های آیینی سالانه‌ی کاراگا (در بنگلور) نقش مهمی در شکل‌دهی به فرم و ساختار شهر داشته است. - اجرای سالانه آیین جمعی کاراگا، نقش مهمی در حافظه‌ی جمعی و دلبستگی مکانی شهروندان داشته است. - تصوّرات ذهنی آنها از مکان‌های شهری با محل انجام این مراسم ارتباط تنگاتنگی دارد.
بهرام امین‌زاده (۱۳۸۶)	بازشناسی اثر آیین‌های جمعی بر پیکره‌بندی شهر سنتی	- نمادها و آیین‌های جمعی نظم و قواعد خاصی را بر پیکره‌بندی شهرهای سنتی اعمال می‌کنند. - شهر در برگزاری این آیین‌ها از حالت معمول خود خارج شده و به صحنه‌ی نمایش عظیم و گسترده‌ای تبدیل می‌شود. - اجرای مراسم آیینی سبب شده است تا موقعیت استقرار تکایا نسبت به بافت همجوار و فواصل آنها از نظم نسبتاً مشخصی برخوردار گردد.
مهران علی‌الحسابی و عصمت پای‌کن (۱۳۹۲)	تدوین چارچوب مفهومی تعامل شهر و آیین‌های جمعی و بررسی مصداق آن در آیین‌های عاشورایی	- آیین‌های جمعی به عنوان کنشی اجتماعی، نمادین و تکرارپذیر، از طریق چهار معیار آزادی، تداوم، ارتباط و انطباق بر سه مولفه‌ی اصلی شهر کالبد، معنا و فعالیت تأثیر می‌گذارد.
زهرا اهری (۱۳۹۴)	شناسایی ساختار ثانویه شهر ایرانی در دوره قاجار	- پیدایش ساختار ثانویه، یکی از مشخصات شهرهای ایرانی در عصر قاجار می‌باشد. - رفتار مذهبی ساکنان، نوع استفاده از فضا و نقش آن در زندگی اجتماعی؛ عوامل اصلی خلق ساختار ثانویه شهرها بود. - علی‌رغم تمام تحولات عصر حاضر، ساختار ثانویه شهرها هنوز هم برای مردم قابل شناسایی می‌باشد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات تاریخی به شمار می‌رود. از این رو بسان چنین تحقیقاتی از روش‌های توصیفی و تحلیلی در تبیین و واکاوی موضوع استفاده شده است. تاریخی بودن موضوع پژوهش از یک سو و ابتناء آن بر مطالعه‌ی موردی از سوی دیگر، ایجاب می‌نمود که از روش ترکیبی مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی در تدوین منابع و اطلاعات مورد نیاز استفاده شود. بر این اساس، بخشی از اطلاعات به روش اسنادی و مطالعه‌ی منابع تاریخی همچون سفرنامه‌های مستشرقین، سفرا و گردشگران غربی و همچنین سیاحان و سیاستمداران ایرانی بدست آمد. قلمت منابع تاریخی و همچنین نزدیکی دوره‌ی زمانی مورد مطالعه با عصر حاضر موجب شد که بخش دیگری از اطلاعات مورد نیاز از طریق مطالعات میدانی و از طریق مشاهدات محلی و مصاحبه با افراد کهنسال و پیرغلامان حسینی به دست آید.

مبانی نظری: ساختار شهر

شهرسازان و صاحب‌نظران مطالعات شهری نظرات و دیدگاه‌های متفاوتی درباره‌ی ساختار شهر و تعریف آن دارند. گروهی چون کریین^۳ (۱۹۶۰)، بیکن^۴ (۱۹۶۷)، تانگه^۵ (۱۹۷۰) و لنگ^۶ (۱۹۹۵) معتقدند ساختار شهر شالوده‌ای نمادین و کلیتی انتظام یافته از اجزاء و عناصر فضایی (معاشر، ابنیه، فضاهای باز) است که ترکیب آنها شکل کلی شهر را پدید می‌آورد. این گروه معتقدند ساختار شهر، به بخش نسبتاً پایدار شهر اطلاق می‌شود که معرف نقشه‌ی کلی شهر بوده و از عناصر و اجزایی چون محورهای مهم ارتباطی و عملکردی، میدانی و فضاهای باز و عمومی، نظام توزیع کاربری‌ها و فعالیت‌های عمده، آرایش فضایی عناصر و چگونگی ارتباط آنها تشکیل می‌شود.

در مقابل برخی دیگر همچون الکساندر^۷ (۱۹۸۷)، اریکسون^۸ (۲۰۰۲)، اپلیارد^۹ (۱۹۷۰)، راپاپورت^{۱۰} (۱۹۷۷) و هال^{۱۱} (۱۹۷۷)، در تعریف و تشخیص ساختار شهر، علاوه بر کیفیت‌های کالبدی محیط، به جنبه‌ی معنایی آن نیز توجه می‌نمایند. ایشان معتقدند، هر چند خیابان‌ها اصلی‌ترین عنصر موجد ساختار شهرها به حساب می‌آیند، ولی بی‌توجهی به ویژگی‌های فرهنگی ساکنین

و کنش‌های اجتماعی آنها به خلق محیط‌هایی بی‌روح و بی‌معنا منجر می‌شود. ایشان معتقدند در بررسی ساختار شهر، یک‌بار باید ساختار اصلی شناسایی شود که متشکل از عناصر و فضاهای شهری نمادین با خصوصیات بارز کالبدی است که شالوده‌ی نمادین شهر را به وجود می‌آورد و بار دیگر، عناصر و فضاهای دیگری را جستجو کرد که برای مردم معنادار هستند و نقش مهمی در شکل‌گیری تصویر ذهنی آنها از شهر دارند. اگرچه شاید دارای هویت مشخص و بارز کالبدی نباشند، ولی این معناداری را به واسطه‌ی نقشی که در جامعه دارند و موقعیت‌شان به عنوان قرارگاه رفتاری در حیات شهری کسب کرده‌اند (اهری، ۱۳۹۴: ۲۵). این دسته از فضاهای معنادار را که تحت عنوان «ساختار ثانویه» شناخته می‌شوند، حاصل تصویر ذهنی شهروندان از فضاهای شهری معنادار و هویت‌مندی می‌باشد که بر ساخت اجتماعی نقش اصلی را در شکل‌گیری آن ایفاء می‌کند و به نسبت ساختار اصلی شهر، از ماندگاری بیشتری برخوردار است.

آلدو روسی^{۱۲} یکی از اندیشمندانی است که به بررسی علل پایایی ساختار ثانویه پرداخته و عواملی چون تداوم زمانی، تداوم کالبدی، خاطره‌ی جمعی، تعامل اجتماعی و جمعی بودن را در ماندگاری چنین ساختارهایی دخیل می‌داند (Rossi, 1982: 131-127). او با بهره‌گیری از مفهوم «خاطره‌ی جمعی» مورس هالبواکس، به تأثیر آیین‌های جمعی در ایجاد تصویر ذهنی از شهر اشاره می‌کند. روسی (۱۹۸۲) معتقد است، تصویر ذهنی مردم از شهر، حاصل معناداری فضاهای شهری است که در اثر فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی آنها بوجود می‌آید (Rossi, 1982: 128). از آنجا که پیشامدها و رویدادهای انسانی در لایه‌های مختلف شهر ثبت است (سلطانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۹)، لذا دارای هویت هستند. هویتی که عینی نبوده و قابل مشاهده نمی‌باشد، بلکه در اثر انتساب رویدادها به مکان‌ها و عناصر شهری پدید می‌آیند. گاه چنین انتساب‌هایی، موجب دوگانگی در نام‌گذاری فضاهای شهری می‌شود که خود مؤید هویت‌مندی این گونه فضاهای می‌باشد. نام‌هایی که در مقابل عناوین رسمی و ثبت‌شده در نقشه‌ها و تابلوهای شهری، برگرفته از رویدادی خاص بوده و به محل وقوع آن نسبت داده می‌شود و اگرچه ممکن است به دلیل

نظرات برخی از صاحب‌نظران در مورد ساختار اصلی شهر



تصویر شماره ۱: نظرات برخی از صاحب‌نظران در مورد عوامل سازنده‌ی ساختار اصلی؛ مأخذ: نگارندگان

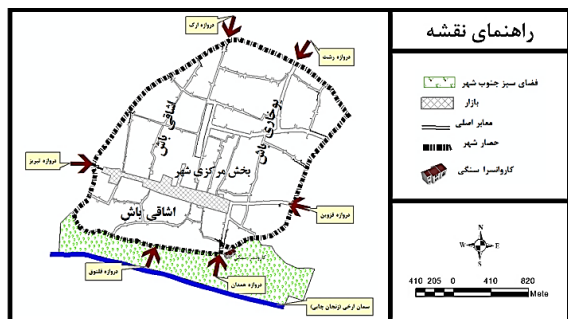


تصویر شماره ۲. ویژگی ها و رابطه ساختار اصلی و ثانویه ی شهر؛ مأخذ: نگارندگان.



تصویر شماره ۳. میدانی در ورودی یکی از دروازه های شهر زنجان؛ مأخذ: دوهوسه، ۱۸۵۸: ۱۰۰

تغییر و تحولات شهر در ادوار مختلف حکومتی بوجود آمده و دارالسعاده^{۱۵} زنجان در عصر آقامحمدخان، با توسعه ی نسبی در حقلعه، مجموعه ی بازار را به عنوان قلب اقتصادی شهر بوجود آورد. در این دوره شهر به سه بخش یا محله ی بزرگ تقسیم می شد؛ نخست منطقه ی مرکزی شهر بود که با جای دادن به مراکز حکومتی، اداری و مذهبی موجودیت می یافت، دوم اراضی و محدثات واقع در شرق محدوده ی مرکزی در مجموعه ی بازار که تحت عنوان "یوخاری باش" مشخص می شد که محل سکونت اقشار مرفه شهر بود و سوم اراضی و محدثات واقع در غرب محدوده ی مرکزی که به نام "اشاقی باش" معروف بود و محل سکونت اقشار ضعیف الحال شهر بود (ثبوتی، ۱۳۷۷: ۱۰۴).



تصویر شماره ۴: تقسیمات قطاعی شهر در اوایل دوره قاجار؛ مأخذ: نگارندگان

در دوره ی فتحعلی شاه وقوع جنگ های ایران و روس و نقش تدارکاتی و پشت جبهه ای شهر، موجب افزایش مسافرت سران حکومت به زنجان شد. با رشد کالبدی شهر در این دوره، باروی

تحولات و جراحی های صورت گرفته در سال های ابتدایی سده ی اخیر تخریب شده و دارای هویت مشخص فیزیکی و کالبدی نباشند، ولی به دلیل تداوم زمانی نقش ها و فعالیت های صورت گرفته در آنها، پایا بوده و همچنان معنادار می باشند. مانند «قویی باشی» (در خیابان جاوید)، قالا ایشیگی، تبریز دروازه سی (میدان ۱۵ خرداد)، تهران دروازه سی (تقاطع صدر جهان)، ورکچی لر میدانی (ورودی بازار)، خرابه رجی (غریبه بالا) در شهر زنجان. بر این اساس، در مطالعه ی ساختار شهرهای کشور، علاوه بر ساختار کالبدی و جنبه ی فیزیکی فضاهای شهری، بُعد معنایی و هویتی آنها نیز باید مورد توجه قرار گیرد. زیرا گاهی، جنبه ی معنایی شهر، با ساختار کالبدی آن انطباق ندارد، بلکه تصویر ذهنی مردم از شهر، منبعث از مکان ها و فضاهایی می باشد که محل وقوع رویدادهای جمعی بوده و خاطره ی مشترک آنها را یادآوری می کند.

ساختار شهر زنجان در عصر قاجار

ساختار کلی شهر زنجان در عصر قاجار، تداوم زمانی الگوی کالبدی حاکم بر شهر در عصر صفوی بود. ساختاری که از طریق معابر اصلی منتهی به دروازه ها و عناصر پیرامون آنها تعریف می شد. علاوه بر این، علنی شدن اجرای شعائر مذهبی در عصر قاجار که موجب شکل گیری رفتارهایی چون تحرکات فضایی هیئات و دسته جات عزاداری در سطح شهر و مابین مکان های مذهبی گردید، موجب شکل گیری ساختار دیگری از شهر شد که در قیاس با ساختار اصلی شهر، ساختار ثانویه نامیده می شود. لذا در این بخش از پژوهش به تبیین و مقایسه ی این دو ساختار در شهر زنجان اقدام می شود.

ساختار اصلی شهر در عصر قاجار

اسناد و مدارک باقی مانده از سیاحان ایرانی و مستشرقین غربی^{۱۳} نشان می دهد که زنجان یا ولایت خمه^{۱۴} در عصر قاجار، شهری محصور در حصار ی گلین بوده که به وسیله ی ۶ دروازه به نام های رشت، ارک، تبریز، قلتوق، همدان و قزوین با شهرهای روستاهای اطراف در ارتباط بوده است.

ساختار شهری ولایت خسته در عهد قاجار هم‌چون دیگر شهرهای کشور متشکل از اجزاء و عناصری بود که از دوره صفویه باقی مانده بود. بدین معنا که ساختار اصلی دارالسعاده زنجان، متشکل از محورهایی بود که از دروازه‌ها به مرکز شهر کشیده شده بود و بازار سنتی شهر بر یکی از اصلی‌ترین و پرترددترین محور ارتباطی (محور شرقی-غربی) قرار گرفته بود و مکان‌گزینی دیگر عناصر نیز با تبعیت از استقرار بازار و تحت تأثیر اهداف مذهبی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تعیین شده بود.



تصویر شماره ۶: بازار زنجان در سفرنامه‌ی سولتیکف؛
مأخذ: سولتیکف، ۱۳۶۵: ۵۹

احداث بنای اصلی بازار در سال ۱۲۰۵ق (دوره‌ی آقامحمدخان قاجار) آغاز شد و در سال ۱۲۱۳ق (دوره‌ی فتحعلی‌شاه) به پایان رسید و به مرور زمان کاروانسراها، گرمابه‌ها، مسجدها و راسته‌ها در اطراف آن شکل گرفت. از مجموعه‌ی رویدادها و حوادثی که در این دوره در شهر زنجان به وقوع پیوسته‌اند، استنباط می‌شود که فضای بازار علاوه بر نقش‌های اقتصادی (محل دادوستد) و ارتباطی (شاهراه اصلی شهر)، دارای نقش پررنگ اجتماعی و سیاسی نیز بوده است. زیرا همجواری بازار (به‌عنوان عنصر اقتصادی) با عناصر مذهبی (مسجد جامع) و سیاسی (دیوان‌خانه) موجب جریان فعالیت‌های مختلف اجتماعی و سیاسی به‌سوی آن می‌شده است. بازار دارای انشعابات به نام بازارچه بوده است که اصلی‌ترین و مهم‌ترین آن بازارچه (یا به‌دلیل اهمیت آن) راسته‌ی قیصریه نام داشته است که مفصل ارتباطی سه عنصر یادشده (مذهبی، سیاسی و اقتصادی) بوده است. از عناصر اقتصادی این دوره که در ارتباط با بازار شکل گرفته‌اند؛ می‌توان به کاروانسراها اشاره کرد که برخی از آن‌ها همچون کاروانسرای ده‌باب، دخان، حاج‌علیقلی، در درون حصار و برخی دیگر چون رباط شاه‌عباسی (کاروانسرای سنگی) در بیرون آن قرار داشته‌اند. بعد از بازار - که نقش شریان اصلی ارتباطی شهر را برعهده داشته است - راه‌های درون محلات مسکونی قرار داشته است که نقش دسترسی به محلات مسکونی را برعهده داشته‌اند. انشعابات بعدی راهها نیز نقش ارتباط بین محله‌ای و گذری عابران و دسترسی به واحدهای مسکونی را برعهده داشتند. زنجان عصر قاجار دارای ۱۸ محله بود که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به محلات بازار، حسینیه، زینیه، نصرالله‌خان اشاره کرد. در این دوره، علاوه بر

جدیدی بر دور شهر کشیده شد تا محلات تازه‌ای چون مسگرها، مشهدی‌صفر، عباس‌قلی‌خان در شرق و شمال‌شرق، دروازه‌ارک و سرچشمه در شمال، نصراله‌خان و سیدلر در اشاقی‌باش و حسینیه و سقار در غرب و جنوب غرب را دربرگیرد. حد شهر در این دوره از طرف شمال به کوچه‌ها و محلات پیرامون خیابان امام، از طرف شرق به کاروانسرا سَنگی، از طرف غرب به توپ‌آجاجی و از طرف جنوب به خیابان فعلی خیام محدود می‌شد. ژ. ام. تانکوانی^{۱۶} (۱۸۰۷م) در توصیف زنجان این دوره می‌نویسد: «زنجان مرکز خسته می‌باشد... این شهر در حدود ۱۰ هزار نفر جمعیت دارد که تعدادی از آن‌ها ارمنی هستند» (متقی، ۱۳۸۲: ۶۹). زنجان عصر محمدشاه، «مرکز ایالت کوچکی است که ۶۰۰۰ نفر جمعیت دارد» (دوسرسی، ۱۳۶۲: ۱۲۹)، شهر کوچکی است که منظره‌ی ناپاکی دارد، ولی بازار بزرگ و پررونقی دارد (سولتیکف، ۱۳۶۵، ۵۹). بروز فتنه‌ی بابی‌ها به رهبری محمدعلی باب در عصر ناصرالدین و درگیری هشت ماهه‌ی وی با قشون دولتی موجب وارد آمدن آسیب‌های زیادی به شهر شد. به‌طوری که مستشرقینی که بعد از این واقعه شهر زنجان را دیده بودند، از آثار نبرد و ویرانی‌های برجای مانده از آن بسیار سخن رانده‌اند. ادوارد براون می‌نویسد: «با اینکه مدتی از جنگ زنجان می‌گذرد، مع‌هذا هنوز آثار آن بسیار مشهود است، زیرا نه فقط توپ‌های جنگی، بلکه خود بابی‌ها نیز برای اغفال قوای دولتی بعضی از خانه‌ها را آتش می‌زدند» (مشکینی، ۱۳۷۰: ۴۲). تنها انتصاب محمود علامیر دولو ملقب به احتشام‌السلطنه به حکومت زنجان بود که آهنگ آبادی را بار دیگر در شهر نواخت. «در این دوره به دستور احتشام‌السلطنه خیابانی از بازار تا دروازه قزوین (خیابان توحید) امتداد داده می‌شود که موجب سهولت در عبور و مرور می‌گردد. همچنین برای توسعه و گسترش شهر اقداماتی در جهت استفاده از الگوهای موجود در شهرهای بزرگ نظیر ایجاد پلیس با لباس متحدالشکل، ایجاد داروخانه و آوردن طبیب متخصص، ساختن قنات و آب‌انبار شهر انجام گرفت» (مشکینی، ۱۳۷۰: ۴۴). بارتولد و کرزن به رقم بیست‌هزار نفری جمعیت شهر در این دوره اشاره کرده‌اند (سلطانی، ۱۳۷۹: ۸۱). هر چند ورود دوباره‌ی نیروهای دولتی در پی مخالفت ملاقربانعلی زنجان با انقلاب مشروطه (۱۳۲۴ ه.ق) موجب درگیری قوای طرفدار وی با نیروهای دولتی گردید، ولی تأثیر تخریبی چندانی در پی نداشت.



تصویر شماره ۵: نمایی از شهر زنجان در عصر حکومت ناصرالدین‌شاه؛
مأخذ: دوهمسه، ۱۸۵۸م: ۱۰۲

ساختار ثانویه شهر در عصر قاجار و نقش آیین‌های مذهبی در شکل‌گیری آن

شکل‌گیری ساختار ثانویه شهرها رابطه‌ی مستقیمی با هویت‌مندی فضاهای شهری دارد و برپایی آیین‌های مذهبی نیز نقش مهمی در هویت‌بخشی به فضاهای شهری ایفا می‌کند. اجرای آیین‌های مذهبی در شهر زنجان از سابقه‌ی کهنی برخوردار است. وجود مکان‌های مذهبی و تاریخی همچون حسینیه‌ی اعظم از یک سو و وجود اسناد و مدارکی چون یادداشت‌های مورخین و مستشرقینی چون آرمینیوس و امبری^{۱۷} از سوی دیگر مؤید این ادعا می‌باشد. وامبری که در زمان ناصرالدین‌شاه شاهد برپایی مجالس عزاداری امام حسین (ع) در شهر زنجان بوده است، می‌نویسد: «شهروندان زنجان مدت‌ها پیش از آغاز ماه محرم، مراسم سوگواری را آغاز می‌کنند و همه برای عزاداری، روضه و حضور در مجالس مرثیه‌خوانی آماده می‌شوند... آن‌ها در طول این ماه از برپایی مراسم جشن و سرور امتناع می‌ورزند» (وامبری، ۱۳۷۲: ۷۰). از آن‌جا که اجرای آیین‌های مذهبی در عصر قاجار، در مکان‌های عمومی چون مساجد و حسینیه‌ها، معابر اصلی و میدان‌ها انجام می‌شد. بنابراین موجب خاطره‌انگیز شدن چنین مکان‌هایی و هویت‌مند شدن آن‌ها می‌گردید. از جمله تأثیرات ناشی از اجرای آیین‌های مذهبی که نقش مهمی در هویت‌بخشی به فضاهای شهر و در نتیجه خلق ساختار ثانویه‌ی آن داشته‌اند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

احداث مکان‌هایی برای برپایی مراسم عزاداری: به دلیل نقشی که مذهب در حیات اجتماعی شهرهای عصر قاجار ایفا می‌کرد، مکان‌هایی خاص برای برگزاری آیین‌های مذهبی آن ایجاد می‌شد (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۷) که تکایا و حسینیه‌هایی چون تکیه‌ی ناصریه و مسجد حسینیه‌ی زنجان از آن جمله بوده است. در این دوره علاوه بر مردم، عمال حکومتی نیز به احداث چنین مکان‌هایی اقدام می‌کردند. مسجد حسینیه‌ی اعظم از جمله‌ی مهمترین مکان‌های مذهبی احداث‌شده به وسیله‌ی مردم در این دوره می‌باشد. اگرچه در برخی منابع، از وجود این مکان مقدس در دوره‌ی حکومت زندیه و حتی افسارینه سخن به میان آمده است. ولی اسناد و شواهد موجود (کتیبه‌ی^{۱۸} باقیمانده از بنای قدیمی حسینیه و نیز علم^{۱۹} مکشوفه از کف آن) حکایت از آن دارد که احداث آن در دوره‌ی قاجار صورت گرفته است.



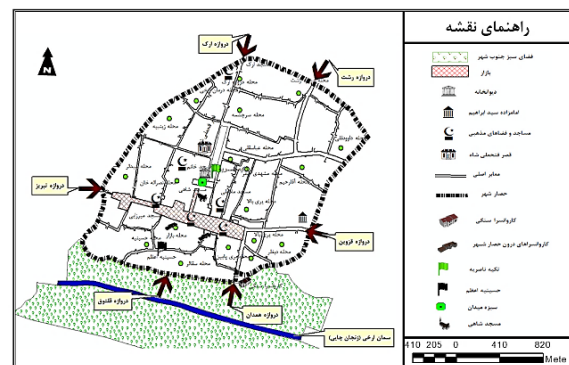
تصویر شماره ۹: کتیبه و علم فلزی مکشوفه از بنای قدیمی حسینیه؛ مأخذ: نگارندگان

مجموعه‌ی بازار، تک‌بناهایی چون مساجد شاهی (مسجد جامع)، خانم، عبدالله‌میرزا، قصر فتحعلی‌شاه، تکیه‌ی ناصریه در شهر و اغلب در ارتباط با بازار احداث گردیدند که گرچه تأثیر و پیوند مستقیمی با ساختار اصلی شهر نداشتند، ولی تأثیر زیادی در مورفولوژی شهر داشتند. همچنین در برخی از سفرنامه‌های این دوره مثل روزنامه‌ی سفر آذربایجان (عبدالعلی ادیب‌الممالک) و سفرنامه‌ی سون هدین، به نام برخی از میادین شهر اشاره شده است که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به میادین سبزه‌میدان، ارک، مسچی‌لر (مسگرها)، توپ‌خانه اشاره کرد.

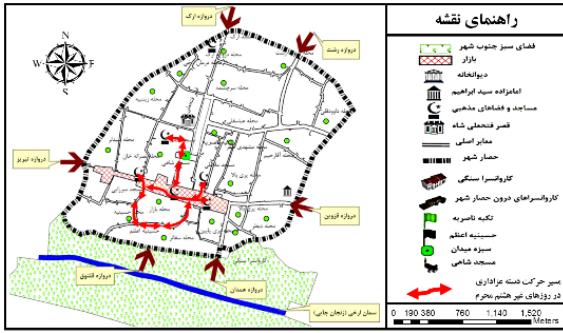


تصویر شماره ۷: مسجدشاهی (جامع) زنجان در عصر قاجار؛ مأخذ: دو هوسه، ۱۸۵۸م: ۱۰۲

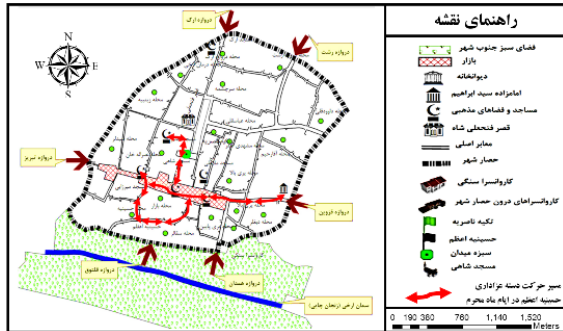
به‌طور کلی، زنجان عصر قاجار شهری متوسط اندام بوده که حدود ۱۵ تا ۲۰ هزار نفر جمعیت داشته است و از لحاظ کالبدی نیز با رشدی تا حد دروازه رشت و دروازه ارک فعلی در طرف شمال، امام‌زاده سیدابراهیم در طرف شرق (دروازه تهران)، میدان ۱۵ خرداد در طرف غرب (دروازه تبریز) و کمربندی جنوبی خیام در طرف جنوب (دروازه‌های همدان و قتلوق)، به مساحت ۱۸۵ هکتاری رسیده است. ساختار اصلی شهر همان بود که در دوران صفویه پی‌افکنده شده بود و الگوی اصلی شبکه‌ی ارتباطی شهر، متشکل از محورهایی بود که از دروازه‌های شهر به مرکز آن امتداد یافته و آرایش فضایی خاصی را که از نوع کاربری‌های پیرامون تبعیت می‌کرد، برای عناصر اصلی و سازنده‌ی شهر به وجود آورده بود. حدود ۱۸ محله در درون باروی اصلی شهر وجود داشت که وجود محلاتی به نام‌های حسینیه و زینیبه - که وجه تسمیه‌ی آن‌ها از وجود فضاهای مذهبی بدین نام می‌باشد - از هویت مذهبی شهر حکایت داشت.



تصویر شماره ۸: بازآفرینی ساختار اصلی شهر زنجان در عصر قاجار؛ مأخذ: نگارندگان



تصویر شماره ۱۱: بازآفرینی مسیر حرکت دسته عزاداری حسینیّه اعظم در دهه‌ی ماه محرم (به‌غیر از روز هشتم)؛ مأخذ: نگارندگان



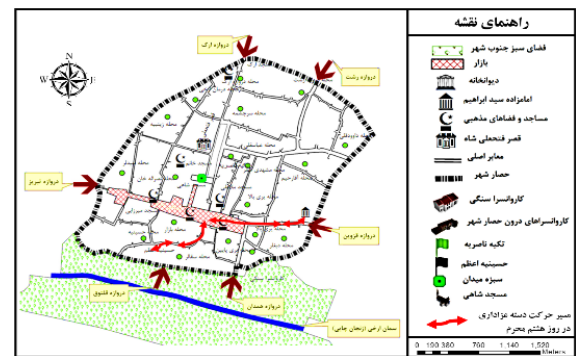
تصویر شماره ۱۲: بازآفرینی انطباق مسیرهای حرکت دسته‌ی عزاداری حسینیّه اعظم؛ مأخذ: نگارندگان

شکل‌گیری میدان در مقابل ورودی اصلی مسجد حسینیّه:
وجود این میدان که در ارتباط کامل با بنای حسینیّه بوده، محلی برای اجرای تعزیه و نوع خاصی از عزاداری به نام "شاه‌حسین" بود.
منظر آرایشی بازار و معابر اصلی: علاوه بر تکایا، حسینیّه‌ها و مکان‌های مذهبی که در ماه‌های محرم و صفر به نشانه‌ی عزادار بودن ساکنین سیاه‌پوش می‌شدند، منظر آرایشی بازار (به عنوان معبر اصلی شهر) و معابر دیگر، (به‌ویژه مسیرهای حرکت هیات‌های مذهبی) با پارچه‌ها و پرچم‌های سیاه را نیز می‌توان از نمود کالبدی رسوم مذهبی و آیینی در شهر دانست. وامبری در این باره می‌نویسد: «پرچم‌های سیاه، مکان‌هایی را مشخص می‌کند که در آن‌جا مراسم عزاداری برگزار می‌شود» (وامبری، ۱۳۷۲: ۷۰).
تأثیرات اجتماعی و معنایی: برپایی آیین‌های عاشورایی حاصل خیزش خودجوش و حرکت جمعی افراد جامعه می‌باشد. «اجرای آیین‌های عاشورایی در دوره‌ی زمانی چند روزه فرصتی برای باهم‌بودن، حضور در عرصه‌ی فضای شهری و انجام فعالیت جمعی فراهم می‌آورد که در آن همه به فعالیت می‌پردازند که کسی آن‌ها را مجبور به چنین کاری نکرده است» (علی‌الحسابی و پای‌کن، ۱۳۹۲: ۳۴). بلکه، اکثر مردم به دلیل ارادت قلبی به امام حسین (ع)، فعالیت‌های روزانه‌ی خود را منطبق با زمان و مکان اجرای آیین‌ها و رسوم می‌نمایند. در واقع جمعی بودن و مشارکت عموم در برپایی رسوم مذهبی، ویژگی اجتماعی منحصر به فرد آن‌هاست که با تداوم زمانی به عصر حاضر رسیده است. وامبری در این رابطه می‌نویسد: «یاد این مصیبت توسط عزاداران بی‌شمار با نوحه‌سرای و شبیه‌سازی موسوم به تعزیه زنده نگاه داشته

همچنین در این دوره، تکبیه دیگری نیز به‌نام تکبیه ناصریه، توسط دستگاه حکومت محلی در دیوانخانه‌ی شهر بنا گردید. عبدالعلی ادیب‌الممالک درباره تکبیه مذکور می‌نویسد: «یک دیوان‌خانه‌ی بسیار بزرگی است که تالار آن دوازده ذراع است و به «تکبیه ناصریه» شهر است که در ایام محرم به جهت سلامتی وجود مبارک اعلی حضرت شاهنشاهی (ناصرالدین شاه) تعزیت سیدالشهداء (ع) برپا کنند و اسباب رزیت مهیا» (متقی، ۱۳۸۲: ۱۸۵).

تحرك فضایی دسته‌های عزاداری بین مکان‌های مذهبی:
جابجایی و تحرك فضایی هیأت‌های مذهبی بین مساجد، حسینیّه‌ها و تکایا - که امروزه و در ایام ماه محرم در شهر زنجان مشاهده می‌شود - سنتی ریشه‌دار و کهن می‌باشد. آرمینیوس وامبری - که در دوره‌ی قاجار و در ایام ماه محرم در شهر زنجان بوده است - در این رابطه می‌نویسد: «در طول راه، پرچم‌های سیاه بزرگ و بسیاری را بر بالای چوب‌های بلند مشاهده کردم... داخل جمعیتی شدم که جریان آن مرا با خود به داخل دارالحکومه (تکیه دولت) برد» (وامبری، ۱۳۷۲: ۷۱). بنا بر اظهارات پیرغلامان حسینی، تحرك فضایی دسته عزاداری حسینیّه اعظم از گذشته تا حال ثابت بوده و از دو الگوی متفاوت تبعیت می‌کرده است: الگوی ثابت: این الگو در روز هشتم محرم (یوم‌العباس) مورد عمل بوده و از آن جهت بدین نام، نام‌گذاری شده است که تواتر آن در طی سالیان متمادی، موجب مشخص شدن مبدأ (حسینیّه)، مقصد (امامزاده سیدابراهیم) و مسیر حرکت دسته‌ی عزاداری برای عزاداران می‌گردید.

الگوی متغیر: مسیر و مقصد حرکت دسته‌ی عزاداری حسینیّه اعظم در روزهای دیگر ماه محرم (به‌غیر از روز هشتم) الگوی ثابتی نداشت. زیرا هر روز، به یکی از مکان‌های مذهبی فعال در شهر می‌رفتند و با عزاداری در آن‌جا، به عزاداران آن مکان تسلیت می‌گفتند.



تصویر شماره ۱۰: نقشه‌ی بازآفرینی شده‌ی مسیر دسته‌ی عزاداری حسینیّه اعظم در روز هشتم محرم؛ مأخذ: نگارندگان

می‌شود» (وامبری، ۱۳۷۲: ۷۳). بدیهی است که در چنین حالتی، فعالیت‌های اصلی و معمول شهر، تحت‌الشعاع قرار گرفته و کاربری‌های تجاری مستقر در مسیر حرکت دسته‌های عزاداری دست از فعالیت کشیده و یا نظاره‌گر اجرای مراسم می‌شدند. جمله‌ی «زنان در سمت راست محوطه نشسته و مردان در سمت مقابل جمع شده بودند» (وامبری، ۱۳۷۲: ۷۱). مبین آن است که آیین‌های مذهبی در زنجان عصر قاجار در مکان‌های عمومی برگزار می‌شده است. پرواضح است که اجرای این گونه آیین‌ها در فضاهای عمومی با منظر آرای و ویژه‌ای که داشتند؛ به همراه اصوات موزون-ناشی از عزاداری و تعزیه‌خوانی-غنا‌ی حسّی را در فضای شهری افزایش می‌داده است و از این ره با هویت‌بخشی و معنادار ساختن فضای شهری نقش مهمی در دل‌بستگی و تعلق مکانی شهروندان ایفا می‌کرده است. مجموعه‌ی این تأثیرات و تأثیرات بسیار دیگر، موجب هویت‌مندی و معناداری فضاهایی می‌شد که محل برگزاری آیین‌های مذهبی بود و بدین ترتیب با خلق و تقویت حسّ و تعلق مکانی، موجب خاطره‌انگیزی فضاهای شهری در اذهان عموم می‌گردید. همچنین امروزه، تداوم زمانی ناشی از برپایی و اجرای آیین‌های مذهبی در این فضاها به پایایی و در نتیجه فضیلت یافتن آن‌ها بر دیگر مکان‌ها منجر شده است.

بحث و تحلیل ساختار ثانویه شهر زنجان

روسی شهر را محصول کار جمعی انسان‌ها (گلکار، ۱۳۸۲: ۹) و صحنه‌ی رخداد فعالیت‌های انسانی و رویدادهای اجتماعی می‌داند (پاکزاد، ۱۳۸۶). به همین دلیل، فضاهایی که محل وقوع فعالیت‌ها و رخداد‌های انسانی باشند، برای انسان معنادار شده و با شکل بخشیدن به تصویر ذهنی نسبتاً پایدار از شهر، ماندگار می‌شوند (Rossi, 1982: 128). همان‌گونه که پیشتر نیز عنوان شد، روسی پنج عامل را در ماندگاری ساختار ثانویه شهرها موثر می‌داند که عبارتند از:

تداوم زمانی

تداوم زمانی به تکرار و تواتر یک رویداد یا فعالیت در بستر زمان اشاره دارد. به عبارت دیگر، تداوم زمانی، به دیرپایی و تکرار تاریخی یک اثر یا پدیده‌ی انسانی اشاره دارد. هرچند ممکن است در طول زمان دچار تغییراتی در اعراض گردد، ولی جوهر اثر یا پدیده ثابت می‌باشد. روسی در بخشی از کتاب معماری شهر^۲، از «شهر به مثابه‌ی تاریخ^۱» یاد کرده و معتقد است: شهر مصنوعی بشری است که در بستر زمان شکل گرفته و ردّ پای زمان را در خود دارد (Rossi, 1982: 128). براین اساس، می‌توان گفت، هرچند کمیّت و کیفیت عزاداری در حسینیه‌ی اعظم زنجان در طول زمان دچار تغییراتی در صورت و اعراض گردیده است، ولی جوهر آن ثابت و بدون تغییر مانده است. در واقع تنها شکل و نوع عزاداری تغییر کرده است و ذات و جوهر آن که سوگواری بر مصائب امام حسین (ع) می‌باشد، ثابت مانده و از عصر قاجار، تاکنون تکرار شده است.

تداوم کالبدی

تداوم کالبدی، بیشتر بر جنبه‌ی فیزیکی اثر و مقاومت کالبدی آن در مقابل فرسایش ناشی از گذشت زمان دلالت دارد (علی‌الحسابی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۹). دربرگیرنده‌ی ثبات ساختاری و پویایی کارکردی است. بنابراین تداوم کالبدی، در رابطه‌ی مستقیم با زمان می‌باشد. به عبارت دیگر، تداوم کالبدی یک پدیده‌ی انسان‌ساخت در طول زمان، آن را به میراثی تاریخی تبدیل می‌کند. روسی تاریخ را به مثابه‌ی مطالعه‌ی ساختار کالبدی مصنوعات بشری می‌داند و معتقد است که این مطالعه «نه تنها باید شامل ساختار اصلی و اولیه‌ی اثر می‌باشد، بلکه باید شامل ایده‌ها و ارزش‌هایی باشد که هم‌نهیست آن‌ها به خلق اثر منجر شده است» (Rossi, 1982: 128). هرچند در منابع مختلف تاریخی، زمان واحدی برای احداث بنای اولیه‌ی حسینیه‌ی اعظم ذکر نگردیده است و متونی چون «تاریخ دارالعرفان خمسه» از وجود این بنای مقدّس در دوران حکومت افشاریه و زندیه سخن گفته‌اند، ولی، استناد به تواریخ حک شده بر روی کتیبه‌ی بازمانده بر روی بنای قدیمی مسجد و نیز علم فلزی مکشوفه از کف آن، حاکی از دیرپایی و تداوم کالبدی آن می‌باشد. زیرا پس از گذشت نزدیک به دو سده از زمان احداث، هنوز هم پایا و پویا می‌باشد.

خاطره‌ی جمعی

موریس هالبواکس^{۲۲} نخستین کسی بود که مفهوم «خاطره‌ی جمعی^{۲۳}» را در کتاب «خاطره‌ی جمعی^{۲۴}» به کار گرفت. از نظر وی، خاطره‌ی جمعی، خاطره‌ی همیشگی یک گروه و به یادآوری گزینشی و توافق‌شده میان اعضای آن گروه است و از این نظر چیزی شبیه اسطوره می‌باشد. آلدو روسی، نخستین کسی بود که مفهوم «خاطره‌ی جمعی» هالبواکس را وارد ادبیات معماری و شهرسازی کرد (حسینی کومله و علم‌باز، ۱۳۹۲: ۸۱) و در این باره می‌نویسد: «شهر، خاطره‌ی جمعی شهروندان است و مانند خاطره در پیوند با اشیاء و مکان‌هاست. شهر تجلی‌گاه خاطره‌ی جمعی است. بنابراین، رابطه‌ی میان این تجلی‌گاه و شهروندی، تصوّر غالب شهر از معماری و چشم‌انداز را می‌سازد. هنگامی که مصنوعات مشخص به بخشی از خاطره تبدیل می‌شود، تصویر ذهنی جدیدی پدید می‌آید» (Rossi, 1982: 130). به عبارت دیگر، فضاهای شهری-که در پاسخ‌گویی به نیاز انسان‌ها برای برقراری روابط اجتماعی با هم‌نوعان ایجاد می‌شوند-به دلیل داشتن خصوصیات کالبدی نمادین و یا وقوع یک رویداد اجتماعی هویت‌بخش در آن موجب خاطرات فردی و جمعی می‌شوند. از این نظر، می‌توان گفت حسینیه‌ی اعظم، واجد هر دو خصوصیت فوق بوده است. زیرا به عنوان یک فضای مذهبی، هم عنصر شهری منحصر به فرد و نمادین در دل شهر بوده و هست و هم محل وقوع بزرگ‌ترین اجتماع (مذهبی) شهر. بدین طریق با هویت‌بخشی به فضاهای شهری، آن‌ها را به مکانی خاطره‌انگیز و به یادماندنی تبدیل می‌کنند.

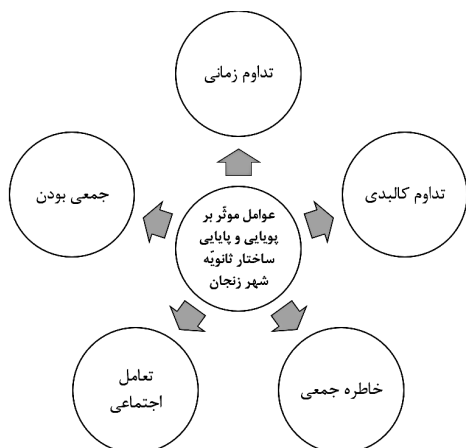
تعامل اجتماعی

تعامل اجتماعی به برقراری رابطه بین دو یا چند نفر از افراد جامعه اشاره دارد که خود مستلزم تعریف رویدادها و فعالیت‌های متناسب و در نتیجه نقش‌پذیری مردم در فضا و عضویت آن‌ها در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی است. از این رو، فضاهای عمومی و جمعی شهر به عنوان یک قرارگاه رفتاری، نقش مهمی در تأمین نیاز اجتماعی افراد، تعامل مردم با یکدیگر و توسعه روابط فردی و اجتماعی دارد (علی‌مردانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۹). در واقع، محیط و تعامل اجتماعی روابط اجتماعی دوسویه‌ای باهم دارند. زیرا از یک سو، محیط، محلی برای تعامل اجتماعی پدید می‌آورد و با ایفای این نقش، تبدیل به فضای شهری و جمعی می‌گردد و از سوی دیگر، حضور انسان‌ها در فضای شهری، موجب پویایی و پایداری آن می‌گردد. روسی معتقد است که کلیساها و مراکز دادوستد کالاها (بازار) اصلی‌ترین فضاهای عمومی شهرهای قدیم و محل اجتماع و تعامل شهروندان بودند (Rossi, 1982: 92). در سرزمین‌های اسلامی و به ویژه در مناطق شیعه‌نشین، علاوه بر اماکن مذهبی مثل مسجد جامع و بازار، فضاهایی چون حسینیه‌ها و تکایا نیز محل اجتماع مؤمنین می‌باشند. به عبارت دیگر، این گونه فضاهای، علاوه بر نقش مذهبی، کارکرد اجتماعی بسیار قویتری نیز دارند که افزایش تعامل اجتماعی مسلمانان یکی از آثار آن می‌باشد. بر این اساس، می‌توان گفت، یکی از علل پایداری ساختار ثانویه در شهر زنجان، پویایی کارکرد اجتماعی فضاهای مذهبی آن (هم‌چون حسینیه‌ی اعظم) بوده است. زیرا از دیرباز محل اجتماع انبوه عزاداران حسینی بوده است.

جمعی بودن

آلدو روسی با اشاره به تحقیقات کارلو کاتانو^{۲۴} در مورد شهرهای رومی، علل پویایی فضاهایی چون ترمها^{۲۵} (گرمابه‌ها)، استادیوم‌ها، سالن‌های اجتماعات، کتاب‌خانه‌ها، مدارس و فضاهایی از این دست را اختصاص آن‌ها به فعالیت‌های جمعی و اهتمام ویژه حکام در آبادانی چنین فضاهایی دانسته است (Rossi, 1982: 128-129). اسلام دینی جمع‌گرا است و به شدت با رُهبانیت و انزواگزینی مخالف است. بر این اساس، مسلمانان معتقدند که خداوند یاری‌گر - فعالیت‌هایی است که توسط - جمع انجام بگیرد^{۲۶}. از این روست که هرگاه خداوند در قرآن کریم، انسان را مورد خطاب قرار می‌دهد، از صیغه‌ی جمع استفاده می‌نماید. زیرا جمع انسان‌ها مدنظر می‌باشد. هم‌چنین آیاتی نیز که ناظر بر تکلم انسان‌ها با خداوند می‌باشند، به شکل جمع و متکلم مع‌الغیر^{۲۷} می‌باشند. علاوه بر این، در دین اسلام بر عمران و آباد ساختن بناها و فضاهای عمومی چون راه‌ها، گرمابه‌ها، مدارس، بیمارستان‌ها، مساجد و حسینیه‌ها که محل مصرف جمعی دارند، تأکید شده است و به منظور تشویق مسلمانان به این امر، انجام چنین کارهایی در زمره‌ی "باقیات و صالحات" در نظر گرفته شده است. همین عامل موجب ترغیب ایشان به حفظ و بازسازی چنین مکان‌هایی و در نتیجه به پویایی و پایداری آن‌ها در طی زمان منجر شده است.

با توجه به مباحث مطرح‌شده، می‌توان گفت یکی از علل پایداری ساختار ثانویه‌ی شهر زنجان (به‌عنوان تصویری ذهنی) و حسینیه‌ی اعظم (به‌عنوان مکانی مذهبی) در ارتباط آن‌ها با مذهب و رفتار جمعی شهروندان می‌باشد.



تصویر شماره ۱۳: عوامل مؤثر در پویایی و پایداری ساختار ثانویه‌ی شهر زنجان بر مبنای نظریه‌ی روسی؛ مأخذ: نگارندگان

نتیجه‌گیری

شهر زنجان یکی از شهرهای قدیمی فلات ایران است که از دیرباز نقش مذهبی پررنگی داشته و شکل‌گیری فضاهای شهری آن متأثر از فعالیت‌های جمعی و آیینی شهروندان بوده است و عصر قاجار از این نظر، به‌عنوان نقطه‌ی عطف تاریخی محسوب می‌شود. زیرا پرهیز حکومت قاجار از تقابل با اعتقادات مذهبی مردم، موجب افزایش نقش مذهب در حیات اجتماعی شهر گردید. به طوری که علاوه بر تکایا و حسینیه‌هایی (چون حسینیه اعظم) که توسط مردم احداث شده بودند، دستگاه حکومتی نیز به ساخت تکایای مذهبی (تکیه‌ی ناصریه) و برپایی آیین‌های مذهبی و عاشورایی مبادرت می‌کرد. از دیگر تحولات این دوره، خارج شدن دسته‌های عزاداری از مساجد و حسینیه‌ها و تحرک فضایی آن در معابر شهری بود. تحرک فضایی دسته‌ی عزاداری حسینیه‌ی اعظم در این دوره، دو الگوی ثابت و متغیر داشته است. در الگوی ثابت - که در روز هشتم محرم مورد عمل بود - مبدأ (حسینیه)، مقصد (امام‌زاده سیدابراهیم) و مسیر جابجایی از پیش برای عزاداران معلوم بود. ولی در الگوی متغیر - که در دیگر ایام ماه محرم (به‌غیر از روز هشتم) مورد عمل بود - دسته‌ی عزاداری هر روز به یکی از اماکن مذهبی مستقر در شهر سر می‌زدند و ضمن عزاداری در آن مکان‌ها، فرارسیدن ایام سوگواری امام حسین (ع) را به افراد حاضر در آن مکان مقدس تسلیم می‌گفتند.

از نتایج این گونه جابجایی‌های فضایی، شکل‌گیری ساختار ثانویه از شهر (زنجان) بوده است. ساختاری که برخلاف ساختار اصلی شهر، فیزیکی و کالبدی نبود، بلکه ساختاری نمادین و معنایی بود و تصویری بود ذهنی از فضاهای شهری، که در

اثر اجرای آیین‌های مذهبی و عاشورایی، خاطره‌انگیز شده بودند. یکی از وجوه اصلی افتراق ساختار ثانویه شهر (زنجان) نسبت به ساختار اصلی آن، پایایی و ماندگاری آن در طی زمان می‌باشد. به طوری که علی‌رغم تحولات کالبدی عارض شده بر شهر و ساختار اصلی آن در دهه‌های اخیر، ساختار ثانویه‌ی آن در عصر حاضر، تداوم کالبدی و زمانی ساختار ثانویه‌ی عصر قاجار می‌باشد.

پی‌نوشت

1. Arati Kumar Kanekar
2. Sukanya Krishnamurthy
3. Crane
4. Bacon
5. Tange
6. Lang
7. Alexander
8. Erikson
9. Appleyard
10. Rappaport
11. Hall
12. Aldo Rossi

۱۳. از جمله‌ی چنین اسنادی می‌توان به سفرنامه‌های مستشرقینی چون کلاویخو، فلدت آفاناس پویچ کاتف، شاردن، موریس دو کوترزبوئه، الکسیس سولتیکف، اوژن اوین و نیز روزنامه‌ی سفر آذربایجان نوشته‌ی عبدالعلی ادیب‌الممالک و سیاحتنامه‌ی میرزاعلی سررشته‌دار اشاره کرد.

۱۴. زنجان عصر قاجار را به دلیل آن که از پنج بلوک (خرارود، اهررود، سجاس رود، ایجرود، زنجان رود) و یا پنج طایفه‌ی عمده‌ی (افشار، مقدم، اوصانلو، بیات و خدابنده‌لو) تشکیل شده بود، «ولایت خمه» می‌گفتند.

۱۵. لقب شهر زنجان در دوره حکومت قاجار، دارالسعادة بوده است.

16. J. M, Tancoigne
17. Arminius Vambery

۱۸. بر روی این کتیبه، تاریخ ۱۲۶۱ هجری قمری قید شده است.

۱۹. بر روی این علم، تاریخ ۱۲۲۱ هجری قمری حک شده است.

20. The Architecture of the City
21. The City as History
22. Maurice Halbwachs
23. The Collective Memory
24. Carlo Cattaneo
25. Thermae

۲۶. يَدُ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ

۲۷. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

فهرست منابع و مراجع

۱. امین‌زاده، بهرام (۱۳۸۶)، «بازشناسی اثر آیین‌های جمعی بر پیکره‌بندی شهر سنتی؛ مطالعه‌ی موردی: سمنان»، *نشریه‌ی هنرهای زیبا*، شماره‌ی ۳۲.
۲. اهری، زهرا (۱۳۹۴)، «شناسایی ساختار ثانویه شهر ایرانی در دوره‌ی قاجاریه»، *نشریه‌ی هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی*، دوره ۲۰، صص ۲۳-۳۴.
۳. بینشی‌فر، فاطمه (۱۳۹۴)، «سیر تحول روضه و روضه‌خوانی دوره قاجار»، *تاریخ‌نامه خوارزمی*، سال سوم، ۷۲-۴۷.
۴. پاکزاد، جهانبخش (۱۳۸۶)، *مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری*، تهران؛ انتشارات شهیدی.

۵. ثبوتی، هوشنگ (۱۳۷۷)، *تاریخ زنجان*؛ زنجان؛ انتشارات زنگان.
۶. حسینی کومله، مصطفی و ستوده‌علم‌باز (۱۳۹۲)، «نقش خاطره‌ی جمعی در باززنده‌سازی بافت‌های شهری: ارائه‌ی راهکار در خصوص ناحیه‌ی تاریخی لاهیجان»، *نشریه هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی*، دوره ۱۸، شماره ۴، صص ۹۲-۷۹.
۷. دوسرسی، کنت (۱۳۶۲)، *ایران در ۱۸۳۹ □ ۱۸۴۰ م (۱۲۵۶-۱۲۵۵ ق.ه)*، ترجمه‌ی دکتر احسان اشراقی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۸. دوهوسه، لوئی امیل (۱۸۵۸ م)، *سفری به ایران (مجموعه‌ای از نقاشی‌های لوئی امیل دوهوسه)*، به کوشش: منوچهر فرمانفرمایان، ۱۲۳۸ - ۱۲۳۶.
۹. راپاپورت، آموس (۱۳۶۶)، *منشأ فرهنگی مجتمع‌های زیستی*، ترجمه‌ی راضیه رضازاده، انتشارات جهاد دانشگاهی، دانشگاه علم و صنعت.
۱۰. رضایی‌قلعه، مریم و رمضان‌ی، مریم (۱۳۹۳)، «تأثیر آیین محرم بر کالبد شهر سنتی در دوره‌ی معاصر (مورد مطالعه: شهر آران و بیدگل)»، *پژوهش‌های منظر شهر*، شماره ۲.
۱۱. رضوی‌پور، مریم‌سادات و ذاکری، محمد‌مهدی (۱۳۹۲)، «بررسی مقایسه‌ای حسینه‌های دوره‌ی قاجار در مازندران و اصفهان»، *فصلنامه‌ی مطالعات شهر ایرانی - اسلامی*، شماره‌ی چهاردهم، ۷۳-۶۳.
۱۲. سلطانی، علی؛ زرگری‌مردی، ابراهیم؛ نامداریان، احمدعلی (۱۳۹۱)، «شکل‌گیری، تقویت و مانایی خاطره در فضاها‌ی شهری، نمونه موردی: محور شهید چمران شیراز»، *فصلنامه مسکن و محیط روستا*، شماره ۱۴۱، صص ۹۸-۷۸.
۱۳. سلطانی، رامین (۱۳۷۹)، *تاریخ زنجان*؛ زنجان، انتشارات نیکان کتاب.
۱۴. سولتیکف، الکسیس (۱۳۶۵)، *مسافرت به ایران*؛ ترجمه‌ی محسن صبا، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۵. علیمردانی، مسعود؛ مهدوی‌نژاد، جمال‌الدین و افهمی، طلیعه (۱۳۹۴)، «رشد کیفی فضای شهری به منظور ارتقاء تعاملات اجتماعی»، *دوفصلنامه‌ی هنرهای کاربردی*، شماره ۷، صص ۱۴-۵.
۱۶. علی‌الحسابی، مهران و پای‌کن، عصمت (۱۳۹۲)، «تدوین چارچوب مفهومی تعامل شهر و آیین‌های جمعی و بررسی مصداق آن در آیین‌های عاشورایی»، *فصلنامه‌ی مطالعات شهر ایرانی - اسلامی*، شماره دوازدهم، صص ۴۴-۲۷.
۱۷. علی‌الحسابی، مهران؛ رضازاده، راضیه و چریگو، نصیبه (۱۳۹۶)، «ارایه‌ی مدل مفهومی معنای مکان و شاخص‌های تداوم آن (تحلیل پدیدارشناسانه‌ی تفسیری تجربیات زیسته افراد)»، *فصلنامه باغ نظر*، سال چهاردهم، شماره ۵۲، صص ۲۶-۱۷.
۱۸. گلکار، کورش (۱۳۸۲)، *از تولد تا بلوغ طراحی شهری*، نشریه‌ی علمی-پژوهشی صفه، شماره ۳۶.
۱۹. گلکار، کورش (۱۳۷۸)، *کندوکاوی در تعریف طراحی شهری*، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
۲۰. متقی، حسین (۱۳۸۲)، *گلگشت؛ سیمای استان زنجان از منظر سیاحتان و سفرنامه‌نویسان*، قم: انتشارات کتابخانه عمومی آیت‌اله مرعشی نجفی.
۲۱. محمدپور، احمد و شاهی‌زاده، رامین (۱۳۹۰)، «مطالعه‌ی مردم‌شناختی مراسم عاشورا در شهر اردبیل»، *مجله‌ی مطالعات اجتماعی ایران*، دوره‌ی پنجم، شماره ۳، صص ۱۴۶-۱۲۶.
۲۲. مشکینی، ابوالفضل (۱۳۷۰)، *بررسی سیر تکوینی شهر و شهرنشینی در زنجان*؛ تهران، دانشگاه شهید بهشتی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
۲۳. وامبری، آرمینیوس (۱۳۷۲)، *زندگی و سفرهای وامبری؛ دنباله‌ی سیاحت درویشی دروغین*، ترجمه‌ی محمدحسین آریا، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول.

۲۴. هال، ادوارد (۱۳۷۶)، **بعد پنهان**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.

۲۵. یوسفی، یوسف؛ آزاد، میترا؛ سلطانی محمدی، مهدی (۱۳۹۳)، «مطالعه‌ی چگونگی ارتباط مراسم آیینی عزاداری ایام محرم و شهر نابین»، **فصلنامه‌ی مطالعات شهر ایرانی - اسلامی**، سال هشتم، شماره‌ی ۲۹، صص ۳۷-۵۰.

26. Appleyard, Donald (1970), "Styles and Methods of Structuring a City", in *Environment and Behavior*, vol. 2 No.1, pp 100-117.
27. Alexander, Christopher (1987), *A new theory of urban design*, Vol. 6, Oxford University Press.
28. Bacon, Edmund. N (1967), *Design of City*, Thames and Hudson, London.
29. Crane, David A (1960), "The City Symbolic", *Journal of the American Institute of Planners (JOPA)*, Volume 26, Issue4, pp280-292.
30. Kheirabadi, Masoud (2000), *Iranian Cities: Formation and Development*, Syracuse University Press, USA.
31. Lang, Jon (1995), *The Human Dimension of Urban Design*, *Urban Futures*, No. 17, pp 25-36.
32. Masoudi Nejad, Reza (2013), *The Discursive Manifestation of Past and Present through the Spatial Organization of the Ashura Procession*, in *Space and Culture*, DOI: 10.1177/1206331213475747.
33. Rossi, Aldo (1982), *The Architecture of the city*, Cambridge, the MIT Press, Cambridge, Massachusetts and London, England.
34. Tange, Kenzo (1970), *Architecture and Urban Design*, Verlag Fur Architektur Artemis Zurich.
35. www.haz.ir.

خوانش فضا بر مبنای نظریات فضا - قدرت فوکو مطالعه موردی: میدان نقش جهان در عصر صفوی

سمر حقیقی بروجنی^۱ * (نویسنده مسئول)، سید عباس یزدانفر^۲، مصطفی بهزادفر^۳

^۱ استادیار گروه معماری، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران
^۲ دانشیار گروه معماری، دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران
^۳ استاد گروه شهرسازی، دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۹/۰۱/۲۴ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۷/۲۲)

چکیده

از دهه ۶۰ میلادی با اهمیت پیدا کردن مؤلفه‌های اجتماعی، فرهنگی و منافع انسانی در همه ابعاد، مفاهیمی نظیر قدرت در مباحث اجتماعی مطرح و به تبع آن وارد حوزه طراحی و برنامه‌ریزی محیط مصنوع نیز شد. در بررسی مطالعات جامعه‌شناختی انجام شده در مورد پیوند فضاهای ساخته شده و روابط قدرت، در قلمروی نظری نتایج گسترده و متنوعی به دست می‌آید؛ لیکن آنچه در این میان توسط پژوهشگران معماری و شهرسازی کمتر مورد توجه قرار گرفته کاربست این نظریات در تحلیل محتوایی فضاهای ساخته شده است. این مقاله با هدف ایجاد ارتباطی کارا میان نظریات جامعه‌شناختی فضا و قدرت و تحلیل محتوایی فضاها در مطالعات شهری شکل گرفته و رویکرد نظری آن مبتنی بر آرای میشل فوکو درباره قدرت و فضا است. دستاورد این پژوهش چارچوبی تحلیلی است، با استفاده از نظریات فوکو در این حوزه، که با رویکرد شناخت شیوه‌های نفوذ در فضا توسط صاحبان قدرت، به عنوان ابزاری در فهم معانی مستتر در یک فضای شهری مورد استفاده قرار گرفته است. به نظر می‌رسد مکانیسم‌های فضایی^۲ که خود مشتمل بر دو شیوه (۱) نظارت و کنترل بر ساختار کالبدی فضا و (۲) تعریف الزامات عملکردی صریح آشکار یا غیر آشکار است، مهمترین ابزارهای طبقه قدرت در نفوذ به فضا و بازتولید قدرت حکومت هستند. این مکانیسم‌ها در تحلیل محتوایی میدان نقش جهان اصفهان در دوران شاه عباس صفوی، به آزمون گذاشته شده‌اند. این مقاله رویکردی کیفی دارد که فن گردآوری داده‌های آن بررسی اسناد و مشاهده است. داده‌ها در بخش نظری، از طریق مطالعه منابع کتابخانه‌ای و در مورد وضعیت میدان نقش جهان در زمان شاه عباس نیز با استفاده از فنون مشاهده و مطالعه منابع تاریخی دسته اول و دوم گردآوری شده‌اند. پژوهش از نظر شیوه تحلیل داده‌ها نیز یک پژوهش تاریخی محسوب می‌شود.

واژگان کلیدی: فضای شهری، قدرت، میشل فوکو، تحلیل محتوایی، میدان نقش جهان.

مقدمه

سازماندهی فضاهای شهری تحت تاثیر سازوکار پیچیده‌ای از نیروهای سیاسی، اقتصادی، بافت اجتماعی و فرهنگی، نیروهای خارجی و نقاط عطف تاریخی شکل می‌گیرد. از این رو فضای شهری جایی است که نقش نیروهای اجتماعی و اندیشه‌های حاکمیتی بر آن حکم می‌شود. به نظر می‌رسد بررسی شهرها دینامیک این نیروها را آشکارتر می‌سازد. جریان‌های قدرت، نابرابری‌های طبقاتی و ... با مکانیسم خاصی خود را بر فضای هر شهر منعکس می‌کنند. عصر صفوی و به خصوص دوران شاه عباس اول نقطه عطف مهمی در تحول فضاهای شهر اصفهان محسوب می‌شود. حبیبی معتقد است که شکل‌گیری دولت قاهر مرکزی و استیلای سیاسی - عقیدتی در عصر صفوی، سبب گشته تا این دولت به شهر چون نماد تجسم و تجسد کالبدی - فضایی مفاهیم عقیدتی - سیاسی، فرهنگی و اقتصادی - اجتماعی، بنگرد (۱۳۸۷: ۹۴). به نظر می‌رسد اثر چنین تفکری را در فضاهای شهری بخش نوساخته صفوی می‌توان دنبال کرد.

این پژوهش تلاش می‌کند با تمرکز بر میدان نقش جهان به عنوان یکی از فضاهای شهری بزرگ مقیاس و ساخته شده در زمان شاه عباس اول به این پرسش اساسی پاسخ دهد که حکومت صفوی از چه تکنولوژی‌های فضایی در تولید و بازتعریف فضاهای شهری استفاده کرده تا این فضاها را به صحنه‌های مناسب برای بازتولید مناسبات قدرت این حکومت بدل گرداند. رویکرد نظری این پژوهش مبتنی بر آرای میشل فوکو در مورد چگونگی جریان قدرت در فضا است. فوکو به طرح یک نظریه عام فضا - قدرت پرداخته است. با این حال طرح معروف او از پیدایش «جامعه انضباطی» از بطن تعدادی از حرف و فعالیت‌های همبسته در سده نوزدهم فرصتی را برای پژوهش در استفاده از مفهوم قدرت و نیز اهمیت بُعد فضایی در فهم او از روابط اجتماعی فراهم می‌آورد. او یکی از نخستین نظریه پردازانی است که به تشریح مکانیسم‌های فضایی که به دست تولیدکنندگان فضا به تدریج شکل گرفته‌اند و ابزارهای فضایی برای جادگی به بدن‌های انسانی، استقرار انضباط و درونی سازی کنترل اجتماعی، می‌پردازد.

در انتها به نظر می‌رسد که اگرچه فاکتورهای بسیاری مانند اعتقادات مذهبی، تحولات اجتماعی، مالکیت اراضی و ... می‌توانند ساختار و عملکرد این میدان را تحت تاثیر قرار داده باشند اما نمی‌توان اثر بازنمایی قدرت سیاسی صفوی و تلاش شاه عباس برای بازتولید قدرت خود از خلال فضا را به عنوان یکی از اصلی‌ترین عوامل تاثیرگذار انکار کرد. انتخاب این میدان به عنوان نمونه موردی بدین دلیل بوده که مطالعات متعددی در مورد آن انجام شده است؛ لذا تحلیل مجدد آن، از زاویه‌ای متفاوت، می‌تواند ظرفیت چارچوب نظری مورد نظر را در کشف معانی جدید و فهم کاملتر مفاهیم موجود از یک فضای یکسان، روشن سازد.

پیشینه پژوهش

ساختار فیزیکی شهرها تحت تاثیر نیروهای متعددی در طول زمان شکل می‌گیرد. لیکن گاهی همچون شهر اصفهان در عصر شاه عباس، ساختار شهر دچار نوعی دگرگونی در بازه زمانی کوتاهی می‌شود. این سطح از تحول را می‌توان تحت تاثیر عوامل متعددی همچون نیروهای اجتماعی (کلانتری خلیل آباد و دیگران، ۱۳۸۹)، سیاسی (حقیقی و دیگران، ۱۳۹۶)، سرعت ساخت (Falahat & Shirazi, 2012) و ... دانست. در مورد ساختار فضاهای شهری اصفهان به خصوص میدان نقش جهان و چهارباغ منابع متعددی وجود دارد اما اغلب این پژوهش‌ها عوامل تاثیرگذار در شکل‌گیری چنین سازماندهی فضایی را کمتر مورد توجه قرار داده‌اند. در این میان منابعی نیز وجود دارند که به تاثیر تفکرات سیاسی خاندان صفوی بر معماری و شهرسازی این دوران پرداخته‌اند (Rizvi 2010)، لیکن آنچه در این قسم از پژوهش‌ها نیز کمتر دیده شده است، سازوکار طبقه قدرت در تولید چنین فضاهایی است که بتواند در خلال استفاده شهروندان از آنها به بازتولید مناسبات خود دست پیدا کند.

روش پژوهش

تحقیق حاضر از نوع تحقیقات کاربردی است. در مورد رویکرد آن نیز باید گفت که توجه به معانی، دیدگاه‌ها و ادراکات برای فراتر رفتن از لایه‌های سطحی و درک بینشی عمیق‌تر از موضوع، تأکید بر واقعیت‌های تجربی و مشاهده از مهم‌ترین ویژگی‌های یک پژوهش کیفی است که به همین منظور رویکرد انتخابی در این پژوهش می‌باشد. بر اساس رویکرد طرح شده جهت تحقیق، داده‌های مورد استفاده در حوزه ادبیات نظری با رجوع به اصلی‌ترین کتب فوکو در باب موضوع مورد بحث و آثار دیگر فوکو گرایان، گردآوری شده‌اند. در مواجهه با تحلیل میدان نقش جهان داده‌ها با استفاده از متون، منابع و اسناد تصویری تاریخی و دست اول و دوم از یک سو و مشاهده و حضور در میدان از سویی دیگر به دست آمده‌اند. در ابتدا شیوه‌های نفوذ طبقه قدرت در فضا از خلال نظریات فوکو استخراج شده و در مرحله تحلیل، ویژگی‌های کالبدی و عملکردی میدان نقش جهان اصفهان در دوران شاه عباس اول (۹۹۶-۱۰۳۸ هـ.ق) از منظر چارچوب نظری به دست آمده مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

چارچوب نظری پژوهش

فوکو قدرت را به معنای شیوه انجام عمل روی اعمال دیگران تعریف می‌کند، چیزی متمایز از زور و اجبار. کسی که دست و پایش زنجیر است و کتک می‌خورد تابع زور است نه قدرت (فوکو، ۱۳۸۹: ۴۲۹). او معتقد است که باید از توصیف همیشگی اثرات قدرت در قالب واژه‌هایی منفی نظیر قدرت طرد کننده، سرکوب گر، سانسور گر، پنهان کننده و ... دست کشید. در واقع

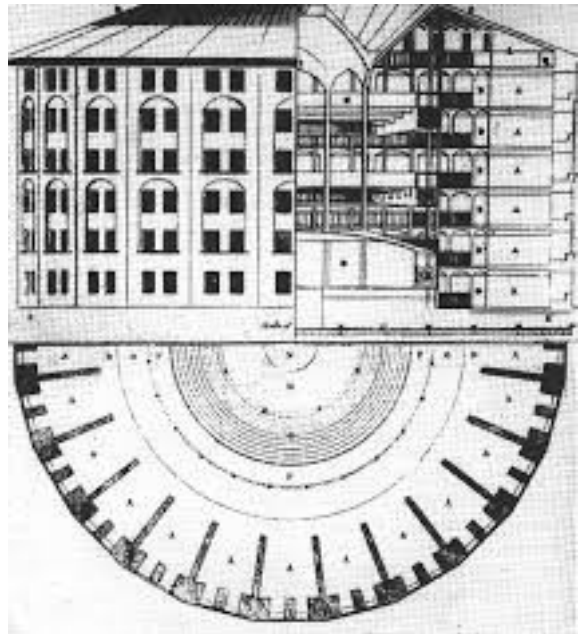
در سده هیجدهم می توان پیشرفتی را در تأمل درباره معماری به عنوان کارکردی از اهداف و تکنیک‌های اداره جوامع دید (Foucault, 1986: 239, 240, 241). او فهم اندیشه‌های خود را از رابطه فضا و قدرت از طریق جلب توجه به رشد نهادهای اجتماعی در اروپا از قرن هیجدهم میلادی تاکنون میسر می‌سازد. طبق نظر فوکو، شکل‌گیری دانش جدید در عصر روشنگری، طی قرن‌های گذشته با تکوین صورت‌های جدیدی از مناسبات قدرت همراه بوده است که با محو شدن صورت‌های آشکار سلطه، زیر نقاب آزادی در سایه پوشانده شده و از نظرها مخفی مانده‌اند (Foucault, 1980). او ظهور این صورت‌بندی‌های جدید از قدرت را با تاسیس موسسات جدیدی چون بیمارستان‌ها، درمانگاه‌ها و بیمارستان‌ها همزمان می‌داند.

به طور مثال او با اشاره به طرح معماری بنای سراسرین^۶ (شکل یک)، آن را نقطه اوجی در تاریخ استفاده از فضا برای درونی‌سازی کنترل اجتماعی در سوژه‌های انسانی به شمار می‌آورد. این بنا بر اساس طرحی حلقوی و برجی دیده‌بانی با پنجره‌های باریک دور تا دور، در مرکز و ردیف سلول‌های پیرامونی با پنجره‌های به سمت برج و پنجره‌های رو به بیرون، طراحی شده است. «حال کافی است که نهایتاً محافظت می‌کند، در اسارت می‌گیرد. رویت تاریکی که نهایتاً محافظت می‌کند، در اسارت می‌گیرد. رویت پذیرایی یک دام است.» (فوکو، ۱۳۷۸: ۲۴۸-۲۴۹) فوکو این بنا را نوعی تکنولوژی انضباطی به شمار می‌آورد که نوعی جادوی بدن‌ها در مکان است. نوعی توزیع بدن‌ها که بدون بکارگیری هیچ ابزار فیزیکی جز معماری و هندسه به طور مستقیم بر افراد اثر می‌گذارد (فوکو، ۱۳۷۸: ۲۵۶). «چنین سازوکاری مهم است چون قدرت را خودکار و غیر فردی می‌کند. اساس این قدرت... بیشتر بر نوعی توزیع تنظیم شده بدن‌ها، سطح‌ها، روشنایی‌ها و نگاه‌ها استوار است. بر مجموعه‌ای از دستگاه‌ها که سازوکارهای درونیشان مناسباتی را تولید می‌کنند که افراد در آن گرفتارند...» (فوکو، ۱۳۷۸: ۲۶۰)

تکنولوژی انضباطی در نظر فوکو با نگاه خردبینانه‌اش و با توجه به جزئیات، می‌خواهد زندگی روزمره افراد را سامان ببخشد. توزیع و طبقه‌بندی افراد در مکان و جداسازی بدن‌ها از یکدیگر از نخستین تکنیک‌هایی است که تکنولوژی انضباطی از آن برای رویت‌پذیر کردن افراد و آنچه درون فضا می‌گذرد، بهره می‌برد. این همان است که فوکو هنر توزیع‌ها^۷ می‌خواند. بنابراین فضا برای فوکو بیش از آنکه محملی برای مفاهیم انتزاعی و ایدئولوژی‌ها باشد، در درجه اول جایی است که گفتمانهای قدرت و دانش تبدیل به

قدرت تولیدکننده واقعیت‌ها و قلمروهای ابژه‌ها و حقیقت است و خرد و شناختی که در هر دوره می‌توان به دست آورد به این تولید بستگی دارد (فوکو، ۱۳۷۸: ۲۴۲). آنچه این جا کاویده می‌شود «گفتمان‌هایی انضباطی» هستند که پرکتیک‌های پراکنده قدرت جاری و ذاتی در بازنمایی‌های شکل‌های فضا را که بخش اصلی نظریه‌ی اجتماعی فوکو است وضوح می‌بخشد.

از نظر او در سده‌های اخیر در اشکال اعمال قدرت تحولاتی رخ داده است به این صورت که قدرت، در قرون هفدهم و هیجدهم از شکل حاکمیت و سرکوب به شکل قدرت مشرف بر حیات با هدف تأمین رفاه و سلامت فرد و جمع، درآمد و در سده نوزدهم به شکل آناتومی سیاسی بدن با تأکید بر بکارگیری تکنولوژی انضباطی ظاهر شد (دریغوس و رایینو، ۱۳۷۸: ۳۰). فوکو در خصوص قدرت، درک سلسله مراتبی ساده را رد می‌کند و معتقد است قدرت یک مفهوم ساده دستوری و از بالا به پایین نیست، بلکه حالت شبکه‌ای دارد (۱۳۸۹: ۴۲۹). بنابراین او اعتقاد دارد که سوژه قدرت می‌تواند با فعالیت‌های اجتماعیش فضاهایی خلق کند که در تضاد با روابط غالب قدرت در آن محیط است. بنابراین فضا برای فوکو استعاره ایست برای ظرف قدرت‌های متضاد (Fokdol, 2008: 23). با این وجود در بحث از فضا و چگونگی سیطره قدرت بر فضا فوکو بر خلاف دوسر تو^۴ بیشتر بر روی جریان قدرت از بالا به پایین متمرکز شده است



شکل شماره ۱: طرح زندان سراسرین؛
مأخذ: Evans, 1971:22

رویکرد فضایی فوکو را می‌توان در مکان‌ها، قلمروها و سایت‌های مشخص به عنوان موضوع تحلیل‌هایش ردیابی کرد. فوکو معتقد است که «اواخر سده هیجدهم میلادی، معماری کم‌کم درگیر مسائلی (تمرکز) جمعیت، سلامت و مسأله شهر شد... (معماری) به موضوع استفاده از آرایش فضا برای اهداف اقتصادی-سیاسی تبدیل شد» (Foucault, 1980: 148). از نظر او

مناسبات واقعی قدرت می‌شود. بر همین اساس به تعبیر فوکو فضا در هر شکلی از زندگی اجتماعی مقوله‌ای بنیادی است و اساس هر اعمال قدرتی است (۱۹۸۶: ۲۵۶). فوکو همین پروتوتایپ‌های فضای انضباطی را در ساختمان نهادهایی چون بیمارستان و کارخانه نیز بررسی می‌کند. در نهایت او با مقایسه این بناها تصویری از انضباط در اروپا ارائه می‌دهد. مکانیسم انضباط^۸ که با سریع‌تر کردن، سبک‌تر کردن و کارا تر کردن اعمال قدرت، کاربست آن را بهبود می‌بخشد (فوکو ۱۳۷۸: ۲۶۰).

پیوند فضا و روابط قدرت را می‌توان در مفهوم قدرت مشرف بر حیات^۹ فوکو نیز دنبال کرد. او در این خصوص ضمن تشریح مفهوم انضباط بر تمایل سیستم کنترل اجتماعی به استفاده بهینه از فضا به منظور تربیت بدن‌ها و اذهان انسانی تکیه می‌کند. او از مفهوم مکانیسم فضایی در توضیح این پدیده استفاده می‌کند. مکانیسم فضایی شیوه‌های خاصی از سازماندهی فضایی است که طی فرایندهای تاریخی به دست معماران به تدریج تکوین یافته‌اند و طیف متنوعی از ابزارهای فضایی را برای جاده‌ی به بدن‌های انسانی، استقرار انضباط و درونی‌سازی کنترل اجتماعی توسعه داده‌اند (فوکو، نقل شده در دریفوس و رایینو، ۱۳۷۸: ۲۷۰). وی در آثار خود نشان می‌دهد که تکنولوژی‌های انضباطی چگونه با استخدام حرفه‌های تولیدگر فضا شیوه‌هایی هر چه صرفه‌جویانه‌تر، فنی‌تر، مشخص‌تر و کارا تر را برای سازماندهی اجتماع ایجاد کرده‌اند.

علاوه بر بحث تکنولوژی‌های انضباطی و مکانیسم‌های فضایی فوکو به الزامات عملکردی و فعالیت‌ها نیز اشاره دارد. از دید فوکو فضا با الزامات کارکردی قدرت مرتبط است. در نتیجه، آن چه مفهوم‌پردازی می‌شود، پیدایش مجموعه‌ی نوینی از اعمال و رویه‌های به‌طور خاص فضایی است که شدیداً به پرورش شهر و آن چه او حکومت‌مندی^{۱۰} می‌نامد پیوند می‌خورد (Zieleniec, 2007: 212). حکومت‌مندی به بیان ساده بیانگر بسط شگفت‌آور گستره عمل حکومت است که به باور او از میانه سده هیجدهم آغاز شد و تا به امروز به رشد خود ادامه داده است. این بسط، تمام آن فعالیت‌ها و سپهرهای کنش‌گری انسانی، چه به عنوان اشخاص منفرد و چه به‌طور جمعی را دربرمی‌گیرد که باید ساختاری، دستکاری یا کنترل شوند. بنابراین تجویز و تحدید فعالیت‌های مشخص سیاسی، اجتماعی، فراغتی و تفریحی و نیز تجویز و تحدید برخی گروه‌های اجتماعی نسبت به برخی دیگر، فضا را به عرصه‌ای بالقوه برای ستیز تبدیل می‌کند، عرصه‌ای که در آن ارزش‌های هنجارساز به واسطه منضبط‌سازی، نظم‌بخشی و تنظیم فضا دنبال می‌شود. شکل، ساختار و کارکرد عمیقاً در آن فضاها (عمومی) اجتماعی به هم پیوند می‌خورند که عرصه‌های روزمره و عامی را بازنمایی می‌کنند که در آن‌ها تولید فضا روابط قدرت را دربرمی‌گیرد؛ روابط قدرتی را که به‌طور مادی بر چشم‌انداز حکم می‌شوند اما در معرض ارزش‌ها، معانی و استفاده‌های متضاداند (Zieleniec, 2007: 115).

به‌طور مثال فوکو معتقد است که کارناوال‌ها در حقیقت

همان جشن‌هایی هستند که مردم در خلال آنها به قلمرو آرمان شهری آزادی، برابری و وفور نعمت وارد می‌شوند (به نقل از نولز ۱۳۹۱: ۱۰). جشن‌هایی که نیرویی رهایی‌بخش برای قشر یا تفکر سرکوب شده هستند. در چنین شرایطی است که به اعتقاد فوکو گرایان جشن‌ها همچون سوپاپ اطمینان و یا نوعی بیان کنترل شده عمل می‌کنند که با تمسخر قدرت مسلط تنها در جهت تحکیم آن بر می‌آیند (سلدن و ویدوسون، ۱۳۸۴: ۲۱۲). در چنین تجمع‌هایی، در توزیع و چیدمان‌شان، توزیع و آرایش فعالیت‌ها و افراد داخل و پیرامون معماری و محیط است که بُعد فضایی عملکرد قدرت، ملموس می‌شود. فضا از دید فوکو جایی است که گفتمان‌های قدرت و دانش، به جای آن که صرفاً در مفاهیم و ایدئولوژی‌های انتزاعی ساکن شوند به روابط بالفعل قدرت تبدیل می‌شوند.

بنابراین فوکو به آگاهی از نیاز به پرورش شیوه‌ها و وسایلی نوین برای فهم و در نتیجه کنترل و سازماندهی فضا و ملازم با آن، افراد و گروه‌هایی بود که در این فضا ساکن بودند، اشاره می‌کند و توصیف می‌کند که این اتفاق چگونه به شیوه‌هایی متفاوت حاصل شده. نخست این که انضباط‌بخشی از سازماندهی افراد در فضایی آغاز شد که تکنیک‌های چندی در آن به کار بسته می‌شدند. گاهی لازم بود تا فضا برای تصریح این که یک مکان، مکان یک شغل یا عملکرد خاص است محصور شود، برای مثال در پادگان‌ها، مدرسه، زندان یا کارخانه. فضا گاهی باید به منظور شناخت، تسلط و استفاده از آن تفکیک می‌شد. به‌طوری که هر فرد بتواند به مکانی اختصاص یابد و از مکانش درون نظم محصور نهاد یا سپهر انضباطی آگاهی یابد. همان‌طور که فوکو می‌گوید:

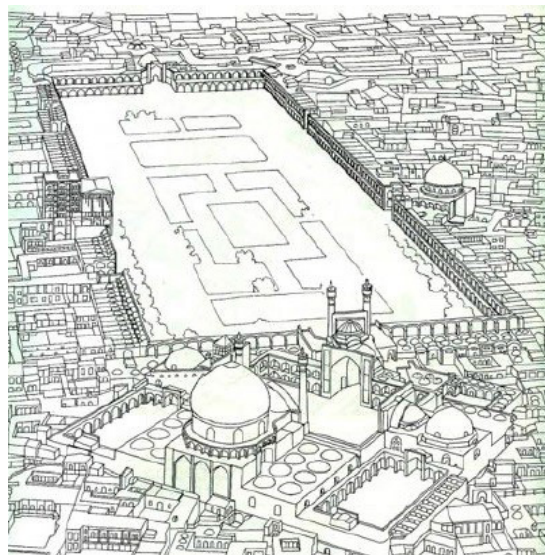
"فضای انضباطی گرایش به آن دارد تا به تعداد بخش‌هایی که برای توزیع بدن‌ها یا مولفه‌ها وجود دارد، تقسیم شود. باید آثار/پیامدهای غیردقیق توزیع‌ها، ناپیدایی کنترل‌نشده‌ی افراد، گردش پراکنده‌ی آن‌ها، و لختی استفاده‌ناپذیر و خطرناک‌شان را از بین برد؛ این نوعی رویه برای مقابله با فرار از کار، ضد ولگردی و ضد تمرکز بود. هدف این رویه، پایه‌ریزی حضور و غیاب بود، آگاهی از این که افراد کجا و چگونه [در فضا] مستقر شده‌اند، ایجاد ارتباط سودمند و ممانعت از سایر ارتباطات، فراهم کردن امکان نظارت بر رفتار هر یک از افراد در هر لحظه، ارزیابی رفتارها، قضاوت درباره‌ی این رفتارها و سنجش ویژگی‌ها و مزایای‌شان. در نتیجه، این رویه‌ای بود که به دنبال شناختن، مسلط شدن و استفاده کردن بود. (Foucault, 1980: 143)".

آنچه مشخص است نظریات اجتماعی درک بدیهی و خنثای فضا را به فضایی که تولید می‌شود، تغییر می‌دهند و بر نقش آن در ساخت و دگرگونی حیات اجتماعی و ماهیت عمیقاً مبتنی بر قدرت آن تأکید می‌نمایند. با توجه به آنچه در باب دیدگاه فوکو نسبت به رابطه فضا و قدرت شرح داده‌شد، می‌توان شیوه‌های

جدول شماره ۱: نظریات فضا-قدرت فوکو

هدف	ابزارهای معماری قابل استفاده	قالب	بسط شیوه	شیوه‌های اعمال قدرت در تولید فضا
درونی سازی کنترل اجتماعی	- هندسه - طبقه بندی و جداسازی افراد - تنظیم روشنایی - توزیع سطوح - محصورسازی - توزیع عملکردها	تامین رفاه و سلامت فرد و جامعه	توزیع بدن‌ها	تکنولوژی های انضباطی
			توزیع نگاه‌ها	
سبک تر کردن و کارا تر کردن اعمال قدرت			رؤیت پذیری	مکانیسم فضایی
			آرایش و سازماندهی فضا	
			توزیع و آرایش فعالیت‌ها در قالب فعالیت‌های جمعی	ساختارهایی یا کنترل فعالیت‌ها
کنترل و سازماندهی افراد				

شاه عباس پس از انتخاب اصفهان به عنوان پایتخت، تلاش خود را برای عظمت و شکوه آن آغاز کرد. اگرچه به نظر می‌رسد که اندیشهٔ احداث میدان نقش جهان و عناصر شاخص اطرافش متأثر از نمونه‌های پیشین خود (میدان صاحب‌آباد تبریز، شاه قزوین و کهنهٔ اصفهان) بوده اما به لحاظ وسعت، شکوه ابنیه پیرامونی، حضور پررنگ بازار در تمامی اضلاع از یک سو (شکل ۲) و از طرفی به دلیل ارتباط قوی آن با استخوان بندی شهر قدیم و جدید اصفهان در زمان خود، می‌توان میدان نقش جهان را نمونهٔ تکامل یافتهٔ میدان شهری در ایران دانست. بنابر آنچه در چارچوب نظری مشخص شد، ویژگی‌های میدان نقش جهان در ادامه در دو قالب نظارت و کنترل بر ساختار کالبدی فضا و تعریف عملکردهای رسمی صریح یا غیر صریح برای این فضا مورد بررسی قرار می‌گیرد.



شکل شماره ۲: مجموعه نقش جهان در زمینه شهری
مأخذ: توسلی، ۱۳۷۱: ۲۷

نظارت و کنترل بر ساختار کالبدی فضا

در این بخش با تمرکز بر ویژگی‌های کالبدی میدان نقش جهان به آن شاخصه‌هایی پرداخته می‌شود که طبقه قدرت آشکارا به منظور افزایش قدرت حکومت مرکزی، کنترل و نظم‌دهی به شهروندان در این میدان از آنها بهره برده است. در این حوزه می‌توان به ویژگی‌های زیر اشاره نمود:

اصلي سيطرة قدرت بر فضا را اعمال مکانیسم‌های فضایی، تکنولوژی‌های انضباطی و کنترل فعالیت‌ها دانست. خلاصه‌ای از نظریات قدرت-فضای فوکو در جدول یک آورده شده است. در حقیقت اصحاب قدرت در این روش با استخدام حرفه‌های تولیدگر فضا شیوه‌هایی هرچه صرفه‌جویانه‌تر، فنی‌تر، نامشخص‌تر و کارا تر از اعمال زور را برای سازماندهی اجتماع از طریق فضا به کار می‌بندند. لذا در این شیوه طبقه حاکمه می‌تواند با اعمال نظارت مستقیم بر فرایند برنامه‌ریزی و طراحی فضا یعنی از طریق کنترل ویژگی‌های کالبدی فضا از یک سو و تعریف عملکردهای مناسب برای آن از سویی دیگر، از شیوه‌هایی پنهانی‌تر و در عین حال کارا تر برای دستیابی به اهدافی نظیر تاکید بر قدرت و هیبت، تغلب و برقراری نظم اجتماعی، کنترل مالکیت‌های اراضی، توزیع هدفمند طبقات اجتماعی، ارائه‌ی تصویری از کارایی و ... بهره جوید. اگرچه فوکو نظریات خود را بیشتر در مورد اروپای قرن ۱۸ و ۱۹ میلادی مطرح می‌سازد لیکن به نظر می‌رسد رد پای ایده‌های او را می‌توان در ایران عصر صفوی نیز دنبال کرد.

میدان نقش جهان و تکنولوژی های فضایی قدرت

شاه عباس صفوی تحت شرایطی بر تخت نشست که توقع حکومتی بلندمدت برای وی امری بسیار بعید می‌نمود. در صحنه داخلی طی دوازده سال که از مرگ شاه طهماسب می‌گذشت، قدرت پادشاه به نحو چشم‌گیری کاهش یافته و اختلافات گسترده‌ای در داخل به وجود آمده بود (اسکندریک، ۱۳۷۸: ۱۱۰۰). از نظر سیاست خارجی نیز تقریباً تمام ایالات غربی و شمال غربی به اشغال عثمانیان درآمده بود و در شرق هم نیمی از ولایت خراسان مورد تاخت و تاز ازبکان بود (اسکندریک، ۱۳۷۸: ۱۱۰۰). گفتگو از مباحث عقیدتی دولت صفوی، از بحث این مقاله خارج است ولی مهم، تلاش برای کسب مشروعیت و اقتداری است که بنا بر دلایل گفته شده در زمان شاه عباس توسعه یافت. مشروعیت صفوی به یاهمان درک و شناخت عامه از حق عضو خاندان صفوی در به کارگیری اقتدار سیاسی، تا حد زیادی بر پایه ارتباطات عمومی مؤثر استوار بود (مکچسنی، ۱۳۸۶: ۱۱۳). ارتباطات عمومی مؤثر به این معنا بود که حکومت پادشاهی بایست تعهدات خود در قبال احترام به آداب و سنن ایران باستان و آداب شیعی در زندگی مردم و شاه را دائماً تصدیق و اثبات می‌نمود.

عظمت در مقیاس: به نظر می‌رسد استفاده از فضاهای بزرگ مقیاس یکی از شیوه‌های بازتولید قدرت در این عصر بوده‌است. این شیوه از اعمال نفوذ در معماری سبقه طولانی دارد به طوری که هر زمان حکومتی سعی در انعکاس اقتدار کم‌نظیر خود داشته از این ابزار استفاده کرده‌است. به طور مثال می‌توان به بناهای عظیم و مرتفعی اشاره کرد که در عهد ایلخانان و تیموریان و برای نمایش قدرت و بزرگی حکومتی غیر ایرانی در ایران ساخته شده‌اند، اشاره کرد. ممکن است درک ابعاد نمایشی میدان نقش جهان، برای کاربران امروزی که نگاهشان با بناهایی در مقیاس فرانسوی انباشته شده است، آسان نباشد؛ اما می‌توانسته این وضعیت برای کاربران حاضر در قرن یازدهم (ه.ق.) متفاوت بوده‌باشد.

زمانی که در اشارات کاربران تاریخی این فضاها تدقیق شود، فهم این عظمت و تاثیر آن بر نظام ادراکی مخاطب خود، دشوار نخواهد بود. توصیفات تاریخی به جامانده از میدان نقش جهان با استفاده از واژگانی نظیر پهناور، بزرگ، وسیع و... عظمت و بزرگی مقیاس آن را که توجه هر بیننده را جلب می‌کرده، خاطر نشان می‌شوند (جنابادی، ۱۳۷۸: ۷۱۴؛ شاردن، ۱۳۷۵: ۱۴۰۰). به طور مثال اولاریوس اشاره می‌کند که میدان بزرگ تجارت و تفریح آنقدر بزرگ است که نظیر آن را در هیچ جا ندیدیم (۱۳۷۹: ۲۳۹). انتخاب این ابعاد نمایشی را می‌توان تدبیری در جهت افزایش شکوه و فرّ پادشاهی از یک سو و افزایش ابهت و قدرت سلطانی و در نتیجه افزایش مشروعیت و متعاقباً اقتدار حکومت مرکزی دانست. چنین نقش مهمی با در نظر گرفتن عملکردهای متنوع این فضای شهری نمود بیشتری پیدا خواهد کرد؛ زمانی که بدانیم به طور مثال میدان نقش جهان نه یک میدان شهری ساده بلکه میدانی است با سه کارکرد اصلی ملاقات مردم با شاه، استقبال از سفرا و حضور تجار جهانی مانند تجار پرتغالی، هندی، ارمنی، عربی، روسی و... اهمیت تاکید بر شکوه پادشاهی و هیبت سلطانی در این میدان مشخص خواهد شد.

هندسه منظم: استفاده از هندسه منظم در طراحی فضاهای شهری می‌تواند یکی از ابزارهای طراحان در تحت تاثیر قرار دادن مخاطب خود معرفی شود. هندسه منظم یادآور نظمی مسلط و اقتداری خدشه ناپذیر است. مثال‌های متعددی از چنین تفکری در طراحی وجود دارد مانند طرح نوسازی پاریس توسط بارون هوسمان و یا طرح اصلاحات رضاشاهی در اکثر شهرهای ایران. هندسه منظم میدان نقش جهان نیز می‌تواند برای مخاطب امروزی چندان مورد توجه نباشد؛ لیکن هندسه این میدان در عصری که به دلیل رشد و توسعه تدریجی شهرها، اغلب فضاهای شهری به خصوص در سرزمین‌های اسلامی از نظم ارگانیک تبعیت می‌کردند (Falahat, 2013: 123)، می‌توانسته مورد توجه قرار گیرد. به طوری که در استانبول حتی تا سال‌ها بعد، به جز حیات مساجد بزرگ و کویه‌ها هیچ فضای شهری دیگری از نظم هندسی برخوردار نبوده‌است (Cerasi, 2008: 465). چنین ساختاری تا حدی شاخص بوده که اغلب بازدیدکنندگان این

فضاها در توصیفات خود به آن اشاره کرده‌اند (به طور مثال جنابادی ۱۳۷۸: ۷۱۴؛ شاردن ۱۳۷۵: ۱۴۰۰؛ دلواله ۱۳۷۰: ۳۷). این هندسه قائم‌الزاویه را می‌توان همچون عظمت مثال زدن میدان، در جهت نقش هندسه غیر ارگانیک در باشکوه‌تر جلوه کردن یک فضا در راستای افزایش فرّ پادشاهی و در نتیجه افزایش اقتدار حکومت مرکزی ترجمه کرد.



شکل شماره ۳: موقعیت کاخ توپکاپی (موقعیت دست‌نیافتنی) در شهر استانبول در سال ۹۴۴ هجری قمری؛ مأخذ: مطراقچی، ۱۳۷۹



شکل شماره ۴: سردر ورودی کاخ توپکاپی (فرم قلعه‌مانند)

افزایش کیفیت بصری مکان: شکوه و عظمت یک فضا تنها حاصل بزرگی مقیاس آن نخواهد بود بلکه به نظر می‌رسد که زیبایی و غنای بصری نیز شرط لازم برای افزایش این کیفیت در آن فضا است. اگر بیان قدرت را یکی از کارکردهای معماری به شمار آوریم، می‌تواند با استفاده از نمادگرایی در تزئینات، انتخاب موقعیت کالبدی بناها و نوعی صحنه پردازی معمارانه و گاه از طریق استفاده انسانی از فضا در خلال مراسم باشکوه مکان را در ناخودآگاه کاربران خود به تجسمی از قدرت بدل کند. در چنین شرایطی است که جداره‌های فضاهای شهری اصفهان اهمیتی بسیار پیدا می‌کند. به طوری که دلواله در توصیف این میدان می‌نویسد: "می‌توان از دو محل برد که به نظر من نه تنها نظیر آنها در قسطنطنیه نیست بلکه با بهترین آثار مسیحیت برابر و حتی بدون تردید بر آنها مزیت دارند. یکی از این دو محل میدان شاه است... دور تا دور این میدان را ساختمانهای مساوی و موزون و زیبا فرا گرفته که سلسله‌ی آنها در هیچ نقطه قطع نشده است. درها



شکل شماره ۵: موقعیت حاشیه‌ای قلعه سرخ آگرا بر روی تپه و در حاشیه رودخانه؛

مأخذ: Murray's Handbooks for Travellers, 1911



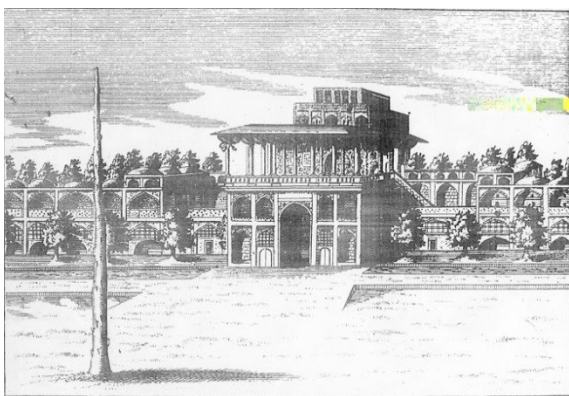
شکل شماره ۶: ورودی قلعه سرخ آگرا

استفاده از نشانه‌های شاخص: "محل قابل توجه دیگری که در اصفهان دیدم اولین مدخل قصر شاهی است که شاه معمولاً سفرای خارجی و مهمانان را در آنجا می‌پذیرد و ضیافتها را در آن محل برپا می‌دارد... در داخل میدان و بالای اولین مدخل (که آن را محترم می‌شمارند و هیچکس پا روی آستانه چوبی آن که قدری بالاتر از سطح زمین است نمی‌گذارد و حتی در مواقع مخصوصی مانند اماکن مقدس آن را می‌بوسند) عمارت کوچکی برای انتخاب چنین محلی به عنوان محل استقرار شاه و برگزاری ضیافت‌های شاهانه می‌توان کارکردی دوگانه در نظر گرفت. اول، همانطور که فوکو در توصیف زندان سراسرین و تکنولوژی‌های انضباطی تاکید دارد، اینجا فضاهای شهری و مخاطبانش همواره تحت نظارت و کنترل مستقیم خواهند بود. چنین نظارتی علاوه بر تاثیر عینی خود مبنی بر کنترل کردارهای اجتماعی کاربران، نظام ادراکی آنها را نیز تحت تاثیر قرار خواهد داد. شاه به عنوان سایه خدا بر زمین ناظر بر کلیه اعمال و رفتار بندگان خود خواهد بود. لیکن کارکرد دیگر چنین موقعیت‌یابی را می‌توان در یکی

همه بزرگ و دکانها همسطح خیابان و پُرآمته هستند و بالای آنها ایوانها و پنجره‌ها و هزاران تزیینات مختلف، منظره‌ی زیبایی به وجود آورده است. این حفظ تناسب در معماری و ظرافت کار باعث تجلی بیشتر زیبایی میدان میشود و با وجودی که عمارتهای میدان ناوونا در رم بلندتر و غنیتر هستند، اگر جرأت این را داشته باشیم باید بگویم میدان شاه را به دلایل مختلفی بر آنها ترجیح میدهم." (۱۳۷۰: ۳۷)

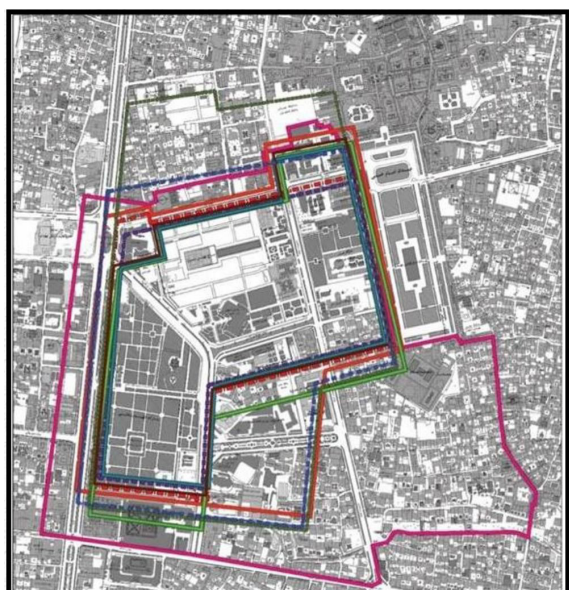
میدان نقش جهان با آنکه الگوی خود را از میدان کهنه اصفهان، میدان حسن پادشاه تبریز و میدان عالیقاپوی قزوین می‌گیرد ولی این الگوی کهن را نظمی منطقی می‌بخشد و با دقت به ترکیب و تنظیم هندسی عناصر پیرامونی آن می‌پردازد. در این میدان برای اولین بار معماری جداره، با تعریف پیرامون و محیط میدان که از ترکیب صفحه شکل گرفته و میدان را از فضاهای مجاور جدا می‌کند (نژادستاری، ۱۳۹۰: ۶۰)، در برابر معماری میانه میدان از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود. این تناسب و هماهنگی جداره‌ها چنان مورد تاکید شاه عباس بوده که فیگورثا ذکر می‌کند: "به فرمان شاه در اطراف میدان، بناهای بزرگ نساخته‌اند تا تناسب این حجرات کوچک که همگی ارتفاع مساوی دارند بهم نخورد" (۱۳۶۳: ۲۱۲). چنین جداره‌سازی‌های نمایشی را می‌توان همچون دو ویژگی قبل در راستای افزایش شکوه و زیبایی پایتخت و در نتیجه افزایش هیبت و قدرت حکومت مرکزی توصیف کرد. به طوری که جنابادی اشاره می‌کند "چون این بلده طیبه معزز به دارالملک شاهنشاهی گردید، هر آینه استعداد آن را داشته باشد که محل قوایم سریر عرش نظیر خلافت گردد" (۱۳۷۸: ۷۵۹) زمانی که بدانیم اهمیت برقراری ارتباط با دول بیگانه تا چه حد برای شاه عباس زیاد بوده، چنین صحنه آرایی در راستای دیالوگی که این فضای شهری با مخاطبان خود که همانا سفرا، تجار خارجی و ملاقات کنندگان با شاه بوده‌اند، برقرار می‌کرده است، پر معنا خواهد بود. به طوری که دل‌واله می‌نویسد: "شاه بسیار مشتاق است ... تا حد امکان با تعداد بیشتری از دول غرب رابطه برقرار سازد و با آنها به تجارت پردازد و به سکونت در خاک ایران تشویقشان کند." (۱۳۷۰: ۱۱۷)

همچنین دیالوگی که چنین نمایشی از جلال و شکوه با کاربران داخلی می‌توانسته برقرار سازد را می‌توان در قالب نمایش رونق و آبادانی معنا کرد. اگر چه مشروعیت، معطوف به مقوله‌ای ارزشی و هنجاری و کارآمدی معطوف به مقوله‌ای ابزاری است، ولی اگر جامعه‌ای، نسبت به کارآیی حکومت در سطوح مختلف احساس رضایت نماید بحران مشروعیت بوجود نخواهد آمد (رازی، ۱۳۷۴: ۱۸). در چنین شرایطی نمایش کارایی از طریق تلاش برای آبادان جلوه دادن شهرها، به خصوص پایتخت، می‌تواند در چارچوب افزایش مشروعیت و در نتیجه اقتدار حکومت مرکزی مورد بررسی قرار گیرد.



The Chief Gate of the Palace and Hall of Audience

شکل شماره ۷: کاخ عال قاپو، ورودی دولنخانه صفوی در میدان نقش جهان؛ مأخذ: سانسون، ۱۳۷۷



شکل شماره ۸: موقعیت دولنخانه صفوی در قلب شهر؛ مأخذ: براساس نقشه شهرداری اصفهان ۱۳۹۰

دیگر از ارکان قدرت صفویان یعنی نیابت امام زمان جستجو کرد. مشروعیت شاه عباس در گرو حفظ ارتباط تنگاتنگ با مظاهر دین بود. بدین شکل موقعیت کاخ شاهی در مقابل مسجد شیخ لطف الله و در موقعیتی فرعی تر نسبت به محور اصلی میدان، نمایشی است خود خواسته از موقعیت شاه صفوی در برابر دین. همچنین موقعیت کاخ شاهی در محل هایی که مکان آمد و شد روزانه مردم است، شاید در نگاه نخست نکته خاصی را به ذهن متبادر نسازد؛ لیکن در آن شرایط تاریخی، با پایان عصر زرین تمدن اسلامی و ضعیف شدن بازدارنده های دینی احتیاج به ابهت سلطانی بیشتر احساس می شد در حالیکه ویژگی های ناشایست فردی پادشاهان با کاستن از هیئت سلطانی سبب بی نظمی در جامعه می شد، متفکران اهل سنت ضرورت پرده نشینی و فاصله بین سلطان و رعایا را مطرح کردند (طباطبایی، ۱۳۸۰: ۳۱۵). به همین دلیل در سایر سرزمین های اسلامی با مذهب رسمی سنی کاخ های شاهی با استفاده از ابزارهایی نظیر فاصله از شهر، حصارها، قلعه ها، دیوارهای تو در تو و ... به نمادی از دست نیافتنی بودن شاهان بدل می شدند. به طور مثال می توان به مقایسه موقعیت و طرح سردر ورودی کاخ توپکاپی^{۱۱} (محل اقامت سلاطین عثمانی) و قلعه قرمز آگرا^{۱۲} (محل اقامت شاهان گورکانی) و دولنخانه صفوی (در تصاویر ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸) پرداخت. اینکه چطور شاه عباس با پیوند حکومت خود با مفهوم امامت در مذهب تشیع و معرفی خود به عنوان نایب امام زمان می بایست برخلاف سایر حکومت های اسلامی نمایشی از نزدیکی، سخاوت و قابل دسترس بودن را برای مردم عادی اجرا می کرد. همانطور که در شرایطی که سلاطین عثمانی لقب "مروارید درون صدف" و شاهان گورکانی لقب "خورشید حقیقت" را یدک می کشیدند، شاه عباس خود را "کلب آستان علی" می نامید. لذا می توان تصور کرد که انتخاب چنین موقعیتی برای اقامتگاه های شاهی تا چه اندازه می توانسته در راستای تامین اهداف مشروعیت طلبانه شاه عباس تعبیر شود.

توصیف شاردن از کاخ عالی قاپو به خوبی گویای ارتباط چنین موقعیتی یابی با نظام ادراکی مخاطبان است: "ایرانیان آستانه و در (کاخ شاهی) را جملگی مقدس می شمارند. در فاصله پنج یا شش قدم سمت داخل در گاه... دو تالار کوچک... است که به آنها کشیک خانه می گویند و محل اقامت قورچیان یا نگهبانان است. اما شخص شاه در ایران چندان محترم و مقدس است که نه تنها در تمام مدت روز هیچ نگهبان در کشیک خانه حضور ندارد بلکه شبها همچنان که در خانه خود آسوده می خوابند در آنجا با خیال راحت استراحت می کنند. حتی در تمام طول شب و روز در بزرگ باز است، و هر کس می تواند به دلخواه خود در آن در آید، یا بیرون شود... و هرگز هیچ اتفاق سویی رخ نمی دهد. این درگاه پناهگاهی مقدس و مصون از تعرض است، و جز شاه هیچکس نمی تواند کسانی را که بدین در پناه آورده اند و بست نشسته اند براند. همه ورشکستگان و تبهکاران تا زمانی که رسیدگی به کارشان پایان نیافته بدین درگاه پناه می جویند." (۱۳۷۵، ج ۴: ۱۴۴۵)

توجه به توزیع بناها: حکومت صفوی برای اثبات دائمی تعهدات خود از راه های متعدد از جمله اجرای اعمال نمادین استفاده می کرد. به همین دلیل نیز رحیمی در توصیف این حکومت از واژه دولت تناثری بهره می جوید و معتقد است وجه نمایشی دولت صفوی برای پیش برد اهداف مشروعیت طلبانه به قدری قوی است که کلیه شئون اجتماعی آن عصر را تحت تاثیر قرار می دهد (۲۰۱۱: ۲). بدین منظور فضاهای جمعی اصفهان که به عنوان صحنه های برپایی چنین نمایش های عظیمی در نظر گرفته شده بودند، الزامات کالبدی ای را می طلبیدند که فضا محیای توقف و تماشا گردد. در میدان نقش جهان نیز وجود درختان حاشیه میدان، ایوان رو به میدان کاخ شاهی^{۱۳} و طاق نماهای طبقه دوم را می توان تمهیدات سازندگان میدان برای ایجاد چنین فضای نمایشی در نظر گرفت.

از سویی دیگر موقعیت کالبدی و نحوه چیدمان چهار عنصر شاخص مسجد جامع عباسی، سردر بازار شاهی، کاخ عالی قاپو و مسجد شیخ لطف الله، در اطراف میدان را می توان با توجه به مفهوم بازتولید قدرت در فضای شهری، بازخوانی کرد. نحوه

دهد. همانطور که پیش از این نیز اشاره شد، تلاش برای افزایش هیبت سلطانی یکی از ویژگی‌های مشترک سلطنت شیعی و سنی است. زیرا در شرایطی که در اندیشه ایرانی‌شهری مفهوم فرّ یا انسان-خدا بودن سلطان مطرح می‌شود و از این رو پادشاه مبنای ایزدی داشته و خرمی و تباهی روزگار به اراده و نیت او صورت می‌گرفته است، مسلمان کمتر می‌توانستند از مفهوم فرّ ایزدی استفاده کنند. اگرچه متفکران مسلمانان از این مفاهیم فاصله گرفتند اما نمی‌توانستند لزوم وجود سلطانی شوکت‌مند را منکر شوند. بنابراین سلاطین سعی کردند که در حفظ هیبت و حیثیت خویش مبالغه کنند. آخرین و شاید مهمترین زمینه هیبت سلطانی زور و اقتداری است که همواره می‌بایست از آن مراقبت می‌شد. یکی از راه‌حل‌های افزایش اقتدار حکومت مرکزی برای صفویان را می‌توان در نمایش عظمت و شکوه دربار و هیبت سلطانی، جستجو کرد. به نظر می‌رسد ورود سفرا به شهر، به حضور رسیدن آنها و تحویل هدایایشان به شاه، یکی از فرصت‌های مناسب برای نمایش چنین عظمتی بوده است. به طوری که دلاواله می‌نویسد: "او (شاه) به منظور نشان دادن عظمت دربارش مایل است ورود سفرای خارجی و سایر تشریفات را به مهمان‌ها (اتباع خارجی که در اصفهان ساکن بوده‌اند) نشان دهد." (۱۳۷۰: ۳۵) و در جایی دیگر می‌نویسد: "این هدایا (هدایای سفرا و میهمانان) مورد درخواست پادشاهان ایران است زیرا آنان می‌خواهند به این نحو عظمت خود را نشان دهند... این رسم به اندازه‌ای اهمیت دارد که وقتی پادشاهی پیشکشی دریافت می‌کند سعی می‌کند آن را به معرض تماشای عموم بگذارد." (۱۳۷۰: ۲۳۱)

یکی دیگر از مراسم قابل توجهی که در این میدان برگزار می‌شده بازی چوگان است. چوگان، بازی شاهان است که به گواه تاریخ ریشه‌ای ایرانی دارد. در رساله پهلوی کارنامه اردشیر بابکان آمده که اردشیر و پسرش شاپور در چوگان سرآمد بوده‌اند (به نقل از متینی ۱۳۷۷: ۱۹۱). در سایر منابع تاریخی^{۱۵} و شاهنامه نیز به کرات از این بازی یاد شده است. اگرچه این بازی پس از اسلام نیز میان ایرانیان و اعراب انجام می‌شده و در بسیاری از متون ادبی به آن اشاره شده است^{۱۶}، لیکن در عهد صفوی است که چوگان مجدداً رواج پیدا می‌کند و بعضی سیاحان آن زمان مثل شاردن آن را وصف کرده (۱۳۷۵، ج ۲: ۷۸۳) و حتی اشاره می‌کند که این بازی را ایرانیان از نیاکان پارتی خود به یادگار دارند (۱۳۷۵، ج ۴: ۱۴۲۵). به نظر می‌رسد برپایی متناوب چنین نمایش عظیمی از یک بازی شاهانه که اسامی بزرگانی چون سیاوش و اردشیر را یدک می‌کشد، آن هم در میدان عمومی شهر که محل به حضور پذیرفتن سفرا و نمایندگان کشورهای خارجی نیز هست، می‌تواند در پس اهداف مشروعیت طلبانه شاه عباس جستجو شود. تلاش شاهان صفوی برای اثبات وجود فرّ پادشاهی در خود از طریق یادآوری وجود خون سلطنتی در رگ‌های شاه اسماعیل از طریق انتساب خود به یزدگرد سوم^{۱۷} و پادشاهان یونانی^{۱۸} (Newman, 2009: 11)، را می‌توان در راستای توجیه

قرارگیری و شاخص‌سازی این چهار بنا به گونه‌ایست که نظام ادراکی مخاطب را تحت تأثیر قرار دهد. در این شکل از ساختار سعی شده تا همه مبانی مشروعیت صفویه تجسم کالبدی و عینی پیدا کنند. کاخ شاهی نمایش‌دهنده حق پادشاهی، مسجد شاه که در این دوران به مهمترین مرکز دینی شهر بدل شده بوده به عنوان نشانه‌ای از حکومت نایب امام زمان، بازار به نمایندگی از رفاه و امنیت اقتصادی در ایران و کارایی حکومت و مسجد شیخ لطف الله تجلی عینی رابطه حیاتی حکومت صفوی با علما.

توجه به الزامات عملکردی

فوکو معتقد است که نمی‌توان تصور کرد که افراد، پذیرندگان منفعل فضاها هستند. بنابراین کالبد نمی‌تواند صد درصد رفتار را تعیین کند. در حقیقت فضا و رفتار بر همدیگر تأثیر و تأثر دارند و یکدیگر را کامل می‌سازند (۱۹۸۶). به نظر می‌رسد تعریف عملکردهای مناسب و برنامه‌ریزی برای آنها نیز یکی دیگر از تکنولوژی‌های فضایی و حوزه‌های نفوذ قدرت می‌تواند باشد. قدرتی که نه به شیوه عینی کيفر و پاداش بلکه به شیوه ذهنی اقتناع و شرطی کردن در فضا نفوذ کرده و سعی در بازتولید خود دارد. در این شیوه طبقه قدرت می‌تواند از طریق تعریف مجموعه‌ای از الزامات عملکردی برای طراحان، به شکل مستقیم بر تجربه کاربران اثر گذاشته و با تأثیر غیر مستقیم بر فضای ذهنی آنها به تولید قدرت و بازتولید اقتدار حکومت مرکزی دست یابد. این الزامات عملکردی از یک سو می‌تواند استقرار نظم و کنترل اجتماعی را به دنبال داشته باشند و از سوی دیگر با تحت تأثیر قرار دادن نظام ادراکی مخاطبان خود به طور مثال منجر به افزایش هویت جمعی و یا نمایش هیبت و اقتدار حکومت مرکزی گردد. برخی از این الزامات عملکردی که در میدان نقش جهان به کار گرفته شده‌اند در ادامه تشریح می‌گردند.

برگزاری رویدادهای رسمی: یکی از شیوه‌های بازتولید اقتدار حکومت مرکزی از طریق الزامات عملکردی را می‌توان برگزاری رویدادهای رسمی عمومی و ملی در فضاهای شهری دانست. بررسی معنایی میدان نقش جهان بدون توجه به دیالوگی که مخاطب عصر عباسی با این فضای شهری برقرار می‌کرده، کامل به نظر نمی‌رسد. در حقیقت معنای فضاها بیرون از کاربران باقی نمی‌ماند بلکه حوزه تماس کاربر و فضا، غنی و تولیدکننده معنایی است و در فرایند تعاملی تولید معنایی که در این منطقه اتفاق می‌افتد، کاربر حدودی از معنایی و ارزش‌های آن را درونی می‌کند. این درونیات سپس به بخشی از عکس‌العمل‌های بعدی کاربر بدل می‌گردد و به این صورت معنایی حاصل از فضا را دوباره شکل می‌دهد^{۱۴}. بدین شکل به نظر می‌رسد برگزاری مراسم حکومتی نظیر استقبال از سفرا، بدرقه و استقبال از شاه و تمرین‌های نظامی در این میدان می‌توانسته مفاهیم ذهنی مخاطبان صفوی را تحت تأثیر قرار داده و معنایی دوباره بیخشد.

در این شرایط قلمداد کردن میدان نقش جهان به عنوان مکانی صرفاً تجاری، جمعی و تفریحی می‌تواند فهم ناقصی از آن ارائه

مشروعیت سیاسی حکومت‌شان معنا کرد. بدین منظور است که پادشاهان صفوی به خصوص شاه عباس، بقا و استمرار آیین‌های پادشاهی ایران باستان را برای تاکید بر جانشینی آن پادشاهان در دستور کار خود قرار دادند.^{۱۹}

برگزاری جشن‌ها و کارناوال‌ها: گزارش‌های متعدد مبنی بر برگزاری جشن‌ها و کارناوال‌هایی در عصر صفوی در فضاهای اصلی شهر وجود دارند که نمونه‌ای از شاخص‌ترین آنها را می‌توان جشن‌های آبریزان، شاطر و گل دانست (شاردن ۱۳۷۵: ۱۹۶؛ فیگوئرا ۱۳۶۳: ۳۴۵-۳۴۷؛ دلاواله ۱۳۷۰: ۸۷؛ منجم یزدی ۱۳۶۶: ۱۹۲).^{۲۰} در مورد کارناوال‌ها^{۲۱} و نقش سیاسی آنها در دو دهه اخیر تحقیقات بسیاری صورت گرفته است. می‌توان گفت دو رویکرد عمده نسبت به رابطه قدرت-سیاست و کارناوال وجود دارد. گروهی آن را فضای آزادی و طغیان مخالفان، علیه نظام‌های سیاسی و یا اجتماعی حاکم می‌دانند و گروهی برعکس آن را فضایی تحت کنترل تفکر حاکم برای تخلیه هیجانات تفکر سرکوب شده می‌دانند.

با توجه به آنچه گفته شد و با در نظر گرفتن این مساله که کلیه این جشن‌ها در زمان اقامت شاه در اصفهان، در حضور وی و کلیه بزرگان دربار و حتی سفرا و میهمانان خارجی برگزار می‌شده است (فیگوئرا ۱۳۶۳: ۳۴۶)، به نظر می‌رسد که این کارناوال‌ها همان تصویر برنامه‌ریزی شده آرمان‌شهری آزاد به همراه برابری و عدالت باشند. همانطور که عدالت را یکی از اصول دستیابی به آرمان‌شهرها می‌دانند (عزیزی و دیگران، ۱۳۹۷: ۵ و محمودی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۰). توضیحات دقیق شاردن از جشن شاطر نشان‌دهنده نظم و سازماندهی دقیقی است که در پس ظاهر مغشوش و نامنظم چنین کارناوالی وجود دارد (۱۳۷۵: ۱۹۶-۱۹۷). لذا می‌توان ادعا کرد که برگزاری تعمدی چنین مراسمی با نفوذ به حوزه‌ی فضای زیسته در تلاش برای کنترل پنهانی اعتراضات طبقه‌ی سرکوب‌شده، شکل گرفته‌است. رحیمی به تفصیل در باب چنین تفکرات معترضی در دوره صفویه سخن گفته و البته رشد کمی گسترده قهوه‌خانه‌ها را در این دوران به عنوان گونه جدیدی از فضای اجتماعی در واکنش به چنین اعتراضاتی می‌داند (۲۰۱۱).

نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد که با توجه به اهمیت تحلیل‌های محتوایی فضا در علوم معماری و شهرسازی و همچنین اهمیت درک و نقد چگونگی جاری شدن قدرت‌های سیاسی در یک فضا، تلاش برای برقراری پیوند میان عمل و نظر در این حوزه ضروری به نظر می‌رسد. بدین معنا که چگونه معماران و شهرسازان می‌توانند با استفاده از چارچوب‌های نظری موجود در حوزه فضا و قدرت به بررسی و تحلیل شیوه‌های نفوذ و کنترل طبقه قدرت در یک فضای به خصوص بپردازند. در این راستا پژوهش حاضر سعی کرد تا با استخراج چارچوب مفهومی آرای فوکو در این حوزه

به ساختاری مدون برای جهت دادن به تحلیل‌های محتوایی میدان نقش جهان از منظر قدرت، دست یابد.

همانطور که اشاره شد، بررسی و تحلیل میدان نقش جهان از دریچه‌ی یافته‌های نظری پژوهش صورت گرفت. بدین شکل که قدرت حاکمه چگونه و برای دست‌یابی به چه اهدافی اقدام به دخل و تصرف در فضا و ایجاد چنین میدانی در شهر کرده‌است. لذا داده‌های تاریخی از منظر به کارگیری استراتژی‌های فضایی قدرت مورد بررسی قرار گرفتند. بدین معنا که با تمرکز بر ویژگی‌های کالبدی فضاهای شهری، آن شاخصه‌هایی یافت شد که طبقه قدرت آشکارا به منظور افزایش قدرت حکومت مرکزی، کنترل و نظم‌دهی به شهروندان در این فضای به خصوص از آنها بهره برده است. در این حوزه می‌توان ویژگی‌های عظمت در مقیاس، استفاده از هندسه منظم، افزایش کیفیت بصری مکان، استفاده از نشانه‌های شاخص و توجه به ابنیه پیرامونی و ارتباط ریزفضاها و ساختمان‌ها با یکدیگر را از جنس مکانیسم‌های فضایی قدرت در این میدان دانست.

در بخش دوم از استراتژی‌های فضایی آن دسته از الزامات عملکردی شفاف که طبقه قدرت توانسته از طریق تعریف صریح آنها برای طراحان، به شکل مستقیم بر تجربه زیسته کاربران اثر گذاشته و با تاثیر غیر مستقیم بر فضای ذهنی آنها به تولید قدرت و بازتولید اقتدار حکومت مرکزی دست یابد، مورد بررسی قرار گرفتند. این الزامات عملکردی از یک سو استقرار نظم و کنترل اجتماعی را به دنبال داشتند و از سویی دیگر با تحت تاثیر قرار دادن نظام ادراکی مخاطبان خود به طور مثال منجر به افزایش هیبت و اقتدار حکومت مرکزی شده بودند. از این دست عملکردها برگزاری برخی از رویدادهای رسمی و برگزاری مراسم استقبال از شاه، سفرا و سایر میهمانان، مورد بررسی قرار گرفتند.

در انتها می‌توان گفت که از تحلیل تاریخی مداخلات و نفوذ قدرت در فضای شهری مورد نظر بر اساس چارچوب نظری اتخاذ شده، نتایج زیر حاصل گشت. میدان نقش جهان در عصر عباسی تحت تاثیر ضرورت سیاسی مشروعیت‌یابی، در خدمت پروژه دولتی قرار گرفته و با سازوکاری پنهانی به پشتیبانی از حفظ مشروعیت خاندان صفوی و در نتیجه افزایش اقتدار امپراطوری شیعی-ایرانی صفویه منجر شده‌است. به طوری که این فضا جهت نمایش اقتدار شاهانه در خلال مناسکی باشکوه و تبدیل مکان به تجسمی از اقتدار سیاسی حکومت صفوی در ناخودآگاه ساکنان شهر، نسبت به نمونه‌های پیشین خود تغییراتی بنیادین یافته‌است. به علاوه این میدان، از طریق نحوه انتخاب و چیدمان ابنیه شکل‌دهنده به جداره‌ها و طراحی نوعی صحنه‌پردازی، مکان‌ها را در حضور ناخودآگاه کاربرانشان به تجسمی از قدرت بدل می‌سازد. آنچه در جدول یک آمده را می‌توان خلاصه‌ای از آزمون چارچوب پیشنهادی این پژوهش بر روی این میدان در عصر عباسی دانست.

جدول شماره ۲: مکانیسم‌های فضایی قدرت در میدان نقش جهان

شیوه‌های نفوذ قدرت در فضا	توضیح شیوه	نحوه اثرگذاری بر تولید و بازتولید قدرت	مثال بر اساس نمونه موردی
استفاده از مکانیسم‌های فضایی	از طریق نظارت و کنترل بر ساختار کالبدی فضا	بازتولید قدرت از طریق تاثیر بر نظام ادراکی مخاطب (در جهت افزایش مشروعیت حکومت مرکزی)	-مقیاس، هندسه و طراحی جداره‌ها -ایه‌ی پیرامونی به عنوان ارکان مشروعیت‌ساز حکومت -موقعیت کاخ شاهی به عنوان نایب امام زمان
استفاده از تکنولوژی‌های انضباطی	از طریق توزیع نگاه‌ها و القای حس رویت‌پذیری	تولید قدرت از طریق افزایش نظارت و کنترل بر جامعه	موقعیت مقر شاه در میدان با تاکید بر نظارت و کنترل دائمی
ساختاریابی و کنترل فعالیت‌ها	از طریق تعریف مجموعه‌ای از الزامات عملکردی برای کاربران	بازتولید قدرت از طریق نمایش هیبت و اقتدار حکومت مرکزی	برگزاری مراسم چون استقبال از سفرا و پادشاه
		تولید قدرت از طریق افزایش نظارت و کنترل بر جامعه	تعریف یکپارچه و قابل کنترل مراکز قدرت چون محل دولتیخانه، مسجد جامع و بازار بزرگ
		بازتولید قدرت از طریق تجمعاتی که همچون سوپاپ اطمینان و یا نوعی بیان کنترل شده عمل کرده و با تمسخر قدرت مسلط تنها در جهت تحکیم آن بر می‌آیند	-برگزاری مراسم چون جشن شاطر -برگزاری مراسم چون چراغانی، آذین‌بندی و آتش‌بازی

پی‌نوشت‌ها

1. Michel Foucault
2. Spatial Mechanisms
3. Michel Foucault
4. Michel De certeau
5. Disposition
6. Panopticon: طراحی از جر می بنتام (Jeremy Bentham) به منظور ساخت زندانی ایده آل (۱۷۸۷م).
7. Art of Distributions
8. Discipline
9. Biopower
10. Governmentality
11. Topkapı Sarayı
12. Red Agra Fort

۱۳. اگرچه در زمان شاه عباس اول ایوان کاخ عالی‌قاپو در وضعیت فعلی خود نبوده‌است و در دوره‌های بعدی تکمیل گشته‌است، لیکن در زمان شاه عباس اول نیز عمارت سردر دولتیخانه صفوی برای برگزاری ضیافت، پذیرایی از میهمانان و تماشای مراسم جاری در میدان به کار برده می‌شده است (دلاواله، ۱۳۷۰: ۴۳).

۱۴. صاحب‌نظران بسیاری درباره‌ی تعامل بین آیینهای جمعی و شهر به ویژه شهرهای تاریخی مطالعه کرده‌اند برای اطلاع از برخی از این دیدگاهها رجوع کنید به (یوسفی و دیگران، ۱۳۹۶: ۳۷-۵۲).

۱۵. از قدیمیترین کتبی که به این بازی پرداخته است، میتوان به کارنامه اردشیر بابکان، شاهنامه فردوسی، تاریخ طبری، رساله پهلوی خسرو و ریدک، آیین‌الضرب بالصوالجه للفرس، قابوسنامه و آداب‌الحرب و الشجاعة و الاوامر العلیه فی الامور العلیه (تاریخ ابن بی‌بی) اشاره کرد.

۱۶. به طور مثال در مبارزه افراسیاب و سیاوش و در قسمت بخش کردن خسرو پادشاهی خود را ولشکر فرستادن به مرزهای ایران

۱۷. از طریق ازدواج دختر یزدگرد سوم با امام حسین

۱۸. مادر بزرگ مادری شاه اسماعیل (دسپینا) دختر جان چهارم پادشاه بیزانسی تریزون (Byzantine John IV of Trebizond) بود.

۱۹. به طور مثال شاه اسماعیل در دیوان شعرش خود را احیاکننده دلاوران گذشته فرهنگی ایران می‌داند و نیز برای تاکید بر جایگاه برحق صفویان در سلسله پادشاهان ایرانی، دستور به تهیه یکی از ممتازترین نسخ خطی از شاهنامه فردوسی می‌دهد. همچنین در این راستا می‌بینیم که

مورخی چون جنابادی در توصیف قدرت شاه عباس تعدماً وی را با شاهان ایران باستان چون فریدون و خسرو پرویز مقایسه می‌کند (۱۳۷۸: ۷۵۹).

۲۰. شاردن جشن شاطر در میدان نقش جهان را چنین توصیف می‌کند "میدان شاه خلوت و تمیز و بمانند تالار بال بود. در جلو عالی قاپو، چادری برافراشته بودند که به درازای هشتاد و به پهنای سی پا و به بلندی متناسب با این عرض و طول بود" چنان که شاردن می‌گوید در درون میدان فیل و حیوانات وحشی دیگر در قسمت جنوب آن جا داده می‌شوند و "قسمت شمالی نیز دارای دسته‌های تفریحی و نمایش بود: از قبیل گروهان رقاصه‌ها، و گروهان شاطران، که آماده رقص بودند؛ هیأت‌های معرکه گیر با صد گونه شعبده و شیادی؛ حقه بازان، شمشیریازان، خیمه شب بازان، و فواصل تمام این دسته‌ها با گروهان موسیقی آراسته بود... از هندیان که تعدادشان دو یا سه هزار نفر می‌شد در یک قسمت از میدان استقرار یافته بودند. طبقه ارمانه بهمین شماره در یک قسمت دیگر. آتش پرستان در بخشی، یهودیان در بخش دیگر" بنا به گفته شاردن بزرگان نیز همگی در مراسم مزبور حاضرند (۱۳۷۵: ۱۹۶-۱۹۷)

۲۱. اگرچه ممکن است واژه کارناوال، مفهومی مصطلح در تاریخ ایران نباشد، لیکن برخی از جشن‌های دوره صفوی همچون آبریزان و گل با اغلب مولفه‌هایی که برای کارناوال‌ها برشمرده می‌شوند، هماهنگ هستند. به طوری که دلاواله در مورد جشن گل چنین توضیح می‌دهد "مراسمی است که در فصل گل در بهار اجرا می‌شود و تا موقعی که گل سرخ وجود دارد به طول می‌انجامد. این مراسم که جشن گل سرخ خوانده می‌شود عبارت است از رقص و آوازهای نامانوس شبانه روزی در اماکن عمومی ... رویهمرفته این مراسم را می‌توان به کارناوال تشبیه کرد..." (۱۳۷۰: ۸۷) (برای مطالعه بیشتر در مورد مولفه‌های کارناوال ر.ج. کنید (دانشگر، آذر ۱۳۹۵) بررسی مؤلفه‌های کارناوال باخنین در شعر حافظ، مجله تخصصی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی، شماره ۳۰: ۱۷۳-۱۹۵)

فهرست منابع و مراجع

۱. اسکندریک ترکمان منشی (۱۳۷۸)، **عالم آرای عباسی**، به اهتمام ایرج افشار، امیر کبیر، تهران.
۲. اولتاریوس، آدام (۱۳۷۹)، **سفرنامه آدام اولتاریوس** (اصفهان خونین شیخ صفی)، ترجمه حسین کردبچه، انتشارات هیرمند، تهران.
۳. توسلی، محمود (۱۳۶۹)، **شهر در سرزمین های دوره اسلامی**. هفتاد مقاله، ارمغان فرهنگی به دکتر غلامحسین صدیقی، به کوشش یحیی مهدوی و ایرج افشار، نشر اساطیر، تهران.
۴. جنابادی، میرزا بیگ بن الحسن الحسینی (۱۳۷۸)، **روضه الصفویه**، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۵. حبیبی، سید محسن (۱۳۸۷)، **از شار تا شهر**، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۶. حقیقی، سمر و دیگران (۱۳۹۶)، «مداخلات طبقه قدرت و تاثیر آن در ساختار شهر اصفهان»، **تحقیقات تاریخ اجتماعی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی**، سال هفتم، شماره دوم.
۷. دریفوس، هیوبرت و رابینو، پل (۱۳۷۸)، **میشل فوکو: فراسوی ساختارگرایی و هرمنوتیک**، ترجمه حسین بشیریه، نشر نی، تهران.
۸. دلاواله، پیتر (۱۳۷۰)، **سفرنامه**، ترجمه شجاع الدین شفا، انتشارات علمی فرهنگی، تهران.
۹. رازی، حسین (۱۳۷۴)، «مشروعیت، دین و ناسیونالیسم در خاورمیانه»، ترجمه حسین حجاریان، **مجله فرهنگ توسعه**، سال چهارم، ش ۱۸.
۱۰. سانسون (۱۳۷۷)، **سفرنامه سانسون: وضع کشور ایران در عهد شاه سلیمان صفوی**، ترجمه محمد مهربار، نشر گل ها، اصفهان.
۱۱. سالدن، امان و ویدوسون، پتر (۱۳۸۴)، **راهنمای نظریه ادبی معاصر**، ترجمه عباس مخبر، چاپ سوم، انتشارات طرح نو، تهران.
۱۲. شاردن، ژان (۱۳۷۵)، **سفرنامه**، ترجمه اقبال یغمایی، انتشارات توس، تهران.
۱۳. طباطبایی، سید جواد (۱۳۸۰)، **دیباچه ای بر نظریه انحطاط ایران** (تاملی درباره ایران، جلد اول)، انتشارات نگاه معاصر، تهران.
۱۴. عزیز، محمد مهدی؛ زبردست، اسفندیار؛ اکبری، رضا (۱۳۹۷). «واکاوی تبلور عدالت محیطی در اندیشه آرمانشهری اسلامی جهت کاربست در شهرسازی اسلامی»، **مطالعات شهر ایرانی-اسلامی**، سال نهم، شماره ۳۴.
۱۵. فوکو، میشل (۱۳۷۸)، **مراقبت و تنبیه: تولد زندان**، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهاننده. نشر نی، تهران.
۱۶. فوکو، میشل (۱۳۸۹)، **تئاتر فلسفه: گزیده ای از درس گفتارها، کوانوشته ها، گفتگوها و...**، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهاننده، نشر نی، تهران.
۱۷. فیگوترا، دن گارسیا دسیلوا. (۱۳۶۳)، **سفرنامه فیگوترا سفیر اسپانیا در دربار شاه عباس اول**، ترجمه غلامرضا سمیعی، نشر نو، تهران.
۱۸. کلاتری خلیل آباد، حسین؛ صالحی، سید احمد؛ رستمی، قهرمان (۱۳۸۹)، «نقش تاریخی وقف در شکل گیری شهر اسلامی» (مطالعه موردی شهر اصفهان)، **مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، سال اول، شماره اول.
۱۹. محمودی، سمیرا و دیگران (۱۳۹۷)، «چیستی آرمانشهر شیعی در آرای ملاصدرا و آیت الله جوادی آملی»، **مطالعات شهر ایرانی-اسلامی**، سال هشتم، شماره ۳۲.
۲۰. مطراچی، نضوح (۱۳۷۹)، **بیان منازل در سفر عراقین**، ترجمه رحیم رئیس نیا، سازمان میراث فرهنگی، تهران.
۲۱. مکچسنی، رابرت د. (۱۳۸۶) «وقف و سیاست ملی در دوره صفویه ۱۰۲۳-۱۰۱۱ ق - ۱۶۱۴-۱۶۰۲ م.» ترجمه گیتی عمادزاده، **وقف میراث جاوید**، شماره ۵۷.
۲۲. منجم یزدی، ملاجلال دین محمد (۱۳۶۶)، **تاریخ عباسی** (روزنامه ملاجلال)، به کوشش سیف الله وحیدنیا، چاپ اول، انتشارات وحید، تهران.
۲۳. نژادستاری، سعیده (۱۳۹۰)، «نقش میدان های شهری و بررسی عواقب ناشی از تنزل جایگاه آن در شهرهای امروز با تاکید بر شهرهای ایران»، **مطالعات شهر ایرانی-اسلامی**، سال اول، شماره سوم.
۲۴. نولز، رونلد (۱۳۹۱)، **شکسپیر و کارناوال پس از باخنین**، ترجمه رویا پورآذر، چاپ اول، انتشارات هرمس، تهران.
۲۵. یوسفی، یوسف؛ آزاد، میترا و سلطانی محمدی، مهدی (۱۳۹۶)، «مطالعه چگونگی ارتباط مراسم آیینی عزاداری ایام محرم و شهر ناین»، **مطالعات شهر ایرانی-اسلامی**، سال هشتم، شماره ۲۹.
26. Alemi, Mahvash, (2007), "Princley Safavid Gardens, Stage for Rituals of Imperial Display and Political Legitimacy" in Michel Conan (Ed.), Middle East Garden Transitions: Unity and Diversity: Questions, Methods and Resources in a Multi-Cultural Perspective, Harvard University Press.
27. Babaie, Sussan. (2008). *Isfahan and its Palaces: Statecraft, Shi'ism and the Architecture of Conviviality in Early Modern Iran*, Edinburgh University Press, Edinburgh.
28. Cerasi, Maurice (2008), "Istanbul 1620-1750 change and Tradition", in *The City in Islamic World*, Eds. Salma Khadra Jayyusi and others, Brill Online Books and Journals..
29. Evans, Robin (1971), "Bentham's Panopticon: An Incident in the Social History of Architecture", *Architectural Association quarterly*, volume 3, issue 2.
30. Falahat, Somayeh. & Shirazi, M. Reza (2012), "New Urban Development in Safavid Isfahan Continuity or Disjunction", *Planning Perspectives*, Vol.27, No. 4.
31. Falahat, Somayeh. (2013), *Re-imagining the City: A New Conceptualisation of the Urban Logic of the Islamic City*, Springer Vieweg, Wiesbaden.
32. Fokdol, Josefina (2008) *Power and Space: Appropriation of Space in Social Housing in Copenhagen*, LIT Verlag Münster, Copenhagen.
33. Foucault, M (1986) *Space, Knowledge and Power*, in the *Foucault's Reader*, Rabinow, P. (ed.), Penguin, Harmondsworth.
34. Foucault, M. (1980), *Power/Knowledge*. ed. BY C.Gordon, Pantheon, New York.
35. Newman, Andrew j. (2009). *Safavid Iran: Rebirth of a Persian Empire*, I.B. Tauris, New York.
36. Rahimi, Babak (2011). *Theater State and the Formation of Early Modern Public Sphere in Iran: Studies on Safavid Muharram Rituals*, Brill, Leiden.
37. Rinaldo, R.(2002) "Space of Resistance: the Puerto Rican Cultural Center and Humboldt Park", *Cultural Critique*, vol. 50.
38. Rizvi, Kishwar (2010), *The Safavid Dynastic Shrine (Architecture, Religion, and Power in Early Modern Iran)* I.B.Tauris & coltd, London.
39. Walcher, Heidi A. (1998), "Between Paradise and Political Capital: The Semiotics of Safavid Isfahan", *Middle Eastern Natural Environment, Lessons and Legacies*, Bulletin 103.
40. Zieleniec, Andrzej (2007), *Space and Social Theory*, Sage, UK.

تحلیل اندیشه‌های مدرنیسم بر روند شکل‌گیری و تغییر خیابان‌های شهری ایران و ازبکستان* مطالعه موردی شهر تهران و تاشکند

نازنین اسلامی^۱، فریا البرزی^۲ (نویسنده مسئول)، حسین سلطان‌زاده^۳

^۱ پژوهشگر دکتری، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.
^۲ استادیار، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.
^۳ استاد، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت: ۹۸/۱۱/۲۴ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۳/۰۲)

چکیده

دوره زمامداری قاجار در ایران مصادف با انقلاب صنعتی غرب در قرن نوزدهم است که عامل مهمی در تحولات معماری و شهرسازی مدرن و معاصر است. بدین معنا که دوره قاجار حلقه واسطه گذشته سنتی با آینده مدرن ایران است و زمینه پیدایش دگرگونی‌های دو دهه پهلوی اول را فراهم می‌سازد. همچنین در این دوران در ازبکستان نیز تحولات بسیاری تحت فرآیندهای مدرنیزاسیون شوروی صورت می‌گیرند. هدف از پژوهش حاضر تبیین نقش جریان‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی نوگرا و نحوه تأثیرگذاری آن‌ها بر تحولات خیابان‌های ایران و ازبکستان در دوره قاجار و پهلوی اول می‌باشد تا به این سوالات پاسخ داده شود: آیا جریانات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی نوگرا در کشورهای ایران و ازبکستان بر روند شکل‌گیری و تغییر خیابان‌ها در این دو کشور تأثیرگذار بوده‌اند؟ تحولات شهرسازی ایران و ازبکستان در دوره قاجار و پهلوی اول دارای چه ساختار، ماهیت و جنبه‌های متفاوت و مشابه بوده‌اند؟ این پژوهش به صورت تاریخی-تطبیقی و با رویکردی کیفی به کمک مطالعات اسنادی صورت گرفته است که از روش تحقیق تاریخی-تفسیری در بخش گردآوری مبانی نظری تاریخی و روش تحقیق توصیفی-تحلیلی در زمینه تحلیل و مقایسه تحولات شهرسازی طراحی خیابان‌های شهری تهران و تاشکند استفاده شده است. جامعه آماری شامل تمام خیابان‌هایی هستند که در دوره قاجار و پهلوی اول تحت تأثیر اندیشه‌های مدرنیسم دستخوش تغییرات کالبدی و عملکردی شدند و جامعه نمونه شامل آن تعداد از خیابان‌هایی می‌باشند که در بازه زمانی مشابه قرار داشته‌اند و از نظر سیر تحولات کالبدی، عملکردی و عینی دارای شباهت‌هایی می‌باشند. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهند که اندیشه‌های مدرنیسم در هر دو کشور در ابعاد عینی، عملکردی و کالبدی تجلی یافته‌اند و مولفه‌های کالبدی تأثیرپذیری پررنگ‌تری نسبت به دیگر مولفه‌ها داشته‌اند. در هر دو کشور طراحی خیابان‌ها به شیوه‌های نوین با مولفه‌هایی نظیر همجواری کاربری‌های گوناگون اطراف خیابان، افزایش نفوذپذیری و شفافیت بصری در جداره خیابان‌ها و شبکه منظم شطرنجی خیابان‌ها به طور مشابه تجلی پیدا کرده‌اند.

واژگان کلیدی: شهرسازی معاصر ایران (دوره قاجار و پهلوی اول)، شهرسازی معاصر ازبکستان (۱۹۴۰-۱۸۷۰ م)، مدرنیسم شوروی، تهران، تاشکند.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نازنین اسلامی تحت عنوان «بررسی تطبیقی جریان‌های فکری تأثیرگذار بر شکل‌گیری معماری ایران و ازبکستان در دوره معاصر» می‌باشد که به راهنمایی دکتر فریا البرزی و مشاوره دکتر حسین سلطان‌زاده در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قزوین در حال انجام است.

** E-Mail: faalborzi@yahoo.com

قاجار) تحولاتی به وقوع پیوست که باعث جدایی همیشگی این مناطق از قلمرو ایران شد. این امر، بخشی ناشی از تحولات داخلی بود و بخشی دیگر به تحولات جهانی در قرن نوزدهم و گسترش نفوذ و قدرت روسیه و به دنبال آن تضعیف حکومت مرکزی ایران مربوط می‌شد. سرانجام در ۲۱ سپتامبر سال ۱۸۸۱ م. (۱۲۶۰ ه.ش.) پیمان آخال^۱ میان امپراتوری روسیه و سلسله قاجار ایران برای تعیین مرزهای دو کشور در مناطق ترکمن‌نشین شرق دریای خزر بسته شد و این پیمان به اشغال خوارزم به دست روسیه تزاری رسمیت بخشید. در نتیجه شهر تاشکند توسط روس‌ها تسخیر شد و به‌عنوان یک مرکز نظامی، سیاسی و اقتصادی برای ترکستان روسی درآمد. بدین ترتیب طی هفتاد سال سلطه نظام سوسیالیستی اتحاد شوروی، دولت مرکزی، مدیریت و اجرای کلیه فعالیت‌های فرهنگی، هنری و شهرسازی را در سراسر این امپراتوری وسیع در اختیار و انحصار داشت (وفایی، ۱۳۸۸: ۵۳). با توجه به مطالب ذکر شده هدف از پژوهش حاضر با توجه به فرارگیری کشور ایران و ازبکستان در یک حوزه تاریخی و جغرافیایی و با توجه به پیشینه سرزمین ایران و داشتن ریشه‌های غنی فرهنگی و تاریخی مشترک میان آن دو (بدری، ۱۳۹۱: ۲۳) این گونه تبیین شده است که با طرح مطالعه تطبیقی، تاثیر جریان‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی نوگرای حاکم بر این جوامع را بر چگونگی تحولات شهرسازی ایران و ازبکستان در دوره قاجار و پهلوی اول مورد بررسی قرار دهد. در نتیجه، شناخت چگونگی ورود و شکل‌گیری رویکردهای نوگرایانه طراحی شهری و نحوه تاثیرگذاری آن‌ها بر شیوه‌های طراحی خیابان‌های شهری در تهران و تاشکند از اهداف این پژوهش می‌باشند تا به این سوالات پاسخ داده شود: آیا جریانات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی نوگرا در کشورهای ایران و ازبکستان بر روند شکل‌گیری و تغییر خیابان‌ها در این دو کشور تاثیرگذار بوده‌اند؟ تحولات شهرسازی (عرصه طراحی و اجرایی خیابان‌ها) ایران و ازبکستان در دوره قاجار و پهلوی اول دارای چه ساختار و ماهیتی بوده‌اند و وجوه تفاوت و شباهت‌ها در طراحی خیابان‌های شهری ایران و ازبکستان چگونه بوده‌اند؟ در این راستا به بررسی جامعه نمونه که شامل سه خیابان لاله‌زار، خیابان پهلوی (ولیعصر) و خیابان علاالدوله (فردوسی) تهران که در دوره قاجار و پهلوی اول در فاصله سال‌های ۱۳۲۰-۱۲۵۰ ه.ش. در ایران دستخوش تحولات نوگرایانه شدند (به دلیل تشابه در بازه زمانی سال‌های ساخت و نیز تشابه در زمینه تحولات نوگرایانه در عرصه ویژگی‌های عینی، کالبدی و عملکردی که سه دسته از مولفه‌های نوین طراحی خیابان‌های شهری در تحقیق می‌باشند) با سه نمونه از خیابان‌های منتخب شهر تاشکند ازبکستان شامل خیابان علیشیر نوایی^۲، خیابان بابور^۳ و خیابان امیر تیمور^۴ که در فاصله زمانی سال‌های ۱۹۴۰-۱۸۷۰ م. دستخوش تحولات نوگرایانه در زمینه طراحی و تغییرات شهری شدند، مورد مطالعه و قیاس تطبیقی قرار گرفته‌اند تا در عین بررسی جریانات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی نوگرا، چگونگی بازتاب این ویژگی‌های

شهرنشینی در سرزمین ایران، پیشینه‌ای به قدمت تمدن آن دارد و الگوهای سکنی‌گزینی - به گونه‌ای که امروز با نام شهر از آن یاد می‌شود - به شکل‌های خاص مطرح بوده و دو دوره طولانی و البته متفاوت پیش از اسلام و دوران بعد از اسلام، علاوه بر شرایط جغرافیایی و ویژگی‌های طبیعی، متأثر از شرایطی دیگر نظیر نظام تولید، نفوذ بیگانگان، نظام‌های حاکم، ظهور و تاثیر اندیشه و تمدن جدید و مهم‌تر از همه ساختار اجتماعی و اقتصادی بوده است. تحولات شهرسازی در دوره قاجار و پهلوی اول و تغییرات آن نسبت به همه دوره‌های قبلی، تحولی انقلاب‌گونه بوده است. توسعه تهران قاجاری با انهدام و تخریب بافت گذشته انجام نگرفت و چنانچه تغییرات و تخریبی همچون برج و باروها صورت گرفت، همانند آن را با مقیاس جدید و متناسب با نیازهای تازه ساختند. اما این اتفاق در دوره پهلوی اول، علاوه بر اینکه بافتی مدرن و تازه و نه در پی گذشته قاجاری آن به وجود آورد، با قاطعیت، ویرانگری بافت کهنه را در دستور کار خود قرارداد (کیانی، ۱۳۸۳: ۱۷۴-۱۷۳). بدین ترتیب تحولات ایران در اواخر دوره قاجار و پهلوی اول (۱۳۲۰-۱۲۵۰ ه.ش.) در زمینه‌های گوناگون مورد نقد جدی است. بدین ترتیب می‌توان اذعان داشت نوگرایی یکی از مهم‌ترین و تاثیرگذارترین جریان‌ها در جوامع امروزی به‌شمار می‌رود که تاثیرات زیادی بر تحولات جوامع انسانی بر جای گذاشته است. نوگرایی علاوه بر عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی، بر معماری و شهرسازی معاصر جهان و به‌ویژه کشورهای اسلامی تاثیرگذار بوده است. دوران زمامداری سلسله قاجار را می‌توان یکی از مهم‌ترین دوران‌ها در ورود جریان‌های نوگرا به ایران برشمرد (مهدوی نژاد و منصوری مجومرد، ۱۳۹۴: ۱۹). تا پیش از دوره قاجار، سیمای شهرهای ایران، فضای شهری و نیز ارتباط و ترکیب معماری با شهرسازی به‌طور معین و مشخص - به‌جز مواردی نادر - به گونه‌ای متفاوت با امروز بود، بدین معنی که دیوارها و جداره‌های شهر را به‌طور عمده سطوح بدون روزن و پنجره تشکیل می‌دادند که به‌جهت فرهنگی کاملاً حوزه مسکونی را از شهر جدا می‌ساختند. اما در دوره قاجار بین معماری با فضای شهری، یعنی خیابان، اولین ارتباط‌های کالبدی صورت می‌گیرد و در واقع ارتباط فضای شهر با ساختمان‌های اصلی و عمومی شهر نظیر مساجد کم‌کم به حوزه‌های صنفی و تجاری نیز راه می‌یابد (ذکاوت، ۱۳۷۴: ۱۳۶). در همین زمان در سرزمین ماوراءالنهر و ترکستان که امروزه به آسیای مرکزی معروف شده است و از گذشته‌های دور جزئی از قلمرو اصلی ایران بوده است (ویلبور و گل‌مبک، ۱۳۷۴: ۱۶۷) نیز تحولات این چنینی به چشم می‌خورند. بسیاری از قلمروهای آسیای مرکزی، به ویژه نواحی خراسان بزرگ و ماوراءالنهر (کشورهای ازبکستان، ترکمنستان و تاجیکستان کنونی)، همواره جز سرزمین‌های ایران محسوب می‌شدند؛ یا دست کم تابع حکومت مرکزی بودند. اما در سده نوزدهم میلادی (اواخر دوره

نوگرایانه در طراحی خیابان‌های شهری ایران و ازبکستان و وجوه تفاوت و شباهت‌های آن‌ها شناسایی شوند.

پیشینه پژوهش

تحقیقات فراوانی در راستای بررسی ویژگی‌های معماری و شهرسازی تاریخی ایران و ازبکستان به ویژه زمانی که کشورهای آسیای مرکزی جز قلمرو ایران محسوب می‌شدند (تا سال ۱۲۶۰ ه.ش.) صورت گرفته‌اند. اما می‌توان این‌گونه اذعان داشت که بعد از جدایی این مناطق از ایران و به زیر سلطه شوروی درآمدن این مناطق، پژوهشی که به‌طور ویژه به بررسی تاثیر اندیشه‌های مدرنیسم بر روند شکل‌گیری و تغییر خیابان‌های شهری ایران و ازبکستان در دوره قاجار و پهلوی اول پردازد، صورت نگرفته‌است. بدین ترتیب در جهت دستیابی به اهداف پژوهش؛ کتب، مقالات و گزارش‌هایی که مهم‌ترین آن‌ها در جدول ۱ نشان داده شده‌اند، مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

روش تحقیق

این پژوهش بر اساس هدف، پژوهش نظری با رویکرد کیفی است که در دو گام مختلف، از طریق روش تحقیق تفسیری- تاریخی در بعد موضوعات تاریخی که بر موضوعات معماری نیز تاثیر گذار است و روش تحقیق توصیفی-تحلیلی در بعد تحلیل نمونه خیابان‌های منتخب و در نهایت به‌صورت تاریخی- تطبیقی انجام شده است. این پژوهش در جست‌وجوی

تیین تاثیر اندیشه‌های مدرنیسم بر روند شکل‌گیری و تغییر خیابان‌های شهری ایران و ازبکستان در دوره قاجار و پهلوی اول می‌باشد. بدین ترتیب در گام اول، به منظور استخراج داده‌ها و طبقه‌بندی مطالعات در راستای شناسایی جریان‌های فکری، سیاسی و اجتماعی نوگرایانه تاثیر گذار بر طراحی خیابان‌های شهری ایران و ازبکستان، از اسناد و مدارک معتبری از جمله کتب، مقالات و گزارش‌ها بهره برده شده است تا از طریق مطالعات اسنادی، به جمع‌آوری مبانی نظری تحقیق در ابعاد تاریخی، معماری و شهرسازی اقدام شود. در گام دوم، پس از استخراج ویژگی‌ها و مولفه‌های نوین طراحی خیابان‌های شهری در ایران و ازبکستان به واسطه جامعه آماری ایران و ازبکستان (بررسی تحولات سه نمونه از خیابان‌ها در ایران بین سال‌های ۱۳۲۰-۱۲۵۰ ه.ش. به‌عنوان مبنای شناخت ویژگی‌ها و مولفه‌های نوین طراحی شهری و بررسی تحولات سه نمونه از خیابان‌های منتخب در ازبکستان بین سال‌های ۱۹۴۰-۱۸۷۰ م.) از طریق تحلیل نمونه‌ها به بررسی تاثیر متغیر مستقل تحقیق، یعنی جریان‌ات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی نوگرایانه بر متغیر وابسته، یعنی تحولات و تغییرات طراحی خیابان‌های شهری در ایران و ازبکستان در دوره قاجار و پهلوی اول پرداخته خواهد شد و در نهایت با شناسایی ویژگی‌ها و مولفه‌های نوین طراحی خیابان‌های شهری در ایران و ازبکستان در دوره قاجار و پهلوی اول، نتایج به‌دست آمده به‌صورت تطبیقی مورد تحلیل قرار گرفته خواهند شد.

جدول شماره ۱: پیشینه پژوهشی تحقیق

بعد	نوع	نام	سال	عنوان	توضیحات
معماری ایران	کتاب	بانی مسعود	۱۳۸۸	معماری معاصر ایران	نحوه مواجهه ایرانیان با تغییرات جدید و تاثیر آن در معماری و شهرسازی ایران، از دوره قاجار تا سه دهه بعد از انقلاب اسلامی
	کتاب	کیانی	۱۳۸۳	معماری دوره پهلوی اول	شناخت دگرگونی‌های ایجاد شده بر مبنای اندیشه‌ها و روش‌های تغییر شکل یافته در معماری و شهرسازی دوره پهلوی اول
	کتاب	مختاری طالقانی	۱۳۹۰	میراث معماری مدرن ایران	ارزیابی عملکرد معماری مدرن در ایران و تحولات معماری در دهه‌های اخیر
شهرسازی ایران	کتاب	خلیلی خو	۱۳۷۳	توسعه و نوسازی ایران در دوره رضا شاه	بررسی تاریخ ورود و گسترش مظاهر تمدن جدید اروپا به ایران و توسعه تحولات ایران در دوره پهلوی اول
	مقاله	حبیبی	۱۳۷۸	مکتب اصفهان، دولت قاجار و سبک تهران	شرح جریان‌های فکری معماری و شهرسازی در دوره قاجار و پهلوی اول
معماری ازبکستان	کتاب	Abazov	۲۰۰۷	Culture and Customs of the Central Asian Republics	بررسی شیوه‌های تحول هنر و فرهنگ در دوره سنت، مدرن و دهه‌های اخیر در جوامع آسیای مرکزی
	مقاله	CaStillo	۱۹۹۷	Soviet Orientalism: Socialist Realism and Built Tradition	بررسی سیر تغییرات فرهنگی و سنتی ازبکستان در دوره استعمار شوروی
شهرسازی ازبکستان	کتاب	Meuser	۲۰۱۶	Seismic Modernism Architecture and Housing in Soviet Tashkent	بررسی سیر تحولات شهر تاشکند در سه دوره استعمار شوروی و شیوه انبوه‌سازی زنجیره‌ای
	کتاب	Stronski	۲۰۱۰	Tashkent: Forging a Soviet City (1930-1966)	بررسی تغییرات ساختار شهری تاشکند در دوره استعمار شوروی بین سال‌های ۱۹۶۶-۱۹۳۰ م.
	مقاله	Akhmedov & Nazarova	۲۰۱۵	The Ways Of The Development Of Architecture Of Independent Uzbekistan	بررسی شیوه تحولات شهری بر پایه مدرنیسم و ساخت و سازهای نوین اعم از بناهای عمومی و مسکونی در ازبکستان

ماخذ: نگارندگان

مبانی نظری

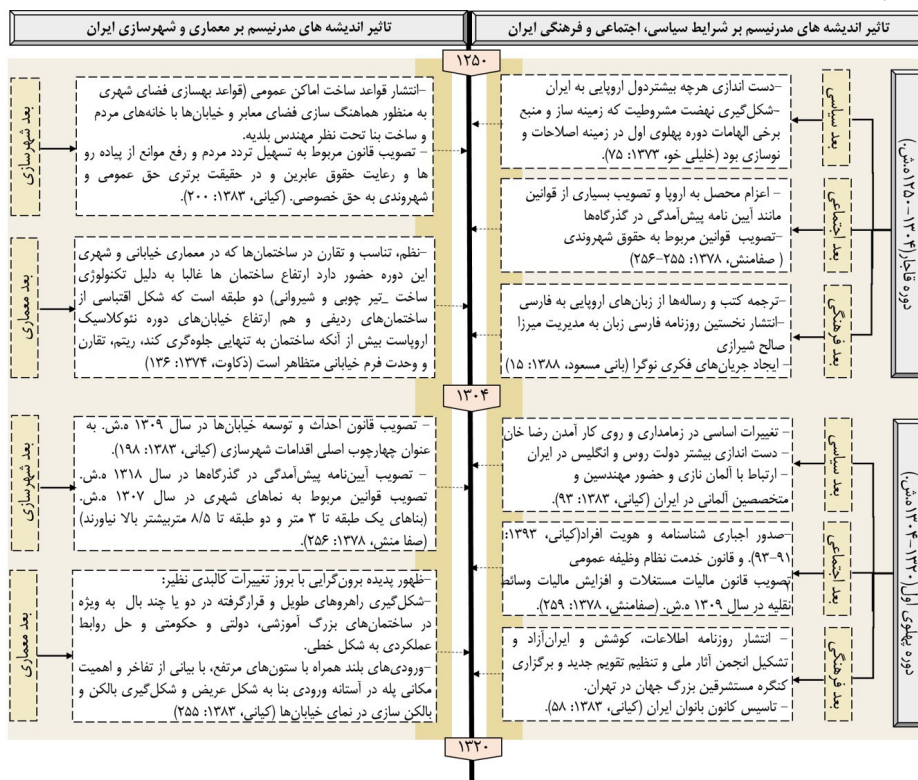
تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران در دوره قاجار و پهلوی اول (۱۳۲۰-۱۲۵۰ ش.ه)

در دوران فرمانروایی سلسله قاجار که مصادف با انقلاب صنعتی غرب در قرن نوزدهم است تغییرات مهمی در ایران صورت گرفت. به ویژه آنکه یک حکومت مرکزی پایدار دوباره بنا نهاده شد و قدرت‌های اروپایی نیز به ایران دست‌اندازی نمودند. در بسیاری از متون تاریخی نیز از این دوره با نام "دوره گذار" یا انتقال یاد می‌شود. بدین معنا که دوره قاجار، با تمام فراز و نشیب‌هایش، حلقه واسطه گذشته سنتی با آینده مدرن ایران است (بانی مسعود، ۱۳۸۸: ۹). در قرن گذشته که ایران فشار تحولات دنیای جدید را حس کرد، جامعه در همه زمینه‌ها به شکل سنتی به سر می‌برد (لمبتون، ۱۳۷۵: ۵۵) اما زمینه‌های تغییر و تحول تدریجی ایران در اواخر دوره قاجار سرعت بیشتری گرفت. در پی این تحولات و گسترش نظام نوین شهری جهانی، حرکت سرمایه و کالا، تا اندازه‌ای نیروی کار، به شهرها شکل بخشید و کشورها برای اینکه در نظام جهانی جای مطلوبی، به دست آورند، به بهبود کیفیت فضای شهری خود پرداختند. فضاهای عمومی شهری خود را بهبود می‌دهند و چهره مطبوع‌تر و خندان‌تری از خود به جهان ارائه می‌کنند (مدنی پور، ۱۳۸۷: ۳۶).

دو دهه آغاز قرن معاصر (۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ ه.ش.) پس از سقوط سلسله قاجار را باید سال‌های وقوع تحولات بنیادی در تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران به حساب آورد. این تحولات را باید ادامه نهضت مشروطه دانست که بسترهای فکری آن از اوایل حکومت دودمان قاجار به هنگام آغاز جنگ‌های ایران و روس در اصحاب

سیاست و صاحبان اندیشه ایرانی آغاز شده بود (خلیلی خو، ۱۳۷۳: ۷۵). اعزام دانشجو به خارج از کشور، استخدام معلمان خارجی، دایر شدن مدارس فرانسوی و موسسات امریکایی، تاسیس مدرسه دارالفنون، نشر روزنامه، ورود مظاهر جدید فناوری و تغییر در آداب اجتماعی از دیگر مقدمات ورود ایران به قرن معاصر است. ناگفته پیداست که پیشرفت‌های شتابان غرب در زمینه‌های فنی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی به‌عنوان عامل اصلی تحرک، بر توسعه تحولات اجتماعی و سیاسی ایران موثر بود (مختاری طالقانی، ۱۳۹۰: ۲۹). شهرسازی دوره پهلوی اول در اقدام‌های تازه برای نواحی و امکانات بیشتر و بهتر برای شهروندان و نیز ارائه یک شهر کارآمد، نخست به ساختار کهن شهر حمله‌ور شد و همچون خصلت پادشاهان فاتح، در اولین اقدام، شهر تازه را بر ویرانه‌های برج و باروهای قاجار بنا کرد (کیانی، ۱۳۸۳: ۱۸۴).

در روند مدرنیزاسیون، شکل سنتی شهر تهران متحول و شبکه‌های شطرنجی متشکل از بلوارها و خیابان‌های جدید به جای طرح متراکم و نامنظم شهر قدیمی ایجاد شد. به جای حصارهای قدیمی شهر، بلوارهای وسیع با پیاده‌روهای مجزا از سواره‌رو ساخته و شبکه راه‌های اصلی نیز به میدان‌ها منتهی شد (معرفت، ۱۳۷۵: ۱۰۸). خیابان به‌عنوان مکانی برای آمد و شد، داد و ستد، کسب و کار و نیز گردش شد و در این زمان بود که معماری خیابان که متأثر از نوعی برون‌گرایی در معماری بود به شهرسازی تبدیل شد و بدنه خیابان‌ها شامل نماهایی با ردیف دکان‌ها و مغازه‌ها در کنار پیاده‌روها و در طبقات شکل گرفت و شروع به رشد کرد. بدین ترتیب خیابان‌ها در تداوم شکل‌گیری خود باعث از بین بردن توازن سیمای شهر، از هم گسیختگی بافت‌های



نمودار شماره ۱: فرآیند تأثیر اندیشه‌های مدرنیسم بر شرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و عرصه‌های معماری و شهرسازی ایران در دوره قاجار و پهلوی اول؛

ماخذ: نگارنگان گدات

شهری و توجه صرف و یا بیشتر به دسترسی سواره شدند. در این راستا فرآیندهای مختلف شهری مانند روشنایی معابر، تسطیح و توسعه خیابان‌ها و پاکیزگی معابر اعمال شد و بدین گونه فرآیند نوسازی شهری غالباً در احداث خیابان‌ها تجلی پیدا کرد (کیانی، ۱۳۸۳: ۲۴۵-۲۴۶). با توجه به مطالب ذکر شده، نمودار ۱. فرآیند تاثیر اندیشه‌های مدرنیسم بر شرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و عرصه‌های معماری و شهرسازی ایران در دوره قاجار و پهلوی اول را نشان می‌دهد.

فرآیندهای نوسازی در عرصه طراحی خیابان‌های شهری در ایران

دیرباز، شهر سنتی شرق اسلامی با مرکزیت مسجد، بازار و جای‌گیری مشاغل در بازار اطراف مسجد با سلسله مراتب تعریف می‌شده است. تقسیمات محله‌ای بر اساس گروه‌های قومی، اجتماعی و دینی بوده و وجود استحکامات نظامی و دفاعی در اطراف شهر، گورستان و بازارهای دوره‌ای از ویژگی‌های آن بوده است (اهلرز، ۱۳۷۳: ۳۰). آنچه در کتاب‌ها و گزارشات درباره خیابان دوران صفوی نقل شده است، حاکی از آن است که خیابان‌های عصر صفوی در دو طرف آن، درختان بلند نظیر چنار و نارون و دیگر درختان کاشته می‌شده است که بر سطح خیابان سایه می‌انداخته‌اند و این خیابان در عصر صفوی گذری برای عبور و مرور معمول نبود، بلکه خیابان سبب نشاط مردم می‌شده است (عالمی، ۱۳۸۷: ۵۱). در سال‌های قبل از دوران صنعتی شدن کشورها، روند آرام تغییر شکل و نوسازی شهرهای تاریخی گذشته را معیارهای ثابت فرهنگی، که در طی زمان شکل می‌گرفتند و ابزار فنی محدود آن روزگار تاثیری اندک بر آن‌ها داشت، تعیین می‌کردند (بیانکا، ۱۳۶۹: ۲۲). ورود اندیشه‌های ناشناخته در قالب مدرنیسم در فرهنگ و آداب ایرانی علاوه بر نمود ذهنی، نمود عینی خود را در کالبد شهرهای ایرانی با معماری و شهرسازی ایرانی-اسلامی وارد نمود. در کشور ایران، شهر تهران به‌عنوان مرکز تحولات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ایران در دوره معاصر است و می‌توان آن را بستر اصلی بروز مدرنیسم دانست (پوراحمد و دیگران، ۱۳۹۰: ۴۷). برخورد فناوری اروپایی با فرهنگ سنتی ایرانی در دوره ناصری، به پذیرش آرام اندیشه‌ها و مظاهر مادی غرب، به‌ویژه در تهران انجامید و نبرد سنت و تجدد در اواسط حکومت ناصرالدین شاه به اوج خود رسید. تجدد، معماری تهران و سبک زندگی ساکنین تهران را دگرگون کرد. در این اوضاع، تحولات نوسازی شهر پاریس در نیمه دوم قرن نوزدهم مورد تقلید قرار گرفت و در تهران به کار گرفته شد. این اصلاحات شامل؛ احداث محله‌های جدید در حومه شهر و ایجاد خیابان‌های جدید در محله‌های قدیمی، ساخت شبکه‌ای از معابر وسیع و مستقیم روی بافت قدیمی شهر، تجدید بنای ساختمان‌های اطراف خیابان‌ها با رعایت اصول قرینه‌سازی، تناسب ارتفاع بناهای حاشیه خیابان‌ها با عرض خیابان و احداث شبکه جدید تاسیسات شهری بودند (قریب، ۱۳۷۴: ۲۱۲). کوچه‌ها سنگفرش، معابر قدیم شوسه و به سبک خیابان‌های نئو کلاسیک اروپا خیابان‌های جدیدی

در تهران ساخته شدند که مهم‌ترین شاخصه آن‌ها عریض شدن و در نتیجه مستقیم شدن امتداد این معابر بود (سلطان‌زاده، ۱۳۷۲: ۱۶). این خیابان‌های عریض و مستقیم به‌عنوان مظهر شهرسازی جدید، جای کوچه‌ها و گذرهای ارتباطی بافت قدیم را گرفتند و بدون توجه به محیط سنتی و ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و کالبدی شهر، به مکانی برای رفت و آمد، داد و ستد، کسب و کار و گردش تبدیل شدند. بدین ترتیب تاثیرات مدرنیسم در شهر ایرانی ابتدا در شکل ساختمان‌های شهری و معماری تک بناها و سپس به‌صورت تاثیر بر روی بافت و کالبد آن‌ها نمایان شد. این دگرگونی‌ها در حقیقت تاثیری بود از رشد برنامه‌ریزی شهری در غرب که به تبعیت از ویژگی‌های سرزمینی و خصوصیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی همان جوامع صورت گرفته بود. لذا از دهه ۱۳۰۰ ه.ش. به بعد در شهرهای ایران تغییرات کالبدی چشم‌گیری به‌وجود آمد. خیابان‌های بسیاری مبتنی بر خواسته‌های بورژوازی در حال رشد، ایجاد شد (پور احمد و وفایی، ۱۳۹۶: ۶۷). اولین خیابان‌هایی که در بافت جدید تهران به‌شيوه خیابان‌های اروپایی ساخته شدند؛ باب همایون، درب اندرون، مریضخانه، ناصریه، لاله‌زار، امیریه، علاءالدوله و بهارستان بودند. با ساخت این نوع معابر نقش سنتی بازار تا حدود زیادی کم‌رنگ شد. زیرا آن‌ها انواع خدمات شهری و تاسیسات مورد نیاز را در اختیار ساکنان قرار می‌دادند (حبیبی، ۱۳۸۷: ۲۴۰).

از نمونه‌های این خیابان‌ها می‌توان لاله‌زار را نام برد. در سال ۱۲۴۶ ه.ش. به‌دستور ناصرالدین شاه شهر از چهار طرف بزرگ شد و باغ لاله‌زار داخل شهر قرار گرفت. وی پس از بازگشت از سفر اول فرنگستان به خیال احداث خیابانی مانند شانزله‌لیزه دستور داد که از میان این باغ خیابان بکشند و زمین‌های اطراف خیابان نیز میان مقربین در گاه تقسیم شود. در سال ۱۲۷۰ ه.ش.، خیابان لاله‌زار طبق نقشه نجم الملک از گوشه شرقی میدان توپخانه شروع و به سه راه لاله‌زار رسید (اتحادیه، ۱۳۷۷: ۲۲) پس از ساخت خیابان لاله‌زار، نرده‌های باغ خراب و درختان قطع شد. همچنین در سال ۱۳۰۷ ه.ش. رضاخان برای اتصال دو کاخ سعدآباد (شمال) و کاخ مرمر (جنوب) دستور ساخت قسمت دوم خیابان پهلوی (ولیعصر) را به مهندس فردوسی ابلاغ کرد. در همین سال سرهنگ بوذرجمهری برای نخستین بار ضوابطی جهت احداث بنا در دوسوی این خیابان تصویب و اجرا کرد. این آیین‌نامه نمای ساختمان و نوع مصالح و تعداد طبقات و شیوه کار را به‌لحاظ معماری و ساخت تعیین می‌کرد. مقرراتی که بعدها شالوده ضوابط شهرداری تهران و دیگر شهرها برای صدور پروانه ساخت و ایجاد بنا شد. نمای خیابان با ردیف مغازه‌ها در کنار پیاده‌رو، از قبل تعریف شده بود. ورودی شاخص با ستون‌های بلند، فاصله گرفتن کف ساختمان از زمین و استفاده از عناصر خطی عمودی از ویژگی‌های عمده نمای بدنه خیابان‌های این دوره هستند. آنچه از تاریخ احداث این خیابان‌ها برمی‌آید توجه ویژه بر امتداد مستقیم، عرض مساوی، رعایت هندسه دقیق و اهمیت جداره نمای خیابان در تعریف شخصیت آن است. می‌توان چنین پنداشت در اندیشه آن دوران خیابان مستقیم با معماری کلاسیک دلالت بر

به سیریلیک در دهه ۱۹۳۰م. باعث شد تا ارتباط مردم مناطق آسیای مرکزی با گذشته و هویت تاریخی آنان قطع شود. در دوره اتحاد شوروی، فرهنگ و هنر اروپایی نیز به منطقه وارد شد. در دوره استعمار روس‌ها، جوانان منطقه برای فراگیری تئاتر، اپرا، سینما و موسیقی کلاسیک غربی به مدارس و هنرکده‌های مسکو و سنت پترزبورگ اعزام شدند. اما کلیه فعالیت‌های فرهنگی، هنری و حتی علمی در خدمت مرام مارکسیسم بود. بسیاری از فعالیت‌های فرهنگی و هنری مانند تئاتر و نیز پژوهش‌های علمی مانند تاریخ نگاری به طور مستقیم از ایدئولوژی حکومت تاثیر می‌پذیرفتند و در بند آن بودند (Abazov, 2007: 243). چشم‌انداز معماری در آسیای مرکزی به طور مشخص در قرن بیستم تغییر کرد. در دوره امپراتوری روسیه، تاثیر معماری جدید بیشتر در شهرهای وسیع در ازبکستان و در سایر نقاط آسیای مرکزی محدود بود (Castillo, 1997: 44).

از زمان امپراتوری روسیه، ویژگی غالب مراکز شهری آسیای میانه، همزیستی مناطق جدید شهر با برنامه‌ریزی سبک اروپایی، معماری و خیابان‌های گسترده و عریض شهری بود (Akhmedov & Saidova, 2009: 18). مقامات شوروی معتقد بودند که خیابان‌های باریک و زیگزاگ شهرها و شهرستان‌های آسیای مرکزی باید به مدل شوروی تبدیل شوند. معماران و مهندسان، مناظر مدرن را برای شهرهای جدید و قدیمی برنامه‌ریزی و ترسیم کردند. در این فرآیند، بسیاری از خانه‌های مسکونی قدیمی و ساختمان‌های عمومی، به ویژه ساختمان‌های فرهنگی و مذهبی - مساجد، مدارس و مقابر (آرامگاه‌ها) را نابود کردند. اغلب، تمامی بخش‌ها و محله‌ها با بولدوزر صاف شدند تا راه‌های جدید برای ایجاد آپارتمان‌ها، کارخانه‌ها، مراکز ورزشی و هنری و مدارس به وجود آیند. این

فضای حکومتی خیابان دارد. همچنین رضاخان به تبعیت از هیتلر به ایجاد فضاهای فاشیستی و قدرت طلبانه در شهر دست زد. شبکه‌های شطرنجی متشکل از خیابان‌های جدید به میدین بزرگ شهر منتهی و خیابان به عنوان لایه‌ای قدرتمند در شهر مطرح شد. نظم حداکثری در جزئیات نما، اجرای دقیق معماری بنا و ساخت بناهای دولتی و عمومی در اطراف خیابان از جمله شاخص‌ترین ویژگی‌های معماری خیابان در دوره پهلوی اول به‌شمار می‌آمدند. لاله‌زار و علاءالدوله (فردوسی) جز اولین راسته‌های تجاری جدا از بازار در دوره قاجاریه (ناصرالدین شاه به بعد) بودند که در زمان پهلوی اول در ساختار اساسی شهر مورد تاکید بسیار قرار می‌گیرند. در این دوره لاله‌زار به عنوان محوری فرهنگی - تجاری و خیابان فردوسی به عنوان محوری با کاربری اداری تقویت شدند (مستوفی، ۱۳۸۴: ۶۸).

تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ازبکستان در فاصله سال‌های ۱۹۴۰-۱۸۷۰ م.

آسیای مرکزی همواره یکی از مراکز مهم فرهنگ و تمدن بشری به‌شمار می‌آمده است و ویژگی بارز آن به هم تنیدگی اقوام، مذاهب و ملیت‌های گوناگون بوده است. در این مناطق شهرنشینی و تمدن در کنار چادرنشینی و صحراگردی وجود داشته و بر یکدیگر اثر گذارده‌اند. سلطه روس‌ها بر منطقه آسیای مرکزی زمانی به وقوع پیوست که این منطقه دوران افول فرهنگی را می‌گذراند. این سلطه، به ویژه در دوران هفتادساله اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، تاثیر قابل توجهی بر فرهنگ و هنر این منطقه گذارد. کلیه امور فرهنگی و هنری مرتبط با دین، از خوشنویسی گرفته تا معماری مساجد و مدارس، در این دوره آسیب‌های فراوانی دیدند و برخی ژانرهای هنری آن‌ها به کلی از بین رفتند. همچنین تغییر خط رسمی از فارسی



نمودار شماره ۲: فرآیند تاثیر اندیشه‌های مدرنیسم بر شرایط اجتماعی و فرهنگی و عرصه‌های معماری و شهرسازی ازبکستان در فاصله سال‌های ۱۸۷۰-۱۹۴۰ م.؛ ماخذ: نگارندگان

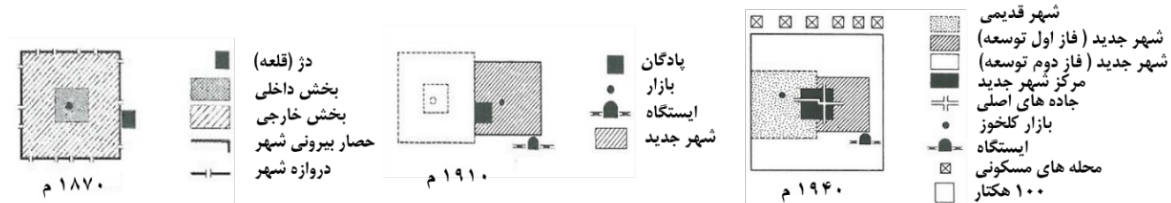
برنامه‌ریزی شهری در مقیاس کلان، تلاش مستمر و پیوسته برای برقراری روابط متقابل بین هر دو نیمه شهر یعنی شهر قدیم شرقی و شهر جدید روسی را در برداشت (Akhmedov & Saidova, 2009: 19). در این دوره ساخت بیشتر شاهراه‌های زیر: المزار^۶ توسعه انجزل^۷ در مسیر چیمکت^۸، نووایا آریپایا^۹ (خط شمالی که سایت‌های صنعتی شمالی را به ناحیه سارز^{۱۰} متصل می‌سازد)، توسعه پلی گرافی^{۱۱} به سمت سایت‌های صنعتی در شمال، ارتباط متقابل روستاوی^{۱۲} با گوگول^{۱۳} به سمت خیابان‌های عیشیر نوایی صورت گرفت. بدین ترتیب خیابان‌های عیشیر نوایی، بابور، عبدالله توکایف^{۱۴} و امیر تیمور شامل توسعه و تغییرات شدند. ساختمان‌های مسکونی و دولتی در امتداد جاده‌های اصلی قرار می‌گیرند. این موارد شامل خیابان بابور، امیر تیمور، عیشیر نوایی، روستاوی، المزار می‌باشند. بدین ترتیب طراحی با دقت و کیفیت بالا در ساختمان‌ها مورد توجه خاص حکومت قرار می‌گیرد. ساخت مسیرهای جدید کنار رودخانه در امتداد کانال انکور^{۱۵}، توسعه مناطق سبز جدید و گسترش مناطق موجود، توسعه پارک پوشکین^{۱۶} و تاسیس پارک‌های جدید در نواحی سالار در دستور کار دولت قرار می‌گیرد (Meuser, 2016: 20). خطوط تراموا^{۱۷} تا ۴۴ کیلومتر، خطوط اتوبوس ترولی^{۱۸} تا ۱۷ کیلومتر ایجاد می‌شوند. رشد جمعیت تاشکند به احداث جدید ساختمان‌ها برای فرآیندهای فرهنگی، تفریحی، سرگرمی، سلامت و بهداشت منجر شد. این موارد شامل پلی کلینیک، دانشگاه دولتی و بناهای فرهنگی برای کارکنان خطوط راه آهن و کارگران نساجی می‌باشند. معماری توسعه یافته و شکوفای تاشکند در اوایل و میانه قرن بیستم مستلزم طراحی توسط معتبرترین معماران عصر استالین بود. در سال ۱۹۴۰م. آلکسی شوسف^{۱۹} معمار مقبره و آرامگاه لنین در میدان سرخ مسکو، یک تماشاخانه اپرا طراحی کرد که جایگاه محکمی در تاریخ‌نگاری معماری شوروی دارد. شوسف ده سال زودتر بنای یادبود عظیمی را در میدان سرخ تاشکند برای لنین احداث کرده بود. همچنین وی توانست با ارائه تزیینات شرقی و اسلامی در فضای داخلی ساختمان اپرای عیشیر نوایی (که نمای ساختمان کاملاً متأثر از معماری نئو کلاسیک روسیه بود) جایگاه خود را تثبیت کند و در زمینه ترکیب معماری نئو کلاسیک روسی با تزیینات دوران اسلامی و شرقی به موفقیت‌های چشم‌گیری دست یابد. اما همچنان دوگانگی هویتی در شهر تاشکند به چشم می‌خورد: از یک سو، کلان‌شهر اروپایی با ساختمان‌های دولتی باشکوه و از سوی دیگر شهر شرقی با ساختمان‌های رسی قدیمی مشاهده می‌شود (Meuser, 2016: 32). از ابتدای دهه ۳۰ م. دو

مدل‌ها به واسطه مفهوم صنعتی‌سازی و شهرنشینی شوروی هدایت می‌شدند که به‌خصوص برای نوع جدیدی از حمل‌ونقل همراه با حجم عظیم خودروها در دهه ۱۹۳۰م. طراحی شده بودند. همراه با این تغییر مهم، افزایش مراکز عمومی شهری جدید در شهر تاشکند و بسیاری شهرهای دیگر اتفاق افتاد در حالی که مراکز فرهنگی و سیاسی قدیمی موجود در شهرهای بخارا و سمرقند کاهش و روبه انحطاط رفت. برنامه‌ریزان شهری شوروی سعی داشتند که فقدان تنوع، رنگ و تزیینات معماری در مراکز جدید شهری را به کمک سرمایه‌گذاری‌های چشمگیر در زمینه کاشت درختان و بوته‌ها در مقیاس وسیع و ایجاد مناطق به اصطلاح سبز (پارک‌ها و زمین‌های بازی) بهبود بخشند (Abazov, 2007: 244). با توجه به مطالب ذکر شده، نمودار ۲. فرآیند تاثیر اندیشه‌های مدرنیسم بر شرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و عرصه‌های معماری و شهرسازی ازبکستان را در فاصله سال‌های ۱۹۴۰-۱۸۷۰ م. نشان می‌دهد.

فرآیندهای نوسازی در عرصه طراحی خیابان‌های شهری در ازبکستان

به مدت بیش از ۱۵۰ سال، فرآیندهای تحول و دگرگونی، موضوع و مسئله اصلی در تاشکند بوده‌اند. تاشکند قبل از تسخیر شدن توسط قوای روسیه در سال ۱۸۶۵ م. خود را یک نوع شهر شرقی معرفی کرد. به مدت چندین قرن، ساختار شهری شرقی به‌طور مشخص با تعداد کمی شاهراه توسعه یافته که به بازارها و ساختمان‌های مذهبی و میادین باز می‌شوند و بن‌بست‌ها مملو از مناطق دنج و خلوت بودند که محلات مستقل و منحصر به فرد را قابل دسترس می‌سازند. پس از تصرف تاشکند توسط روس‌ها، تاشکند به‌صورت شهری دوگانه توسعه پیدا کرد که در آن هر دو نیمه بدون هیچ‌گونه رشته ارتباطی مشخص و بدیهی توأمان وجود داشتند: از یک سو، شهر پیچ‌درپیچ با ساختمان‌های رسی قدیمی وجود دارد و از سوی دیگر، مرکز اداری مدرن با تمرکز بر ساختمان‌های متأثر از معماری روسیه شکل می‌گیرد. بین سال‌های ۱۸۶۵ و ۱۹۱۰ م. جمعیت تاشکند از ۹۰۰۰۰ به ۲۳۴۰۰۰ نفر افزایش یافت که ۴۷۵۰۰ نفر آنها تبعه روس بودند (Meuser, 2016: 18-20). بدین ترتیب تصویر ۱، فرآیند رشد و توسعه شهر تاشکند را در فاصله سال‌های ۱۹۴۰-۱۸۷۰ م. نشان می‌دهد.

گشایش و افتتاح خطوط راه آهن اورنبورگ^۵ تا تاشکند انگیزه مهمی برای توسعه شهر در سال ۱۹۰۶ م. فراهم ساخت. ایستگاه راه آهن در جنوب شرقی شهر به‌عنوان شریانی توسعه‌محور توسط روس‌ها ساخته شد. همزیستی معماری سنتی و مدرن نیز گواه این مدل از برنامه‌ریزی شهری می‌باشد. ویژگی مشترک تصمیمات



تصویر شماره ۱: فرآیند رشد و توسعه شهر تاشکند در فاصله سال‌های ۱۹۴۰-۱۸۷۰ م.؛ مأخذ: Meuser, 2016: 13

تحلیل یافته‌ها

با مطالعه پیشینه تاریخی و تغییرات نوگرایانه شکل گرفته در عرصه طراحی شهری در زمینه خیابان‌های شهری تهران، سه خیابان؛ لاله‌زار، پهلوی (ولیعصر) و علاالدوله (فردوسی) که در دوره قاجار و پهلوی اول در فاصله سال‌های ۱۳۲۰-۱۲۵۰ ه.ش. در ایران دستخوش تحولات نوگرایانه شدند (به دلیل تشابه در بازه زمانی سال‌های ساخت و نیز تشابه در زمینه تحولات نوگرایانه در عرصه ویژگی‌های عینی، کالبدی و عملکردی که سه دسته از مولفه‌های نوین طراحی خیابان‌های شهری در تحقیق می‌باشند) با سه نمونه از خیابان‌های منتخب شهر تاشکند از بکستان؛ خیابان علیشیر نوایی، بایور و امیر تیمور که در فاصله زمانی سال‌های ۱۹۴۰-۱۸۷۰ م. دستخوش تحولات نوگرایانه در زمینه طراحی و تغییرات شهری شده‌اند، مورد مطالعه و قیاس تطبیقی قرار گرفته‌اند. با توجه به مطالب ذکر شده در بخش مبانی نظری، برای بررسی و تحلیل خیابان‌های منتخب در ایران و از بکستان مولفه‌های نوگرایانه طراحی شهری در سه حوزه مولفه‌های عینی (افزایش نفوذ پذیری در جداره خیابان‌های شهری، نورپردازی حاشیه خیابان‌ها و وجود ریتم و تاکید در بناهای جداره خیابان)، حوزه کالبدی (شامل سبک بناهای اطراف خیابان و نوع مصالح غالب مورد استفاده در ساختمان‌های اطراف خیابان) و حوزه عملکردی (شامل طراحی بناها با کارکردهای جدید در حاشیه خیابان و همجواری کاربری‌های گوناگون اطراف خیابان) طبقه‌بندی شده‌اند. بدین ترتیب طبق جدول ۲ و با بررسی مولفه‌های تعیین شده، پارامترهای نوگرایانه طراحی خیابان‌های شهری طبق طبقه‌بندی ارائه شده در نمودار ۳ بیان شده‌اند. با توجه به نمودار ۳، ویژگی‌های نمونه خیابان‌های منتخب با طراحی نوین شهری در تهران و تاشکند در دوره قاجار و پهلوی اول در جدول ۲ مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

اقدام توسط سیلچنکوف^{۲۰} (۱۹۳۱م.) و سیمونوف^{۲۱} (۱۹۳۴م.) برای پیوند شهرهای قدیم و جدید به لحاظ توسعه و رشد شهری صورت گرفته بود. با این حال، تنها طراحی کوزنتسوف^{۲۲} از سال ۱۹۳۹م. که مستلزم گسترش خیابان علیشیر نوایی بود، ارتباطی بین مرکز شهر شرقی و مرکز تاشکند امروزی با شاهراه وسیع ایجاد کرد. تحول خیابان علیشیر نوایی به خیابان کلاتشهری مدل شده در نمونه اروپایی نیز تلاشی برای عرضه آن خیابان به کارکنان ماهر و کارآمد بود که به اجبار به خاطر گسترش جنگ آواره و سرگردان شده بودند و خانواده‌هایشان به بخشی از فرهنگ اروپایی تبدیل شده بودند (Akhmedov & Saidova, 2009: 19). شهرنشینی جدید با ایدئولوژی پیشرفت فناوری هدایت می‌شد. معماران مفاهیم معماری بین‌المللی و میراث مدرنیسم اتحاد جماهیر شوروی دهه ۱۹۲۰ م. را تجربه کردند و به سرعت زبان اصلی شوروی از مدرنیسم متاخر (متعالی) توسعه یافت (Stroński, 2010: 19). در این دوره ساخت ساختمان‌های دولتی و خصوصی به سبک نئوکلاسیک در حاشیه خیابان‌های بایور و امیر تیمور، که به عنوان خیابان‌های عریض و مستقیم مظهر شهرسازی نوین محسوب می‌شدند که بدون توجه به محیط سنتی و ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی شهر، به مکانی برای رفت و آمد، داد و ستد، کسب و کار و گردش تبدیل شدند، رواج یافت. گسترش فضاهای سبز و کاشت درختان در حاشیه این بلوارهای عریض یکی از مضامین شهرسازی نوین در این دوره محسوب می‌شده است. رعایت هندسه دقیق و اهمیت جداره نمای خیابان‌ها در تاشکند نیز یکی دیگر از قوانینی می‌باشند که در مصوبات طراحی خیابان‌ها به شیوه نوین با تاثیر از مدرنیسم شوروی مورد توجه قرار گرفت (Akhmedov & Saidova, 2015: 48).

مولفه‌های نوین طراحی خیابان‌های شهری متأثر از رویکردهای نوگرایانه



نمودار شماره ۳: نمودار مولفه‌های نوین طراحی خیابان‌های شهری متأثر از رویکردهای نوگرایانه در سطوح مختلف؛ ماخذ: نگارندگان

جدول شماره ۲: نمونه خیابان‌های منتخب با طراحی نوین شهری در تهران و تاشکند در فاصله سال‌های (۱۳۲۰-۱۳۵۰ ه.ش. و ۱۹۴۰-۱۸۷۰ م.)

ازبکستان		ایران	
نام خیابان	ویژگی‌های نوین طراحی خیابان‌ها	ویژگی‌های نوین طراحی خیابان‌ها	نام خیابان
 <p>تصویر شماره ۲: خیابان علیشیر نوایی؛ مأخذ: URL2</p>   <p>تصویر شماره ۴: تحولات پلان خیابان علیشیر نوایی؛ مأخذ: Castillo, 1997: 44</p>	<p>ویژگی‌های عینی: طراحی عناصر وارداتی نظیر مجسمه و آب‌نما در تقاطع خیابان، افزایش نفوذپذیری و شفافیت بصری</p> <p>ویژگی‌های کالبدی: بهره‌گیری از سبک تلفیقی نئو کلاسیک روسی در نمای خارجی ساختمان‌های شاخص حاشیه خیابان نظیر ساختمان اپرای علیشیر نوایی با تزئینات داخلی معماری سنتی اسلامی</p> <p>ویژگی‌های عملکردی: تسهیل ترافیک سواره و طراحی خطوط حمل و نقل عمومی اتوبوس رانی، همجواری کاربری‌ها و عملکردهای گوناگون در اطراف خیابان</p>	<p>ویژگی‌های عینی: نورپردازی حاشیه خیابان با چراغ برق، افزایش نفوذپذیری و شفافیت بصری به دلیل استفاده گسترده از شیشه برای ویترین مغازه‌ها</p> <p>ویژگی‌های کالبدی: تلفیقی از سبک معماری نئو کلاسیک و معماری سنتی ایرانی در ساختمان‌های اطراف خیابان، برون‌گرایی کالبدی و تک بناهای شاخص در کنج خیابان</p> <p>ویژگی‌های عملکردی: قرارگیری کاربری‌های متنوع در اطراف خیابان نظیر خانه فرانسه، تجارتخانه هلندی و اداره پست، تسهیل ترافیک سواره و خیابان با هندسه مستقیم و کالسکرو</p>	 <p>تصویر شماره ۱: خیابان لاله‌زار مأخذ: URL1</p>  <p>تصویر شماره ۳: پلان خیابان لاله‌زار مأخذ: URL3</p>
 <p>تصویر شماره ۶: خیابان بابور (ایردارسیا سابق)؛ مأخذ: URL 5</p>  <p>تصویر شماره ۸: پلان خیابان بابور مأخذ: Meuser, 2016: 31</p>	<p>ویژگی‌های عینی: افزایش نفوذپذیری و طراحی عناصر وارداتی نظیر آب‌نما و مجسمه در مناطق سبز و پارک اطراف خیابان</p> <p>ویژگی‌های کالبدی: کشیدگی و ساختار افقی در منظر شهری، ساخت بناهای اطراف خیابان به سبک ملی-باستانی ایرانی یا سبک نئو کلاسیک اروپایی نظیر ایستگاه راه‌آهن تهران و خانه پروفیسور عدل</p> <p>ویژگی‌های عملکردی: گسترش مناطق سبز نظیر پارک بابور در حاشیه خیابان، طراحی خیابان‌های مستقیم و چلیپایی شکل با هندسه دقیق شطرنجی به تقلید از شهرسازی مدرن غربی</p>	<p>ویژگی‌های عینی: ایجاد ریتم در نمای خیابان با ردیف دکان‌ها و مغازه‌ها در کنار پیاده‌رو با جزئیات و هندسه دقیق</p> <p>ویژگی‌های کالبدی: کشیدگی و ساختار افقی در منظر شهری، ساخت بناهای اطراف خیابان به سبک ملی-باستانی ایرانی یا سبک نئو کلاسیک اروپایی نظیر ایستگاه راه‌آهن تهران و خانه پروفیسور عدل</p> <p>ویژگی‌های عملکردی: کاشت درختان به فاصله هر دو متر یک درخت چنار و بین هر دو چنار، یک بوته گل سرخ در حاشیه خیابان و تنوع کاربری در اطراف خیابان و احداث پیاده‌روهای عریض در اطراف خیابان</p>	 <p>تصویر شماره ۵: خیابان پهلوی (ولیعصر) مأخذ: URL4</p>  <p>تصویر شماره ۷: پلان خیابان پهلوی (ولیعصر) مأخذ: بهشتی، ۱۳۹۴: ۱۱</p>
 <p>تصویر شماره ۱۰: خیابان امیر تیمور (خیابان کارل مارکس سابق)؛ مأخذ: URL 7</p>  <p>تصویر شماره ۱۲: پلان خیابان امیر تیمور مأخذ: Meuser, 2016: 17</p>	<p>ویژگی‌های عینی: افزایش نفوذپذیری و شفافیت بصری به دلیل استفاده گسترده از شیشه برای ویترین مغازه‌ها و بناها، کاشت درختان در حاشیه خیابان</p> <p>ویژگی‌های کالبدی: بهره‌گیری از سبک تلفیقی نئو کلاسیک روسی در نمای خارجی ساختمان‌های شاخص حاشیه خیابان</p> <p>ویژگی‌های عملکردی: قرارگیری کاربری‌های متنوع در اطراف خیابان نظیر موزه امیر تیمور، ساختمان فرمانداری، دفتر مالیات شهری و... تسهیل ترافیک سواره و خیابان با هندسه مستقیم و شعاعی منشعب از میدان به تقلید از شهرسازی غربی</p>	<p>ویژگی‌های عینی: نورپردازی حاشیه خیابان، شفافیت بصری و افزایش نفوذپذیری با استفاده گسترده از شیشه درب و ویترین مغازه‌های حاشیه خیابان</p> <p>ویژگی‌های کالبدی: برون‌گرایی کالبدی و وسعت دید، ساخت بناهای اطراف خیابان به سبک ملی-باستانی ایرانی یا سبک نئو کلاسیک اروپایی</p> <p>ویژگی‌های عملکردی: قرارگیری کاربری‌های متنوع در اطراف خیابان نظیر سفارتخانه‌های آلمان، انگلستان و ترکیه، ساختمان‌های مرکزی بانک ملی ایران و بانک سپه و چند موزه (موزه جواهرات ملی، موزه سکه بانک سپه)</p>	 <p>تصویر شماره ۹: خیابان علاالدوله (فردوسی)؛ مأخذ: URL 6</p>  <p>تصویر شماره ۱۱: پلان خیابان علاالدوله (فردوسی)؛ مأخذ: URL 8</p>

جدول ۴. به بررسی و تحلیل الگوها و پارامترهای نوگرایی طراحی شهری در سه بعد عینی، کالبدی و عملکردی در نمونه خیابان‌های منتخب در ایران (تهران) و ازبکستان (تاشکند) می‌پردازد. در این جدول وجود مولفه‌ها در هر خیابان با علامت + و عدم وجود آن با علامت - نشان داده شده‌اند. در این جدول سه بعد پنج پارامتری با یکدیگر به طور نسبی مورد تحلیل قرار گرفته‌اند.

بر اساس جدول ۲. و با توجه به ریز مولفه‌های نوین طراحی خیابان‌های شهری می‌توان وجوه شباهت را در سه حوزه عینی، کالبدی و عملکردی بین هریک از خیابان‌های منتخب در ایران و ازبکستان مشاهده نمود. مولفه‌های نوگرایی در هر سه بعد عینی، عملکردی و کالبدی در دو کشور به صورت مشابه تجلی یافته‌اند. در جدول ۳، هندسه، نحوه دسترسی و عملکرد نمونه خیابان‌های منتخب بررسی شده‌اند.

جدول شماره ۳: نمونه خیابان‌های منتخب با طراحی نوین شهری در تهران و تاشکند در سال‌های (۱۳۲۰-۱۲۵۰ ه.ش. و ۱۹۴۰-۱۸۷۰ م.)

نام خیابان	فرم و هندسه	راه و نحوه دسترسی	موقعیت در بافت و مورفولوژی	عملکرد خیابان (پیرومونی و درونی)	معماری و عوامل کالبدی - بصری موثر	
ایران	خیابان لاله‌زار	خطی - کم عرض	طراحی و تعریف ابتدا و انتهای خیابان - طراحی پیاده‌رو برای عابر پیاده - طراحی مسیر در شبکه‌رانی	- تخریب بافت قدیم - نظم و شکل هندسی - احداث محور مستقیم در ارتباط با میدان امام خمینی (توپخانه) در انتهای خیابان	- خانه فرانسو - تجارتخانه هلندی - اداره پست - بانک - کافه - سینما	- احداث چراغ برق - ویرترین شهر فرنگ - برای تهران و تقلیدی از خیابان‌های مفرح اروپایی با هندسه دستوری، معماری التقاطی و کاربری‌های دولتی - خصوصی
	خیابان پهلوی (ولیعصر)	خطی - عریض	- تعریض معابر - ایجاد بلوار - طراحی پیاده‌رو برای عابر پیاده	- احداث محورهای مستقیم و جدید برای توسعه و ارتباط میدان جدید با این محورها	- تسهیل رفت و آمد خودرو - ایستگاه راه آهن - خانه پروفیسور عدل - کاخ مرمر - کاخ سنا	- احداث جوی‌های آب - عریض - کاشت درختان به فاصله هر دو متر یک درخت چنار و بین هر دو چنار، یک بوته گل سرخ - سبک معماری تلفیقی سبک نئو کلاسیک و باستان‌گرا
	خیابان علاءالدوله (فردوسی)	خطی - عریض	- طراحی پیاده‌رو برای عابر پیاده - تعریض معابر - ایجاد بلوار	- احداث محور مستقیم در ارتباط با میدان امام خمینی (توپخانه) در جنوب و میدان فردوسی در شمال خیابان	- سفارتخانه‌های آلمان، انگلستان و ترکیه - ساختمان‌های مرکزی بانک ملی و بانک سپه و چند موزه (موزه جواهرات ملی، موزه سکه)	- سبک معماری تلفیقی و نئو کلاسیک و معماری ملی - باستانی ایران - لبه‌های شهری پیوسته و همگن - ترکیب بنا و شهر
ازبکستان	خیابان علیشیر نوایی	خطی - کم عرض	- طراحی پیاده‌رو برای عابر پیاده - تعریض معابر	- تبدیل طرح خیابان‌های زیگزاگ و بدون هندسه به خیابان‌های مستقیم راست گوشه با شبکه شطرنجی	- ساختمان اپرا و باله - علیشیر نوایی - تالار عروسی - مدرسه	- سبک معماری تلفیقی از ساختمان با نمای خارجی نئو کلاسیک و تزئینات داخلی سنتی اسلامی
	خیابان بابور	خطی - عریض	- تعریض معابر - طراحی پیاده‌رو برای عابر پیاده	- تخریب بافت قدیم - احداث محور مستقیم در امتداد قطعه‌بندی‌های بزرگ شهری در کنار پارک بابور	- ساختمان‌ها با عملکرد مدرن نظیر بناهای اداری اداره و خدماتی نظیر کافه و مغازه	- گسترش مناطق سبز و پارک وسیع همراه با طراحی آب‌نما و مجسمه در آن در حاشیه خیابان
	خیابان امیر تیمور	خطی - عریض	- ایجاد بلوار - طراحی پیاده‌رو برای عابر پیاده	- تخریب بافت قدیم - احداث محور مستقیم در ارتباط با میدان امیر تیمور در انتهای خیابان	- ساختمان‌ها با عملکرد مدرن نظیر بنای فرمانداری تاشکند، موزه امیر تیمور، کافه و مغازه	- سبک معماری تلفیقی و نئو کلاسیک و معماری مدرن - معماری التقاطی با کاربری‌های دولتی - خصوصی

ماخذ: نگارندگان

جدول شماره ۴: تحلیل مؤلفه‌های نوین طراحی نمونه خیابان‌های منتخب در ایران و ازبکستان

مؤلفه‌ها		عینی (بصری)		کالبدی (ریخت‌شناسی)		عملکردی (کارکردی)	
کشور	نام خیابان	وجود ریتم، تقارن و تاکید	انسانی بودن مقیاس جداره‌های شهری	نورپردازی حاشیه خیابان‌ها	استفاده غالب از مواد فلز، شیشه و بتن	سبک معماری تلفیقی از معماری اسلامی، معماری باستان‌گرا و نئوکلاسیک غرب	سبک معماری تلفیقی از معماری اسلامی، معماری باستان‌گرا و نئوکلاسیک غرب
ایران	خیابان لاله‌زار	+	+	+	+	+	+
	خیابان پهلوی (ولیعصر)	+	+	-	+	+	+
	خیابان علاالدوله (فردوسی)	+	+	-	+	+	+
	جمع هر پارامتر	۳	۳	۰	۳	۳	۲
	جمع مؤلفه‌ها	۱۲	۱۴	۱۵	۱۴	۱۵	۱۴
ازبکستان	خیابان علیشیر نوایی	-	+	+	+	+	+
	خیابان بابور	-	+	-	+	+	+
	خیابان امیر تیمور	-	+	+	+	+	+
	جمع هر پارامتر	۰	۳	۱	۳	۳	۲
	جمع مؤلفه‌ها	۹	۱۴	۱۵	۱۴	۱۵	۱۴

ماخذ: نگارندگان

با توجه به جدول ۴، تاثیر گذاری مؤلفه‌های نو گرایانه طراحی خیابان‌های شهری در خیابان‌های ساخته شده در ایران و ازبکستان در بعد کالبدی دارای بیشترین تاثیر گذاری (در ایران بیشترین تعداد فراوانی ۱۵ و در کشور ازبکستان بیشترین تعداد فراوانی ۱۵) بوده است. و پس از آن بعد عملکردی (در ایران با فراوانی ۱۴ و در ازبکستان با تعداد فراوانی ۱۴) قرار دارد. بعد عینی نیز در مرتبه سوم (در ایران با فراوانی ۱۲ مرتبه و در ازبکستان نیز با تعداد فراوانی ۹ مرتبه) قرار دارد. بنابراین می‌توان اینگونه اذعان داشت که در هر دو کشور شیوه‌های تاثیر پذیری از اندیشه‌های مدرنیسم در طراحی شهری از نظر ابعاد عینی، عملکردی و کالبدی همسان بوده‌اند.

نتیجه‌گیری

ادبیات شهری لهجه جدیدی از شهرسازی را در اواخر دوره قاجار و پس از آن در دوره پهلوی اول در ایران ترویج کرد. این دستور زبان جدید شهری شامل قوانین و رویکردهای نوین در عرصه طراحی و اجرا بود که از جمله آن می‌توان به طراحی خیابان‌های صلیبی (این شیوه به دنبال تصویب نقشه خیابان‌ها و بی‌هیچ احترامی به ساختار کهن و چون الگویی فارغ از مکان، چهره سراسر شهرهای کشور را مصلوب کرد)، الگو برداری از شهرسازی قرن نوزدهم اروپا شامل احداث بلوارها و خیابان‌های درختکاری شده، توسعه شطرنجی، فرسوده انگاری بافت کهن

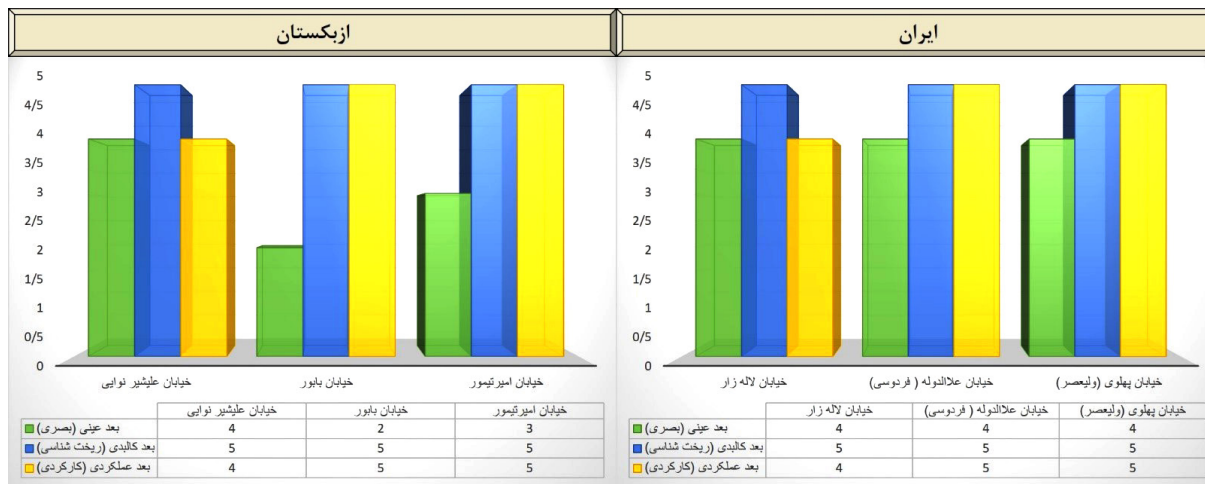
و نگاه موزه‌ای به تک‌بناها و به کارگیری تجهیزات شهری نوین نظیر روشنایی خیابان‌ها و دایر نمودن چراغ برق در حاشیه خیابان‌ها اشاره نمود. در ازبکستان نیز با سلطه شوروی از سال ۱۸۸۱ م. شیوه‌های مدرنیزاسیون به سبک شوروی در همه شهرهای این منطقه به عرصه ظهور درآمد. برنامه‌ریزی به سبک اروپایی، معماری و شهرسازی مدرن شامل خیابان‌های گسترده و عریض و ساختن بناها با عملکرد جدید و برون‌گرایی کالبدی همراه با نفوذ پذیری و شفافیت بصری به دنبال الگو برداری از شهرسازی اروپایی در دستور کار دولت قرار گرفت. بدین ترتیب تجدد و نوسازی در ازبکستان با توسعه صنعتی، گسترش خطوط راه آهن، احداث شاهراه‌ها و توسعه مراکز جدید برای شهرهای این کشور مبنای کار قرار گرفت. بدین ترتیب می‌توان اذعان نمود گسترش و تجلی هر چه بیشتر پدیده برون‌گرایی در برابر پدیده درون‌گرایی (که یکی از بارزترین ویژگی‌های معماری گذشته ایران و ازبکستان به شمار می‌آمده است.) به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تاثیر گذار و شکل دهنده در ایجاد تحولات و تغییرات در صورت شهرهای ایران و ازبکستان در این دوره بوده است. تغییر جهان‌بینی‌های فرهنگی - اجتماعی نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تاثیر گذار بر عرصه معماری و شهرسازی (نخست با اعمال حکومت و سپس با پذیرش عمومی) بود. این تغییر شکل در عرصه معماری و شهرسازی، با شکل‌گیری عناصر

قرار دارد. در این بعد مولفه‌هایی نظیر تسهیل ترافیک سواره، تمرکز بر ساختمان‌ها با کارکردهای جدید و همجواری کاربری‌های گوناگون اطراف خیابان و گسترش شبکه منظم چلیپایی شکل و شعاعی خیابان‌ها حضور ثابت داشته‌اند. در مرتبه سوم بعد عینی (در ایران با فراوانی ۱۲ مرتبه و در ازبکستان نیز با فراوانی ۹ مرتبه) قرار دارد. مولفه‌هایی نظیر افزایش نفوذپذیری و شفافیت بصری در جداره‌های اطراف خیابان و انسانی‌شدن مقیاس جداره‌های شهری در بعد عینی نیز حضور ثابت داشته‌اند. بدین ترتیب می‌توان این گونه اذعان داشت که تحولات نوگرایانه صورت گرفته در شکل‌گیری خیابان‌های شهری ایران و ازبکستان در دوره قاجار و پهلوی اول از منظر مولفه‌های کالبدی، عملکردی و عینی به گونه‌ای همسان تجلی یافته‌اند. نمودار ۴ نشان می‌دهد که ظهور مولفه‌های نوین طراحی خیابان‌های شهری در بعد کالبدی نسبت به دو مولفه دیگر در کشور ایران و ازبکستان شاخص‌تر بوده است.

در جهت پاسخ به پرسش‌ها و فرضیات پژوهش، می‌توان این گونه اذعان داشت که تحولات صورت گرفته در بعد عینی، کالبدی و عملکردی طراحی خیابان‌های شهری در اواخر دوره قاجار و پهلوی اول در ایران و ازبکستان تا حد زیادی تحت تاثیر شرایط اجتماعی، سیاسی و جریانات فرهنگی نوگرایی غالب در حکومت و لایه‌های جامعه این کشورها بوده‌اند و تشابه کلی در تجلی و ظهور مولفه‌های نوگرایانه طراحی خیابان‌های شهری (در بعد عینی، کالبدی و عملکردی) در ایران و ازبکستان در اواخر دوره قاجار و پهلوی اول به‌ویژه در فاصله سال‌های ۱۹۴۰-۱۸۷۰ م. (۱۳۲۰-۱۲۵۰ ه.ش.) وجود داشته است و ظهور مولفه‌های کالبدی، نسبت به دو مولفه دیگر شاخص‌تر بوده است.

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان ویژگی‌های اصلی مشابهت‌های حاکم بر شهرسازی نوین معاصر در ایران و ازبکستان را چنین بیان نمود: در دوره پهلوی اول و هم‌زمان با آن در ازبکستان (۱۹۴۱-۱۹۲۵ م.)، برای اولین بار در تاریخ شهرسازی ایران و ازبکستان، دخالت ارادی و برنامه‌ریزی شده در بافت قدیمی شهرها در سطح کلان صورت می‌گیرد. این قوانین و طرح‌ها در بیشتر شهرهای ایران و ازبکستان و به‌ویژه در تهران با طرح سال ۱۳۱۶ ه.ش. و در

و مفاهیمی نظیر (گسترش پدیده بالکن‌سازی در نمای خیابان‌ها و ایجاد پیوند جدید عرصه داخلی با کوچه و خیابان که در گذشته در معماری سنتی ایران و ازبکستان به صورت ایوان و رو به حیاط داخلی قرار داشت، چرخش جهت پنجره‌ها از درون به بیرون و تعریف مفهوم جدیدی از حریمیت در مقیاس محله و شهر و نیز ایجاد شکل و صورت جدیدی از پنجره در حوزه معماری مسکونی و پنجره‌های بلند و متعدد در بناهای بزرگ دولتی حاشیه خیابان‌های شهری ایران و ازبکستان، استفاده از نقوش تاریخی (باستانی) و کلاسیک غربی در اواخر دوره قاجار و دهه اول و اوایل دهه دوم در دوره پهلوی اول و استفاده‌های گوناگون از تزئینات آجری، سنگی، کاشی و فلزی، هم در طرح و هم در مصالح ساختمان‌های حاشیه خیابان‌های شهری ایران و ازبکستان) به تناسب زمان و مکان، خیابان‌کشی به سبک غربی اروپایی قرن نوزدهم در مقیاس وسیع و تجلی پدیده معماری خیابانی بدون در نظر گرفتن پیشینه تاریخی باغ-خیابان (چهارباغ) در شهرسازی گذشته ایران و ازبکستان و تغییر نمادهای شهرسازی از بناهای فرهنگی و مذهبی در گذشته به بناهای بزرگ دولتی و حکومتی در این دوره) در اواخر دوره قاجار و پهلوی اول صورت گرفت. با توجه به تجزیه و تحلیل صورت گرفته پیرامون ۶ خیابان منتخب در ایران و ازبکستان که تحت تاثیر اندیشه‌های مدرنیسم، دستخوش تحولات نوین در عرصه طراحی و اجرا شدند و نیز نتایج به دست آمده از جدول ۴ می‌توان این گونه اذعان داشت که مولفه‌های نوین طراحی خیابان‌های شهری در بعد کالبدی (ریخت‌شناسی)، نسبت به دو مولفه دیگر هم در خیابان‌های ایران (با فراوانی ۱۵) و هم در ازبکستان (فراوانی ۱۵) بیشتر از دو مولفه دیگر مورد استفاده قرار گرفته‌اند. هر پنج مولفه مورد بررسی در بعد کالبدی نظیر برون‌گرایی کالبدی، کشیدگی و ساختار افقی پیوسته در منظر شهری، استفاده غالب از شیشه، فلز و بتن و سبک تلفیقی از معماری اسلامی، معماری ملی گرا و سبک نئوکلاسیک غربی در ساختمان‌های حاشیه خیابان‌ها و طراحی تک‌بناهای شاخص در کنج خیابان‌ها حضور ثابت داشته‌اند. در وهله بعدی، بعد عملکردی (در ایران با فراوانی ۱۴ مرتبه و در ازبکستان با فراوانی ۱۴ مرتبه)



نمودار شماره ۴: نقش مولفه‌های نوگرایانه طراحی شهری در خیابان‌های منتخب ایران و ازبکستان؛ ماخذ: نگارندگان

۴. بدری، روح‌الله (۱۳۹۱)، «تحولات سیاسی-اجتماعی آسیای مرکزی در سده نوزدهم میلادی»، **فصلنامه مسکویه**، سال هفتم، شماره ۲۲، پاییز، صص ۶۲-۲۳.
۵. بهشتی، محمد (۱۳۹۴)، «خیابان ولیعصر، چهارباغ معاصر»، **فصلنامه اثر**، شماره ۶۷، زمستان، صص ۱۴-۳.
۶. بیانکا، استفانو (۱۳۶۹)، «بازسازی یا مثله کردن»، **پیام یونسکو**، شماره ۲۴۸، صص ۲۵-۲۲.
۷. پور احمد، احمد و فرجی ملایی، امین و منوچهری، ایوب و عظیمی، آزاده (۱۳۹۰)، «تاثیر مدرنیسم بر توسعه فضایی-کالبدی شهرهای ایرانی-اسلامی (نمونه تهران)»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی-اسلامی**، سال دوم، شماره ۶، زمستان، صص ۶۱-۴۷.
۸. پور احمد، احمد و وفایی، ابوذر (۱۳۹۶)، «تاثیر مدرنیسم بر ساختار کالبدی-فضایی شهر ایرانی-اسلامی (مطالعه موردی: شهر کاشان)»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی-اسلامی**، سال هفتم، شماره ۲۸، تابستان، صص ۷۶-۶۳.
۹. حبیبی، محسن (۱۳۷۸)، **مکتب اصفهان، دولت قاجار و سبک تهران**، مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، سازمان میراث فرهنگی، تهران.
۱۰. خلیلی‌خو، محمدرضا (۱۳۷۳)، **توسعه و نوسازی ایران در دوره رضا شاه**، جهاد دانشگاهی، تهران.
۱۱. ذکاوت، کامران (۱۳۷۴)، **معماری خیابانی**، نخستین کنگره معماری و شهرسازی ایران، بم، انتشارات میراث فرهنگی، تهران.
۱۲. سلطان‌زاده، حسین (۱۳۷۲)، **فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران**، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.
۱۳. صفامنش، کامران (۱۳۷۸)، **تحولات معماری و شهرسازی در سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۹۹**، دومین کنگره معماری و شهرسازی ایران، ارگ بم، انتشارات میراث فرهنگی، تهران.
۱۴. عالمی، مهوش (۱۳۸۷)، «باغ‌های شاهی صفوی صحنه‌ای برای نمایش مراسم سلطنتی و حقانیت سیاسی»، ترجمه مریم رضایی‌پور و حمیدرضا جیحانی، **گلستان هنر**، شماره ۱۲، صص ۶۸-۴۷.
۱۵. قریب، فریدون (۱۳۷۴)، **معاور تهران در دوره قاجاریه**، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، سازمان میراث فرهنگی، تهران.
۱۶. کیانی، مصطفی (۱۳۹۳)، **معماری دوره پهلوی اول**، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، تهران.
۱۷. لمبتون، آن کاترین (۱۳۷۵)، **ایران عصر قاجار**، ترجمه سیمین فصیحی، نشر جاوید، تهران.
۱۸. مدنی‌پور، علی (۱۳۸۷)، «تحول و تداوم مفهوم شهر». **نشریه شهرسازی و معماری هفت شهر**، دوره دوم، شماره ۲۵ و ۲۶، صص ۳۷-۳۲.
۱۹. مختاری طالقانی، اسکندر (۱۳۹۰)، **میراث معماری مدرن ایران**، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.
۲۰. مستوفی، عبدالله (۱۳۸۴)، **شرح زندگانی من: تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه**، نشر زوار، تهران.
۲۱. معرفت، مینا (۱۳۷۵). **پیشکسوتانی که به تهران مدرن شکل دادند. تهران پایتخت دو بیست ساله**، سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران-انجمن ایران‌شناسی فرانسه، تهران.
۲۲. مهدوی‌نژاد، محمدجواد و منصوره مجومرد، پربیناز (۱۳۹۴)، «ورود جریان‌های نوگرا به معماری معاصر ایران»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی-اسلامی**، سال ششم، شماره ۲۱، پاییز، صص ۳۰-۱۹.

تاشکند با طرح سال ۱۹۳۸ م. هر چند که بیشتر خاستگاه اقتصادی معاصر را نشان می‌دهند اما سنگین‌ترین ضربه را به هویت شهرها و خاستگاه فرهنگی وارد می‌سازند. در دوره پهلوی اول و همزمان با آن در ازبکستان (۱۹۴۱-۱۹۲۵ م.)، هر چند به معماری سنتی و تاریخی به میزان خاصی از طرف حکومت توجه شد و نشانه‌هایی از معماری گذشته در این دوره در مقیاس تک بنا به کار گرفته شد، اما در شهرسازی، به طور یکپارچه مولفه‌های نوین شهرسازی اروپا در نظر گرفته شد. در این کشورها هیچ گونه الهام یا بهره‌ای از شهرسازی کهن ایران و ازبکستان دیده نشد. شهرسازی نوین با این استدلال که ساختار قدیمی شهر پاسخگوی نیازهای اجتماعی دنیای مدرن امروز نیست بافت کهن و میراث ارزش‌های فرهنگی شهر را یا تخریب کرد و یا دگرگونی سنگینی بر آن وارد داشت.

پی‌نوشت‌ها

۱. به موجب پیمان آخال، مناطق ترکمن نشین شرق دریای خزر در سال ۱۲۶۰ ه.ش. و در زمان ناصرالدین شاه قاجار به طور رسمی از ایران جدا شدند و به تصرف روس‌ها درآمدند. پیمان آخال میان وزیر امور خارجه ایران و وزیر مختار روسیه در تهران منعقد شد. با انعقاد این پیمان، ایران از ادعا درباره خاک خود در سراسر آسیای میانه چشم‌پوشی کرد و رود اترک به عنوان مرز جدید معرفی گردید.

2. Alisher Navoi Street
3. Babur Street
4. Amir Temur Street
5. Orenburg
6. Almazar
7. Engels
8. Chimkent
9. Novaya Arpapaya
10. Sarez
11. Polygrafie
12. Rustaveli
13. Gogol
14. Abdulla Tukaev
15. Ankhor
16. Pushkin Park
17. Tramlines
18. Trolley
19. Shchusev
20. Silchenkov
21. Semenov
22. Kuznetsov

فهرست منابع و مراجع

۱. اتحادیه، منصوره (۱۳۷۷)، **اینجا طهران است: مجموعه مقالاتی درباره طهران ۱۳۴۴-۱۳۶۹ هجری قمری**، ویرایش: مصطفی زمانی‌نیا، نشر تاریخ ایران، تهران.
۲. اهلرز، اکارت (۱۳۷۳). «شهر شرق اسلامی-مدل و واقعیت»، ترجمه و ویرایش: محمد حسین ضیا توانا و مصطفی مومنی، **فصلنامه تحقیقات جغرافیایی**، شماره ۱، صص ۶۵-۲۷.
۳. بانی مسعود، امیر (۱۳۸۸)، **معماری معاصر ایران: در تکاپوی بین سنت و مدرنیته**، نشر هنر معماری قرن، تهران.



۲۳. وفایی، عباسعلی (۱۳۸۸)، «نگاهی به آموزش فلسفه در آسیای میانه (با تاکید بر ازبکستان)»، **فصلنامه حکمت و فلسفه**، سال پنجم، شماره ۱، بهار، صص ۴۹-۵۹.

۲۴. ویلبر، دونالد و گلمبیک، لیزا (۱۳۷۴)، **معماری تیموری در ایران و توران**، ترجمه محمد یوسف کیانی و کرامت الله افسر، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.

25. Abazov, Rafis (2007), **Culture and Customs of the Central Asian Republic**, Greenwood Press, United States.
26. Madaminbek Khatamovich, Akhmedov, Nazarova, Dinara (2015), "The Ways of the Development Of Architecture Of Independent Uzbekistan", **International Journal of Scientific & Technology Research**, Volume .4, Issue .03, Spring, pp. 45-49.
27. Akhmedov M.K., Saidova U.Kh (2009), "About the initial urban planning culture in Uzbekistan. Architecture and Construction of Uzbekistan", **International Journal of Innovative Science, Engineering & Technology**, Volume. 3, Issue 4, Spring, pp. 18-19.
28. Bell, James. (1999), "Redifining National Identity in Uzbekistan: Symbolic Tentions in Tashkent Official Public Landscape", **Sage Publications**, Ltd, Volume 6, Issue 2, Spring, pp. 183-213.
29. Castillo, Greg (1997), "Soviet Orientalism: Socialist Realism and Built Tradition", **International Association for the Study of Traditional Environments (IASTE)**, Volume .8, Issue 2, Spring, pp. 33-47.
30. Meuser, Philipp (2016), **Seismic Modernism Architecture and Housing in Soviet Tashkent**, Dom publishers, Germany.
31. Stronski, Paul (2010), **Tashkent: Forging a Soviet City (1930-1966)**, University of Pittsburg Press, Russia.
32. URL1: **Lalehzar Street in Tehran** Retrieved January 25, 2020, from <http://kare1.ir/1206>
33. URL2: **Alisher Navoi Street** in Tashkent Uzbekistan Retrieved July 27, 2019, from <https://dolzhenkov.ru/kursk/oldkursk/>
34. URL3: **Lalehzar Street Plan** Retrieved January 27, 2020, from <http://www.memarnet.com/en/node/3407>
35. URL4: **Valiasr Street** in Tehran Retrieved July 27, 2019, from <http://scinote.ir/akabashi/category/iran/page/4/>
36. URL5: **Babur Street** in Tashkent Retrieved January 25, 2020, from <http://slavanthro.mybb3.ru/viewtopic.php?p=167263>
37. URL6: **Ferdowsi Street** in Tehran Retrieved January 21, 2020, from <https://way2pay.ir/96293/>
38. URL7: **Amir Temur Street** in Tashkent Retrieved July 28, 2019, from <https://varandej.dreamwidth.org/707860.html?thread=29035284>
39. URI 8: **Ferdowsi Street Plan** in Tehran Retrieved January 23, 2020 from <http://www.memarnet.com/fa/node/584>

تحلیل ساختار کالبدی - فضایی خانه‌های طبقات اجتماعی شرکت شهر نفتی آبادان در دوران رونق صنعت نفت، با روش نحو فضا*

گلزار یونسی^۱، مریم ارمغان^{۲*} (نویسنده مسئول)، محمد جواد ثقفی^۳

^۱ دانشجوی دکتری معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران
^۲ استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران
^۳ استاد گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنرهای زیبای تهران، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۹/۰۲/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۷/۲۲)

چکیده

مصرف کلان نفت برای تأمین انرژی پیامدهای مهمی در توسعه شهری و جهانی شدن در قرن بیستم داشته است. یکی از آنها، ایجاد شرکت شهرها و به تبع آن صورتهای جدید کالبدی و فضایی از مسکن در آنها بوده است. قسمت اعظمی از این جریان توسط غربی‌ها و خصوصاً توسط دولت بریتانیا در بهره‌برداری از نفت و به تبع آن ایجاد شرکت شهرهای نفتی پایه‌گذاری شده است. طبقات اجتماعی تفکیک شده بر مبنای جایگاه اجتماعی و کالبد معماری وابسته به آن از خصوصیات بارز شرکت شهرهای نفتی است. این پژوهش با هدف بررسی و شناسایی ساختار کالبدی-فضایی مسکن اختصاص داده شده، به هر طبقه اجتماعی، بمنظور تحلیل خصوصیات معماری مختص به آنها و بررسی و مقایسه تغییرات این خصوصیات در ساختارهای اجتماعی موجود، در شرکت شهر نفتی آبادان در دوران رونق صنعت نفت، به روش نحو فضا، انجام شده است. از روش تحقیق کیفی، توصیفی-تحلیلی، و در نهایت استدلال منطقی بر پایه داده‌های آماری و کمی، نرم افزار Depth map، در آیت‌هایی چون عمق، هم‌پیوندی، اتصال، پراکنش و دسترسی، در پلانهای منتخب هر طبقه، استفاده شده است. نتایج و یافته‌ها به شکل مقایسه‌ای نشان دهنده انطباق ساختار اجتماعی با کالبد معماری یا توجیه‌کننده آن بوده است. (مطابقت کالبد معماری با شکل زندگی در طبقات اجتماعی) چنانکه در ونگرایی، اهمیت یافتن فضاهای ارتباطی چون حیاط، جمع‌گرایی و ارتباطات پیوسته در فضاها درین ساختارها از طبقات کارگری تا ریسان کمتر و ساختار به سمت برون‌گرایی و تغییر اساسی با شکل سنتی خود پیش رفته و تفکیک و دسته‌بندی فضاها و ایجاد سلسله مراتب فضایی و همچنین فردگرایی و ایجاد حریم خصوصی، در طبقات کارگری تا ریسان، بر طبق داده‌های نرم افزاری و تحلیل‌های انجام شده، مرحله به مرحله افزایش یافته است و بشکل امروزی خانه‌های موجود نزدیک‌تر شده است.

واژگان کلیدی: ساختار فضایی-کالبدی، نظام طبقاتی، شرکت شهر، نحو فضا.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری رشته معماری خانم گلزار یونسی با عنوان «تبیین الگوی معماری مسکونی بر اساس سبک زندگی در ساختار اجتماعی طبقاتی شرکت شهرهای خوزستان» است که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین به راهنمایی دکتر مریم ارمغان و مشاوره دکتر محمدجواد ثقفی انجام شده است.

** E-Mail: Maryam.armaghan@gmail.com

مقدمه

شدن ساختار خانه‌ها در ایران اثر گذار بوده و در دوران بعد از رونق این شرکت شهرها ادامه یافته است، روشن نمودن این ساختارها و تاثیر آن در شکل زندگی مدرن متأثر از آنها مهم خواهد بود. بر این اساس پرسشهای اصلی در این تحقیق با این عنوان مطرح است که، الگوی پیکره‌بندی فضایی در نمونه‌های موردی بررسی شده از سه طبقه اجتماعی رایج در شهر (طبقه کارگری، کارمندی و رؤسا)، چه تفاوتها و شباهتهایی با هم دارند و اینکه این ساختارها می‌تواند ویژگی‌های اجتماعی حاکم بر آن طبقه را توجیه کند؟

پیشینه و مبانی نظری تحقیق

طبقه اجتماعی: مارکس طبقه را قاطع‌ترین مبنای شکل‌گیری هویت اجتماعی افراد در جامعه سرمایه داری می‌داند. او می‌گوید نظام تولید، ابزارهای لازم برای تولید نیازهای زندگی را در اختیار دارد و طبقات بر مبنای نسبتشان با ابزار تولید تعریف می‌شوند. طبقه اجتماعی به گروهی از اشخاص اطلاق می‌شوند که در سازمان تولید، عملکرد خاصی را بر عهده دارند. (چاوشیان و ابادریان، ۲۰۱۳: ۲۰) میدانیم که اساس شکل‌گیری شرکت شهرها بر پایه تولید محصولی خاص یا بهره‌برداری از آن بوده است، لذا هر شرکت شهر را می‌توان جامعه‌ای سرمایه داری کوچک نامید که وجود سلسله مراتب طبقاتی اجتماعی از خصوصیات آن است. مارکس در ادامه می‌گوید طبقه عامل تعیین‌کننده رفتار، احساسات، اندیشه، نگرش‌های افراد و روابط اجتماعی آنهاست. ساختار طبقاتی، زندگی اجتماعی را به صورت منظومه‌هایی سامان می‌بخشد که از نظام تولید نشأت گرفته‌اند. (Marx, 1985: 506) در جامعه سنتی، مبنای ساختارهای اجتماعی ویژگی‌ای انتسابی به اقشار جامعه است در حالیکه در جوامع مدرن این مبنا بر اساس فعالیت مولد و جایگاه اقشار در نظام تولید است. در شرکت شهرهای نفتی که شروعی بر شهر نشینی مدرن و نظامات حاکم بر آن می‌باشد، ساختارهای اجتماعی بر این اساس شکل گرفته است.

جدول شماره ۱: نظریه پردازان و مفهوم طبقه اجتماعی

نظریه پردازان	مفهوم طبقه اجتماعی و عوامل بوجود آورنده آن
مارکس و انگلس	نظام تولید ابزارهای لازم برای تولید نیازمندیهای زندگی را در اختیار دارد و طبقات بر مبنای نسبتشان با ابزار تولید تعریف میشوند.
پارکر	صنعتی شدن موجب پاره پارگی و از هم گسیختگی فزاینده زندگی روزانه شده است و در نتیجه تفکیک فزاینده‌ای بین ساعات کاری و غیر کاری بوجود آمده است، طبقات اجتماعی بر مبنای نحوه گذران ساعات کاری و فراغت تعریف شده‌اند.
بورديو	جامعه را به لحاظ میزان سرمایه اقتصادی و فرهنگی کسانی که در آنها جای دارند بررسی و نقشه اجتماعی و فرهنگی و موقعیت اجتماعی و ساختارهای درون جامعه را ترسیم می‌کند.
رابرت و روزک و دی گرازیا	فعالیت‌های کاری در جامعه صنعتی و فراغت در جایگاهی متفاوت قرار دارند و نسبت افراد در استفاده از مقوله فراغت را عامل تغییر جایگاههای اجتماعی یکسان در اقشار جامعه می‌داند.

مأخذ: نگارندگان

به واسطه کشف نفت و حضور انگلیسی‌ها از سال ۱۲۸۷ شمسی در مناطق نفت خیز کشورمان، این مناطق با آخرین دستاوردهای علمی، فنی و ساختمانی غرب مواجه شد و در مسیر نوگرایی قرار گرفت. (رستم پور، ۱۳۹۳: ۱۱) نوگرایی به معنای گرایش فکری و رفتاری جدید در جهت گسترش خردگرایی در جامعه بوده و لازمه آن کنار گذاشتن برخی از سنت‌های گذشته و نیز ایجاد بستری از نوگرایی بود. (مهدوی نژاد و منصور، ۲۰۱۳: ۲۰) در بخش مسکن و در مقیاس کلان‌تر، شهرسازی، تحولات عدیده‌ای بواسطه تغییرات اجتماعی و اقتصادی جامعه حاکم و تداخل فرهنگ و ایده‌های غربی، صورت گرفت که اساسی‌ترین آن به ایجاد "شرکت شهرها" منجر شد، ایجاد ساختار طبقاتی بر اساس جایگاه اقتصادی و اجتماعی تعریف شده در این شرکت شهرها، به معماری و شکل زندگی ساکنین آن طبقه، شکلی ویژه بخشید. از آنجا که خانه به عنوان اولین سرپناه منعکس‌کننده بیشترین تاثیرات فرهنگی و اوضاع اجتماعی و اقتصادی روز جامعه است با بررسی ساختار خانه‌ها در طبقات اجتماعی این شرکت شهرها می‌توان به خصوصیات زندگی در هر طبقه اجتماعی پی برد. پیکره‌بندی فضایی خانه و طراحی درون آن (سازمان فضایی) و شکل خانه می‌تواند فرهنگ ساکنان را حمایت یا مخمل نماید. (Rapaport, 1969: 49-51; Ozaki, 2002: 107) عبارتی برای القای یک فرهنگ خاص و ایجاد اجتماعی با خصوصیات ویژه بایست کالبد و معماری منطبق با آن فرهنگ ایجاد کرد. می‌دانیم که فضاها نقشهای اجتماعی خاصی را بر استفاده‌کنندگان خود تحمیل می‌کنند و برخی الگوها و معیارهای رفتاری را تقویت و برخی دیگر را تضعیف می‌کنند و در نهایت جهت و ابعاد جدیدی به رفتارهای ساکنان خود می‌بخشند. (ارژمند و خانی، ۲۸: ۱۳۹۱) محتوای سازمان فضایی شامل هنجارهای انسانی است، که در واقع نحوه ارتباط عرصه‌ها و کالبدهای فضا را شکل می‌دهد. (لیب زاده و نقره کار و...، ۶: ۱۳۹۴) همانطور که راپاپورت بیان داشته است: "فضا دارای معنا است". ازین رو باید الگوی سازماندهی فضا و پیکره‌بندی آن را به منظور فهم ارتباط بین طراحی فضاهای ساخته شده و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی جامعه مورد بررسی قرار داد. روش نحو فضا که در پژوهش حاضر از آن بهره برده شده است مشتمل بر نظریه‌ها و روش‌هایی برای تجزیه و تحلیل پیکره‌بندی فضاهاست که از اواخر دهه ۱۹۷۰ توسط بیل هیلیر - جولیان هانسون و همکارانشان در مدرسه معماری و طراحی بارتل (در دانشگاه کالج لندن) مطرح شد. (Mon-tello, 2007; Hillier, 1999; Hillier, 1984; Haq & Zimring, 2003; Hillier & Hanson, 1984; Wineman et al, 2006; Dawson, 2002) در این روش با استفاده از آیت‌های موجود در نرم افزار مورد استفاده در نحو فضا، ساختارهای کالبدی موجود در طبقات اجتماعی رایج در شهر آبادان، بعنوان نمونه‌ای کامل و پیشرفته از شرکت شهرهای نفتی مورد بررسی قرار گرفت تا با تحلیل پیکره و ساختار و مقایسه آنها با یکدیگر بتوان شباهت‌ها و تفاوت‌ها و خصوصیات معماری و بواسطه آن شکل زندگی در هر ساختار اجتماعی را به تصویر کشید و از آنجا که این نوع معماری و پیکره‌بندی در مدرنیته

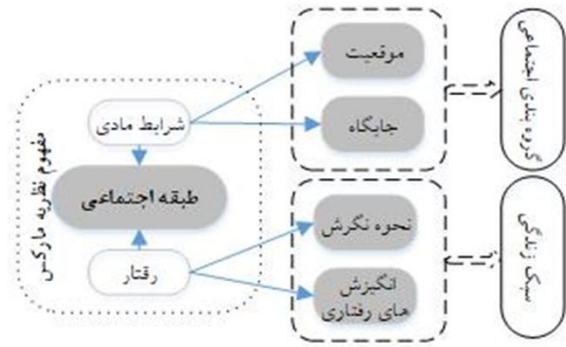
و تربیت نیروی کار بومی و برپایی مدنیته پویا در جنوب کشور از مزایای شرکت شهرها بود. (خاتم، ۱۳۹۱: ۷۰)

مواد و روش تحقیق

در این تحقیق از روش ترکیبی در نمونه موردی شهر آبادان استفاده شده است. بدین ترتیب روش‌های توصیفی-تحلیلی، و در نهایت استدلال منطقی مورد استفاده قرار گرفته شده است. همچنین در شرح مراحل و فرایند انجام پژوهش از ابزارهای مطالعات کتابخانه‌ای، مشاهده، برداشت میدانی، مصاحبه، شبیه سازی و قیاس تطبیقی به شرح زیر استفاده شده است.

کتابخانه‌ای: با مراجعه به اسناد و منابع دست اول موجود در نوشتارهای لاتین و فارسی مربوط به نظریه نحو فضا، تعریف خانه، پیکره‌بندی فضایی، ساختارهای طبقاتی، شرکت شهرها، تاریخچه شهر آبادان و موارد مربوط به پیشینه تحقیق گردآوری شده است. مشاهده و برداشت میدانی: برای انجام پژوهش با استفاده از مطالعات میدانی و مراجعه به محل آرشو اسناد پالایشگاه آبادان، در کل شرکت شهر آبادان ۱۱۴ نوع پلان در کل بعنوان پلان مسکونی توسط شرکت نفت ایران-انگلیس برای اسکان کارکنان طراحی شده بوده است. که از این تعداد، ۴۲ نوع در مناطق بریم و باوآرده (مناطق کارمندی) و مابقی در مناطق کارگری، طراحی و ساخته شده است. که از این تعداد ۲۱ نوع پلان قابل دستیابی و بررسی بوده است. از این بین بر اساس ساختار طبقاتی موجود و برای شناسایی هر سه طبقه کارگری، کارمند متوسط و کارمند رده بالا (روسا)، سه نوع پلان مختص این سه رده انتخاب شده است. این انتخاب بر حسب فراوانی در رده کارمندی (در منطقه باوآرده، تیپ W5)، در رده کارگری بر اساس تکامل فضاهای پلان که ریز فضاهای بیشتری را دارا باشد (در منطقه کوی کارگر، تیپ G) و در رده کارمندان رده بالا، خانه‌های مخصوص کارکنان انگلیسی (در منطقه بریم، تیپ B) که می‌توان گفت ایده اصلی شکل‌گیری کلیه پلانها و نمونه تکامل یافته آنها می‌تواند باشد، انجام شده است. برای انتخاب نمونه‌های نهایی در پژوهش حاضر از روش نمونه‌گیری نظری استفاده شده است، چرا که در روش نظریه‌افزینی مبتنی تولید نظریه از دل داده‌های به دست آمده از بستر تحقیق انجام می‌پذیرد.

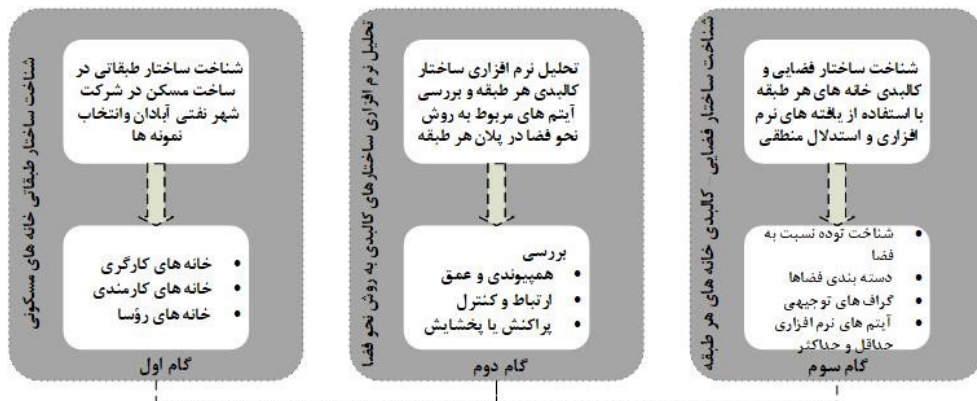
شبیه‌سازی و استدلال منطقی: پس از انتخاب ۳ نمونه از سه ساختار



نمودار شماره ۱: تعریف طبقه اجتماعی مارکس؛ مأخذ: نگارندگان

شرکت شهر

شرکت شهرها، شهرها یا شهرک‌هایی هستند که برای اسکان کارکنان یک صنعت و یا بهره‌برداری از منابع طبیعی (معدن، کشاورزی و...) معمولاً دور از اجتماعات بومی و تقریباً نزدیک به واحدهای صنعتی ذکر شده ایجاد می‌شوند. (اطه‌ری، ۱۳۷۰: ۶۱). سیاست ساخت در این شرکت شهرها، مبتنی بر ساختن نیروی کار صنعتی در محیطی منزوی بر اساس ایجاد و سلسله مراتب اجتماعی و رعایت فاصله‌های طبقاتی است. موضوع آموزش و تربیت نیروی کار همان اندازه مهم است که جداسازی طبقات اجتماعی از یکدیگر و در نهایت جداسازی مجموعه شرکت شهر از محیط محلی بعنوان یک مجموعه مدرن و توسعه یافته. شرکت شهرهای نفتی نقش موثری در شکل‌دادن به شهرسازی مدرن کشور ما داشته‌اند و الگوی تاسیس شرکت شهرهای صنعتی مدرن شدند. شرکت شهرهای نفتی در ایران متکی بر تجربه شرکت شهرهای دولت رفاه غرب شهریتی مدرن بوجود آورد که اگرچه به شدت مبتنی بر سلسله مراتب طبقاتی شغلی بود، اما تولید و باز تولید نیروی کار صنعتی جدید را امکان‌پذیر کرد. این الگوی شهرسازی وسیله‌ای است برای جدا کردن نیروی کار از محیط سابق و مالوف خود و ایجاد انضباط نوین کاری در محیطی فارغ از سلطه مناسبات عشیره‌ای و خویشاوندی. محلات کارگری و مهندسی در این شهرک‌ها کاملاً تفکیک شده و عموماً به صورت دو شهرک جدا از هم ساخته می‌شد. استفاده از درآمد نفت برای توسعه منابع محلی تامین زیرساخت‌های شهری



نمودار شماره ۲: فرآیند تحقیق؛ مأخذ: نگارندگان

طبقه‌بندی موجود در شرکت شهرآبادان، به وسیله نرم افزار تخصصی نحو فضا مورد تحلیل و شبیه سازی قرار گرفته است. از قیاس تطبیقی یافته‌های بدست آمده از جداول و نمودارهای نحو فضا و نتایج مستخرج از برداشت‌های میدانی از جمله (مصاحبه‌ها و...) به بحث در مورد یافته‌ها و در نهایت به بیان نتایج پرداخته شده است.

بحث و ارایه یافته‌ها

معرفی شرکت شهرآبادان: شهرآبادان در ایران به واقع مخلوق صنعت نفت است. آبادان هسته اصلی شهری برای استخراج متاعی ارزشمند از اقتصادی وابسته بود و این چنین، بسیاری از ویژگی‌های "شهرهای استعماری" را داشت. (King, 2016: 100) شاید بهترین توصیف آبادان از دهه ۱۹۲۰ تا سال ۱۹۵۱ زیر سلطه شرکت نفت ایران و انگلیس این باشد: «مجموعه‌ای از صورت‌های شهری که پیرامون پالایشگاه نفت شکل گرفته است.» (کرینسون، ۱۳۸۵: ۹۵) در واقع هسته اولیه شکل‌گیری شهر پالایشگاه بوده است که مناطق مسکونی در جوار آن شکل گرفته است. شکل‌گیری شهر بر مبنای جدایی فضایی، شغلی و طبقه‌بندی و الگو گرفته از شهرهای صنعتی استعماری^۲ از تجربه استعمار در کشورهای مستعمره بود. لذا شهر به دو فضای مجزا تقسیم شده است که بخش رسمی و مطلوب شرکت نفت و انگلیسی‌ها و تحت نظارت و کنترل آنها بود و دیگری فضای غیر رسمی که در کنار مناطق رسمی توسط مهاجران و بومی‌ها ساخته شده بود. (احسانی، ۱۳۷۸: ۳۵).

مناطق مسکونی و معماری منطبق بر ساختار طبقاتی

در شرکت شهر آبادان تعداد ۱۲۰۰۰ خانه سازمانی با هدف اسکان کارکنان شرکت نفت از ابتدای رونق صنعت نفت تا افول آن ساخته شده است که شامل ۱۱۴ تپ پلان و ساختار معماری می‌باشد. این منازل در مناطق کارگری و کارمندی و روسا و بر

اساس سیستم ساختار طبقاتی بسته به موقعیت و حساسیت شغلی، قرار گرفته اند که هر کدام ویژگی‌های معماری و سکونتی خاص خود را دارد. می‌توان گفت، مسکن نیز همچون کارکنان شرکت به سه طبقه تقسیم می‌شد: خانه‌های کاملاً مجهز با اثاث کامل برای کارکنان انگلیسی و تنی چند از مقامات ارشد ایرانی، خانه‌های نیمه مجهز برای کارکنان جز و غیر اروپایی، خانه‌های بدون اثاث و تجهیزات برای کارگران روزمهر. (کرینسون، ۱۳۸۵: ۹۹) مناطق مسکونی با عنوان "بریم" و "باوآرده" برای طبقه کارمند و روسا (مرفه و نیمه مرفه) و مناطق مسکونی با عنوان "کوی کارگر، فرح آباد، کوی بهار، پیروزآباد، جمشید آباد، منازل اسکاتلندی، سیک لین" برای طبقه کارگر با درجات مختلف، ساخته شده است. بریم و بوآرده را با اندیشه‌های باغ شهری طراحی کرده اند. باغ شهر تا سال ۱۹۳۰ به صورت الگوی طراحی شهری درآمد که جهانیان آن را پذیرفته بودند. در این دو منطقه نوع خاصی از مسکن بنام "بنگله" یا "بانگلو" ساخته شده است که سبکی از خانه سازی در این باغ شهرها بوده است. این نوع مسکن با خاستگاه زراعتی، یا کشاورزی- صنعتی اش، در دهه ۱۸۹۰ به صورت "نمونه فرهنگی زندگی در نواحی غیر شهری یا حومه شهری" به انگلستان وارد شد. بانگلو ضمن آنکه در کشورهای انگلیسی زبان به صورت مسکن حومه شهری یا بیلاقی پذیرفته شد، از سالهای آخر قرن نوزدهم به بعد دوباره برای سکونت "مدیران انگلیسی معدنها، راه، مزارع، در مستعمرات، که مواد خام برای اقتصاد صنعتی کشور تامین می‌کردند"، به مستعمرات صادر شد. (کرینسون، ۱۳۸۵: ۱۰۱)

جدول شماره ۲: ساختار طبقاتی در شرکت شهر آبادان و خصوصیات کلی آن

بخش بندی شهر	ساخت	ساختار طبقاتی	بافت شهری	ساختار اقتصادی	ساختار اجتماعی	ساختار فرمی
رسمی	توسط شرکت نفت	کارمندی (بریم و باوآرده)	منظم	مرفه و نیمه مرفه	کنترل شده و قانونمند	مدرن
غیر رسمی	توسط مردم بومی و مهاجر	غیر تفکیک شده	پراکنده	فقیر	مستقل	التقاطی



شکل شماره ۲: مناطق مسکونی بریم و باورده در جوار پالایشگاه؛ مأخذ: B.P Archive, 1950

جدول شماره ۳: اطلاعات عمومی در مورد مناطق مسکونی سازمانی ساخته شده در شرکت شهر آبادان

مناطق مسکونی	طبقه اجتماعی افراد ساکن	تعداد خانه ها	تیب پلان های قابل بررسی	متراژ (مترمربع)		سال ساخت (ش.ه)	توصیفات خاص معماری منازل در هر منطقه
				زیرینا	عرصه		
بریم	شمالی	۹ تیب ۴۲۰ واحد	B * X4 Z M G2 G3	۸۰ تا ۴۰۰	۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰	۱۲۹۱ تا ۱۳۲۰	- خانه های مجلل و بزرگ آجری و تقریباً یکسان - سقف شیبدار - خانه هایی دو خوابه تا هفت خوابه - خانه های سینورها دارای بخش اقامتی برای مستخدمین
	جنوبی	۹ تیب ۲۹۵ واحد					
	سه گوش بریم	۲۲ تیب					
	هلال بریم						
چهارباغ							
باورده	شمالی	۱۸ تیب ۴۶۸ واحد	W4 y5 W5* x7	۹۰ تا ۲۲۰	۷۰۰ تا ۱۲۰۰	۱۳۲۵ تا ۱۳۲۶	- خانه ها ساده تر از بریم و باورده جنوبی - دو خوابه تا چهار خوابه نسبتاً مرفه، اغلب دارای شومینه و گاراژ و سقف مسطح
	جنوبی	۲۷ تیب ۴۶۷ واحد	W2 s1 W6 s2	۸۰ تا ۴۵۰	۲۸۰۰	۱۳۱۷ تا ۱۳۱۹	- خانه ها تماماً بشکل بنگله - با سقف شیبدار - خانه هایی با نمای متفاوت استفاده از کاشی رنگی - خانه های دو طبقه یا سه طبقه - سقف سنتوری با تزیینات ایرانی
کوی کارگر		۱۹۶۲ واحد	g*	۳۰ تا ۹۰	-	۱۳۱۷	- دو تیب سقف مسطح و پلکانی شیبدار با سفال قرمز - هر خانه دارای دوره خروج - دو اتاقه، سه اتاقه
فرح آباد (کوی قدس)		۱۸۷۲ واحد	-	۳۰ تا ۱۲۰	-	۱۳۱۷ تا ۱۳۲۵	- دو تیب کارمندی رده پایین و کارگری - دو اتاقی یا چهار اتاقی - خانه ها دارای باغچه، (دو طبقه برای کارگران رده بالا)
	کوی بهار	۲۲۵۱ واحد ۸ تیب	-	-	-	۱۳۱۷	- منازل با سقف طاقی شکل (طاق عباسی) - دو اتاقه تا چهار اتاقه
پیروز آباد		۲۵۹۱ واحد	-	۵۲ تا ۶۴	-	۱۳۴۱ تا ۱۳۴۲	- منازل شبیه به هم، ردیفی - دارای یک در به کوچه کم عرض و در دیگر به کوچه عریض - آخرین ساخت ساز منازل سازمانی در شرکت شهر آبادان
جمشید آباد		-	-	-	-	-	- خانه های ردیفی چسبیده بهم
منازل اسکاتلندی ها		-	-	-	-	-	- استفاده از بلوک بتنی بجای آجر - منازل در طبقه بالا دارای یک اتاق با دیوار مشبک - یک تا دو اتاقه - سقف مسطح و خانه ها چسبیده بهم
سیک لین		۵۷۲	-	-	-	۱۳۰۹	- خانه های کوچک و بهم چسبیده بدون باغچه

مأخذ: نگارندگان بوسیله مصاحبه، مشاهدات، آرشیو فیلم های مستند، ۱۳۹۹

مبانی نظری پژوهش

تعریف مفاهیم و اصطلاحات

در نگرش نحو فضا با استفاده از پنج شاخص به بررسی ویژگی‌های کالبدی معماری و سپس ارتباط آنها با ساختار طبقاتی خانه‌ها پرداخته می‌شود.

هم پیوندی (Integration)

در پیکره‌بندی فضایی به معنی میزان پیوستگی یا جدا افتادگی آن فضا نسبت به سایر فضاهای موجود در آن پیکره‌بندی است. فضایی دارای هم پیوندی زیاد است که با فضاهای دیگر دارای یکپارچگی بیشتری باشد. این شاخصه با شاخص ارتباط یا اتصال رابطه‌ای خطی دارد. بدین صورت که هم پیوندی بیشتر برابر است با ارتباط یا اتصال بیشتر یک فضا با سایر فضاها و با شاخصه عمق رابطه معکوس دارد یعنی فضایی هم پیوند خوانده می‌شود که دیگر فضاهای محیط در عمق نسبتاً کمی با آن قرار داشته باشند. نشان دهنده سهولت روابط فضایی در یک پیکره‌بندی فضایی هستند.

عمق (Depth)

ایده اولیه عمق به عنوان تعداد قدم‌هایی که برای گذر از یک نقطه به نقاط دیگر باید طی شود، تعریف می‌شود. یک نقطه یا فضا در صورتی عمیق خوانده می‌شود که قدم‌های زیادی بین آن نقطه و دیگر نقاط موجود باشد. هر چه عمق فضا کم‌تر شود، تفکیک و جداسازی فضایی کاهش یافته و در نتیجه فضا یکپارچه‌تر است که نشان دهنده ارزش ادغام بالا و در دسترس بودن فضا است. (Haq, 1999:4)

این مفهوم با هم پیوندی و ارتباط یا اتصال رابطه معکوس و با مفهوم پراکنش ارتباط خطی و مستقیم دارد.

اتصال یا ارتباط (Connectivity)

به عنوان تعداد نقاطی تعریف می‌شود که یک نقطه به طور مستقیم با آنها در ارتباط است. برای مثال میزان ارتباط یک اتاق که دارای دو ورودی به فضاهای مجاور خود باشد، دو می‌باشد. اتصال فضاها به یکدیگر موجب شناخت فضایی مناسب و همچنین تسهیل در گردش و روابط میان فضاها می‌شود. (Young & et al, 2016:2)

هر چه تعداد اتصال هر فضا به فضاهای مجاورش بیشتر باشد، آن فضا عمومی‌تر و هر چه این مقدار کمتر باشد، آن فضا خصوصی‌تر است.

کنترل (Control)

پارامتری است که درجه انتخاب نقطه‌ای از نقاط دیگر که به آنها متصل شده را مشخص می‌کند. به عبارت دیگر هر چه یک نقطه نسبت به نقطه‌ای مشخص دارای درجه انتخاب کمتری باشد میزان کنترل بر آن کمتر است. می‌توان گفت این عامل با هم پیوندی و اتصال رابطه مستقیم و خطی با عمق ارتباط معکوس دارد. در پلان معماری فضایی که کمتر استفاده می‌شود قابلیت کنترل کمتری دارد که از ویژگی‌های فضاهای خصوصی محسوب می‌شود.

پراکنش یا پخشایش

این عامل می‌تواند نشان دهنده دور افتادگی فضا نسبت به فضاهای دیگر باشد. این فاکتور با عمق رابطه مستقیم با فاکتورهای هم پیوندی و ارتباط یا اتصال نسبت عکس دارد. (مداحی و معماریان، ۱۳۹۵: ۵۱)

دسترسی

در تکنیک نحو فضا، این شاخص از دو منظر دسترسی بصری و دسترسی فیزیکی مورد سنجش قرار می‌گیرد که از دسترسی بصری با عنوان ایزوویست (Isovist) و از دسترسی فیزیکی با عنوان عمق متریک یاد می‌شود. تحلیل تصاویر و نمودارهای ایزوویست ارایه دهنده خواص دقیقی از هندسه محیط است که به بررسی کیفیت قابلیت بصری محیط کمک می‌کند. (Emo, 2015:121)

تحلیل داده‌ها و یافته‌ها و بحث

شناخت کلی ساختار و کالبد در هر طبقه اجتماعی

در این قسمت هر پلان به ساختارهای ساده تری برای شناخت کالبد و ساختار کالبدی کلی تبدیل شده است. مشخص نمودن نسبت توده به فضا و به عبارتی نسبت فضاهای باز و بسته ساختاری کلی از پلان را نمایش می‌دهد، به گونه‌ای که اهمیت یک فضای باز داخلی و نسبتا میانی در درون خانه برای ارتباط فضاهای داخلی و یا حتی تفکیک فضاهایی از یک رده عملکردی، نشان داده می‌شود. این فضا می‌تواند ادامه‌ای از ساختار سنتی خانه‌های حیاط مرکزی (معماری ایران) باشد که انگلیسی‌ها به آن توجه کرده و با ابعاد و اندازه و ساختاری جدید به کار برده اند. همه خانه‌ها علاوه بر این حیاط میانی دارای فضای باز بیرونی (باغ یا حیاط) بوده است که در ساختار طبقاتی کارگری و کارمندی تنها در قسمت ورودی خانه‌ها و در ساختار روسا (خانه‌های بنگله) دور تا دور خانه قرار داشته است. استفاده از نمودارهای توجیهی ۴ نیز به طور کلی می‌تواند ارتباطات فضایی پلان را به شکل ساده تری به تصویر بکشد به گونه‌ای که هر فضا بدون در نظر گرفتن مقیاس و ابعاد و فرم به شکل دایره با فضاهایی که دارای ارتباط مستقیم با آنان است با خطوط مستقیم یا مورب متصل شده است. (معماریان، ۱۳۸۱: ۸۰)

همانطور که گفتیم این نمودارها ترجمان ساده روابط فضایی در پلان است، که از دو جهت می‌توانند مورد بررسی و شناخت واقع شوند، در ظاهر تحت عنوان شناسایی ساختار کلی فضاهای پلان و ارتباطات اجزا آن، و در مورد عواملی که بر نظام گردشی و ارتباطات یک بنا و نمودار روابط آن اثر گذار است، که این موارد در شاخصه‌های نرم افزاری محاسبه و تحلیل خواهد شد. در نگاه اجمالی یا ظاهری به نمودارهای ترسیم شده برای هر پلان با توجه به تعداد خطوط افقی ترسیم شده در گرافها که عمق ارتباط فضاهای هم رده را نشان می‌دهد می‌توان دریافت که در خانه‌های روسا بدلیل افزایش فضاها شاهد عمق بیشتری خواهیم بود که درجه خصوصی‌تر شدن فضاها را نشان می‌دهد.

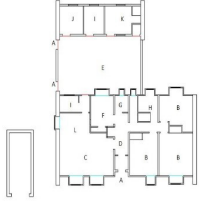
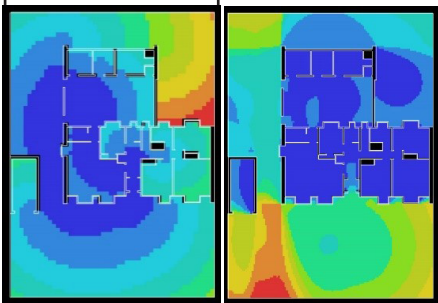
جدول شماره ۵: معرفی و تحلیل کلی روابط موجود در نمونه‌های انتخابی

طبقه اجتماعی	پلان طراحی شده اصلی	پلان ترسیم شده مجدد	نسبت توده به فضا	گراف توجیهی روابط فضاهای پلان
ریسان - (staff)* پلان تایپ B				
کارمندی (باورده) شمالی - پلان تایپ W5				
کارگری (کوی کارگر) پلان تایپ g				

مأخذ: نگارندگان

جدول شماره ۷: بررسی شاخصه‌های نرم افزاری موجود در نحو قضا و مقادیر آن برای تک فضاهای موجود در پلانهای منتخب ساختار طبقاتی

نوع پلان در ساختار طبقاتی	نام فضا	همپیوندی	عمق	اتصال	کنترل	پراکنش	دسترسی بصری (ایزوویست)	دسترسی فیزیکی (عمق)
	حیاط میانی E	۵,۰۹	۱,۱۶	۵	۱,۴۱	۰,۷۴		
	حمام و توالی G,H	۱,۲۷	۱,۶۶	۳	۰,۷۸	۰,۹۷		
	آشپزخانه F	۱,۲۷	۱,۶۶	۳	۰,۷۸	۰,۹۷		
	نشیمن C	۲,۵۴	۱,۳۳	۴	۱,۵	۱		
	ورودی A	۲,۵۴	۱,۳۳	۴	۱,۷	۰,۹۷		
	اتاق خواب B	۲,۵۴	۱,۲	۴	۱,۳	۰,۹		
	حیاط میانی E	۷,۸۴	۱,۲۵	۱۱	۰,۱۵	۱,۱۵		
	آشپزخانه F	۱,۳۰	۲,۲۸	۲	۰,۱۱	۰,۱۱		
	نشیمن C	۵,۲۰	۱,۲۸	۱۰	۱,۱	۱		
	اتاق خواب B	۴,۷۲	۱,۳۵	۱۰	۱,۴۵	۱,۳۱		
	ورودی A	۴,۷۰	۱,۲۸	۱۱	۱,۰۳	۰,۹۷		
	حمام H	۲,۶۱	۱,۶۴	۷	۰,۶۸	۱,۴۹		
	هال D	۵,۸۸	۱,۲۸	۱۱	۱,۰۳	۰,۸		
	دستشویی G	۵,۸۸	۱,۲۸	۱۰	۱,۰۳	۰,۸۹		

نوع پلان در ساختار طبقاتی	نام فضا	همپوندی	عمق	اتصال	کنترل	پراکنش	دسترسی بصری (ایزوویست)	دسترسی فیزیکی (عمق)
	خانه سرایداری K	۱,۹۹	۲,۱۳	۷	۰,۸۸	۱,۸۵		
	انبار I	۱,۹۹	۲	۷	۱	۱,۶		
	اتاق ذخیره J	۲,۵	۱,۸۶	۸	۱,۱۵	۱,۷۸		
	حیاط میانی E	۲,۲	۲	۹	۱,۱۳	۱,۸۵		
	نهارخوری L	۲,۵۸	۱,۸۶	۸	۱,۱۲	۱,۶۰		
	نشیمن C	۲,۶	۱,۸۶	۹	۱,۱۳	۱,۶۰		
	آشپزخانه F	۲,۳	۱,۸۰	۸	۱,۸۶	۱,۶۸		
	دستشویی G	۱,۷۸	۲,۲۶	۳	۱,۰۳	۲,۰۲		
	هال D	۲,۸	۱,۷۸	۹	۱,۴۱	۱,۶۸		
	ورودی A	۲,۸	۱,۸۷	۹	۱,۳	۱,۶۸		
	حمام H	۱,۰۷	۳,۰۸	۲	۰,۶۴	۲,۱۸		
	اتاق خواب B	۱,۰۷	۳,۰۸	۲	۰,۶۴	۲,۱۸		
	راهرو M	۱,۹۱	۲,۱۷	۷	۱,۸۶	۱,۹۲		

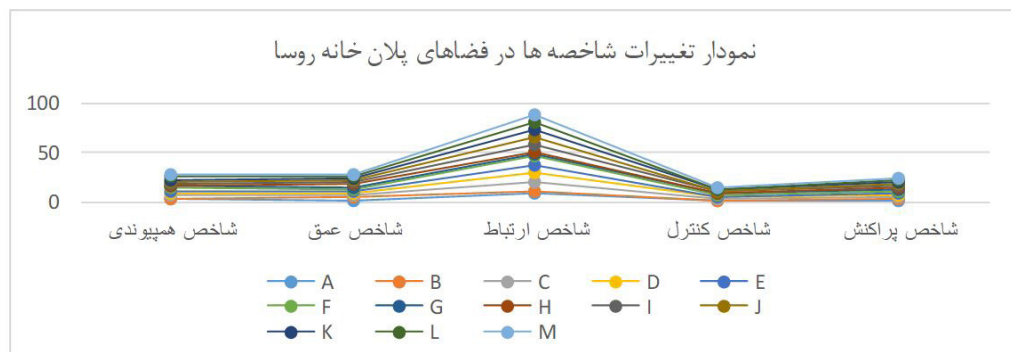
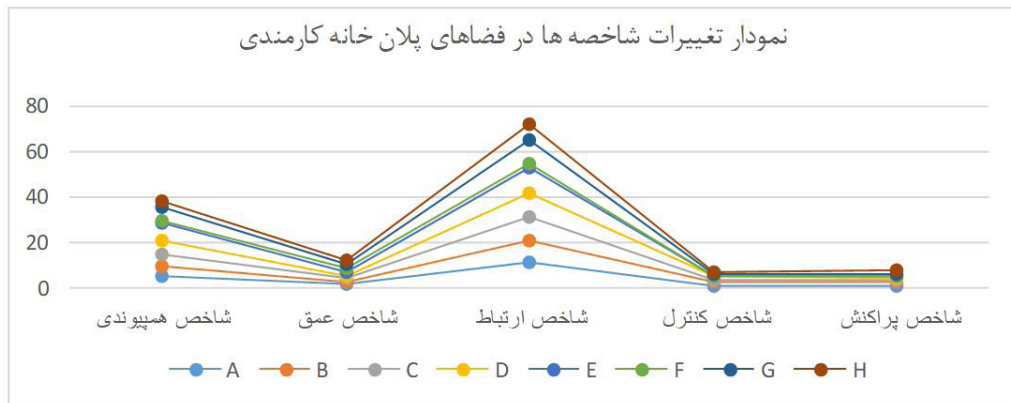
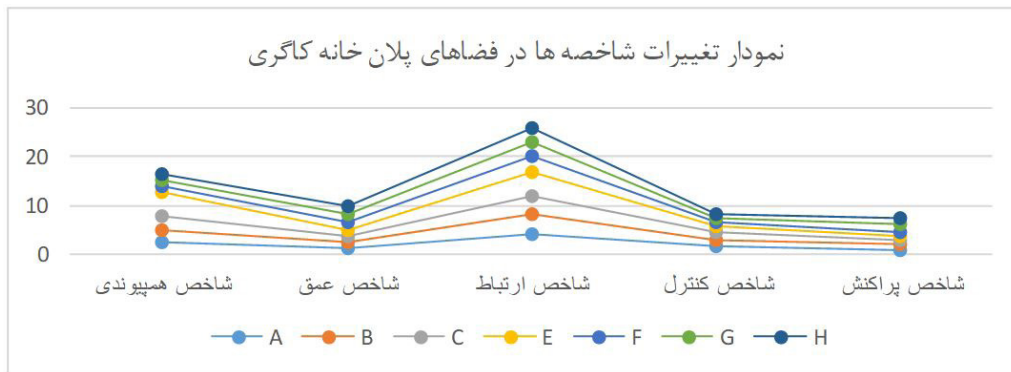
مأخذ: نگارندگان

بررسی و تحلیل جز فضاهای پلان هر طبقه بر اساس شاخصه‌های نرم افزار Depth map

بر اساس مقادیر بدست آمده از تحلیل‌های نرم افزاری که در جدول مربوطه ارایه شده است، می‌توان نمودارهای مقایسه‌ای را ترسیم نمود که نشان دهنده تغییرات شاخصه‌ها در فضاهای هر پلان می‌باشد.

نتایج حاصل از بررسی نمودارها و اطلاعات عددی شاخصه‌ها مربوط به فضاهای پلان هر طبقه: با بررسی این نمودارها در خانه طبقه کارگری، در مقادیر مربوط به شاخص همپوندی و ارتباط نسبت به شاخص عمق و پراکنش جهش صعودی بیشتری دارد، می‌دانیم که شاخص همپوندی نشان دهنده سهولت روابط فضایی در پلان و یکپارچگی بیشتر در فضاهاست که با شاخص ارتباط و اتصال رابطه مستقیم دارد، به عبارت دیگر بر این اساس جزء فضاهای موجود در پلان خانه طبقه کارگری با یکدیگر در ارتباط مستقیم و تنگاتنگ قرار دارند و عرصه‌بندی و جداسازی فضاها بشکل معناداری صورت نگرفته است. در حالیکه شاخص عمق و پراکنش که در ارتباط مستقیم با یکدیگرند دارای تفاوت عددی معناداری با دو شاخص قبل می‌باشند. با افزایش شاخص عمق، درجه خصوصی تر شدن فضاها افزایش یافته و تفکیک عملکردی معناداری در فضاهای پلان اتفاق می‌افتد که این موضوع در خانه‌های کارگری بدلیل نوع زندگی و فرهنگ طبقاتی کم رنگ بوده است و در نهایت تداخلات عملکردی در فضاها می‌تواند روی دهد. در پلان طبقه کارمندی همچنان شاخص ارتباط و همپوندی دارای مقادیر بیشتری از بقیه شاخص‌هاست، شاخص همپوندی در

فضاها یکسان‌تر و بهم نزدیک‌تر شده است و این به این معناست که درجه همپوندی در یک فضا از فضای دیگر پیشی نگرفته و دارای اختلاف اندکی است. بطور مثال حیاط داخلی یا میانی در خانه‌های کارگری دارای عدد همپوندی با درجه اختلاف بیشتری نسبت به بقیه فضاهاست که ارزش و اهمیت فضا را در میزان یکپارچگی و ارتباط بین فضاها، ارتقا می‌بخشد، در حالیکه در خانه‌های کارمندی عدد شاخص همپوندی با اختلاف اندکی در فضاها افزایش می‌یابد، که این موضوع نشان دهنده هم ارزشی همه فضاها در میزان هم پیوند نمودن کل فضاهای پلان است. این موضوع برای شاخص ارتباط هم صادق است. در مورد شاخص عمق، پراکنش و کنترل در خانه‌های کارمندی نیز بدلیل نزدیکی عددی این شاخصه‌ها در کلیه فضاها نمی‌توان به ارزش گذاری خاصی در فضاها از نظر این شاخصه‌ها، دست یافت. در پلان طبقه روسا از اختلاف عددی شاخص همپوندی و ارتباط با بقیه شاخصه‌ها بطور چشم گیری کاسته شده است، می‌توان دید که شاخص‌های مقابل مانند همپوندی و عمق دارای مقدار عددی تقریباً برابر با یکدیگر در کلیه فضاها شده‌اند. این بدین معناست که یکپارچگی فضا با میزان تفکیک فضا برابر است. همچنین شاخصه‌های پراکنش و کنترل با عمق و همپوندی دارای رابطه خطی موازی شده‌اند. می‌توان گفت در این پلان، فضاهای موجود در بخش‌های خصوصی و عمومی و حتی خدماتی دارای تاثیر برابری در میزان یکپارچگی، تفکیک و دسترسی در کل پلان می‌باشند. تفکیک و دسته‌بندی فضاها و میزان خصوصی سازی در پلان خانه این طبقه بشکلی بهینه و نهادینه برنامه ریزی و اجرا شده است.



فضاهای پلان شامل: ۱- ورودی A ۲- اتاق خواب B ۳- نشیمن C ۴- هال D ۵- حیاط میانی E ۶- آشپزخانه F ۷- توالت G ۸- حمام H ۹- انبار I ۱۰- اتاق ذخیره J ۱۱- خانه سرایداری K ۱۲- نهارخوری L ۱۳- راهرو M نمودار شماره ۳: نمایش تغییرات شاخصه‌های نرم افزاری در پلان‌های منتخب هر طبقه از ساختار طبقاتی؛ مأخذ: نگارندگان

جدول شماره ۸: بیشترین مقدار عددی شاخصه‌های مورد بررسی و فضای مربوط به آن در هر طبقه

ساختار طبقاتی خانه‌ها	شاخص همپیوندی		شاخص عمق		شاخص ارتباط		شاخص کنترل		شاخص پراکنش
	بیشترین	کمترین	بیشترین	کمترین	بیشترین	کمترین	بیشترین	کمترین	
کارگری- (کوی کارگر) پلان تیپ G	حیاط میانی ۵,۰۹	آشپزخانه و حمام و توالت ۱,۲۷	حیاط میانی و حمام ۱,۶۶	حیاط میانی ۵	حیاط میانی ۵	حیاط میانی ۵	حیاط میانی ۵	حیاط میانی ۵	حیاط میانی ۰,۷۴
کارمندی (باورده شمالی) پلان تیپ W5	حیاط میانی ۷,۸۴	آشپزخانه ۱,۳	آشپزخانه ۲,۲۸	حیاط میانی ۱,۲۵	حیاط میانی ۱۱	حیاط میانی ۲	اتاق خواب ۱,۴۵	اتاق خواب ۱,۴۵	حمام ۱,۴۹
روسا (بریم) پلان تیپ B	نشیمن ۲,۶	اتاق خواب ۱,۰۷	اتاق خواب ۳,۰۸	نشیمن ۱,۸۶	حیاط میانی ۹	حیاط میانی ۲	اتاق خواب ۱,۸۶	اتاق خواب ۰,۶۴	اتاق خواب حمام ۲,۱۸

مأخذ: نگارندگان

و عمق به ترتیب به حیاط میانی، آشپزخانه تعلق گرفته است، تا این قسمت بین پلان طبقه کارگری و کارمندی شباهت وجود دارد و تنها تفاوت آن در مقدار عددی حداکثر شاخص هاست که نسبت به پلان کارگری افزایش داشته است. برای شاخص‌های کنترل و پراکنش فضاهای اتاق خواب و حمام دارای حداکثر مقدار عددی می‌باشند، این موضوع می‌تواند دلیل بر ایجاد عرصه‌بندی خصوصی و عمومی در کلیت پلان می‌باشد. در واقع اتاق خواب در این پلان در دسته‌بندی خصوصی قرار گرفته است، که نشان دهنده شروع سلسله مراتب و تقسیم‌بندی‌های فضایی درین خانه برای قشر کارمندی بوده است. در طبقه روسا: در این دسته‌بندی‌ها بمنظور درجه و رتبه ساکنین در نظام اجتماعی، دسته‌بندی خصوصی و عمومی در فضاهای پلان کاملاً مشهود است که این موضوع نوع زندگی مدرن را برای ساکنین برنامه ریزی کرده است. حداکثر مقدار عددی شاخص همپیوندی به فضای نشیمن که عمومی‌ترین فضای پلان است تعلق گرفته است، در مورد شاخص عمق و پراکنش بیشترین مقدار عددی به اتاق خوابها تعلق گرفته است که حریم خصوصی این بخش از خانه را بدرستی نشان می‌دهد. عرصه‌بندی کاملاً روشن و درجه‌بندی شده درین خانه کاملاً منطبق بر جایگاه اجتماعی ساکنین و القاکننده نوع زندگی به آنها بوده است.

آخرین مرحله از تحلیل ساختار را می‌توان به شناسایی نقش جزء فضاها با توجه به شاخص‌های برشمرده نرم افزاری، دانست. بدین دلیل میزان حداکثر و حداقل مقدارهای عددی شاخص‌ها را در هر فضا مشخص نموده ایم. در طبقه کارگری: میزان حداکثر عددی شاخص همپیوندی و ارتباط به حیاط میانی تعلق گرفته است، بدین معنا که در پیوستگی و یکپارچگی یا اتصال فضاها به یکدیگر نقش حیاط داخلی یا میانی پررنگ‌تر بوده است. این موضوع با توجه به جایگاه طبقاتی خانه در نظام طبقات اجتماعی قابل توجه است چرا که این خانه‌ها متعلق به خانواده‌های پرجمعیت با روابط اجتماعی در هم تنیده بوده است، نقش حیاط یا فضای باز در مقابل فضاهای بسته در این نوع طبقات اجتماعی همواره پررنگ‌تر می‌باشد. حداکثر شاخص عمق به فضای آشپزخانه تعلق دارد که حتی از اتاق‌های خواب درجه خصوصی تری بخود گرفته است. در این پلان بدلیل ساختار اجتماعی افراد ساکن برنامه ریزی پلان بر حسب دسته‌بندی و جداسازی فضای عمومی از خصوصی نبوده است و این موضوع زندگی اجتماعی و همجواری ساده و قابل‌تغییری را فراهم می‌نماید که برای این طبقه اجتماعی مناسب می‌نماید. همچنین حداکثر شاخص کنترل و پراکنش به ورودی و حمام تعلق گرفته است که این موضوع هم می‌تواند مهر تاییدی بر دلایل تشریح شده در بالا باشد. در طبقه کارمندی: میزان حداکثر عددی شاخص همپیوندی و ارتباط

جدول شماره ۱۰: فضاهای مرتبط با شاخص‌های حداکثر در پلان هر طبقه

ساختار طبقاتی	همپیوندی حداکثر	عمق حداکثر	ارتباط حداکثر	کنترل حداکثر	پراکنش حداکثر
خانه کارگری					
خانه کارمندی					
خانه روسا					

مأخذ: نگارندگان

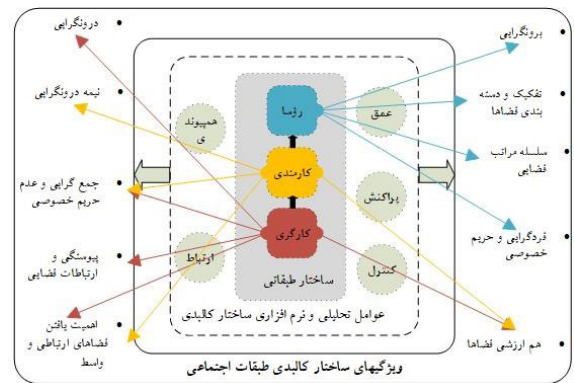
جدول شماره ۱۱: شاخصه‌های بررسی مقایسه‌ای در خانه‌های سه طبقه اجتماعی رایج بر اساس شاخصه‌های نرم افزاری

معیارهای بررسی										
شاخصه‌های اجتماعی فضاهای خانه		شاخصه‌های ارتباطی فضاهای خانه			شاخصه‌های کالبدی فضای خانه					طبقه اجتماعی
فرد گرایی و ایجاد حریم	جمع گرایی	پیوستگی فضایی	ارزشمندی فضاهای واسط	سلسله مراتب	تفکیک فضایی	هم ارزشی فضایی	نیمه درونگرا	برونگرا	درونگرا	
	×	×	×			×			×	کارگری
	×		×			×	×			کارمندی
×				×	×			×		رؤسا

مأخذ: نگارندگان

نتیجه گیری

این مقاله با هدف شناسایی و تحلیل ساختار خانه‌ها در شرکت شهر ابدان با توجه به ساختار طبقاتی موجود در این شهر که توسط شرکت نفت ایران و انگلیس پایه گذاری و اجرا شده، به انجام رسیده است. همانگونه که اشاره شد این ساختار طبقاتی بر اساس جایگاه افراد بر مبنای رتبه و درجه شغلی، امکانات سکونتی و رفاهی از جمله مسکن ویژه‌ای را به آنان اختصاص می‌داده است.



نمودار شماره ۳: ارتباط بین شاخصه‌های تحلیلی نرم افزاری و ویژگی‌های کالبدی - فضایی در ساختار طبقاتی خانه‌های مورد بررسی؛ مأخذ: نگارندگان

موضوع می‌توان به شکاف بسیار زیاد طبقه کارگری و کارمندی با طبقه رؤسا پی برد، که گواه سبک زندگی و ساختار اجتماعی ویژه این طبقه اجتماعی در آن زمان بوده است. عدم تفکیک فضاهای خصوصی و عمومی و ارتباط کلیه فضاها بوسیله حیاط داخلی در طبقه کارگر در واقع، پاسخی بر نوع زندگی کارگری و ایجاد سلسله مراتب فضایی و حریم خصوصی در فضاهای خانه که از مسکن کارمندی شروع و در مسکن رؤسا به حد بهینه خود می‌رسد، گواه بر پاسخگویی نظام معماری به خواسته‌های نظام اجتماعی برای همه طبقات (کارگری، کارمندی و رؤسا) بوده است. در این راستا تحلیلهای نرم افزاری مبنی بر تعیین شاخصه‌ها و مقادیر عددی آنها، توانسته است، این موضوع را نه تنها بشکل بررسی کیفی، بلکه بشکلی کمی آشکار سازد و تصویری واضح از نظام ساختاری و تا حدودی اجتماعی از خانه‌ها را معرفی نماید.

پی‌نوشت‌ها

1. Company Town
۲. در اینجا مقصود «شهر استعماری» با تعریف گسترده‌ای که در این کتاب آمده است: Anthony King, Urbanism, Colonialism And The World Economy. pp. 17-20.
3. Braim & Bawardeh
4. Bungalow
5. Justified Graph

فهرست منابع و مراجع

۱. اطهری، کمال (۱۳۷۰) «مسجد سلیمان، شهری مدنیت یافته»، فصلنامه سیاست و اقتصاد، شماره ۴۷.
۲. احسانی، کاوه (۱۳۷۸)، «مدنیت و مهندسی اجتماعی در شرکت شهرهای خوزستان»، فصلنامه گفتگو، شماره ۲۵.
۳. ارژمند، محمود، و خانی، سمیه (۱۳۹۱)، «نقش خلوت در معماری خانه ایرانی»، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، دوره هفتم، بهار، شماره ۲۱.
۴. خاتم، اعظم (۱۳۹۱)، «عسلویه در آینه ابدان، از شرکت شهر تا اردوگاه‌های کارکنان نفت در ایران»، فصلنامه گفتگو، دوره هفتم، مهر، شماره ۶۰.

۵. چاوشیان، حسن و ابادریان، یوسف (۱۳۸۱)، «از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی»، **فصلنامه مطالعات جامعه شناختی**، پاییز و زمستان، شماره ۲۰.
۶. پور، کاوه و مسافرزاده، غزل و نظیفی، حسن (۱۳۹۳) «تحول هویت اجتماعی پیامد معماری و شهرسازی نوگرا در شهرهای نفتی خوزستان»، **مجله باغ نظر**، دوره ۱۱، تابستان، شماره ۲۹.
۷. لیبب زاده، راضیه و نقره کار، عبدالحمید، حمزه نژاد، مهدی و خان محمدی، محمد علی، (۱۳۹۴)، «بازسازی سازمان فضایی خانه بر اساس متون اسلامی و...»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، دوره چهاردهم، تابستان، شماره ۲۲.
۸. مداحی، مهدی و معماریان، غلامرضا، (۱۳۹۵) «تجزیه و تحلیل پیکره بندی خانه های بومی با روش نحو فضا» **مجله مسکن**، محیط روستا، زمستان، شماره ۱۵۶.
۹. معماریان، غلامرضا، (۱۳۸۱)، «نحو فضای معماری»، **مجله صفا**، دوره دوازدهم، پاییز و زمستان، شماره ۳ و ۴.
۱۰. مهدوی نژاد، محمد جواد و منصوری مجومرد، پریناز (۱۳۹۴)، «ورود جریانهای نوگرا به معماری ایران»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، دوره چهاردهم، پاییز، شماره ۲۱.

11. Bourdieu, P. (1984): *Distinction: A social critique of the judgments of taste*. R.K.P publication. London.
12. D King, A. (1990): *Urbanism, Colonialism and the world economy*. Economic Geography publication. London.
13. Ehsani, Kaveh (2003) "SOCIAL ENGINEERING AND CONTRADICTIONS OF MODERNIZATION IN KHUZESTAN COMPANY TOWN: LOOK AT ABADAN", *International Reviews in Social History*. (48), 361-399.
14. Haq, S. (1999): *Can Space Syntax predict environmental cognition?*, proceeding : 2th International Space Syntax symposium. London.
15. Hillier, B. (1999): "THE HIDDEN GEOMETRY OF DEFORMED GRIDS: OR, WHY SPACE SYNTAX WORK, WHEN IT LOOKS AS THOUGH IT SHOULDN'T", *Environment and planning Journal*, (33), 101-125.
16. Krinson, Mark. translation by Danesh, Farzin (2006): "Abadan Urban Planning and Architecture under the management of British Iran Oil Company" *Golestan e Honar*. (6), 95-107.
17. Marx, K. (1985): "Capital" in David Maclellan (ed). *Karl Marx: selected writing*. New York, Oxford university press.
18. Ozaki, R. (2002): "HOUSING AS A REFLECTION OF CULTURE", *Housing studies Journal*. (17), 209-227.
19. Parker, S. (1971): *The future of work and leisure*. Mac Gibbon & Kee publication. London.
20. Emo, B. (2015): *Exploring Isovist: The egocentric perspective*, proceeding of the 10th International Space Syntax symposium. London.
21. Penn, A. (2003): *Space Syntax and spatial cognition or why axial line?*. *ENVIRONMENTAL BEHAVIOR*, 35, pp 40-65.
22. Peponis, J. and C. Zimring & Choi, Y.K. (1990): "FINDING THE BUILDING IN WAY FINDING". *International journal of Environmental Behavior*, 22, pp 75-95.
23. Rapoport, A. (1969): *House form and culture*. publication United state of America, University of Wisconsin, Milwaukee.
24. Young, K. and J. Chung and Kong, E. and H, Shin & Heo, J. (2015): *A study on the design methodologies for activating*. Springer publication. Washington.
25. www.b.p.archive.com

The physical-spatial structure analysis of the social classes houses in Oil company town “Abadan” during the boom of the oil industry, with the method of space syntax

Golzar Younesi

Phd Candidate In Architecture Faculty of Architecture And Urban Planning, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin , Iran.

Maryam Armaghan *(Corresponding Author)

Assistant Professor, Department Of Architecture, Faculty Of Architecture And Urban Palanning, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran

** joodaki@iaau.ac.ir*

Mohammad Javad Saghafi

Proffessor, Department Of Architecture, Faculty Of Architeuture And Urban Planning, Tehran University, Tehran, Iran.

Abstract:

The large consumption of oil for energy has had important implications for urban development and globalization in the twentieth century. One of them was the creation of a company town and, consequently, new physical and spatial forms of housing in them. Much of this has been done by British government, in the exploitation of oil and, consequently, the creation of the Oil Company town. Separated social classes based on social status and the special architecture associated with it are prominent features of the Oil Company town. The aim of this study was to investigate and identify the physical-spatial structure of the allocated spaces to each social class and compare changes in these existing social structures in “Abadan”, Is done by space syntax method. we used the qualitative, descriptive-analytical research method, and finally the logical reasoning based on statistical and quantitative data. Depth map software, in items such as depth, integeation, connectivity, control and distribution, have been used in the selected plans of each class. The results and findings comparatively show the adaptation of the social structure to the architecture structure. In these structures, from the working class to the lesser masters, the structure has moved towards ex-troversion and fundamental change with its traditional form, and the separation and classification of spaces and the creation of spatial hierarchy, as well as individualism and privacy, in the working class to the bosses, according to the data. Software and analytics have increased step by step, and as of today, existing homes are getting closer.

Keywords: physical-spatial structure, social classes, company town, space syntax.

Analysis of Thoughts of Modernism on the Formation and Change of Urban Streets in Iran and Uzbekistan*

Case study of Tehran and Tashkent

Nazanin Islami

Ph.D. Candidate, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran.

Fariba Alborzi ^{**}(Corresponding Author)

Assistant Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran

^{**} *faalborzi@yahoo.com*

Hossein Soltanzadeh

Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Abstract:

The Qajar period in Iran coincides with the Western Industrial Revolution in the nineteenth century, which is an important factor in the development of modern and contemporary Architecture and Urban Planning. This means that, the Qajar period is the link between the traditional past and the modern future of Iran, and provides the Context for the emergence of changes in the first two decades of the Pahlavi era. Also, Uzbekistan undergoes Number of Developments in Soviet Modernization Processes during this Era. The Purpose of this Study is to Examine how the Impact of Modern Cultural, Political and Social Progresses on the Urban Streets Evolution in Iran and Uzbekistan during the Qajar and First Pahlavi Eras to Answer these Questions: Have the Modern Cultural, Political and Social Progresses influenced the process of Urban Street Evolution in Iran and Uzbekistan? What is the Structure, Nature and aspects of differences and similarities of Urban Streets Evolution in Iran and Uzbekistan during Qajar and First Pahlavi Eras? This is a Historical-Comparative research with Qualitative approach which uses Documentary Studies. Historical-interpretive research method has been used to collect Historical theoretical bases and Descriptive-Analytical research method has been used to comparison the urban Streets Evolution in Tehran and Tashkent. The Statistical Population includes all streets that underwent Physical and Functional Changes during the Qajar and Fisrt Pahlavi Eras due to Modernist Thoughts and The Sample Population consists of a number of streets that were in the same time frame and have Stylistic Similarities in terms of Physical, Functional, and objective developments. The results of the research show that the Thoughts of modernism in both countries have been manifested in objective, functional and physical dimensions and the physical components have been more influential than the other components. In both countries, street design has been emerged similarly with new components such as the proximity of various functions around the street, increased permeability and visual transparency in the urban street walls and the regular checkered grid of the streets.

Keywords: Contemporary Iranian Urban Planning (Qajar and First Pahlavi Eras), Contemporary Uzbek Urban Planning (1870-1940), Soviet Modernism, Tehran, Tashkent.

* This paper is adapted from Nazanin Islami's, Ph.D. thesis titled "Comparative Study of the Role of Intellectual Currents on the Formation of Iran and Uzbekistan Architecture in the Contemporary Era" conducted under supervision of Dr. Fariba Alborzi & consulted of Dr. Hossein Soltanzadeh at Islamic Azad University of Qazvin.

Reading Spaces Based on Michel Foucault Theory of Power-Space; Case Study of Naghsh e Jahan Square in Safavid Era

Samar Haghghi Borojeni *(Corresponding Author)

Assistant Professor of Architecture Department, Faculty of engineering, Isfahan (khorasgan) Branch,
Islamic Azad University, Isfahan, Iran

* *haghghi.samar@khuisf.ac.ir*

Sayed Abbas Yazdanfar

Associate Professor in Architecture Department, Faculty of Architecture and Urban Design,
Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran.

Mostafa Behzadfar

Professor in Urban Design Department, Faculty of Architecture and Urban Design,
Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran.

Abstract:

Space is a multi-dimensional concept that is at once economic, political, semiotic and experiential, and in this sense it is an integral component of social interaction and an indispensable vector for critical theories. After 1980's knowledge of space has become critical to understanding the production and transformation of power relations, and in this regard the built environment is an important concept for any endeavor in social analysis. This paper explores the possibilities for development of social theories of space-power based on the theories of Michel Foucault, coupled with methods of content analysis of urban spaces. The aim of this article is to explore how political power is constructed in urban spaces, and how these construction processes might be conceptualised and analysed. The paper begins by exploring the Foucault theories of power-space to analyse and interpret the relationship between urban space and political power: how political powers implement to shape urban spaces, and improve their authority and legitimacy through spaces, in turn. These strategies can be defined in spatial technologies through founding of spatial structural and functional principles. Grounded on this analytical and interpretative study of Foucault theories of space and power relations, this paper seeks to demonstrate a conceptual framework which can be adapted to urban spaces content analyzing. The achievement of this research is to develop an appendant analysing method to elaborate a tool for the meaning analysis of spaces in architecture and urban design studies. This methodology is applied in a case study sample. The main strategies which are explored in the theoretical-based part of this study are tested in Naghsh e Jahan Square, a historic square in the city of Isfahan, during Safavid era, specially the reign of Shah Abbas.

Keywords: urban spaces, power, Foucault theories of space-power, content analysing, "Naghsh e Jahan" square.

An Analysis of the Role of the Great Hosseinieh in the Formation of the Secondary Structure of Zanjan in the Qajar Era and the Its Persistence Causes

Ahad Nejadebrahimi *(Corresponding Author)

Associate professor in Department of Architecture and Urbanism, faculty of Architecture and Urbanism, Tabriz Islamic Art university, Tabriz, Iran.

* *ahadebrahimi@tabriziau.ac.ir*

Mohammadjavad Heydari

PHD Student in Islamic Urbanism, faculty of Architecture and Urbanism, Islamic Art university of Tabriz, Tabriz, Iran.

Abstract:

The government found more religious convergence with the people in the Qajar era. Because, in addition to the people, the government was also active in constructing religious places, such as Dolat (government) and Nasiriyah Tekyeh in Tehran and Zanjan city. This factor not only increased the influence of the Shi'i religion and publicized its religious rituals, but, in addition to influencing the physical organization of the city, it paved the way for another structure too. This structure was not defined by physical element such as the main structure. Contrary to the main structure, this structure was a symbolic and semantic that arose as a result of social action. This structure was a result of citizen's image of mind of the urban spatial sense and identity that the social construction (religious behavior of citizens) has played a major role in its shaping and, contrary to the main structure of the city, has undergone a change. The purpose of this research is to explain the role and influence of the Hosseinieh Azam (great Hosseinieh) in the formation of the secondary structure of Zanjan in the Qajar era. The research method is historical, descriptive and analytical. Documentary and field study method has been used in gathering the required information. Results of this research showed that the construction or development of the great Hosseinieh and the formation of its mourning group in the Qajar era have played an important role in creating the secondary structure of the city of Zanjan. A structure that has persistence to this time.

Keywords: secondary structure, great Hosseinieh, Zanjan city, Great Hosseinieh.

Dimensional analysis as a method in research on Islamic city

Bahador Zamani

Associate Prof., Faculty of Architecture and Urban Planning, Art University of Isfahan, Iran

Ehsan Babaei Salanghooch *(Corresponding Author)

Ph.D in Islamic Urban Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Art University of Isfahan, Iran

* E-Mail: ehsanbabaeisal@gmail.com

Abstract:

The applicability of the qualitative research system and its specific strategies namely grounded theory is worth considering for contributing to the knowledge with the valid scientific theories and doctrines in order to raise the level of awareness and to help predict and solve the existing problems of the urbanity and urban planning particularly in Islamic contexts. Grounded theory as one of the strategies of qualitative method has been developed with various readings in recent decades. Dimensional analysis as one of the readings of the grounded theory, being devised by Schutzman has been applied in various scientific disciplines; however, this method has been less used in urban research. This paper demonstrates the capabilities of this method for research in general and Islamic city research in particular. Accordingly, two questions are asked: What is the process and capability of the dimensional analysis method? To what extent is this method applicable to Islamic city research? The paper is organized into two main sections. In the first section, the background, philosophical foundations and theoretical underpinnings and steps of the dimensional analysis method are discussed taking into consideration the possibilities and capabilities of this method for research. In the second part of the paper, this method is used for a sample study in Islamic urban context. In this section, the concept of Islamic city has been studied by various scholars scrutinizing the various dimensions and methods used to construct this concept and provide an explanatory framework in this regard. The results of this section come up with six distinct models of Islamic city in related texts and narratives, including Islamic habitat (not city) model; timeless city model; physical model; Muslims' city model; Islamic civilization model; and city-in-Muslims' territory model. The findings of this study not only emphasize the advantages and usefulness of dimensional analysis for urban research, but it also implies that any use of this method –such as any other quantitative and qualitative methods – requires its own related ontological and epistemological considerations and adaptation in line with the research details particularly its aim/s and question/s.

Keywords: Qualitative Method, Grounded Theory, Dimensional Analysis, Islamic City.

Investigation and Determination of the Evolution Process of Architecture in the Structure of the Tabriz bazaar with emphasis on contextualism

Prosha Bahrieh

Ph.D Student of Architecture, Department of Architecture, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

Sahar Toofan *(Corresponding Author)

Assistant Professor of Architecture, Department of Architecture, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

* sahar.toofan@iaut.ac.ir

Shabnam Akbari Namdar

Assistant Professor of Architecture, Department of Architecture, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

Abstract:

Contextualism, as an important approach in architecture emphasizes upon the preservation of traces of the past and the differences and the features of each culture and it is rooted in the identity of every nation. The ancient texture of cities carries rich signs of the culture and identity of forebears and Iranian traditional architecture is no exception to this rule, at the same time it's a rich instance of harmony and co-habitation with environmental characteristics and spatial values. In traditional Iranian cities, bazaar was considered to be a fundamental element so that the city was recognized and appreciated for its bazaar. The Tabriz bazaar arranged in a complete city block has a long antiquity, vastness, functional diversity and architectural values. The current research makes attempt to elucidate and determine contextual factors influencing the Tabriz bazaar at urban (site location, formation and development) and architectural (dispersion of physical elements and function) scales. Therefore, the research questions are explained as follows: first, which contextual factors have been influential in the site location, formation and development of the Tabriz bazaar (Large scale)? Secondly, which contextual factors have been influential in the dispersion of physical elements and functions of the Tabriz bazaar (Intermediate scale)? The methodology of the research is deductive, which is based on the analysis of the content of documents. Thereby, the research attempts to re-read the subject matter and to draw a conclusion through the study of documents, exploration of historical books and logbooks, analysis of maps and old aerial images of Tabriz and the bazaar, as well as analysis of field survey findings of the existing condition of the bazaar. The extraction of contextual factors affecting the formation of the bazaar on the metropolitan scale and architectural programming related to the physical and functional dispersion shows that the formation and development of Tabriz bazaar and its elements over the ages have been influenced by the environmental, cultural, social, political, governmental and economic structure of the city. The effect of the contextual index in terms of the status of the political geography of the city and the economic value of the structural index of bazaar on the formation of necessity characteristic, supply-demand relationship and its manifestation in the form of Tabriz bazaar on large and medium scale has been found to be of more importance.

Keywords: Architecture, Urban planning, Contextualism, City Context, Tabriz Bazaar.

Contents

Investigation and Determination of the Evolution Process of Architecture in the Structure of the Tabriz bazaar with emphasis on contextualism	5
Prosha Bahrich, Sahar Toofan, Shabnam Akbari Namdar	
Dimensional analysis as a method in research on Islamic city	19
Bahador Zamani, Ehsan Babaei Salanghooch	
An Analysis of the Role of the Great Hosseinieh in the Formation of the Secondary Structure of Zanjan in the Qajar Era and the Its Persistence Causes	31
Ahad Nejadebrahimi, Mohammadjavad Heydari	
Reading Spaces Based on Michel Foucault Theory of Power-Space; Case Study of Naghsh e Jahan Square in Safavid Era	43
Samar Haghighi Borojjeni, Sayed Abbas Yazdanfar, Mostafa Behzadfar	
Analysis of Thoughts of Modernism on the Formation and Change of Urban Streets in Iran and Uzbekistan; Case study of Tehran and Tashkent	55
Nazanin Islami, Fariba Alborzi, Hossein Soltanzadeh	
The physical-spatial structure analysis of the social classes houses in Oil company town “Abadan” during the boom of the oil industry, with the method of space syntax	69
Golzar Younesi, Maryam Armaghan, Mohammad Javad Saghafi	



- The scientific and research ranking of the Journal of Studies on the Islamic-Iranian City has announced by the secretariat of the Commission for the Scientific Journals (Iran Ministry of Science, Research and Technology) according to the letter No. 89/11/51667 dated 1389/8/30.

- The certification for publishing this quarterly journal is issued by the Iran Ministry of Culture and Islamic Guidance by the letter 12629/89 dated 1389/6/13.

- Indexed and abstracts in:

- The Regional Information Center for Science & Technology (RICEST) (<http://www.srlst.com>)
- The Scientific Information Database of ACECR (<http://www.sid.ir>).



Iranian-Islamic City

Vol. 10, No. 39, Spring 2020

Publisher: Institute of Humanities and Social Studies, Iraninan Academic Center for Education, Culture & Research (ACECR)

Editorial Committee:

Managing Director: Dr. Iraj Feyzi

Editors -in- Chief: Dr. Hossein Kalantari khalilabad

Farsi-Editor: Sepideh Seyyed faraji

Administrative Director: Eng. Masoud Dadgar

Executive Affairs: Eng. Mansour Nadiri

Editorial Board, in alphabetical order:

- | | |
|-----------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------|
| ● Dr. Mohamadreza Bemanian | Prof. of Architecture, University of Tarbiat Modares |
| ● Dr. Mostafa Behzadfar | Prof. of Urban Architecture, University of Science and Industry |
| ● Dr. Jahanshah Pakzad | Prof. of Urban Planning, University of Shahid Beheshti |
| ● Dr. Ahmad Pourahmad | Prof. of Geography, University of Tehran |
| ● Dr. Mohamadreza Pourjafar | Prof. of Architecture, University of Tarbiat Modares |
| ● Dr. Esmail Zarghami | Prof. of Architecture and Urban Planing, University of Shahid Rajaei |
| ● Dr. Mohsen Sartipi Pour | Prof. of Architecture, University of Shahid Beheshti |
| ● Dr. Parvaneh Shah Hosseini | Associate Prof. of Center for Research and Development in the Humanities of SAMT |
| ● Dr. Hosein Kalantari khalilabad | Prof. of Institute of Humanities and Social Studies, ACECR |
| ● Dr. Yaghub Mohammadifar | Prof. of Archaeology, University of Bu-Ali Sina |
| ● Dr. Mohammad Masoud | Prof. of Urban Development and Prepration, University of Art Isfahan |
| ● Dr. Abolfazl Meshkini | Associate Prof. of Architecture, University of Shahid Beheshti |



Editorial correspondence should be addressed to The Editors

Iranian - Islamic city studies

Institute of Humanities and Social Studies of the ACECR,

Saba-ye-jonoubi Street, between Vali-Asr Crossroad and palestine Street, Inqelab-e-Eslami Ave, Tehran, Iran.

Tel: +98 (21) 66951593-5

Fax: +98 (21) 66492129

<http://iic.ihss.ir>

E-mail: iic@ihss.ir

